فهرست

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ..... ط

فصل اول:برنامه حسابرسی ادعاهای مدیریت ۱

مقدمه ۱

ادعاهای مدیریت و کارکرد آنها درکسب شواهد حسابرسی ۲

برنامه حسابرسی داراییها بر اساس اهداف کلی ۴

اثبات مانده حسابها ۶

طبقه‌بندی عملیاتی ادعاهای مدیریت ۱۰

آزمون مدارک حسابداری ۱۵

دامنه رسیدگی به مدارک حسابداری ۱۵

روشهای کسب شواهد حسابرسی ۱۶

آزمونهای حسابرسی ۱۷

برنامه حسابرسی ۱۹

میزان اثربخشی کاربرد هر یک از روشهای تحلیلی و معایب آن ۲۸

خلاصه ۲۹

سؤالهای تشریحی ۳۱

پرسشهای چهارگزینه‌ای ۳۲

پرسشهای تحلیلی ۳۵

منابع و مأخذ ۳۶

فصل دوم: حسابرسی مبتنی بر ریسک ۳۷

مقدمه ۳۷

روشها و رویکردهای حسابرسی ۳۸

حسابرسی مبتنی بر ریسک ۴۰

مراحل حسابرسی مبتنی بر ریسک ۴۳

گام‌های مهم در اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک ۴۸

اجزاء وعوامل مؤثر برخطر حسابرسی ۵۳

فرآیند حسابرسی ۶۲

برنامه‌ریزی حسابرسی ۶۴

برآورد اهمیت ۷۱

تعیین خطر قابل پذیرش حسابرس ۷۳
برآورد اولیه از خطر عدم کشف ۷۵
شناسایی ریسک ۷۸
بررسی خطرهای خارجی و داخلی ۸۳
ریسک تجارت الکترونیک برای حسابرسان و حسابرسی مستمر ۸۴
ریسک قانونی داد و ستد الکترونیک ۸۷
ویژگیهای حسابرسی در تجارت الکترونیک ۸۸
مزایای حسابرسی مستمر ۹۳
خلاصه ۹۶
سؤالهای تشریحی ۹۷
پرسشهای چهارگزینه‌ای ۹۸
پرسشهای تحلیلی ۱۰۱
منابع و مأخذ ۱۰۲
فصل سوم: حسابرسی نقدوبانک ۱۰۵
مقدمه ۱۰۵
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۱۰۶
۱- روشهای برآورد خطر وجوه نقد ۱۰۶
ریسک تقلب وجوه نقد ۱۱۰
الف) تقلب پیشین یا ورودی ۱۱۰
ب) سرقت دریافتهای نقدی بعد از ثبت فروش یا صورتحسابهای دروغین ۱۱۲
۲-آزمون کنترلهای وجوه نقد ۱۱۵
۳- آزمونهای محتوا ۱۱۶
الف) آزمون کلیات وجه نقد ۱۱۶
ب) آزمون جزئیات وجه نقد ۱۱۶
دریافت تاییدیه بانک ۱۱۶
صورت مغایرت بانک ۱۱۷
صورتحساب مقطعی بانک ۱۱۸
شمارش وجوه نقد ۱۱۹
آزمون انقطاع زمانی وجوه نقد ۱۲۰
آزمون نقل و انتقالات بین بانکی ۱۲۱
سایر آزمونهای وجوه نقد ۱۲۳
خلاصه ۱۲۴
پیوست شماره یک:تاییدیه بانک ۱۲۵
سؤالهای تشریحی ۱۳۱
پرسشهای چهارگزینه‌ای ۱۳۱
پرسشهای تحلیلی ۱۳۳
منابع و مأخذ ۱۳۵

فصل چهارم:حسابرسی چرخه درآمد ۱۳۷
مقدمه ۱۳۷
حسابرسی حسابها و اسناد دریافتنی و معاملات فروش ۱۳۸
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۱۳۹
۱- روشهای برآورد خطر فروش ، حسابها و اسناد دریافتنی ۱۳۹
ریسک تقلب در حسابهای دریافتنی و درآمد مربوطه ۱۴۲
الف) درآمدهای واهی ۱۴۳
ب) شناسایی زود هنگام درآمد ۱۴۳
پ)دستکاری تعدیلات درآمد ۱۴۴
علائم هشدار دهنده تقلب در درآمد فروش ۱۴۵
الف) روشهای تحلیلی ۱۴۵
ب) مغایرت اسنادی ۱۴۵
۲- آزمون کنترلهای حسابها و اسناد دریافتنی ۱۴۸
۳- آزمون‌های محتوا ۱۴۹
الف) آزمون کلیات حسابها و اسناد دریافتنی ۱۴۹
ب) آزمون جزئیات حسابها و اسنادد‌یافتنی ۱۵۰
دریافت تأییدیه بدهکاران ۱۵۱
انتخاب اقلام برای تأییدیه گیری ۱۵۴
پی‌جویی نامه‌های بدون پاسخ ۱۵۵
بازرسی اسناد دریافتنی ۱۵۶
آزمون انقطاع زمانی معاملات فروش و حسابهای دریافتنی ۱۵۶
بازبینی درآمد بهره و بهره دریافتنی ۱۵۷
کفایت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول ۱۵۸
خلاصه ۱۶۱
سؤالهای تشریحی ۱۶۲
پرسشهای چهارگزینه‌ای ۱۶۲
پرسشهای تحلیلی ۱۶۵
منابع و مأخذ ۱۶۷
فصل پنجم: حسابرسی چرخه مخارج ۱۶۹
مقدمه ۱۶۹
اهمیت موجودی‌ها ۱۷۱
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۱۷۳
۱- روشهای برآورد خطر موجودی‌ها و بهای تمام شده کالای فروش رفته ۱۷۳
ریسک تقلب در موجودی کالا ۱۸۰
۲- آزمون کنترلهای موجودی‌های مواد و کالا ۱۸۲
۳- آزمونهای محتوا ۱۸۳
الف) آزمون کلیات موجودی‌های مواد و کالا ۱۸۳

ب) آزمون جزئیات موجودی‌های مواد و کالا ۱۸۴
نظارت بر شمارش موجودی‌ها ۱۸۵
آزمون انقطاع زمانی موجودی‌های مواد و کالا ۱۸۹
ارزشیابی موجودی‌های مواد و کالا ۱۹۱
داراییهای ثابت ۱۹۴
حسابرسی داراییهای ثابت در مقایسه با داراییهای جاری ۱۹۶
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۱۹۸
۱- روشهای برآورد خطر داراییهای ثابت ۱۹۸
ریسک تقلب در داراییهای ثابت ۱۹۹
۲- آزمون کنترلهای اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ۲۰۲
۳- آزمون‌های محتوا ۲۰۳
الف) آزمون کلیات اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ۲۰۳
ب) آزمون جزئیات اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ۲۰۳
اضافات داراییهای ثابت ۲۰۴
تجزیه و تحلیل هزینه تعمیر و نگهداری ۲۰۵
بررسی وضعیت داراییهای بلا استفاده ۲۰۶
بررسی ذخیره استهلاک ۲۰۶
بازبینی برکناری داراییهای ثابت ۲۰۷
اثبات مالکیت قانونی داراییهای ثابت ۲۰۸
بررسی مفاد قراردادهای اجاره بلندمدت ۲۰۹
حسابرسی داراییهای نامشهود ۲۱۰
آزمون کلیات داراییهای نامشهود ۲۱۱
آزمون جزئیات داراییهای نامشهود ۲۱۲
بررسی مدارک داراییهای نا مشهود ۲۱۲
حسابها و اسناد پرداختنی ۲۱۳
نحوه ارائه بدهی‌های جاری در ترازنامه ۲۱۳
حسابرسی بدهی‌ها در مقایسه با حسابرسی داراییها ۲۱۴
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۲۱۶
۱- روشهای برآورد خطر حسابهای پرداختنی ۲۱۶
ریسک تقلب در حسابهای پرداختنی ۲۱۸
۲- آزمون کنترلهای حسابهای پرداختنی ۲۲۱
۳- آزمونهای محتوا ۲۲۲
الف) آزمون کلیات حسابهای پرداختنی ۲۲۲
ب) آزمون جزئیات حسابهای پرداختنی ۲۲۲
سندرسی بستانکاران ۲۲۳
آزمون انقطاع زمانی ۲۲۳
دریافت تأییدیه ۲۲۴

پی‌جویی برای کشف بدهی‌های ثبت نشده ۲۲۵
حقوق و دستمزد پرداختنی و هزینه حقوق و دستمزد ۲۲۷
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۲۲۸
۱-روشهای برآورد خطر حقوق و دستمزد ۲۲۸
۲-آزمون کنترلها ی حقوق و دستمزد ۲۲۹
۳- آزمون محتوا ۲۳۰
الف) آزمون کلیات حقوق و دستمزد کارکنان ۲۳۰
ب) آزمون جزئیات برای مانده حسابهای حقوق و دستمزد ۲۳۰
خلاصه ۲۳۲
سؤالهای تشریحی ۲۳۴
پرسشهای چهار گزینه‌ای ۲۳۶
پرسشهای تحلیلی ۲۴۲
منابع و مأخذ ۲۴۶
فصل ششم: حسابرسی چرخه تأمین مالی و سرمایه گذاری ۲۴۷
مقدمه ۲۴۷
سرمایه‌گذاری ۲۴۸
دلایل سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار ۲۴۹
موضوعات اساسی در حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها ۲۴۹
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۲۵۲
۱-روشهای برآورد خطر اوراق بهادار ۲۵۲
ریسک تقلب در اوراق بهادار ۲۵۳
۲-آزمون کنترلهای اوراق بهادار ۲۵۶
۳- آزمون‌های محتوا ۲۵۶
الف) آزمون کلیات اوراق بهادار ۲۵۶
ب) آزمون جزئیات اوراق بهادار ۲۵۸
بازرسی اوراق بهادار ۲۵۸
دریافت تأییدیه اوراق بهادار ۲۵۹
سندرسی معاملات اوراق بهادار ۲۶۰
ارزشیابی (ارزش بازار) اوراق بهادار ۲۶۱
آزمون انقطاع زمانی اوراق بهادار ۲۶۳
ارزیابی روشهای حسابداری اوراق بهادار ۲۶۳
بدهی‌های بلندمدت ۲۶۶
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۲۶۷
۱- روشهای برآورد خطر بدهی‌های بلندمدت ۲۶۷
۲-آزمون کنترلهای بدهی‌های بلندمدت ۲۶۸
۳- آزمون‌های محتوا ۲۶۹
الف) آزمون کلیات بدهیهای بلند مدت ۲۶۹

ب) آزمون جزئیات بدهیهای بلند مدت ۲۷۰
دریافت تأییدیه ۲۷۱
سندرسی مدارک پشتوانه ۲۷۱
حقوق صاحبان سرمایه ۲۷۳
روشهای کسب شواهد حسابرسی ۲۷۴
۱-روشهای برآورد خطر حقوق صاحبان سرمایه ۲۷۴
- وجود مجوزهای لازم در مورد رویدادهای مالی ۲۷۴
-ثبت رویدادهای مالی و تفکیک وظایف ۲۷۴
- استفاده از نماینده مستقل ثبت سهام و کارگزار انتقال سهام ۲۷۵
۲- آزمون کنترلهای حقوق صاحبان سرمایه ۲۷۶
۳- آزمون‌های محتوای حقوق صاحبان سرمایه (آزمون جزئیات) ۲۷۷
سندرسی مدارک پشتوانه سهام سرمایه ۲۷۷
دریافت تأییدیه ۲۷۸
حسابرسی از سود تقسیمی ۲۷۸
حسابرسی از سود انباشته ۲۷۹
خلاصه ۲۸۱
سؤالهای تشریحی ۲۸۲
پرسشهای چهار گزینه‌ای ۲۸۳
پرسشهای تحلیلی ۲۸۹
منابع و مأخذ ۲۹۲
فصل هفتم: تکمیل حسابرسی ۲۹۳
مقدمه ۲۹۳
روش‌های تکمیل حسابرسی ۲۹۴
۱-اجرای روش‌های تحلیلی برای بررسی کلی حسابرسی ۲۹۴
۲- دریافت تأییدیه مدیریت ۲۹۵
۳-تأییدیه وکیل حقوقی شرکت ۲۹۶
۴- بررسی رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه ۲۹۶
۵- پی‌جویی برای بدهی‌های ثبت نشده ۳۰۰
۶- بررسی کاربرگهای حسابرس ۳۰۳
۷- بررسی موارد افشا در صورتهای مالی ۳۰۵
رسیدگی به صورت جریان وجوه نقد ۳۰۵
برقراری ارتباط با کمیته حسابرسی و مدیریت ۳۰۷
اطلاعات پیوست صورتهای مالی ۳۰۸
حسابرسی نخستین- مانده‌های اول دوره ۳۱۱
خلاصه ۳۱۳
پیوست شماره ۱: تاییدیه مدیران ۳۱۴

فصل اول:

برنامه حسابرسی ادعاهای مدیریت

مقدمه

فرایندهای اصلی حسابرسی عبارتند از: تعیین اهداف حسابرسی، برنامه‌ریزی دستورالعمل‌های حسابرسی برای رسیدن به اهداف حسابرسی، جمع‌آوری و ارزیابی مستندات برای اجرای برنامه حسابرسی، بررسی و ارزیابی شواهد به دست آمده از عملیات حسابرسی و گزارش اظهار نظر مناسب. هر یک از این مراحل در حسابرسی نیازمند برنامه‌ریزی، کنترل و ثبت توسط حسابرسان می‌باشند. بدون در نظر گرفتن شرکت‌های کوچک، حجم و پیچیدگی فعالیتهای شرکت در طول یک سال، عاملی است که موجب می‌شود حسابرسان نتوانند کلیه معاملات و رویدادها را رسیدگی کنند.

به دلیل محدودیت زمان، هزینه و تکرار اطلاعات، حسابرسان فقط نمونه ای از کل فعالیتهای شرکت را حسابرسی می‌کنند. به عبارت دیگر، تأکید حسابرسی برانجام آزمون‌ها در مورد فرایند اطلاعاتی شرکت برای کسب شواهد نسبت به کارایی و اثربخشی آن، به عنوان مبنایی برای صورتهای مالی گزارش شده می‌باشد. کیفیت این گزارشها به کیفیت فرایند اطلاعاتی شرکت بستگی دارد. حسابرسان ملزم هستند به منظور ارزیابی کیفیت سیستم‌هایی که ارقام حسابداری را برای مقاصد گزارشگری ایجاد می‌کنند، در ارتباط با ماهیت و اندازه آزمون‌هایشان قضاوتهای حرفه‌ای انجام دهند. در ارتباط با هر قسمت قابل حسابرسی سیستم‌های اطلاعاتی، قضاوتهای حسابرسان به ارزیابی قبلی آنها از ریسک حسابرسی مربوط به موضوع مورد نظر، بستگی دارد. چنین آزمون‌هایی شامل روشهای مختلف حسابرس نظیر بازرسی، مشاهده، پرسش، محاسبه و مرور می‌باشد. دو گروه اصلی آزمون‌های حسابرسان عبارتند از: رعایت[۱] و محتوا[۲]. آزمون رعایت عبارت است از ارزیابی نقاط قوت کنترلهای تعبیه شده در فرایند تهیه اطلاعات و سیستم‌های مربوط و آزمونهای محتوا برای ارزیابی صحت اطلاعات پردازش شده به وسیله سیستم‌های مزبور طراحی شده‌اند. برای انجام آزمون-های محتوا و رعایت استفاده از روشهای نمونه‌گیری آماری توصیه شده است.

ادعاهای مدیریت و کارکرد آنها در کسب شواهد حسابرسی

مسئولیت ارائه مطلوب صورتهای مالی با مدیریت است. مدیریت برای ارائه مطلوب صورتهای مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری (یا دیگر مبانی جامع حسابداری) به طور ضمنی یا به روشنی ادعاهایی را درباره شناسایی، اندازه‌گیری، ارائه و افشای عناصر مختلف صورتهای مالی و موارد افشای مربوط ابراز می‌کند.

---

۱) Tests of controls
۲) Substantive tests

بنابراین اطلاعاتی که درصورتهای مالی تهیه شده مدیریت صاحبکار منعکس و مورد تأیید مدیریت می‌باشد را ادعاهای مدیریت[۱] گویند.

ادعاهای مدیریت که توسط حسابرس مورد استفاده قرار می‌گیرد بر اساس استانداردهای حسابرسی ایران به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) ادعاهای مربوط به گروههای معاملات و رویدادهای واقع شده در دوره مورد رسیدگی.

۱)**وقوع:** معاملات و رویدادهای ثبت شده، رخ داده و مربوط به واحد مورد رسیدگی است.

۲) **کامل بودن:** تمامی معاملات و رویدادهایی که باید ثبت دفاتر شوند، ثبت شده‌اند.

۳) **صحیح بودن:** مبالغ و دیگر اطلاعات مرتبط با معاملات و رویدادهای ثبت شده، به درستی ثبت شده است.

۴) **انقطاع زمانی:** معاملات و رویدادها، در دوره مالی مربوط ثبت شده است.

۵) **طبقه‌بندی:** معاملات و رویدادها در حسابهای درست ثبت شده‌اند.

ب) ادعاهای مربوط به مانده حسابها در پایان دوره:

۱) **وجود:** دارائیها، بدهیها وحقوق صاحبان سرمایه وجود دارد.

۲) **حقوق مالکانه و تعهدات:** حقوق مترتب بر داراییها، متعلق به واحد مورد رسیدگی و در کنترل آن است و بدهیها، تعهدات واحد مورد رسیدگی بوده و نسبت به پرداخت آنها متعهد می‌باشد.

۳) **کامل بودن:** تمام داراییها، بدهیها و حقوق صاحبان سرمایه که باید ثبت شود، ثبت شده است.

---

۱) Management assertion

۴) **ارزشیابی و تخصیص:** داراییها، بدهیها و حقوق صاحبان سرمایه به مبالغ درست درصورتهای مالی منعکس و هر گونه تعدیل ناشی از ارزشیابی یا تخصیص، به نحو مناسب ثبت شده است.

پ)ادعاهای مربوط به ارائه و افشا:

۱) **وقوع و حقوق مالکانه و تعهدات:** رویدادها، معاملات و دیگر موضوعات افشا شده، رخ داده و مربوط به واحد مورد رسیدگی است.

۲) **کامل بودن:** همه مواردی که باید درصورتهای مالی افشا می‌شد، افشا شده است.

۳) **طبقه‌بندی و قابل فهم بودن:** اطلاعات مالی به نحو مناسبی ارائه و توصیف و موارد افشا به روشنی بیان شده است.

۴) **صحت و ارزشیابی:** اطلاعات مالی و غیر مالی به نحو مطلوب و با مبالغ درست افشا شده است.

برنامه حسابرسی داراییها بر اساس اهداف کلی

برنامه حسابرسی هرگروه از داراییها شامل روش‌های طرح شده‌ای برای تأمین اهداف کلی زیر است:

۱-مطالعه و ارزیابی سیستم کنترل داخلی

الف) کسب شناخت کافی از سیستم کنترل داخلی صاحبکار

ب) برآورد خطر[۱] کنترل و طراحی آزمون‌های اضافی برای تعیین میزان کارایی و تأثیر کنترلهای داخلی

ج) اجرای آزمون‌های اضافی کنترل[۲]

---

۱) Risk Assessment

۲) Additional tests of controls

د) برآورد دوباره خطر کنترل و طراحی آزمونهای محتوایی از تغییرات ضروری در روش‌های حسابرسی.

۲- اثبات مانده حسابها (آزمونهای محتوا[۱])

الف) اثبات موجودیت (وجود) و مالکیت صاحبکار بر دارائیها.

ب) اطمینان از ثبت کامل داراییها

ج) اطمینان از ارزشیابی مناسب داراییها

د) اطمینان از صحت محاسبات ریاضی، مدارک زیربنای حسابهای مربوط به داراییها

هـ) اطمینان از مناسب بودن نحوه ارائه و کفایت افشای اقلام داراییها درصورتهای مالی.

حسابرس برای فراهم نمودن مبنایی برای برآورد خطر در سطح ادعاها، همواره روشهای برآورد خطر را اجرا می‌کند. با این حال روشهای برآورد خطر به خودی خود شواهد حسابرسی کافی و مناسبی را برای اظهار نظر حسابرسی فراهم نمی‌کند و از اینرو با دیگر روشهای حسابرسی، مانند آزمون کنترلها، در صورت ضرورت و آزمونهای محتوا کامل می‌شود.

آزمون کنترلها[۲] در دو حالت ضروری می‌باشد:

الف) اگر برآورد حسابرس از خطر حسابرسی[۳]، بیانگر اثر بخشی اعمال کنترلها باشد، حسابرس برای پشتیبانی از برآورد خطر ملزم به آزمون کنترلها می‌باشد

---

۱) Substantive Tests
۲) Tests of controls
۳) Auditing risk

ب) هر گاه آزمون‌های محتوا، شواهد حسابرسی کافی و مناسبی را به تنهایی فراهم نکند، حسابرس برای کسب شواهد حسابرسی نسبت به اثر بخشی اعمال کنترلها ملزم به انجام آزمون کنترلها می‌باشد.

منظور از آزمونهای محتوا، اثبات مطلوبیت ارائه تک تک اقلام مندرج در صورتهای مالی می‌باشد. حسابرس اجرای آزمونهای محتوا را متناسب با برآورد خطرهای تحریف با اهمیت مربوط (شامل نتایج آزمون کنترلها، در صورت اجرا) برنامه‌ریزی و انجام می‌دهد. با این حال اجرای آزمونهای محتوا درباره موارد با اهمیت گروههای معاملات، مانده حسابها و موارد افشا جهت کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب، به دو دلیل زیر همواره الزامی است:

الف) برآورد حسابرس از خطر، قضاوتی بوده و ممکن است از دقت کافی برای شناسایی تمام خطرهای تحریف با اهمیت برخوردار نباشد.

ب) کنترلهای داخلی دارای محدودیت‌های ذاتی می‌باشد که از جمله می‌توان به خطر زیر پا گذاشتن کنترلها توسط مدیریت، اشتباهات انسانی و آثار تغییرات سیستم‌ها اشاره کرد.

اثبات مانده حسابها

صورتهای مالی اساسی واقلام مندرج درآنها توسط مدیریت شرکت مورد حسابرسی می بایست بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه و ارائه گردند.بر این اساس مدیریت ادعا می کند که اطلاعات و اقلام مندرج در آنها بر این اساس تهیه و ارائه گردیداندو مسئولیت حسابرسان رسیدگی به این اعاها می باشد که عبارتند از:

۱- اثبات وجود و مالکیت داراییها

اولین مرحله اثبات مانده حساب یک دارایی، اثبات وجود و مالکیت آن است. وجود داراییهایی مانند وجه نقد، اوراق بهادار، موجودی مواد و کالا، داراییهای ثابتی چون

ماشین‌آلات، تجهیزات، زمین و ساختمان، از طریق **مشاهده** قابل اثبات است، هنگامی که دارایی در اختیار دیگران قرار گیرد مانند موجودی نزد بانک، موجودیهای امانی، مناسبترین روش برای اثبات وجود **اخذ تأییدیه مستقیم** از اشخاص مذکور می‌باشد. اثبات وجود حسابهای دریافتنی نیز به روش اخذ تأییدیه از مشتریان صورت می‌گیرد. اغلب روشهایی که وجود دارایی را اثبات می‌کنند، می‌توانند مالکیت آن را نیز اثبات کنند، برای مثال، مشاهده اوراق بهادار با نام شرکت، دریافت تأییدیه بانک برای موجودی نزد بانک، دریافت تأییدیه حسابهای دریافتنی، هم اثبات وجود و هم اثبات مالکیت آنها را می‌نماید. در مورد سایر داراییها مانند زمین، ساختمان، ماشین آلات، موجودیهای مواد و کالا، انجام مشاهده صرف، فقط اثبات وجود آنها را می‌نماید و اثبات کننده مالکیت آنها نمی‌باشد، چون ممکن است این داراییها، به شکل امانی یا استیجاری در اختیار شرکت باشند، بنابراین حسابرس می‌بایست از روشهای دیگری چون بررسی **سند مالکیت، مدارک خرید، رسید پرداخت مالیات بر اموال** استفاده نماید.

۲-اثبات کامل بودن (آزمون انقطاع زمانی)

تفکیک مقطع زمانی معاملات در دوره مالی، یکی از مسائل مهم در تهیه صورتهای مالی سالیانه می‌باشد. به طور کلی صورتهای مالی تهیه شده توسط مدیریت می‌بایست کلیه معاملاتی را که از ابتدا تا انتهای سال مالی تحقق یافته‌اند منعکس کنند. به عبارتی معاملات رخ داده بعد از پایان سال مالی نباید در آنها منعکس شوند. منظور از **انقطاع زمانی**[۱] این است که معاملات از لحاظ مقطع زمانی تفکیک و در دوره‌ای که تحقق یافته‌اند انعکاس یابند و منظور از آزمون انقطاع زمانی **(آزمایش میانبر)**، فرایندی است

---

۱) Cut off

که تعیین می‌کند که آیا معاملات انجام شده در تاریخهای نزدیک به تاریخ ترازنامه، به درستی به دوره‌های مربوطه تخصیص یافته است یا خیر.

طرز عمل در برخورد با اشتباهات انقطاع زمانی در صورتهای مالی با توجه به نوع و ماهیت اشتباهات فرق می‌کند. برای مثال، اشتباه انقطاع زمانی در ثبت خرید داراییهای ثابت فقط بر ترازنامه تأثیر دارد و احتمالاً بر صورت سود و زیان بی‌تأثیر است، زیرا برای دارایی که چند روز قبل از پایان سال خریداری شده، معمولاً استهلاک محاسبه نمی‌شود. ازطرف دیگر، اشتباه انقطاع زمانی در ثبت کالای ارسالی مشتری هم بر موجودیهای کالا و هم بر بهای تمام شده کالای فروخته شده تأثیر خواهد داشت، یعنی هم بر ترازنامه و هم بر سود وزیان مؤثر خواهد بود.

برخی از مؤسسات برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی خود دریافتهای نقدی و درآمد ناشی از اوایل دوره مالی بعد را در دوره مورد رسیدگی ثبت می‌کنند و پرداختهای نقدی و هزینه ناشی از اواخر دوره مورد رسیدگی را در دوره مالی بعد ثبت می‌کنند تا به این ترتیب وضعیت مالی خود را بهتر نشان دهند. **حسابرسان برای اعمال آزمون انقطاع زمانی می‌بایست معاملات ثبت شده نزدیک تاریخ ترازنامه (چند روز قبل و بعد آن) را مورد بررسی قرار دهد** تا از ثبت صحیح آنها در دوره‌های مربوطه اطمینان حاصل کنند، که در این راه، **یادداشت کردن شماره سریال آخرین مدارک صادره در پایان سال مالی مانند شماره چک، رسید انبار، حواله انبار و مدارک ارسال کالا** می‌تواند به حسابرس در اعمال این آزمون کمک نماید. مشاهده، ردیابی و روشهای تحلیلی نیز در اثبات کامل بودن ثبت دفاتر داراییها بکار گرفته می‌شوند.

۳- اثبات ارزشیابی داراییها

خاصه‌های اندازه‌گیری متفاوتی برای داراییها وجود دارد که برطبق استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری، با توجه به مربوط بودن، خاصه اندازه گیری متفاوتی مقرر شده است. برای مثال داراییهای ثابت می‌بایست به بهای تمام شده تاریخی، مطالبات به **ارزش**

خالص بازیافتی، موجودیهای مواد و کالا به **اقل قیمت تمام شده و قیمت بازار**، اوراق بهادار تجاری و آماده فروش به **ارزش بازار** گزارش گردند. بنابراین حسابرس می‌بایست مبالغ ریالی اختصاص یافته به داراییها را براساس خاصه‌های اندازه‌گیری مورد بررسی قرار دهد که می‌توان به بررسی مدارک تحصیل و خرید دارایی، بررسی قیمت بازار دارایی، بررسی نحوه محاسبات استهلاک برای داراییهای استهلاک پذیر و نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مشکوک الوصول برای مطالبات اشاره کرد.

۴- اثبات صحت محاسبات ریاضی[۱]

بسیاری از اقلام صورتهای مالی از جمع جبری مقادیر جزئی و فرعی زیادی تشکیل شده‌اند برای مثال موجودی مواد و کالا که در ترازنامه تحت یک رقم واحد گزارش می‌گردد، شامل حاصل‌جمع بهای تمام شده صدها قلم موجودی انبار می‌باشد. اثبات صحت محاسبات ریاضی موجود در سوابق و مدارک، از طریق محاسبه مجدد و با استفاده از فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد برای مثال دریافت پرونده های الکترونیکی واحد مورد رسیدگی و استفاده از تکنیکها و نرم افزارهای عمومی حسابرسی برای کنترل صحت محاسبات حسابداری.

۵- اثبات نحوه ارائه و افشا

مفهوم عبارت «ارائه مطلوب صورتهای مالی» بیشتر از صحت ریالی مبالغ مندرج در آن، بر افشای کافی صورتهای مالی دلالت دارد. افشا در صورتهای مالی باید به گونه‌ای باشد که استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی، را قادر به تجزیه و تحلیل و تفسیر درست اطلاعات سازد. بنابراین حسابرس می‌بایست روشهایی را برای اطمینان از رعایت مقررات حسابداری و اصول عمومی در مورد افشای کافی در ارائه صورتهای مالی انجام

---

۱) Clerical Accuracy

دهد. برای مثال می‌توان به **بررسی رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه، بررسی معاملات با اشخاص وابسته، زیانهای احتمالی، بررسی افشا در مورد وثیقه‌گذاری داراییها و موجودی‌های امانی نزد دیگران** اشاره کرد.

طبقه‌بندی عملیاتی ادعاهای مدیریت[1]

۱-ادعاهای مربوط به وجود فیزیکی یا عینی:

- اقلام فیزیکی ارائه شده و یا ارائه نشده
- اقلام غیر فیزیکی و نامشهود

۲-ادعاهای مربوط به رویدادهای گذشته.

۳-ادعاهای مربوط به شرایط کمی.

- کمیت‌های ساده
- مقادیر تحت تأثیر قضاوت‌های ارزش گذاری

۴-ادعاهای کیفی

- بیان صریح
- بیان ضمنی

۵-ادعاهای صحت محاسبات ریاضی

- محاسبات ساده
- محاسبات پیچیده.

(حساس یگانه، فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۸۴)

ادعاهای مربوط به وجود فیزیکی و عینی

برخی از اقلام مندرج در صورتهای مالی مانند **وجه نقد، موجودی جنسی، داراییهای ثابت** و اقلام مشابه، وجود فیزیکی و عینی وقابل مشاهده دارند. اقلام مذکور معمولاً در

---

۱) Management Assertion

دسترس هستند و امکان بررسی مستقیم آنها وجود دارد. در این بررسی شواهدی جمع‌آوری می‌شود که اطمینان بیشتری در حسابرسی ایجاد می‌کند. با این حال این اطمینان به وجود فیزیکی محدود می‌گردد و به مواردی همچون وضعیت، ارزش، کیفیت و حتی در برخی موارد به کمیت آنها مربوط نمی‌شود. علاوه بر این در صورتهای مالی ادعاهایی در رابطه با دارایی و بدهیهای غیر فیزیکی و نامشهود نیز مطرح می‌باشد. **حسابهای دریافتی، سرقفلی، حق امتیازها، علائم تجاری، حسابهای پرداختنی** و مواردی هستند که وجود فیزیکی ندارند و به طور مستقیم قابل بررسی توسط حسابرس نیستند. هر چند شواهد و مدارک دیگری ممکن است وجود داشته باشند که وجود اقلام مذکور را نشان دهد. صورتهای مالی همانگونه که مدعی وجود اقلام ارائه شده است، مدعی عدم وجود اقلامی که ارائه نشده‌اند، نیز می‌باشد. به این نوع ادعا، **ادعای منفی** گویند که مشکل متفاوتی را برای حسابرسی ایجاد می‌کند: الف) این که این ادعا همانند ادعای وجود به طور مثبت در ذهن او مطرح نمی‌شود، ب) شواهد و مدارک مؤید برای اثبات و یا رد ادعا را مشکل می توان به دست آورد. به عبارتی در صورت ادعای وجود یک دارایی توسط صاحبکار، حسابرس می‌تواند شواهد مثبتی دال بر وجود آن جمع آوری کند و یا اینکه خود دارایی و یا شواهد جایگزین دیگری برای تعیین صحت این ادعا وجود دارد. ولی در مورد یک ادعای منفی مانند این ادعا که هیچ بدهی ثبت نشده ای وجود ندارد، شواهد مثبتی نمی‌توان یافت که حسابرس را از صحت این ادعا مطمئن سازد. هر چند روشهای دیگری برای این گونه موارد وجود دارد مانند روشهای جستجو برای کشف بدهیهای ثبت نشده (بررسی رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه)، ولی با انجام این روشها حسابرس نمی تواند به اندازه زمانی که از وجود وجه نقد بعد از شمارش آنها مطمئن می‌شود، ازصحت این گونه ادعاها مطمئن شود.

ادعاهای مربوط به رویدادهای گذشته

ترازنامه (وضعیت مالی)، **صورت سود و زیان** (نتایج عملکرد مالی) نشانگر رویدادهایی است که ریشه در گذشته دارند و به تاریخ ترازنامه (X۱/۱۲/۲۹) و سال مالی منتهی به تاریخ مذکور ارائه می‌شوند. به عبارتی حسابرس همانند یک پژوهش تاریخی، درگیر رویدادها، حوادث و وقایعی است که در گذشته رخ داده است.

ادعاهای مربوط به شرایط کمی

اغلب اقلام مندرج در صورتهای مالی، شامل مقادیر و اعداد هستند که می‌توانند به شکل کمیت ساده و یا مربوط به قضاوتهای ارزشگذاری باشند. **وجه نقد** ادعا شده در ترازنامه، با شمارش و یا نظارت بر شمارش آن مورد حسابرس قرار می‌گیرد و همچنین **سهام عادی** شرکت نیز به همین شیوه مورد حسابرسی قرار می‌گیرد که **کمیت‌های ساده** هستند. **درآمد** گزارش شده در صورت سود و زیان به گونه‌ای است که هیچ واحد اندازه‌گیری مناسب برای محاسبه مبلغ آن و تأیید آن وجود ندارد. زیرا مبلغ درآمد تحت تأثیر بسیاری از اقلام جزء می‌باشد که بسیاری از آنها قضاوتهای ارزشگذاری را نشان می‌دهند و همچنین **قابلیت وصول حسابها و اسناد دریافتی** را باید برآورد کرد، یعنی برای اقلام مشکوک الوصول، ذخیره مناسب در حسابهای مربوط منعکس کرد، که به این گونه موارد **قضاوتهای ارزشگذاری** گویند.

ادعاهای کیفی

این ادعاها، مواردی هستند که رسیدن به اطمینان قطعی در مورد آنها غیر ممکن است که بطور صریح و ضمنی در صورتهای مالی مطرح می‌شوند. برای مثال **طبقه‌بندی بدهیهای جاری** در یک طبقه دلالت بر این دارد که آنها در یک یا چند ویژگی مشترک هستند. به عبارتی این طبقه‌بندی به طور ضمنی نشان می‌دهد که این بدهیها دارای ویژگی خاصی هستند که طبقه‌بندی آنها را ناگزیزی نماید. ولی **قابل فروش**

بودن سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، یک ویژگی کیفی می‌باشد که به **صراحت** در یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی مطرح می‌شود.

ادعاهای صحت محا سبات ریاضی

ماهیت برخی از ادعاهای موجود در صورتهای مالی صرفاً ریاضی می‌باشد. برای مثال ارائه مجموعه یک گروه از اقلام هزینه‌ها و درآمدها، حاکی از ادعای صحت محاسبات ریاضی آن را دارد که این ادعاها با تکرار محاسبه حسابرس از صحت آنها اطمینان حاصل می‌شود.

رابطه فزونی منافع بر مخارج و آزمون محتوای ادعاهای مدیریت

ادعاهای مندرج در صورتهای مالی را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم بندی کرد:

- ادعاهایی‌که **شواهد مجاب کننده دارند:** وجود اقلام فیزیکی و عینی، مقادیر کمیت‌های ساده و ادعاهای محاسبات ریاضی.

-ادعاهایی که **شواهد مجاب کننده ندارند و حسابرس نسبت به آنها فقط قانع می‌شود:** وجود اقلام فیزیکی ارائه نشده، وجود اقلام غیر فیزیکی و نامشهود، رخدادهای گذشته، مقادیر تحت تأثیر قضاوت‌های ارزشگذاری، بیان صریح و بیان ضمنی.

هر چند شواهد مجاب کننده مطلوب‌تر هستند ولی تفاوت بین شواهد مجاب کننده و شواهد متقاعد کننده ممکن است چندان اهمیت نداشته باشد که به موجب آن متحمل هزینه‌های اضافی برای کسب شواهد مجاب کننده شویم. به عبارتی مجاب کننده بودن و نبودن شواهد دلالت به این ندارد که حسابرس در هر شرایطی قادر به ایفای وظیفه خود و جمع‌آوری شواهد است. **عامل زمان** یک عامل تعیین کننده و با اهمیت درجمع آوری و ارزیابی شواهد و مدارک مؤید در حسابرسی است. ممکن است محدودیت زمانی به حسابرس اجازه ندهد تا مراحل لازم را برای جمع آوری شواهد و مدارک مؤید طی کند، حتی اگراین شواهد و مدارک مؤید وجود داشته باشند. **هزینه** عامل با اهمیت دیگری برای حسابرسان است. حسابرسی در یک چارچوب اقتصادی عمل

می‌کند که نیاز به تعادل هزینه با منافع حاصل شده دارد. اگر زمان و هزینه عوامل مهمی نبودند، هر مورد فیزیکی ادعا شده در صورتهای مالی برای اطمینان از وجود آنها قابل بررسی بود. موجودی جنسی را، بدون توجه به کم اهمیت بودن و یا دور بودن آن، می‌توان در معرض بررسی حواس قرار داد تا از وجود آنها اطمینان یافت. اما هزینه و زمان عوامل مهمی هستند و غیر منطقی است تا برای حصول اطمینان از وجود داراییها با مبالغ کم اهمیت و جزئی متحمل هزینه‌های هنگفتی شد و همچنین برای داراییها با مبالغ با اهمیت نیز، اگر شواهد و مدارک مؤید و به قدر کافی متقاعد کننده دیگری در دسترس باشند، غیر منطقی خواهد بود که متحمل هزینه‌های اضافی شویم. به طور کلی در مورد هزینه حسابرسی، حسابرس می‌داند که اگر قرار باشد، اظهارنظر صورت گیرد باید شواهد کافی و قابل قبولی بدون توجه به هزینه آن جمع‌آوری گردد. رویکرد دیگر آن است که برای رسیدن به اهداف حسابرسی خاصی، حسابرس باید روشی را انتخاب کند که هزینه کمتری دارد. برای مثال فرض کنید حسابرس می‌خواهد ادعاهای وجود و مالکیت اوراق بهاداری که ظاهراً تحت تملک صاحبکار می‌باشد را حسابرس کند. - علاوه بر آن فرض کنید که این اوراق بهادار در مکانی دور از دسترس، نزد نهاد معتمدی مانند یک بانک به امانت گذاشته شده است. بدیهی است که شواهد وجودی، با مشاهده مکان اوراق بهادار و بررسی فیزیکی آنها قابل دسترس است. از طرف دیگر حسابرس می‌تواند اقتصادی‌تر عمل کرده و به جای مراجعه به بانک و مشاهده اوراق بهادار، وجود و مالکیت اوراق را از مسئولین بانک رسماً استعلام نماید. به عبارتی اگر دو روش مختلف برای جمع‌آوری شواهد وجود داشته باشد و اثر بخشی هر دو در رسیدن به اهداف تعیین شده یکسان باشد، حسابرس باید از میان روشهای مختلف روشی را انتخاب کند که کمترین هزینه را در برداشته باشد.

آزمون مدارک حسابداری

قبل از اجرای عملیات حسابرسی، حسابرس می‌بایست دفاتر روزنامه و دفتر کل را به عنوان بخشی از کنترل داخلی صاحبکار مورد بررسی قرار دهد. آزمون این مدارک، **صحت محاسبات ریاضی مدارک** را مشخص کرده و از تأمین هدفهای **ثبت و طبقه‌بندی معاملات** توسط این دفاتر اطمینان می‌دهد. بررسی این دفاتر حسابرس را از اجرای صحیح روشهای حسابداری، حفظ مدارک حسابداری و شیوه کنترل صاحبکار مطلع خواهد کرد. زمانی که حسابرس مدارک حسابداری صاحبکار را قابل اتکا تشخیص می‌دهد، مسلماً به رسیدگی اقلام عمده قناعت خواهد کرد و در نتیجه حجم عملیات مورد رسیدگی به حداقل خواهد رسید. از طرفی برخی صاحبکاران در ثبت معاملات در دفاتر بی دقتی می‌کنند. از این رو ممکن است دفاتر آنها حاکی از معاملات ثبت نشده، ثبت‌های بدون مستندات و تعداد زیادی اشتباه باشد. در این حالت حسابرس مجبور به انجام رسیدگی بیشتر جهت اثبات مانده حسابهاست. در چنین شرایطی ممکن است مدارک حسابداری کافی نباشد و مستنداتی را در جهت اظهارنظر حسابرس در مورد صورتهای مالی ارائه ندهد. بنابراین حسابرس باید گزارش عدم اظهارنظر در مورد صورتهای مالی ارائه دهد.

دامنه رسیدگی به مدارک حسابداری

اگر مدارک حسابداری به نحوه مطلوبی طراحی، نگهداری، ثبت و ضبط شده باشند، منطقی است که زمان کمتری به رسیدگی و اثبات صحت مدارک حسابداری اختصاص داده شود. میزان رسیدگی حسابرس از مدارک حسابداری به سه عامل بستگی دارد:

۱-وضع ظاهری و عمومی مدارک

۲-ارزیابی اولیه حسابرس از سیستم کنترلهای داخلی

۳- تکرار و نسبت اهمیت اشتباهات کشف شده در طی حسابرسی

وضع ظاهری و عمومی مدارک حسابداری بیانگر کیفیت مدارک حسابداری و خصوصیات اساسی است که به سهولت نمایان می‌گردد. ثبتهای روزنامه باید شامل شرح کافی درباره معاملات باشد. اقلامی که در روزنامه عمومی ثبت می‌شوند، باید قبل از ثبت، به وسیله شخص مسئولی بررسی و تصویب گردد. همچنین ثبت در دفاتر باید خوانا بوده و به روز انجام گیرد و به نحو درستی به حسابهای مربوطه عطف‌گذاری شده باشد. رسیدگی به مدارک حسابداری می‌تواند بر اساس انتخاب شخصی یا نمونه‌گیری آماری یا با سایر روشهایی که حسابرس ضروری تشخیص می‌دهد انجام گیرد. مدارک حسابداری شامل الف) دفتر کل و ب) دفتر روزنامه عمومی می‌باشد.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

حسابرس با اجرای روشهای حسابرسی در موارد زیر، شواهد حسابرسی لازم را برای نتیجه‌گیری‌های معقولی که مبنای اظهار نظر حسابرس قرار می‌گیرد، بدست می‌آورد:

الف) کسب شناخت از واحد مورد رسیدگی و محیط آن، از جمله کنترلهای داخلی آن، برای برآورد خطرهای تحریف با اهمیت در سطح صورتهای مالی و در سطح ادعاها (در استانداردهای حسابرسی، روشهای حسابرسی که به این منظور اجرا می‌شود، اصطلاحاً **روشهای برآورد خطر**[1] نامیده می‌شود).

ب) آزمون اثربخشی کارکرد کنترلها در پیشگیری یا کشف و اصلاح تحریفهای با اهمیت در سطح ادعاها، در صورت ضرورت یا به تشخیص حسابرس(دراستانداردهای حسابرس، روشهای حسابرس که به این منظور اجرا می‌شود، اصطلاحاً **آزمون کنترلها**[2] **نامیده** می‌شود).

---

۱) Risk Assessment approachs
۲) Tests of controls

ج) کشف تحریفهای با اهمیت در سطح ادعاها. در استانداردهای حسابرس، روشهای حسابرس که با این منظور اجرا می‌شود، اصطلاحاً **آزمونهای محتوا**[1] نامیده می‌شود. این آزمونها شامل **آزمون جزئیات** گروههای معاملات، مانده حسابها و موارد افشا و نیز روشهای تحلیلی به عنوان **آزمون کلیات** گروههای معاملات و مانده حسابها می‌باشد.

آزمونهای حسابرسی

حسابرس هنگام تهیه یک برنامه برای حسابرسی می‌تواند با انجام دادن انواعی از آزمونها مشخص نماید که آیا صورتهای مالی به صورت مطلوب ارائه شده‌اند، یا خیر. انتخاب هرآزمون بر اساس الگوی خطر حسابرسی صورت می‌گیرد. روشهای کسب شناخت و آزمون کنترلهای داخلی موجب کاهش احتمال خطر کنترل می‌شوند، در حالی که روشهای محتوایی برای تأمین هدف مبتنی بر خطر عدم کشف اجرا می‌گردند.

انواع آزمونهای حسابرسی به شرح زیر می‌باشند:

۱- آزمون شناخت و ارزیابی سیستم کنترلی (آزمون رعایت روشها)	الف) آزمون شناخت از سیستم کنترل داخلی (برآورد خطر) الف) آزمون ارزیابی اثربخشی سیستم کنترل داخلی (آزمون کنترلی)
۲- آزمونهای محتوایی/ اثباتی (ریالی و پولی)	الف) آزمونهای محتوایی از معاملات و رویدادها طی دوره مالی ب) آزمون مانده حسابها در پایان دوره مالی پ) کفایت ارائه و افشا ت)روشهای تحلیلی

۱) substantive Tests

حسابرس در زمان انجام حسابرسی صورتهای مالی صاحبکار، از آزمونهای مختلفی استفاده می‌کند، ولی با توجه به شرایط خاص، برخی از این آزمونها، بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرند. عواملی مانند **در دسترس بودن انواع شواهد، هزینه هر آزمون، اثربخشی کنترلهای داخلی و وجود خطرهای ذاتی**، همگی بر ترکیب یا آمیزه انواع آزمونهای انتخابی حسابرس تأثیر دارد. میزان آزمونها نیز به **شکل ظاهری و عمومی مدارک و فراوانی وقوع و اهمیت تحریفات** بستگی دارد. هنگام تصمیم‌گیری در مورد نوع آزمونی که باید برای جمع‌آوری شواهد کافی و قابل قبول انتخاب کرد، هزینه جمع‌آوری شواهد، یک عامل عمده به حساب می‌آید. **آزمونها بر حسب افزایش هزینه** عبارتند از:

۱-روشهای تحلیلی[۱]

۲- روشهای کسب شناخت از سیستم کنترل داخلی و آزمون کنترلها

۳-آزمون محتوای معاملات و رویدادهای مالی طی دوره

۴- نحوه ارائه و افشاء

۵- آزمون محتوای مانده حسابها در صورتهای مالی در پایان سال.

---

۱) Analytical Procedures

انواع شواهد حسابرسی / انواع آزمون‌های حسابرسی	اطلاعات حسابداری	بررسی فیزیکی	اظهارات اشخاص ثالث	مستندسازی اسناد	اظهارات مدیریت	محاسبات	بررسی تحلیلی
کسب شناخت از سیستم کنترل داخلی (برآورد خطر)		√		√	√	√	√
آزمون کنترل‌ها (رعایت روشها)		√		√	√	√	
آزمون محتوا از معاملات و رویدادهای دوره مالی	√			√	√	√	
روشهای تحلیلی					√	√	√
آزمون جزئیات		√	√	√	√	√	√
ارائه و افشاء			√	√	√	√	

برنامه حسابرسی[1]

برنامه حسابرسی، طرح نوشته شده لازم برای اجرای کار حسابرسی که معمولاً توسط سرپرست گروه حسابرس تدوین و به تصویب مدیر حسابرسی می‌رسد. برنامه حسابرسی هدفها، دامنه رسیدگی و همچنین روشهایی را مشخص می کند که باید اجرا شود. این برنامه حسابرسی بعد از تکمیل حسابرس به عنوان مستندات کارهای انجام شده محسوب می‌گردد. به طور معمول سه رویکرد برای تدوین یک برنامه حسابرسی وجود دارد:

۱- تدوین برنامه‌های حسابرسی در طول مرحله مقدماتی حسابرسی.

۲- تدوین برنامه حسابرسی همگام با پیشرفت کار حسابرسی.

۳- استفاده از برنامه‌های استاندارد شده حسابرسی.

---

1) Auditing program

حسابرسان معمولاً پس از بررسی مقدماتی و مشخص شدن فعالیتهای نیازمند توجه، برنامه حسابرسی را می‌نویسند. چنین برنامه‌ای معمولاً شامل همه روشهای حسابرسی است که از ابتدا تا انتهای کار باید انجام شود، هر چند با گذشت زمان حسابرسی، در صورت لزوم تغییرات لازم در آن متناسب شرایط جدید و شناسایی شده اعمال می‌گردد، چرا که **برنامه‌ریزی در حقیقت از زمان قبول حسابرسی تا پایان حسابرسی ادامه خواهد داشت.**

تدوین برنامه حسابرسی همگام با پیشرفت کار حسابرسی در صورت وجود شرایط زیر امکان‌پذیر خواهد بود:

- حضور حسابرسان با تجربه در گروه حسابرسی
- وجود شرایط به گونه‌ای که مانع انجام بررسیهای مقدماتی کافی گردد.
- کار حسابرسی به نسبت ساده باشد.
- انجام حسابرسی بصورت سرزده یا از نوع پی‌جویی باشد.

در مواردی که حسابرسان از برنامه‌های استاندارد شده استفاده می‌کنند، عموماً آن را تعدیل می‌کنند تا متناسب با کار حسابرسی مورد نظر باشد. برنامه‌های استاندارد شده معمولاً رهنمودهای کلی را برای شرایط عمومی فراهم می‌آورد اما، رهنمود ویژه‌ای برای موارد خاص در اختیار حسابرس قرار نمی‌دهد. به طور کلی ترکیب دو رویکرد اول برای تدوین برنامه حسابرسی، بسیار دیده می‌شود.

برنامه حسابرسی معمولاً به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود که بخش اول در مورد بررسی و ارزیابی سیستم کنترل داخلی و بخش دوم در خصوص اثبات حسابها و کفایت افشای صورتهای مالی است.

یک مفهوم مهم در استانداردهای ارزیابی ریسک، لزوم وجود ارتباط مستقیم بین ریسک کژنمایی با اهمیت و گزینش روش های محتوایی حسابرسی است. یک حسابرس می تواند ارزیابی اولیه‌ای از ریسک کژنمایی با اهمیت صورت دهد و تصمیم

به اجرای آزمونهای کنترلها بگیرد. سپس نتیجه آزمون کنترلها بر ماهیت، میزان و زمان بندی روشهای محتوایی تاثیر می‌گذارد. در صورت استفاده از آزمون دو منظوره، حسابرس باید اثربخشی و کفایت روشهای محتوایی به کار گرفته شده را بر مبنای نتایج آزمونهای اثربخشی کنترلها ارزیابی کند. ممکن است حسابرس نتیجه گیری کند که برای کاهش ریسک کشف به سطح قابل قبول، روشهای محتوایی بیشتری ضروری هستند. حسابرس تا زمانی به اصلاح ارزیابی ریسک کژنمایی با اهمیت و روشهای محتوایی به کار گرفته شده حسابرس ادامه خواهد داد که شواهد کافی مبتنی بر دست‌یابی به سطح مطلوب ریسک حسابرسی حاصل شده باشد و در ارتباط با تک تک حسابها یا ادعاها و مجموعه صورتهای مالی نتیجه گیری حاصل شده باشد. شکل زیر به گونه ای نحوه تکراری بودن فرایند حسابرسی را نشان می دهد.

ایجاد برنامه حسابرسی

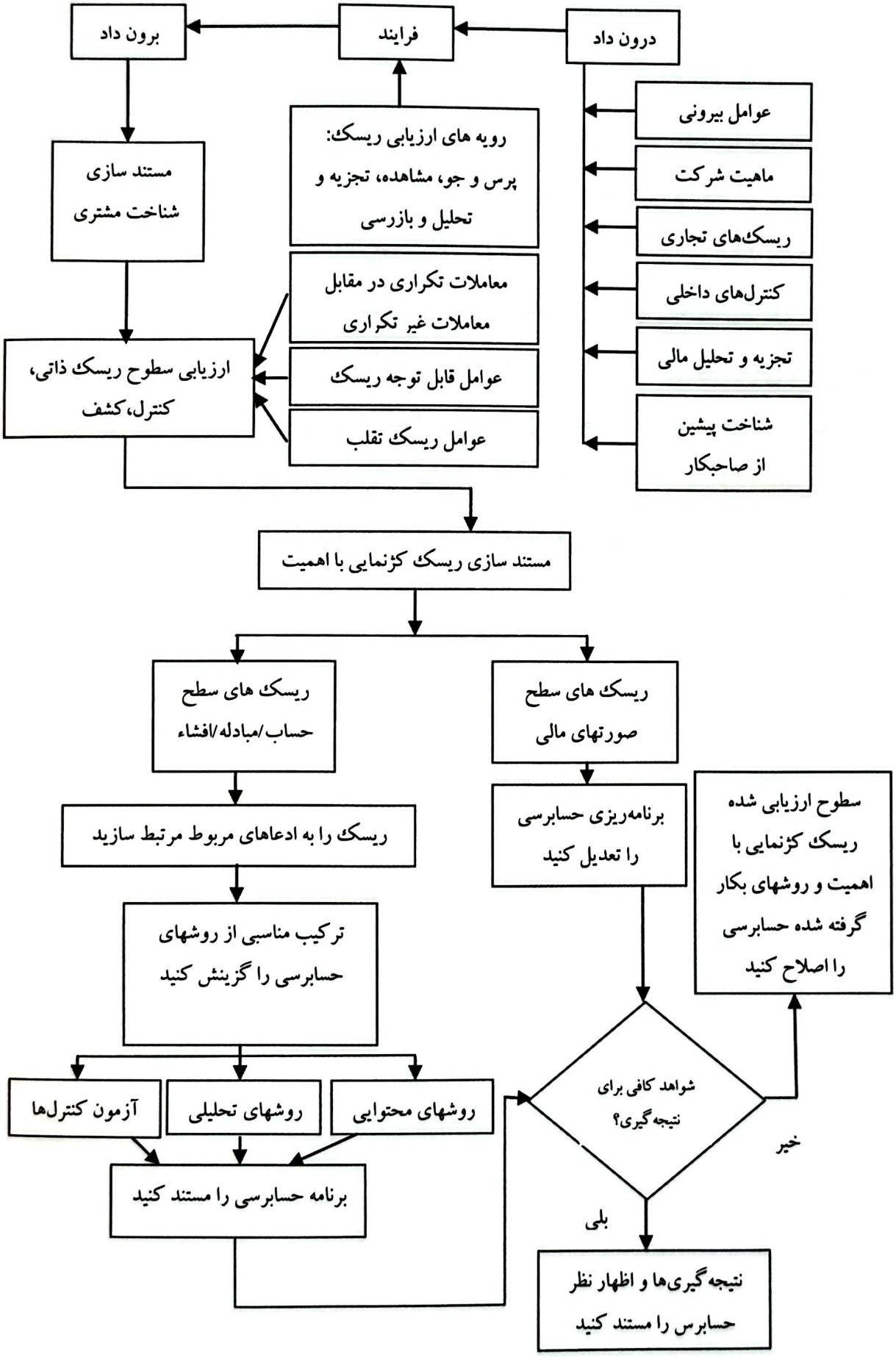

بخش اول برنامه حسابرسی: بخش سیستم

بخش اول برنامه حسابرسی در رابطه با بررسی و ارزیابی سیستم کنترل داخلی صاحبکار به شکل چرخه‌های معاملاتی می‌باشد. برای مثال، حسابرسی یک واحد تجاری را می‌توان براساس برنامه رسیدگی به چرخه‌های معاملاتی[1] آن تهیه و اجرا نمود یعنی برنامه رسیدگی برای:

۱)**چرخه درآمد:** شامل معاملات فروش، مانده حسابهای دریافتنی، معاملات مربوط به دریافت وجوه نقد و مانده وجوه نقد.

۲)**چرخه مخارج:** شامل خریدها، پرداختهای وجه نقد، هزینه‌های عملیاتی، موجودی‌ها، داراییهای ثابت، داراییهای نامشهود و حسابهای پرداختنی.

۳) **چرخه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی:** شامل معاملات استقراضی و سرمایه‌گذاری، هزینه و درآمد بهره، سود سهام، اسناد پرداختنی، اوراق قرضه پرداختنی، سهام سرمایه و سود انباشته.

---

۱) Transaction cycle

شکل ۱-۱: کنترلهای داخلی برای هر چرخه

چرخه معاملات	نمونه کنترل عینی
چرخه درآمد	۱- مشتریان باید بر اساس دستورات مدیریت مجاز باشند. ۲- قیمت و شرایط کالاها و خدمات باید براساس مجوزها و دستورات مدیریت باشد. ۳- هر کالا و خدماتی که برای مشتریان ارسال می‌شود باید صورتحساب داشته باشد. ۴- صورت حساب مشتریان باید صحیح باشد و فوراً طبقه‌بندی، خلاصه و گزارش شود.
چرخه مخارج	۱- فروشندگان کالاها باید براساس معیارهای مدیریت مجاز باشند. ۲- استخدام کارمندان باید براساس آیین‌نامه‌های استخدامی شرکت باشد. ۳- دسترسی به قیمتهای پرداخت لیست حقوق و دستمزد به اشخاصی داده شود که مجوز مدیریت داشته باشد. ۴- افزایش وکاهش نرخ دستمزدها باید براساس دستورات مدیریت باشد. ۵- مقدار بدهی به فروشندگان باید صحیح باشد و فوراً طبقه بندی، خلاصه و گزارش شود.
چرخه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی	۱- معاملات سرمایه‌گذاری و استقراضی و حقوق صاحبان سهام باید بطور مناسبی تصویب شوند و این تصویب باید به وضوح در راهنمای روشها و سیاستهای شرکت تعریف شود. ۲- سیاستهای کنترلی باید تصریح کنند که آن دسته از معاملات سرمایه‌گذاری و استقراضی، که از یک مبلغ مشخصی بیشتر هستند، باید توسط هیأت مدیره تصویب شوند. ۳- برای جلوگیری از حذف غیرعمدی ثبتهای تعدیلی ضروری ، بهره‌های معوق ماهانه باید در دفتر روزنامه استاندارد یا در اسناد روزنامه ثبت شوند. ۴- برای اطمینان از تأیید و تصویب صحیح اعطای وام به دیگران و پرداختهای اصل و بهره وام‌های دریافتی، آنها بایدبه وسیله اسناد تأیید شده پشتیبانی شوند

روشهای حسابرسی در بخش سیستم برنامه حسابرسی بیشتر شامل **تهیه نمودگر** برای هر یک ازچرخه‌های معاملاتی، **آزمون رعایت کنترلهای داخلی حسابداری** و **ارزیابی موارد ضعف و قوت کنترلهای داخلی** می‌باشد.

بخش دوم برنامه حسابرسی: آزمونهای محتوا[1]

روشهای حسابرسی که برای کشف تحریف‌های با اهمیت در سطح ادعاها، اجرا می‌شود، شامل آزمون جزئیات گروههای معاملات، مانده حسابها و موارد افشا و نیز روشهای تحلیلی می‌باشد. به عبارتی روشهای حسابرسی لازم برای اثبات مطلوبیت ارائه اقلام مندرج در صورتهای مالی و به طور کلی ادعاهای مدیریت را **آزمونهای محتوا گویند. آزمونهای محتوا معمولاً طبق سرفصلهای عمده ترازنامه صورت می‌گیرد** ولی به معنی عدم حسابرسی اقلام صورت سود و زیان نمی‌باشد. دلیل تأکید بر اقلام ترازنامه را می‌توان ادامه حسابرسی دوران گذشته دور دانست که در آن دوران فقط اقلام ترازنامه هدف حسابرسان بود که در حال حاضر هم این رویکرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از امتیازات روش ترازنامه[2] این است که برای اثبات داراییها و بدهیها، عموماً شواهد و مدارک روشن و صریح در دسترس حسابرسی قرار می‌دهد. زیرا داراییها و بدهیها را می‌توان از طریق رسیدگی به مدارک ایجاد آنها در خارج از شرکت صاحبکار، مشاهده عینی، اخذ تأییدیه از اشخاص ثالث و بررسی اسناد پرداخت آنها اثبات کرد. از طرف دیگر، ثبت اقلام درآمد و هزینه دارای دو جنبه است: نخست شناخت درآمد یا هزینه، دوم تغییر متناظر در یک حساب دارایی یا بدهی: در سیستم ثبت دو طرفه حسابداری درآمدها و هزینه‌ها هیچ شکل ملموس و مشهودی ندارند، آنها تنها به عنوان یک ثبت در حسابهای صاحبکار وجود دارند و باعث تغییر در حقوق صاحبان سرمایه می‌شوند، بنابراین بهترین شواهد و مدارک برای استناد به وجود درآمد

---

۱) Substantive Tests
۲) Balance Sheet Approach

یا هزینه معمولاً از طریق بررسی تغییرات در حساب دارایی یا بدهی مربوطه است. با این حساب دو روش برای اثبات اقلام سود و زیان وجود دارد که عبارتند از:

الف) اثبات غیرمستقیم: یعنی با بررسی تغییرات متناظر در حساب دارایی و بدهی ایجاد شده در زمان شناسایی درآمدها و هزینه‌ها می‌توان بطور غیرمستقیم، آنها را اثبات کرد.

ب) اثبات مستقیم: اثبات تعداد زیادی از اقلام ترازنامه اغلب مستلزم اثبات چندین قلم از اقلام مندرج در حساب سود وزیان است که با آنها روابط تنگاتنگ دارد و می‌توانند از طریق محاسبه یا سایر مدارک مستقلاً اثبات شوند.

حسابرسان به احتمال بسیار زیاد، تجزیه و تحلیل حسابهای مرتبط به هم را در یک کاربرگ انجام می‌دهند. به عبارتی حسابرسان در تجزیه و تحلیل حسابهای ترازنامه‌ای، حسابهای سود و زیانی مرتبط با آنها را نیز بطور همزمان مورد بررسی قرار می‌دهند. برای نمونه تعدادی از این حسابها همراه با حسابرسی همزمان آنها ارائه شده است:

حسابهای ترازنامه‌ای	حسابرسی همزمان (حسابهای سود و زیانی)
موجودی نقد و بانک	سود سپرده‌های بانکی، وثیقه وامها
اوراق بهادار	درآمد بهره، سود سهام، درآمد بهره دریافتی، سود و زیان حاصل از فروش اوراق بهادار
مطالبات	درآمد فروش، درآمد بهره دریافتها، هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول، هزینه مطالبات سوخت شده
موجودی کالا	خرید، فروش، برگشت از فروش و تخفیفات، برگشت ازخرید و تخفیفات و بهای تمام شده کالای فروش رفته
داراییهای ثابت	هزینه استهلاک، هزینه تعمیر و نگهداری، سود و زیان برکناری و فروش داراییهای ثابت
بدهیها	تعهدات خرید، خرید، وثیقه وامها، برگشت از خرید و تخفیفات، هزینه بهره، صرف وکسر اوراق قرضه
حقوق صاحبان سرمایه	سود سهام، صرف سهام، کسر سهام، هزینه انتشار سهام

انواع روشهای مورد استفاده در آزمونهای محتوا را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

عنوان حساب	انواع روشهای مورد استفاده در آزمون‌های محتوایی
وجه نقد	نظارت برشمارش وجه نقد صندوق، محاسبه مجدد، سندرسی، ردیابی، مغایرت‌گیری و تطبیق
موجودی بانک	دریافت تاییدیه، مغایرت‌گیری، تطبیق جزئیات، آزمون انقطاع زمانی، ردیابی و سندرسی
بدهکاران	تاییدیه، محاسبه مجدد، آزمون انقطاع زمانی، روشهای تحلیلی، تهیه جدول سنی، پیگیری
موجودی کالا	نظارت بر شمارش کالاها، آزمون انقطاع زمانی، محاسبه مجدد، روشهای تحلیلی، تاییدیه‌گیری، سندرسی
داراییهای ثابت	بازرسی و مشاهده، محاسبه مجدد، سندرسی، روش تحلیلی و اثبات و بازبینی و مقایسه
بدهی‌ها	تأییدیه‌گیری، محاسبه مجدد، روشهای تحلیلی، تطبیق جزئیات، سندرسی و ردیابی و انقطاع زمانی
فروش	محاسبه مجدد، سندرسی و ردیابی، آزمون انقطاع زمانی، تطبیق جزئیات، روش تحلیلی
هزینه‌ها	محاسبه مجدد، سندرسی و ردیابی، آزمون انقطاع زمانی و روشهای تحلیلی

میزان اثربخشی کاربرد هر یک از روشهای تحلیلی و معایب آن

میزان اثربخشی کاربرد هر یک از روشهای تحلیلی (مانده‌سنجی یا برآورد مانده‌ها، تحلیل نسبت‌ها، تحلیل روندها) را می‌توان با استفاده از جدول زیر مشخص کرد:

نوع حساب	مانده سنجی یا برآورد مانده‌ها	تحلیل نسبت‌ها	تحلیل روندها
حسابهای ترازنامه	فایده محدود و کمی دارد	مفید است	فایده محدود و کمی دارد
حسابهای صورت سود و زیان	خیلی مفید است	خیلی مفید است	مفید است

روشهای تحلیلی دارای معایب زیر می‌باشند:

۱- روشهای تحلیلی حسابرسی به حسابرس نوعی اطمینان منفی و سلبی می‌دهند نه مثبت و ایجابی. بنابراین حسابرسان باید در ارزیابی شواهد و نتایج حاصل از کاربرد روشهای تحلیلی حسابرسی به آن توجه نمایند.

۲- روشهای تحلیلی حسابرسی وسیله‌ای مفید برای پی بردن به اشتباهات و تقلبات عمده در صورتهای مالی و حسابهای مندرج در آن از دیدگاه حسابرسان محسوب می‌شوند. ولی حسابرسان هیچ‌گاه نمی‌توانند از آن نتیجه بگیرند که به طور قطع در صورتها و حسابها اشتباه و تقلب وجود ندارد.

۳- نبود استانداردهای حسابرسی در مورد روشهای تحلیلی باعث گردیده است که هر حسابرسی بنا به تجارب، ذوق و سلیقه خود از این روشها استفاده نماید.

۴- روشهای تحلیلی حسابرسی در مورد تمامی اقلام صورتهای مالی دارای اهمیت یکسان نیستند. مثلاً کاربرد روشهای تحلیلی در مورد حسابهای درآمد و هزینه مفیدتر است و بهتر نتیجه می‌دهد دلیل آن هم این است که حسابهای درآمد و هزینه گردش و جریان دارند. یعنی متضمن دریافت، پرداخت، خرید و فروش

هستند. در صورتی که حسابهای ترازنامه از نوع سکون و رکود برخوردارند و به اصطلاح موجودی نما هستند. یعنی نتیجه نهایی گردش حسابها رامی‌نمایانند.

۵- نقش تورم در تجزیه و تحلیل حسابها نیز می‌تواند به عنوان یک نقطه ضعف تلقی گردد که حسابرسان در استفاده از روشهای تحلیلی حسابرسی باید به آن توجه کنند.

۶- مسائل ناشی از تأثیر میثاق‌ها و روشهای مختلف حسابداری نیز باعث می‌شود که نتایج حاصل از بررسیهای تحلیلی از ارزش کمتری برخوردار باشند. بنابراین حسابرسان باید در استفاده از روشهای تحلیلی حسابرسی به این مهم توجه نمایند.

خلاصه

اطلاعاتی که در صورتهای مالی تهیه شده مدیریت صاحبکار منعکس و مورد تأیید مدیریت می‌باشد را، ادعاهای مدیریت گویند. روشهای برآورد خطر به خودی خود شواهد حسابرسی کافی و مناسبی را برای اظهارنظر حسابرسی فراهم نمی‌کند و از این رو با دیگر روشهای حسابرسی، مانند آزمون کنترلها، در صورت ضرورت و آزمونهای محتوا، کامل می‌شود. آزمونهای محتوا شامل اثبات مانده حسابها (وجوه و رخداد، حقوق و تعهدات، کامل بودن، ارزشیابی و تهیه و نحوه ارائه و افشا) می‌باشد. میزان رسیدگی حسابرس به مدارک عمومی به عواملی مانند وضع ظاهری و عمومی مدارک، ارزیابی اولیه حسابرسی از سیستم کنترلهای داخلی و تکرار و نسبت اهمیت اشتباهات کشف شده در طی حسابرسی، بستگی دارد. رویکردهای تدوین یک برنامه حسابرسی عبارتند از: تدوین برنامه حسابرسی در طول مرحله مقدماتی حسابرسی، تدوین برنامه حسابرسی همگام با پیشرفت کار حسابرسی و استفاده از برنامه‌های استاندارد شده حسابرسی. یک برنامه حسابرسی دارای دو بخش مجزا می‌باشد که

عبارتند از: الف) بخش سیستم که در رابطه با بررسی و ارزیابی سیستم کنترل داخلی صاحبکار به شکل چرخه‌های معاملاتی می‌باشد و ب) آزمونهای محتوا که شامل آزمون جزئیات گروههای معاملات، مانده حسابها و موارد افشا و نیز روشهای تحلیلی می‌باشد.

سؤالهای تشریحی

۱- ادعاهای مدیریت را با ذکر مثال توضیح دهید؟

۲- منظور از آزمونهای محتوا و آزمونهای رعایت چیست، توضیح دهید؟

۳- آزمون انقطاع زمانی در معاملات را توضیح دهید؟

۴- طبقه‌بندی عملیاتی ادعاهای مدیریت را توضیح دهید؟

۵- دامنه رسیدگی به مدارک حسابداری، به چه عواملی بستگی دارد؟

۶- نحوه آزمون دفتر کل را توضیح دهید؟

۷- رویکردهای مختلف تدوین برنامه حسابرسی را نام برده و توضیح دهید؟

۸- منظور از آزمون مستقیم و غیرمستقیم اقلام صورت سود و زیان چیست، توضیح دهید؟

پرسشهای چهارگزینه‌ای

۱- حسابرسی برای اثبات ادعای وجود داراییها، معمولاً کنترل خود را به کدام شکل زیر انجام می‌دهد؟

الف) از اقلام صورتهای مالی به اقلام بالقوه ثبت شده

ب) از اقلام بالقوه ثبت نشده به صورتهای مالی

ج) از مدارک حسابداری به شواهد مثبت

د) از شواهد مثبت به مدارک حسابداری

۲- حسابرس مستقل در بررسی صورتهای مالی یک شرکت، به احتمال بسیار زیاد از کدام روش تحلیلی زیر برای تعیین روابط بین اقلام ترازنامه استفاده می‌کند؟

الف) تجزیه و تحلیل روندها

ب) تجزیه و تحلیل نسبت‌ها

ج) تجزیه و تحلیل رگرسیون

د) تجزیه و تحلیل خطر یا خطرسنجی

۳- حسابرس با اجرای کدام مورد زیر ممکن است به هدفهای حسابرسی مرتبط با ادعاهای خاص مدیریت دست یابد؟

الف) اجرای روشهای تحلیلی ب) تهیه کاربرگهای حسابرسی

ج) رعایت سیستم کنترل کیفیت د) افزایش سطح خطر عدم کشف

۴- صورت سود و زیان واحد مورد رسیدگی به دلیل ثبت‌های بدهکار و بستانکار در ترکیبی غیرعادی از حسابهای هزینه و درآمد در دفتر روزنامه به طور نادرست ارائه شده است. حسابرسی با کدام روش زیر می‌تواند این عمل متقلبانه را کشف کند.

الف)ردیابی نمونه‌ای از ثبت‌های دفتر روزنامه به دفتر کل

ب) ارزیابی اثربخشی سیستم کنترل داخلی

ج) پی‌جویی مغایرت‌گیری بین حسابهای کنترل در دفتر کل و حسابهای معین

د) اجرای بررسی تحلیلی طراحی شده برای کشف و افشای انحراف از مبالغ مورد انتظار

۵- کدام مورد زیر بهترین مثال از آزمونهای محتوا است؟

الف) رسیدگی به یک نمونه از پرداختهای نقدی به منظور آزمون درستی تصویب هزینه‌ها

ب) دریافت تاییدیه بدهکاران

ج) مقایسه امضای چکها با لیست امضای مجاز

د) تهیه نمودگر سیستم دریافتهای نقدی صاحب کار

۶- آزمونهای حسابرسی برای حصول اطمینان از ثبت دفاتر بودن معاملات، باید از کدام طریق زیر شروع شود؟

الف) مانده‌های دفتر کل ب) مدارک و منابع اولیه

ج) تراز آزمایشی اصلاح شده د) ثبت‌های دفتر روزنامه

۷- حسابرس به احتمال زیاد، تجزیه و تحلیل کدام دو حساب زیر را در یک کاربرگ منعکس می کند؟

الف) اسناد دریافتنی و درآمد بهره ب) اسناد پرداختنی و اسناد دریافتنی

ج) درآمد بهره دریافتنی و هزینه بهره پرداختنی د)درآمد بهره و هزینه بهره

۸- برای کدام یک از موارد زیر، اثبات ارزش مفهوم ندارد؟

الف) ساختمان ب) ماشین‌آلات ج) وجوه نقد د)حسابهای دریافتنی

۹- ترازنامه و صورت سود و زیان، بیانگر کدام ادعای مدیریت می‌باشند؟

الف) بیان صریح ب) محاسبات پیچیده

ج) وجوه فیزیکی و عینی د) رویدادهای گذشته

۱۰- گزارش سرمایه گذاری در اوراق بهادار به عنوان اوراق بهادار قابل فروش، اشاره به کدام ادعای مدیریت دارد؟

الف) کیفی ـ بیان صریح ب) وجوه اقلام غیرفیزیکی و نامشهود

ج) کمی ـ تحت تأثیر قضاوت د)کیفی ـ بیان ضمنی

۱۱- کدام یک از موارد زیر جزو ادعاهایی هستند که شواهد مجاب‌کننده محسوب می‌شوند؟

الف) کیفی ـ بیان صریح ب) کمی ـ تحت تأثیر قضاوت

ج) محاسبات ریاضی د)رویدادهای گذشته

۱۲- کدام یک از موارد زیر، دارای شواهد مجاب‌کننده محسوب نمی‌شوند؟

الف) محاسبات ریاضی ب) وجود اقلام غیرفیزیکی و نامشهود

ج) وجود اقلام فیزیکی و عینی د) کمیت‌های ساده

۱۳- برای اطمینان از اینکه اقلام ثبت شده در دفتر کل از دفتر روزنامه انتقال یافته‌اند، حسابرس می‌بایست...

الف) تعدادی از اقلام دفتر روزنامه را به اقلام دفتر کل ردیابی کند.

ب) اسناد و مدارک اولیه ثبت‌های دفتر روزنامه را بررسی کند.

ج) تعدادی از اقلام دفتر کل را به اقلام دفتر روزنامه ردیابی کند.

د) تمامی اقلام دفتر کل را با مدارک اولیه معاملات مطابقت دهد.

۱۴- حرکت در جهت زنجیره عطف حسابداری از صورتهای مالی به مدارک اولیه آنها، در جهت تأمین شواهد نسبت به کدام ادعای مدیریت می‌باشد؟

الف) وجود ب) ارزشیابی ج) کامل بودن د)مالکیت

۱۵- کدام یک از رویکردهای تدوین برنامه حسابرسی، معمولاً رهنمودهای کلی را برای شرایط عمومی فراهم می‌آورد ولی رهنمود ویژه‌ای برای موارد خاص در اختیار حسابرس قرار نمی‌دهد؟

الف) برنامه تدوین شده در طول مرحله مقدماتی حسابرسی

ب) برنامه تدوین شده همگام با پیشرفت کار

ج) برنامه حسابرسی استاندارد شده

د) برنامه کلی حسابرسی

۱۶- حسابرسی همزمان با موجودی کالا، کدام یک از موارد زیر می‌باشد؟

الف) بهای تمام شده کالای فروش رفته ب) هزینه مطالبات سوخت شده

ج) وجه نقد د) بهره دریافتنی

۱۷- حسابرسی همزمان با سهام عادی، کدام یک از موارد زیر می‌باشد؟

الف) صرف و کسر اوراق قرضه ب) هزینه بهره

ج) هزینه انتشار سهام د) درآمد بهره

پرسشهای تحلیلی

۱- روشهای مختلف کسب شواهد حسابرسی نسبت به ادعاهای مدیریت را با هم مقایسه کنید.

۲- اگر بدهیهای شرکت توسط صاحبکار دستکاری شده باشند و کمتر از واقع در دفتر کل و در نتیجه در صورتهای مالی گزارش شده باشند، با توجه به وجود زنجیره عطف حسابداری، حسابرسی از چه آزمونی برای کشف این مورد استفاده نماید و اگر حسابهای دریافتنی شرکت نیز توسط صاحبکار، بیش از واقع گزارش شده باشند، چطور؟

۳- حسابرس ممکن است از یک یا چند روش و شواهد حسابرسی برای کسب اطمینان از مطلوبیت ارائه اقلام صورتهای مالی استفاده نماید، از جمله دلایلی که می‌تواند، کمیت و کیفیت روشها و شواهد حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد کدام عوامل هستند، توضیح دهید؟

۴- با توجه به اینکه صورت سود و زیان حاوی اطلاعاتی نسبت به درآمدها و هزینه های یک دوره مالی شرکت می‌باشند و نشان دهنده نتایج عملیات آن هستند، چرا آزمونهای محتوای حسابرسی بیشتر بر اقلام ترازنامه متمرکز می‌باشند. آیا اقلام صورت سود و زیان مورد آزمون و حسابرسی قرار نمی‌گیرند، توضیح دهید؟

۵- قبل از اجرای عملیات حسابرسی و آزمونهای محتوای آن، معمولاً ابتدا سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند، بر این اساس بر سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار در اجرای حسابرسی اتکا می‌شود، در صورتی که سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار، بسیار ضعیف باشند، نحوه اجرای حسابرسی به چه نحوی خواهد بود؟

فصل دوم:

حسابرسی مبتنی بر ریسک

مقدمه

حسابرسان تا سه دهه پیش تلاش می‌کردند با انجام آزمونهای متحوای گسترده (سندرسی و سایر روشهای حسابرسی) خطر حسابرسی را کاهش دهند، اما توسعه شرکتها و افزایش روزافزون حجم عملیات آنها، تمهید بالا را برای حسابرسان ناکافی و نارسا کرد. از سوی دیگر پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و ابزارهای آن (مانند رایانه) و بهره‌گیری از علم ریاضی، به ویژه شاخه آمار آن، حسابرسان را در وضعیتی قرار داد که بتوانند روشی علمی و قابل استناد برای خود به دست آورند. با استفاده از برخی محاسبات، حسابرسان می‌توانند مقدار خطر حسابرسی و عناصر تشکیل‌دهنده آن را از پیش برآورد و تعیین کنند. موضوع ارزیابی خطر حسابرسی و تأثیر آن در افزایش

قابلیت اعتماد اطلاعات منعکس شده در صورتهای مالی، از چنان اهمیتی برخوردار است که انجمنهای حرفه‌ای پیشگام، بیش از سه دهه است که بطور جدی و پیگیر، به موضوع خطر حسابرسی پرداخته‌اند.

روشها و رویکردهای حسابرسی

۱- اساساً روشهای متفاوت حسابرسی عبارتند از: (قنبریان، حسابرسی مبتنی بر ریسک، سال ۱۳۸۹)

- رویکرد محتوایی (شیوه سندرسی)
- رویکرد ترازنامه‌ای
- رویکرد مبتنی بر سیستم
- رویکرد مبتنی بر ریسک

۱- رویکرد محتوایی[1] (سندرسی)

این روش بیشتر شامل سندرسی و گواهی مستقیم اقلام صورتهای مالی می‌باشد. در این روش، منابع حسابرس برآزمون حجم زیادی از معاملات و مانده حسابها متمرکز می‌باشد، بدون آنکه هیچ توجه خاصی بر زمینه‌های خاصی از صورتهای مالی باشد. شیوه حسابرسی که در سالهای گذشته دور کاربرد داشته و امروزه یک شیوه کاملاً منسوخ شده و بلا استفاده می‌باشد و فقط به عنوان روش حسابرسی مکمل درکنار روش حسابرسی ترازنامه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه حسابرسی، حسابرس رسیدگی‌های خود را از مدارک اولیه آغاز و به صورتهای مالی ختم می‌کند، بدین معنی که با مطالعه تک تک مدارک اولیه و اسناد حسابداری سعی در بدست آوردن دید کلی نسبت به صورتهای مالی و ارائه اظهارنظر حرفه‌ای نسبت به آنها می‌باشد.

---

۱) Substantive Approach

۲- رویکرد ترازنامه‌ای[۱]

در این روش، رویه‌های محتوایی بر حسابهای ترازنامه (صورت وضعیت مالی) متمرکز می‌باشد و تنها رویه‌های محدودی نسبت به اقلام صورت سود و زیان و اقلام درآمدها و هزینه‌ها صورت می گیرد. توجیه این روش آن است که اگر اظهارات مدیریت برای تمامی حسابهای ترازنامه، مورد آزمون و تأیید قرار گیرد، اقلام سود و زیان گزارش شده برای دوره حسابداری، به نحو با اهمیتی، بطور نادرست ارائه نخواهد شد. در این روش، حسابرس نخست با بررسی صورتهای مالی و تجزیه و تحلیل اقلام مندرج در آنها، مواردی را که نیاز به رسیدگی و بذل توجه خاص دارد، مشخص کرده و سپس سعی می کند از طریق اخذ اطلاعات و صورت ریزهای مربوطه، دید وسیعتری نسبت به اقلام ترازنامه پیدا نماید، تا بعد از آن بتواند با انتخاب اقلام مهم و رسیدگی به آنها از طریق نمونه گیری، هم اظهارنظر مناسبی ارائه دهد و هم آنکه از اتلاف وقت جهت رسیدگی به اقلام بی‌اهمیت و در صورتهای مالی، جلوگیری نماید.

۳- رویکرد مبتنی بر سیستم[۲]

این روش مستلزم این است که حسابرسان اثربخشی و مؤثر بودن کنترلهای داخلی واحد مورد حسابرسی را ارزشیابی کنند و سپس رویه‌ها و آزمونهای محتوا را از ابتدا بطور مستقیم بر زمینه‌هایی اختصاص دهند که انتظار می‌رود اهداف سیستم‌های کنترل داخلی در آن زمینه‌ها، تحقق نخواهد یافت. بنابراین آزمونهای محدود شده، بر روی زمینه‌هایی اجرا می گردد که به نظر می‌رسد اهداف سیستم‌ها در آنجا تحقق نخواهد یافت.

۴- رویکرد مبتنی بر ریسک[۳]

در سالهای اخیر به علت وجود اشتباهات و تقلبات در صورتهای مالی و عدم کشف آن بوسیله روشهای سنتی حسابرسی، حسابرسی مبتنی بر ریسک در حرفه حسابرسی مطرح

---

۱) Balance sheet Approach
۲) Systems Approach
۳) Risk-based Approach

گردیده است. حسابرسی مبتنی بر ریسک، نوعی حسابرسی است که طبق آن، حسابرس دقیقاً واحد اقتصادی و سیستم کنترل داخلی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و زمینه‌هایی را که موجب بالاترین ریسک اشتباهات و تقلبات در صورتهای مالی می‌شود را شناسایی نموده و بخش زیادی از منابع حسابرسی را به آن زمینه‌ها اختصاص می‌دهد. بنابراین در حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرس آستانه‌های (سطوح) اهمیت را بر اساس ریسک حسابرسی تعیین نموده و برنامه‌های حسابرسی را به گونه‌ای طراحی می‌نماید که بخش بیشتر حسابرسی به زمینه‌های با ریسک بالا اختصاص می‌یابد.

حسابرسی مبتنی بر ریسک

بر اساس استانداردهای حسابرسی، هدف حسابرسی صورتهای مالی این است که حسابرس بتواند درباره اینکه صورتهای مالی مذبور از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استاندارهای حسابداری تهیه شده است یا خیر، اظهارنظر کند. این اظهارنظر همواره با میزانی از خطر روبه‌رو است که به آن **خطر حسابرسی** گویند. براساس حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرس پس از کسب شناخت اولیه از سیستمهای حسابداری و کنترل داخلی (ثبت سیستم با استفاده از شرح نوشته، پرسشنامه کنترلهای داخلی، نمودگر یا تلفیقی از آنها و انجام دادن آزمون شناخت سیستم)، خطرهای ذاتی[۱] و کنترل[۲] را برآورد می‌کند. این برآورد اولیه از خطرهای ذاتی و کنترل، وی را در تشخیص قابلیت حسابرسی واحد مورد رسیدگی یاری می‌رساند. در صورت قابل حسابرسی بودن واحد مورد رسیدگی، حسابرس به آزمون کنترلهایی می‌پردازد که می‌خواهد به آن اتکا کند، سپس با توجه به نتایج حاصل از آزمون کنترلها و دستیابی به اطلاعات بیشتر در طول اجرای کار، ممکن است برآورد اولیه از خطرهای ذاتی و کنترل را تعدیل کند. با مشخص شدن میزان خطرهای ذاتی و کنترل، حسابرس در شرایطی قرار می‌گیرد که

---

۱) Auditing Risk
۲) Inherent Risk

بتواند خطر عدم کشف[۱] (شامل خطر ناشی از بررسی تحلیلی و خطر آزمون جزئیات مانده حسابها یا گروههای معاملات) را با دقتی مناسب، برآورد کند. حسابرس با تعیین خطر عدم کشف می‌تواند نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود آزمون‌های لازم را برای کسب شواهد کافی و پشتوانه اظهارنظر خود مشخص نماید.

در طرح کلی حسابرسی، انجام **آزمونهای محتوا به دو صورت محدود** (در صورت اتکا بر سیستم کنترل داخلی) **و گسترده** (در صورت عدم اتکا بر سیستم کنترل داخلی) پیش‌بینی شده است. اما محدود و گسترده به خوبی تعریف نشده، حالتی بین این دو پیش‌بینی نگردیده و راه مشخصی برای دستیابی به حالت اول یا دوم نیز تعریف و پیش‌بینی نشده است.بنابراین حاصل بررسی و ارزیابی سیستم کنترل داخلی هیچگاه به درستی به آزمونهای محتوا (حسابرسی نهایی) مرتبط نشده و به گونه‌ای کمی، حدود و دامنه آزمونهای محتوا را تعیین نکرده است.

با توجه به ماهیت فرآیند حسابرسی، هر کار حسابرسی نشان دهنده چالشهای متفاوتی برای یک مؤسسه حسابرسی می‌باشد، هرچند که دو کار حسابرسی که کاملاً مشابه باشند، وجود ندارند. برای مثال، دو شرکتی که دارای بخشهای تجاری مشابه، مکان مشابه، اندازه مشابه، کارکنان مشابه، موضوعات اداری مشابه، مقررات مشابه و پیچیدگی عملیات مشابه باشند، وجود ندارد و همچنین یک روش منحصر به فرد حسابرسی که از عملکرد مطلوب حسابرسی اطمینان حاصل کند، وجود ندارد. با این حال، بطور کلی این مطلب پذیرفته شده است که برای بیشتر شرکت‌ها (شرکت‌های بزرگ) رویکرد مبتنی بر ریسک، احتمال اینکه اهداف حسابرسی تحقق نیابد، را به حداقل می‌رساند. برای این منظور، حسابرسان می‌بایست اقدام به ارزیابی ریسک ارائه نادرست با اهمیت در سطوح

---

۱) Detection Risk

صورتهای مالی و در سطح ادعاها بر اساس درک و شناخت‌شان از واحد مورد حسابرسی و محیط آن شامل کنترلهای داخلی بنماید.

حسابرسان در ارزیابی ریسک ملزم به تمرکز بر واحد مورد حسابرسی و محیط آن هستند که آن را روش «**بالا به پایین**[1]» برای شناسایی ریسک می‌نامند. عبارت Top مربوط به عملیات روزانه واحد مورد حسابرسی و محیطی است که در آن فعالیت می‌کند و عبارت Down اشاره به صورتهای مالی واحد مورد حسابرسی دارد. بطور خلاصه، این روش، حسابرسان را ملزم به شناسایی ریسک‌های مهم روزانه مواجه شده بوسیله یک واحد تجاری می‌کند تا بر اساس تأثیر این ریسک‌ها که می‌توانند به صورتهای مالی داشته باشند، رویه‌های حسابرسی مطابق با آنها را برنامه‌ریزی کنند. برای این منظور این روش، **رویکرد ریسک تجاری**[2] نامیده می‌شود. هدف نهایی این رویکرد، کاهش ریسک حسابرسی می‌باشد.

حسابرسی مبتنی بر ریسک یعنی انجام حسابرسی با شناخت و تحلیل ریسک، اندازه‌گیری ریسک و نحوه کنترل ریسک. به مفهوم ساده‌تر و با نگاهی کاربردی، حسابرسی مبتنی بر ریسک به معنی آن است که حسابرس خطرات مربوط به انجام حسابرسی مورد نظر خود را شناسایی و اثرات احتمالی این خطرات را بر موضوع مورد رسیدگی، ارزیابی و مدیریت کند. بنابراین حسابرس با شناخت انواع خطرات پیرامون انجام کار خود، می‌تواند برنامه‌ریزی مناسب‌تر و اثربخش‌تری را به منظور ایفای مسئولیت خود در اعتباربخشی به موضوع مورد رسیدگی و اظهارنظر نسبت به آن فراهم آورد. طراحی مناسب و برنامه‌ریزی حسابرسی و انتخاب روشهای رسیدگی از جمله آزمونهای کنترل و محتوا با شناخت کافی از آن دسته از خطرات حسابرسی که حسابرس در انجام کار با آن سروکار دارد می‌تواند حسابرس را با احتمال خطرهای کمتری به نتایج منطقی و به سطحی پذیرفتنی از خطر حسابرسی رهنمون شود.

---

۱) Top down
۲) Business risk approach

پس رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک می‌تواند حسابرس را به برنامه‌ریزی و سازمان دادن اصولی در جهت ایفای مسئولیت خود هدایت کند و افزایش سرعت در اجرای کار حسابرسی، استفاده بهینه از نیروی انسانی، و توان دفاع بیشتر از گزارش حسابرسی را به همراه داشته باشد. ضمناً شناسایی و ارزیابی خطرها به وسیله حسابرس می‌تواند برای واحد تجاری نیز در جهت یافتن راهکارهای مناسب جهت کاهش خطرها سودمند باشد و به کاهش هزینه حسابرسی و استفاده مؤثرتر از خدمات حسابرسان از طریق آگاه شدن از خطرها منجر شود.

مراحل حسابرسی مبتنی بر ریسک

مراحل لازم برای انجام حسابرسی مبتنی بر ریسک شامل ارزیابی ریسک، تهیه فهرست کاملی از ریسک ها، مجموعه ریسک و حسابرسی، برنامه حسابرسی، و حسابرسی و ارائه گزارش حسابرسی، می باشد.

۱- ارزیابی ریسک

ریسک های یک سازمان به روشهای مختلفی تعیین می شود. تعیین ریسک باید با روش سیستماتیک انجام شود تا این اطمینان حاصل شود که تمام فعالیتهای مهم سازمان مشخص و تمام ریسک های ناشی از این فعالیتها تعیین شده اند. روش مبتنی بر فرایند برای تعیین ریسک ها کاراتر و نسبتاً آسان است. بر اساس این روش، از آنجایی که اهداف سازمان از طریق فرایندهای مختلف تحصیل می شوند، تمام فرایند های لازم برای دستیابی به هدف اصلی سازمان تعیین می گردند. ازآنجایی که هر فرایند در عمل دارای هدفی فرعی است، فرایند و هدف اصلی مؤسسه به اهداف و فرایندهای فرعی تقسیم می شوند. در هر فرایند، هدف فرعی آن فرایند و ریسک های داخلی و خارجی مربوطه که ممکن است برآن هدف تأثیر بگذارند تعیین و طبقه بندی می شوند. نقشه تفضیلی از فرایند در این کار مفید خواهد بود. بنابراین ، هر ریسک مشخص شده باید به

فرایند و هدف مربوطه نسبت داده شود به نحوی که تشکیل واحدهای حسابرسی و درنتیجه تهیه برنامه‌های حسابرسی را تسهیل کند. ازفرایندها فقط برای کمک به طبقه بندی تعداد زیادی از ریسک ها استفاده می شود و این فرایند ها فقط برای کمک به طبقه‌بندی تعداد زیادی از ریسک ها استفاده می شود و این فرایندها باید منطقی و نه لزوماً واقعی باشند . با تعیین ریسک ها در هر سطحی از فرایند و مرتبط کردن آنها به هدف و فرایند اصلی، حسابرس بطور معقولی می تواند از تعیین تمام ریسک های مهم سازمان اطمینان حاصل کند.

۲- تهیه فهرست کاملی از ریسک ها

روش خاص و منحصر به فردی برای مستند سازی خلاصه ریسک ها وجود ندارد، اما فهرست کامل ریسک ها باید شامل تمام ریسکهای بالقوه سازمان همراه با ارتباط با هر فرایند، اثر احتمالی بر دستیابی بر اهداف و احتمال وقوع آنها باشد. برای اولویت بندی ریسک و طبقه بندی ریسک های بالقوه، تعیین یا اختصاص ارزشهای عددی به هر ریسک با توجه به اثر و احتمال وقوع آن و نمایش آن بر روی ماتریس شدت ریسک مناسب است.

نحوه ارزیابی ریسک

اگر اثر یا نتیجه وقوع ریسک عبارت است از:	احتمال یا شانس وقوع ریسک عبارت است از:	بنابراین اندازه (معیار) برابر است با:
ورشکستگی یا تعطیلی سازمان یا یک بخش مهم آن برای مدت بسیار طولانی	تقریباً قطعی	خیلی زیاد(۵)
برای یک دوره طولانی مانع از دستیابی سازمان به بخش عمده ای از اهدافش می شود	احتمالی	زیاد(۴)
برای مدت محدودی مانع از دستیابی سازمان به بخش عمده ای از اهدافش می شود	ممکن	متوسط (۳)
ایجاد مشکل کرده اما تأثیری بردستیابی به اهداف مهم ندارد	غیر محتمل	کم (۲)
مشکلات خیلی جزئی ایجاد کرده که تأثیری بر دستیابی به اهداف ندارد	نادر	خیلی کم(۱)

ماتریس شدت ریسک

احتمال وقوع ریسک		خیلی کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)	خیلی زیاد (۵)
تقریباً قطعی(۵)		۵ موضوع جزئی	۱۰ موضوع قابل توجه	۱۵ غیرقابل قبول	۲۰ غیرقابل قبول	۲۵ غیرقابل قبول
احتمالی(۴)		۴ قابل قبول	۸ موضوع جزئی	۱۲ موضوع قابل توجه	۱۶ غیرقابل قبول	۲۰ غیرقابل قبول
ممکن(۳)		۳ قابل قبول	۶ موضوع جزئی	۹ موضوع قابل توجه	۱۲ موضوع قابل توجه	۱۵ غیرقابل قبول
غیر محتمل(۲)		۳ قابل قبول	۴ قابل قبول	۶ موضوع جزئی	۸ موضوع جزئی	۱۰ موضوع قابل توجه
نادر(۱)		۱ قابل قبول	۲ قابل قبول	۳ قابل قبول	۴ قابل قبول	۵ موضوع قابل توجه

IR

RR

کنترل داخلی

اثر(نتیجه) ریسک

- غیر قابل قبول: نیازمند اقدام فوری برای مدیریت ریسک

- موضوع قابل توجه: نیازمند اقدام برای مدیریت ریسک
- موضوع جزئی: در صورت وجود منابع، انجام اقدام توصیه می شود.
- قابل قبول: نیاز به انجام اقدامی نمی باشد.
- IR: ریسک ذاتی و RR: ریسک باقی مانده

۳- مجموعه ریسک و حسابرسی

گروه‌بندی ریسک‌ها و فرایند مربوطه در واحدهای حسابرسی، مجموعه ریسک و حسابرسی نامیده می‌شود و شامل ریسک های تعیین شده توسط مدیریت و حسابرس داخلی ، رتبه یا امتیاز آنها، واحدهای حسابرسی همراه با عطف به ریسک و فرایند، مالک ریسک، حسابرس که وظیفه ارائه اظهار نظر نسبت به مدیریت در هر ریسک را دارد، جزئیاتی از حسابرسی قبل و آتی، مشخصات کنترلهای مدیریت کننده ریسک ها و... است. مجموعه ریسک و حسابرسی به اولویت بندی برنامه های حسابرسی کمک می کند.

۴- برنامه حسابرسی

برنامه حسابرسی ارائه کننده چارچوب کلی از اهداف حسابرسی، گستره یا حوزه آن، برنامه تفصیلی فعالیت شامل تشکیل تیم‌های حسابرسی، ترکیب آن، دوره و زمان حسابرسی، تخصیص منابع و همچنین تصمیم گیری در مورد ریسک هایی است که باید حسابرسی شوند. در زمینه تقدم یا دوره زمانی حسابرسی، ممکن است از ماتریس شدت ریسک و مجموعه ریسک و حسابرسی برای انتخاب استفاده شود.

۵- حسابرسی و ارائه گزارش

مانند هر برنامه حسابرسی، حسابرسی برای ارزیابی ریسک های ذاتی در هر فرایند و اثر کنترلهای کلیدی موجود و تعیین ریسک های باقی مانده انجام می گیرد.

گام‌های مهم در اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک

گام اول: ارزشیابی کنترلهای داخلی

استانداردهای حسابرسی پیشین به حسابرسان اجازه می‌داد تا بنا به اختیار خود برای سهولت کار ریسک کنترل داخلی مشتری را بالا ارزیابی کنند، که این امر آنها را قادر می‌ساخت تا حد زیادی از تلاش لازم برای درک و مستندسازی کنترل داخلی بکاهد. **استانداردهای ارزیابی ریسک، حسابرسی را از پیش‌فرض گرفتن ریسک کنترل بیشینه، منع می‌کنند.** در تمام حسابرسی‌ها حسابرس باید طراحی و اجرای کنترل داخلی را برای شناسایی و ارزیابی درست ریسک ارزشیابی کند. برای ارزشیابی کنترلهای داخلی می‌توان از چارچوب یکپارچه کنترلهای داخلی به شرح شکل زیر استفاده کرد. حسابرس کارش را با صورتهای مالی در بالای دیاگرام آغاز می‌کند و با حرکت به سمت پایین دیاگرام یک یک کنترلها را ارزیابی می‌کند. اولین گام، شناسایی حسابهای با اهمیت و طبقه‌های قابل توجه تراکنش‌ها و ادعاها یا اظهارات مربوط به این حسابها است. ریسک تحریف یا کثر نمایی با اهمیت یعنی آنچه می‌تواند نادرست باشد، عبارت از جنبه نادرست آن ادعا یا اظهاریه است. مثلاً در ارتباط با ادعای کامل بودن، آنچه می‌تواند نادرست باشد، عبارت از این است که یک یا چند تراکنش درست در سیستم ثبت نشود. سپس حسابرس کنترلهایی را شناسایی می‌کند که هدف کنترلی یاد شده را برآورد می‌سازند. با این روش، ارتباط ناگسستنی بین صورتهالی مالی و کنترل داخلی وجود دارد، و حسابرس به سادگی می‌تواند اثری را که یک فعالیت کنترلی خاص می‌تواند بر یک مبلغ گزارش شده در صورتهای مالی بگذارد شناسایی کند. این رویکرد که **رویکرد از بالا به پایین** نامیده می‌شود، موجب می شود حسابرس به طور فزاینده بررسی کنترلهای مربوط به تراکنش‌ها و حسابهای بی‌اهمیت، کنترلهای مربوط به ادعاهای نااثربخش و کنترلهایی را که عموماً زائد هستند، نادیده بگیرد

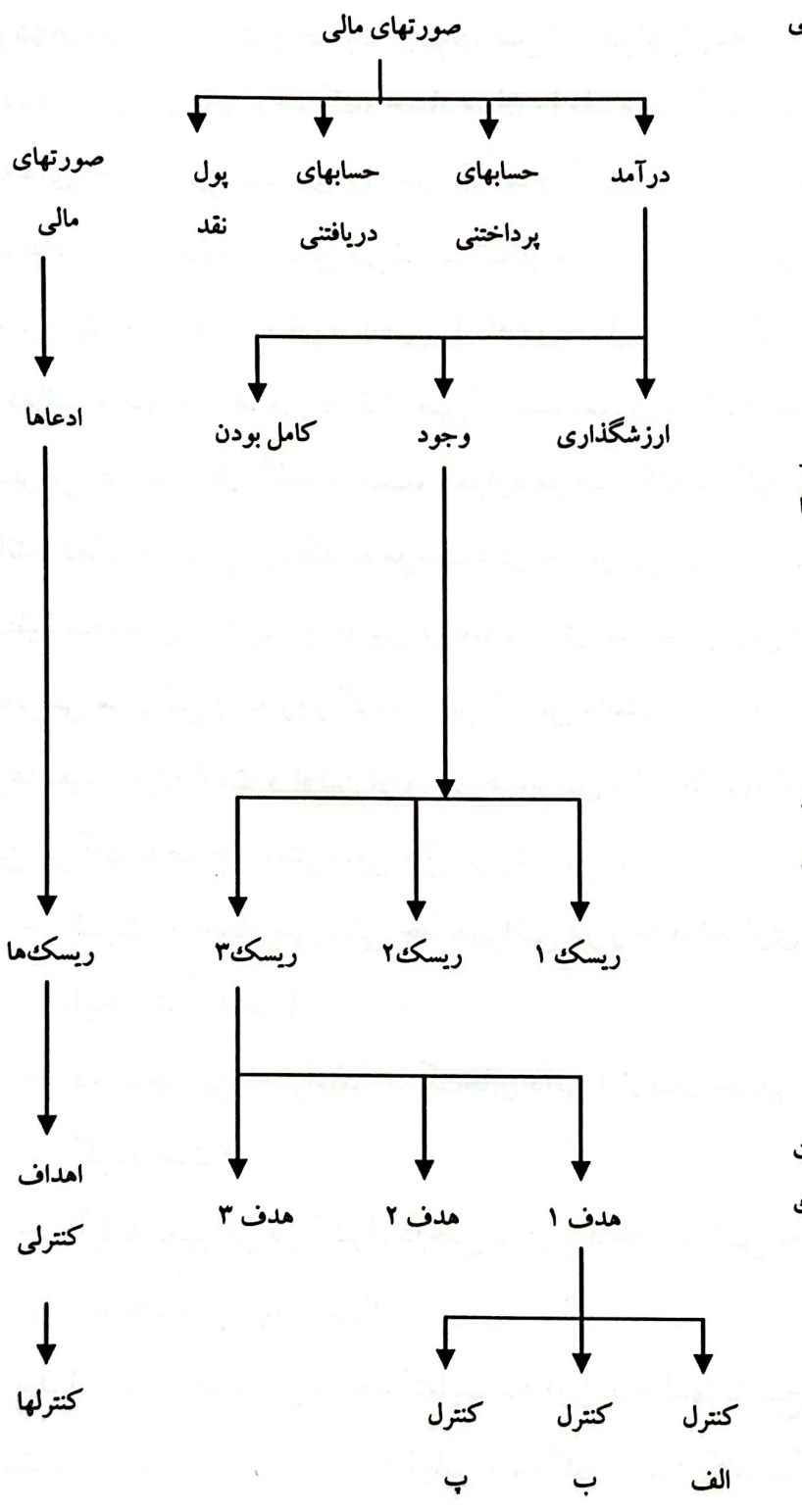

آغاز کار با صورت های مالی، حسابرس به شناسایی موارد زیر می‌پردازد

حساب های با اهمیت و طبقه‌های تراکنش های با توجه و ...

برای هر حساب، مهم و اثرگذار بودن ادعاها توصیف می‌شود

مواردی که می‌تواند موجب اشتباه شود تعیین می‌شود.

اهداف کنترلی اقدامات لازم برای کاهش ریسک را مشخص می‌کند

تعیین کنترلهای لازم برای دستیابی به اهداف کنترلی

گام دوم: تعیین ماهیت و حدود آزمونها پس از اجرای اولیه

استانداردهای ارزیابی ریسک، حسابرسان را ملزم می‌کند تا در مقایسه با گذشته رویه های حسابرسی بیشتری را اجرا کنند و آنها در طول اولین سال اجرا متحمل هزینه‌های بسیار چشمگیرتری می‌شوند. انتظار می‌رود در سالهای پس از آن، هزینه‌ها کاهش یابند زیرا حسابرسان شناختی را که در حسابرسی‌های قبلی از صاحبکار به دست آورده‌اند به صورت اهرمی به کار می گیرند. تمایل به این تصور که همه چیز در حسابرسی همانند سال گذشته است، همواره موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود و استانداردهای ارزیابی ریسک به مؤسسه‌های حسابرسی این فرصت را می‌دهد تا با طرح و تنظیم مجدد این ذهنیت را از بین ببرند، تا جای تمرکز بر این موضوع که چه طور حسابرسی سال قبل را به روز کرد، با این فرض منطقی کار را آغاز کنند که بعضی چیزها تغییر کرده است و اولین اولویت حسابرسی سال جاری، شناسایی این تغییرات و تعیین اثر آنها با طرح پرسش‌هایی مثل موارد زیر است:

- نسبت به حسابرسی قبلی چه تغییراتی در واحد تجاری و محیط عملیاتی آن ایجاد شده است؟
- در نتیجه این تغییرات، ریسک‌های ذاتی از زمان حسابرسی قبلی چه تغییری کرده است؟
- آیا به تغییراتی در کنترل داخلی برای پرداختن به این تغییرات ایجاد شده در ریسک ذاتی نیاز است؟

تنها بعد از آنکه حسابرسی به حد کفایت به این پرسشها پاسخ داد قادر خواهد بود ماهیت و حدود روشهای اضافی ارزیابی ریسک را تعیین کند شکل زیر فرایند ساختار یافته بکارگیری این رویکرد را توصیف می کند:

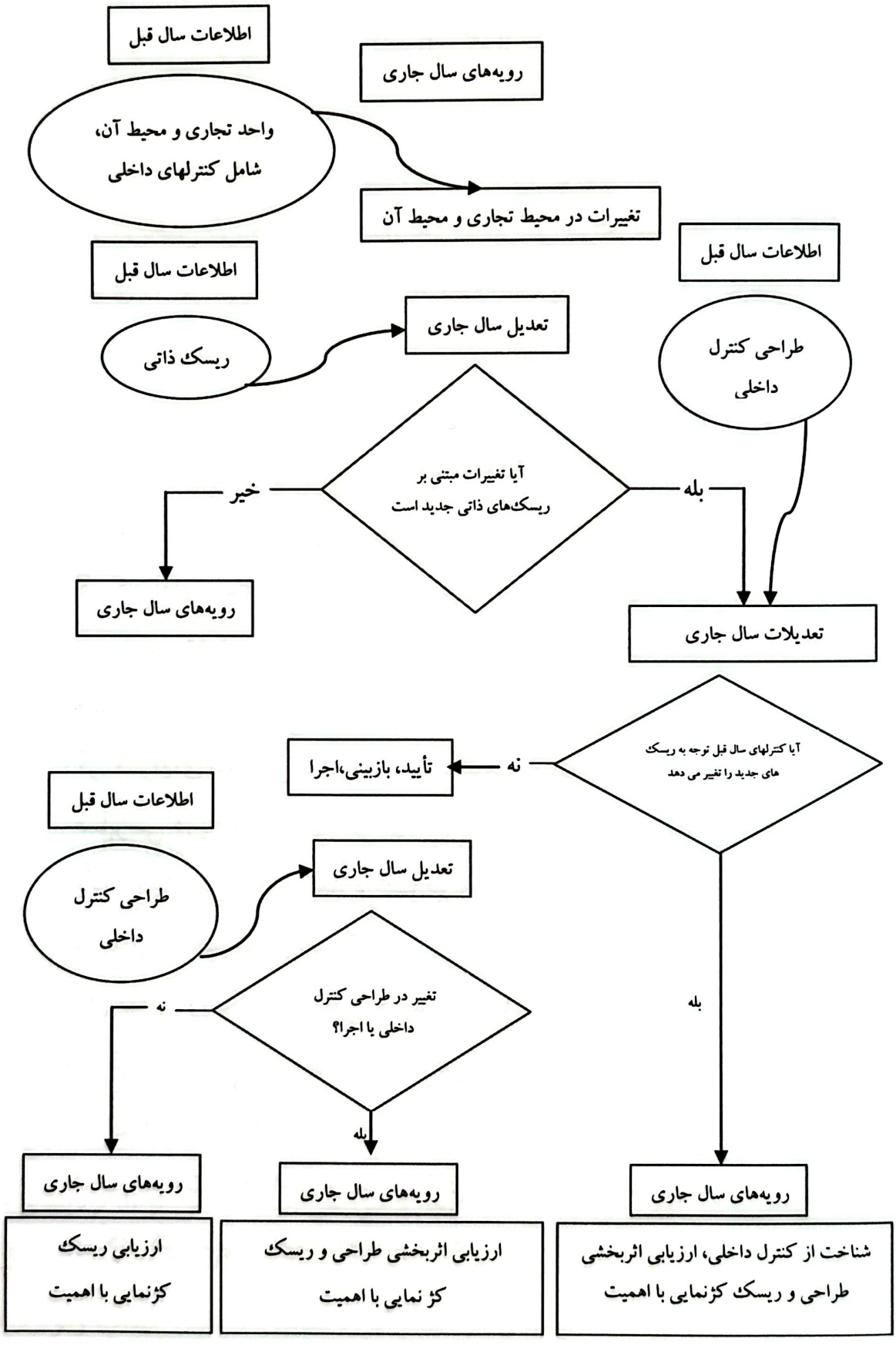
اطلاعات سال قبل
رویه‌های سال جاری
واحد تجاری و محیط آن، شامل کنترلهای داخلی
تغییرات در محیط تجاری و محیط آن
اطلاعات سال قبل
اطلاعات سال قبل
تعدیل سال جاری
ریسک ذاتی
طراحی کنترل داخلی
آیا تغییرات مبتنی بر ریسک‌های ذاتی جدید است
خیر
بله
رویه‌های سال جاری
تعدیلات سال جاری
آیا کنترلهای سال قبل توجه به ریسک های جدید را تغییر می دهد
نه
تأیید، بازبینی،اجرا
اطلاعات سال قبل
تعدیل سال جاری
طراحی کنترل داخلی
تغییر در طراحی کنترل داخلی یا اجرا؟
نه
بله
بله
رویه‌های سال جاری
رویه‌های سال جاری
رویه‌های سال جاری
ارزیابی ریسک کژنمایی با اهمیت
ارزیابی اثربخشی طراحی و ریسک کژ نمایی با اهمیت
شناخت از کنترل داخلی، ارزیابی اثربخشی طراحی و ریسک کژنمایی با اهمیت

توصیف این درخت تصمیم‌گیری به شرح زیر می‌باشد:

- آغاز مطالعه با توجه به ماهیت تغییراتی که از حسابرسی قبلی تا کنون در واحد تجاری و محیط آن ایجاد شده است.
- اگر ریسک‌های ذاتی بدون تغییر باشند (و با فرض اینکه کنترلهای سال قبل به طور اثربخش طراحی و اجرا شده‌اند) حسابرسی برای تشخیص این که آیا تغییری در طراحی و اجرای آنها رخ داده است یا خیر به تأیید و بازبینی اجرای کنترلها نیاز خواهد داشت.
- اگر تغییرات در واحد تجاری یا محیط آن، ریسک‌های ذاتی جدید ایجاد کند یا ریسک‌های ذاتی را تعدیل کند آنگاه حسابرس لازم است تعیین کند که آیا تغییرات در کنترل داخلی ضرورتاً به ریسک‌های جدید می‌پردازد یا خیر.
- اگر کنترلهای مستقر در سال قبل در توجه به ریسک‌های جاری اثربخش باشد و حسابرس تشخیص داده باشد که تغییری در کنترل ایجاد نشده است، آنگاه حسابرس آماده ارزیابی ریسک کثر نمایی با اهمیت است.
- اگر کنترلهای سال قبل با توجه به ریسک‌های سال جاری اثربخش باشند اما حسابرسی دریافته باشد که طراحی یا اجرای این کنترلها تغییر کرده است، آنگاه حسابرسی نیاز خواهد داشت طراحی کنترلهای جدید را قبل از ریسک کثرنمایی با اهمیت ارزیابی کند.
- برای تمامی ریسک‌های ذاتی جدید یا تعدیل شده چشمگیری که کنترلهای سال قبل نتوانسته‌اند به آنها بپردازند، این فرایند شبیه فرایندی خواهد بود که در اجرای اولیه انجام می‌شود. حسابرس باید رویه‌های ارزیابی ریسک را برای کسب شناخت از طراحی و اجرای کنترلها اجرا کند تا مبنایی را برای ارزیابی ریسک کثر نمایی با اهمیت فراهم سازد.

گام سوم: اجرای مستمر

دامنه وسیع استانداردهای ارزیابی ریسک اجرای بهینه آن را حتی برای مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ نیز دشوار می‌سازد و بیشتر مؤسسه‌های حسابرسی به پالایش روشهای حسابرسی‌شان و تنظیم خط‌مشی مؤسسه برای برخورد با موضوعاتی که حاصل اعمال این استانداردها است ادامه می‌دهند.

اجزاء وعوامل مؤثر برخطر حسابرسی

خطر حسابرسی تابعی است از خطر تحریف با اهمیت صورتهای مالی یا به اختصار «خطر تحریف با اهمیت»، (یعنی خطر وجود تحریف با اهمیت در صورتهای مالی، پیش از انجام حسابرسی) وخطرآنکه حسابرسی، این تحریفها را کشف نکند(یعنی خطر عدم کشف). حسابرسی، روشهای حسابرسی رابرای برآورد خطر تحریف با اهمیت، اجرا می‌کند و با اجرای روشهای حسابرسی لازم برساس آن برآورد، خطر عدم کشف را محدود می کند.

حسابرس خطر تحریف با اهمیت را در سطح کلیت صورتهای مالی ودر سطح گروههای معاملات، مانده حسابها وموارد افشا وادعاهای مربوط ارزیابی می کند تا بتواند روشهای حسابرسی لازم را برای شناسایی تحریفهایی طراحی کند که از لحاظ صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، با اهمیت باشد. برخورد حسابرس با خطر برآوردی تحریف با اهمیت در سطح کلیت صورتهای مالی شامل ارزیابی دانش، مهارت وتوانایی کارکنان با مسئولیتهای مهم(از جمله در موردکارشناسان)، سطوح مناسب سرپرستی وبررسی وجود رویدادها یا شرایطی است که می تواند تردیدی قابل ملاحظه نسبت به ادامه فعالیت واحد مورد رسیدگی به عنوان یک واحد دایر بر انگیزد. حسابرس خطر تحریف با اهمیت را در سطح گروه معاملات، مانده حساب وموارد افشا

نیز مورد توجه قرار می دهد، زیرا این امر مستقیماً در تعیین ماهیت، زمانبندی اجرا ومیزان روشهای حسابرسی لازم در سطح هر ادعا به حسابرسی کمک می کند.

احتمال خطر حسابرسی به طور کلی در سطح مانده هر حساب به سه احتمال خطر ذاتی، خطر کنترل وخطر عدم کشف تجزیه می شود:

۱) **احتمال خطر ذاتی**: یعنی آسیب پذیری یک ادعا در مقابل تحریفی که بتواند به تنهایی یا در مجموع با تحریفهای دیگر، با اهمیت باشد با این فرض که هیچ گونه کنترل داخلی برای آن وجود ندارد.

۲) **احتمال خطر کنترل**: یعنی خطر رخ دادن تحریفی در یک ادعا که بتواند به تنهایی یا در مجموع با تحریفهای دیگر با اهمیت باشد، اما کنترلهای داخلی واحد مورد رسیدگی قادر به پیشگیری یاکشف واصلاح بموقع آن نباشد.

۳)**احتمال خطر عدم کشف**: یعنی خطر اینکه حسابرس، تحریفی موجود در یک ادعا را که بتواند به تنهایی یادر مجموع با تحریفهای دیگر با اهمیت باشد، کشف نکند، به عبارتی روشهای رسیدگی حسابرسان سبب شود به این نتیجه برسند که تحریف با اهمیتی در حساب وجود ندارد، در حالی که حساب مزبور واقعاً حاوی تحریف با اهمیت است.

دربرآورد خطر حسابرسی می بایست روشهای حسابرسی زیر در تعیین میزان خطر مورد مطالعه قرار گیرند:

۱) ارزیابی کنترلهای داخلی

۲) روشهای تحلیلی

۳) رسیدگی تفصیلی

اگر حرف AR را نشانه خطرحسابرسی یعنی خطر وجود اشتباه عمده در حساب، پس از حسابرسی قرار دهیم و حروف اختصاری زیر را برای مفاهیم زیر در نظر بگیریم:

خطر حسابرسی(خطر قابل پذیرش حسابرسی) Auditing Risk AR

خطر ذاتی وجود اشتباه در حساب Inherent Risk IR

خطر کنترل یعنی سیستم کنترل داخلی مانع Control Risk CR
ارتکاب اشتباه و کشف آن نشود.

خطرعدم کشف ناشی ازاجرای بررسی تحلیلی Amalytical Review ARR
Risk
(یعنی خطر این که با کاربرد روشهای تحلیلی هم اشتباه کشف نشود.).

خطر عدم کشف آزمون جزئیات(یعنی خطر Test of Details TD
اینکه اشتباه پس از آزمون جزئیات وبررسی تفصیلی Detection Risk
هم کشف نشده باقی بماند).

خطر عدم کشف مانده حسابها یا گروه معاملات Detection Risk DR

با استفاده از موارد بالا فرمول خطر حسابرسی(الگوی خطر حسابرسی) را می توان چنین عنوان کرد:

AR=TD×ARR×CR×IR
ویا AR=DR×CR×IR

اگر احتمال اشتباه عمده در حسابی یک باشد وخطر اشتباه نوع دوم مربوط به کنترلهای داخلی، روشهای تحلیلی ورسیدگی های تفصیلی ۲۰٪ باشد، می توان خطر حسابرسی وخطر عدم کشف را به این صورت تعیین کرد:

AR=٪۲۰×٪۲۰×٪۲۰×۱= ۰/۰۰۸ DR=٪۲۰×٪۲۰=۰/۰۴

دراین راستا توجه به نکات زیر ضروری است:

۱) علت اینکه مقدار کمی خطر خیلی کوچک شده است این است که هریک از سه روش (ارزیابی کنترلهای داخلی، روشهای تحلیلی ورسیدگی تفصیلی) در کشف

ویافتن اشتباه مستقل عمل می کنند وهریک از آنها از لحاظ حسابرسی عامل اضافی دیگری در کشف اشتباه محسوب می شوند، بعبارتی مکمل همدیگر هستند.

۲) خطر قابل پذیرش با سطح اطمینان رابطه معکوس دارد. یعنی در صورتی که حسابرسی خطر قابل پذیرش حسابرسی را کاهش می دهد، این به معنای تمایل حسابرسی به تأمین سطح اطمینان بیشتر نسبت به نبود اشتباه با تحریف در صورتهای مالی است. بنابراین این دو مکمل همدیگر هستند برای مثال اگر خطر قابل پذیرش ۵٪ باشد، سطح اطمینان ۹۵٪ خواهد بود.

۳) رابطه بین خطر قابل پذیرش وسطح عدم کشف یک رابطه مستقیم می باشد، یعنی هر قدر سطح خطر قابل پذیرش پایین آورده شود به دلیل نیاز به شواهد حسابرسی بیشتر، سطح خطر عدم کشف نیز پایین می آید.

۴) اگر امکان دستیابی به سطح قابل قبول خطر حسابرسی نباشد، حسابرسی باید نظر مشروط یا عدم اظهار نظر ارائه دهد.

به عبارتی کلی تر میتوان گفت:

خطر عدم کشف × خطر کنترل × خطر ذاتی = خطرحسابرسی

در اختیار حسابرس است	در ید و اختیار حسابرس نیستند
متغییر وابسته	متغییر مستقل
مربوط به جنبه های حسابداری	مربوط به جنبه های عملیاتی
متأثر از روش های رسیدگی حسابرسان	متأثر از صاحبکار ومحیط آن

حسابرسان هنگام برنامه ریزی حسابرسی باید میزان دقت احتمال خطر های ذاتی و کنترل هر یک از حسابهای عمده صورتهای مالی را تعیین کنند و سپس برای کاهش احتمال خطر عدم کشف تا سطح مورد قبول، روشهای رسیدگی کافی را برنامه ریزی نمایند. دو گروه اصلی آزمون های حسابرسان عبارتند از:

۱) **آزمون رعایت**: عبارت است از ارزیابی نقاط قوت کنترلهای تعبیه شده در فرایند تهیه اطلاعات و سیستم های مربوط.

۲) **آزمون محتوا**: آزمون هایی که برای ارزیابی صحت اطلاعات پردازش شده به وسیله سیستم های مزبور طراحی شده اند.

به این ترتیب در صورتی که خطر کنترل برآوردی حسابرسی، حداکثر باشد، اجرای آزمون کنترلها ضرورت ندارد. به عبارتی آزمون کنترلهای زمانی انجام می شود که حسابرس بخواهد بر سیستم کنترل داخلی واحدهای مورد رسیدگی اتکا کند یعنی خطر کنترل کمتر از حداکثرباشد، در غیر این صورت حسابرسی باید با تأکید بر رویکرد محتوایی انجام شود.

خطر ذاتی

خطر ذاتی که به احتمال تحریف در صورت نبود کنترل های کافی مربوط می شود، در دو سطح صورت های مالی(یعنی در سطح واحد رسیدگی) و در سطح مانده حسابها و گروههای معاملات برآورد می شود. حسابرس برای تدوین طرح کلی حسابرسی باید خطر ذاتی را در سطح صورت های مالی برآورد کند و برای تدوین برنامه حسابرسی، این برآورد را به مانده حسابهای بااهمیت یا گروههای عمده معاملات ربط دهد.

عامل اصلی تعیین کننده خطر ذاتی هر مانده حساب و گروه معاملات، میزان تحریف پذیری آن است بدون توجه به سیستم کنترل داخلی مربوط. این امر متأثر از عوامل زیر است

۱) ماهیت حساب مورد نظر مانند:

الف) سر فصلهای صورت های مالی که احتمال تحریف دارند، مانند سرفصل هایی از صورتهای مالی که در دوره قبل به اصلاح نیاز داشته است یا سر فصل هایی با ماهیت برآوردی.

ب) پیچیدگی معاملات ودیگررویدادهایی که ممکن است نیازمند استفاده ازکارشناسان می باشد.

پ) میزان قضاوت بکار رفته در تعیین مانده حسابها(برآوردی یا قطعی بودن).

ت) زیان پذیری یا احتمال سوء استفاده از داراییها، برای مثال داراییهای با ارزش بالا و با قابلیت نقل و انتقال بسیار سریع مانند وجوه نقد.

ث) تکمیل شدن معاملات غیر عادی و پیچیده، به ویژه در پایان یا اواخر دوره مالی.

ج) معاملات نیازمند پردازشهای خارج از روال عادی.

چ) حسابهای متأثر از معاملات با اشخاص وابسته.

۲) خطر ذاتی در سطح صورتهای مالی واحد رسیدگی.

۳) بر اساس عوامل مندرج در بند۱ بالا، خطر ذاتی مانند برخی از حسابهای عمده به شرح زیر پیشنهاد می شود:

نوع حساب	درصد ریسک ذاتی
دارایی ثابت غیر منقول	٪۵۰
داراییهای ثابت منقول	٪۶۰
بستانکاران تجاری	٪۶۰
حقوق و دستمزد	٪۶۵
موجودی مواد و کالا	٪۷۰
بدهکاران تجاری	٪۷۰
فروش	٪۷۰
سایر هزینه ها	٪۷۰
مصرف مواد	٪۷۵
خرید	٪۸۰
موجودی نقد	٪۱۰۰
سایر حسابهای عمده	به تشخیص حسابرس

(سازمان حسابرسی، دستورالعمل حسابرسی، کمیته تجدیدنظر دستورالعمل حسابرسی، نشریه ۱۵۰)

۴)در مورد خطر ذاتی هر مانده حساب با توجه به خطر ذاتی در سطح صورتهای مالی به شرح زیر عمل می شود:

الف) اگر خطر ذاتی مانده هر حساب بیشتر از خطرذاتی در سطح صورتهای مالی باشد، خطر ذاتی مانده حساب انتخاب می شود

ب) اگر خطر ذاتی مانده هر حساب کمتر ازخطر ذاتی در سطح صورتهای مالی باشد، میانگین آن دو به عنوان خطر ذاتی مانده حساب در نظر گرفته می شود.

خطر ذاتی با شواهد برنامه ریزی شده رابطه ای مستقیم دارد به این ترتیب که هر چه قدر خطر ذاتی بیشتر باشد، می بایست شواهد بیشتری جمع آوری گردد که این هم

نیازمند بکارگیری افراد باتجربه زیاد و بررسی دقیق و کامل کاربرگهای رسیدگی می باشد، این امر باعث کاهش خطر عدم کشف میگردد، به، عبارتی رابطه بین خطرذاتی و خطر عدم کشف، رابطه ای معکوس می باشد.

خطر کنترل

خطر کنترل به احتمال تحریف علی رغم وجود کنترلها مربوط می شود. این خطر تابعی است از اثر بخشی طراحی و کارکرد کنترلهای داخلی از لحاظ دستیابی واحد مورد رسیدگی به هدفهای مربوط به تهیه صورتهای مالی. به دلیل محدودیت های ذاتی کنترلهای داخلی، خطر کنترل همیشه تا حدودی وجود خواهد داشت که حداقل ۳۰٪ می باشد رابطه خطرکنترل با شواهد حسابرسی یک رابطه مستقیم می باشد یعنی با افزایش خطر کنترل، نیاز به شواهد حسابرسی و رسیدگی های بیشتری می باشد که در نتیجه آن خطرعدم کشف کاهش می یابد، یعنی بین خطر کنترل و خطر عدم کشف نیز رابطه معکوسی وجود دارد.

شناخت حسابرسان از سیستم کنترل داخلی صاحبکار، مبنایی را برای برآورد احتمال خطر کنترل فرآهم می کند. برای مثال در صورتی که حسابرسان به این نتیجه برسندکه سیستم کنترل داخلی صاحبکار، مؤثر وکارا نیست، احتمال خطرکنترل را در سطح بالایی تعیین خواهند کرد و به دنبال آن حسابرسان می توانند احتمال خطر عدم کشف را در سطح پایین تعیین کنند و به عکس:

سیستم کنترل داخلی ضعیف باشد ⟸ احتمال خطر کنترل افزایش می یابد ⟸

میزان آزمون های محتوای حسابرسی، افزایش می‌یابد ⟸ احتمال خطرعدم کشف در سطح پایین تعیین می‌شود.

خطر ذاتی و خطر کنترل، خطرهای مربوط به واحد مورد رسیدگی و بدون توجه به حسابرسی شدن یا نشدن صورتهای مالی وجود دارد. حسابرس لازم است خطر تحریف با اهمیت در سطح هر ادعا را به عنوان مبنایی برای تعیین روشهای حسابرسی لازم

برآورد کند، اگر چه این برآورد قضاوتی بوده و اندازه گیری دقیق خطر نمی‌باشد؛ در صورتی که برآورد حسابرس ازخطر تحریف بااهمیت، مبتنی براثربخشی کارکرد کنترلها باشد، وی آزمون کنترلها را برای پشتیبانی از برآوردخطر اجرا می کند.

خطر عدم کشف

خطر عدم کشف، چه کنترلها وجود داشته باشند یا وجود نداشته باشند، به دلیل عملیات حسابرس وجود دارد. این خطر تابعی است ازاثربخشی روشهای حسابرسی و نحوه کاربرد آن توسط حسابرس. با توجه به اینکه حسابرس معمولاًهمه معاملات یک گروه، مانده حسابها یا موارد افشا را رسیدگی نمی کند و همچنین به دلیل وجود عوامل دیگر، خطرعدم کشف نی تواند تا حد صفر کاهش یابد حداقل خطر عدم کشف بررسیهای تحلیلی ۶۰٪ پیشنهاد می شود. عوامل دیگر شامل احتمال انتخاب یک روش حسابرسی نامناسب توسط حسابرس، کاربرد نادرست یک روش حسابرسی مناسب یا تغییر نادرست نتایج حسابرسی است. خطر عدم کشف یا برآورد خطرتحریف با اهمیت در سطح هر ادعا، رابطه معکوس دارد، حسابرس هر چه خطر تحریف با اهمیت را بالاتر بداند، خطر عدم کشف کاهش می یابد و برعکس حسابرس هر چه تحریف با اهمیت را پایین تر بداند، خطر عدم کشف افزایش می یابد. خطر عدم کشف، مقدار شواهد مورد نیاز برای انجام آزمون های محتوا را تعیین می کند که حسابرس برای جمع آوری آنها برنامه ریزی می کند. به عبارتی خطر عدم کشف رابطه ای معکوس با مقدار شواهد حسابرسی دارد. یعنی هر چه قدر خطر عدم کشف کمتر برآورد شود، گرآوری شواهد حسابرسی بیشتر ضرورت پیدا می کند، هر چند که حجم کاری را افزایش می دهد.

ارتباط بین چارچوب برنامه حسابرسی با خطرات حسابرسی را می توان به این صورت نشان داد[1]:

---

۱) Donald H.Taylor; G.william Gelezen, Auditing, ۱۹۹۷, p. ۲٤٤

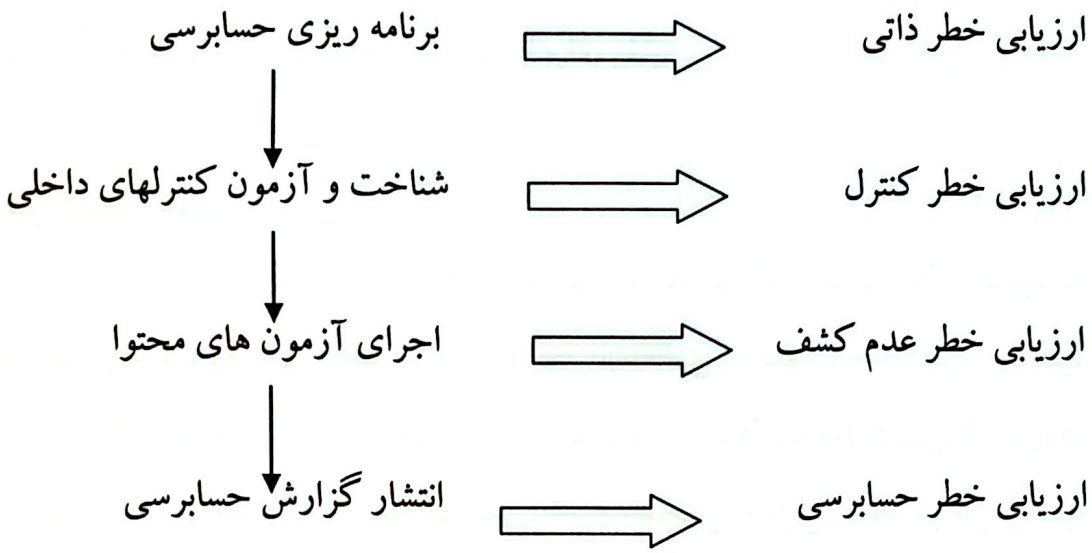

فرآیند حسابرسی

فرایند حسابرسی شامل پنج بخش به شرح زیر است:

۱- برنامه‌ریزی حسابرسی

۲- اجرای آزمون کنترلها و برآورد خطر کنترل

۳- برآورد خطر عدم کشف

۴- طراحی، اجرا و ارزیابی نتایج آزمون محتوا

۵- بررسی تکمیلی و صدور گزارش حسابرس مستقل

نمودار نحوه کلی حسابرسی

(با تأکید بر مدیریت خطر حسابرسی)

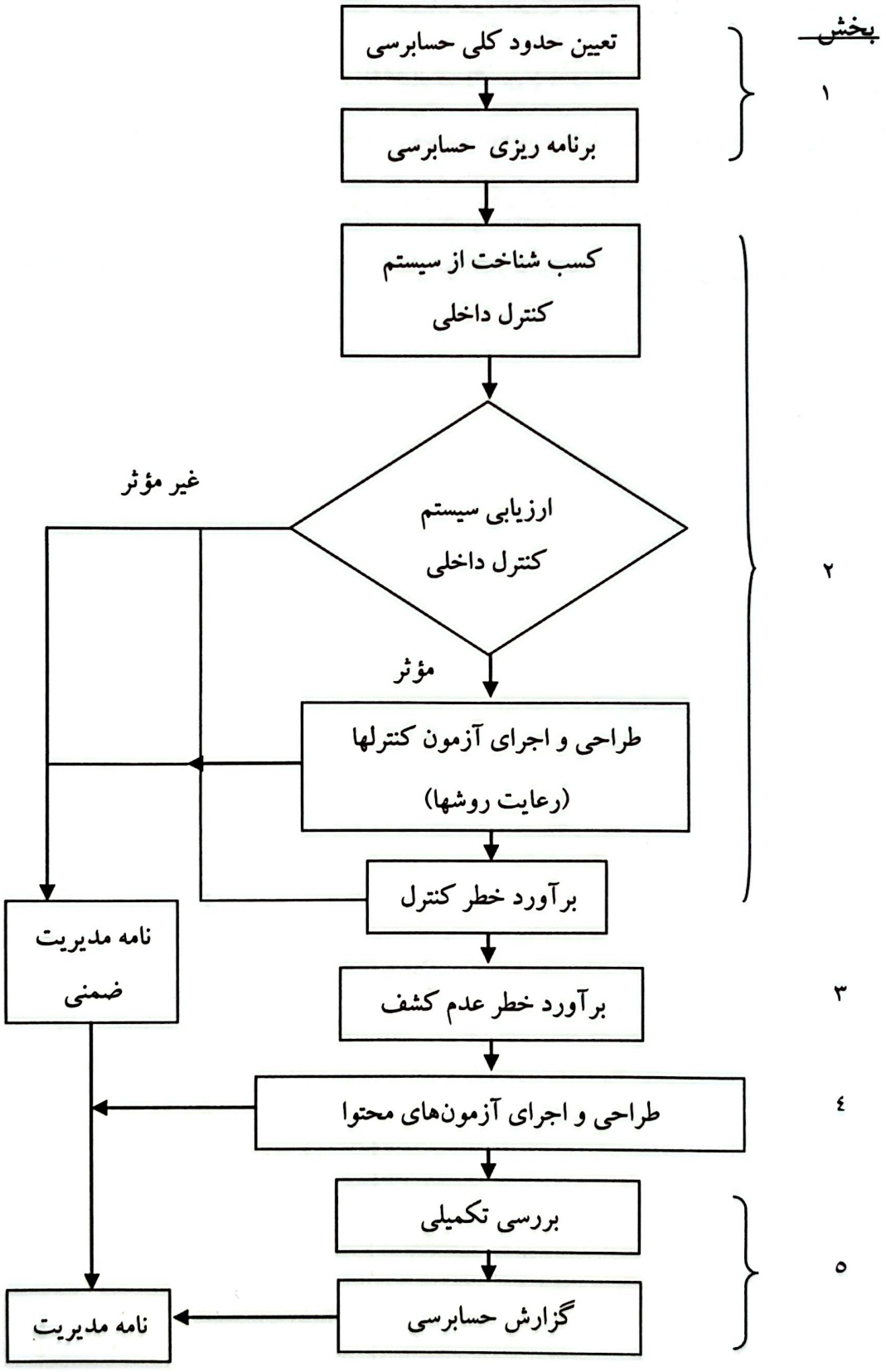

۱- برنامه‌ریزی حسابرسی

برنامه‌ریزی، مهم‌ترین مرحله از مراحل حسابرسی است که بر سایر مراحل حسابرسی اثری مستقیم و قابل ملاحظه دارد. برنامه‌ریزی یعنی پیش از پذیرش کارحسابرسی در مورد واحد مورد رسیدگی جدید تحقیق شود، درباره فعالیت واحد مورد رسیدگی، شناخت لازم کسب گردد و برای سازماندهی، یکنواخت سازی و تنظیم برنامه‌های کار حسابرسان، طرحی کلی تنظیم شود. مراحل برنامه‌ریزی به شرح شکل زیر می‌باشد:

برنامه‌ریزی حسابرسی

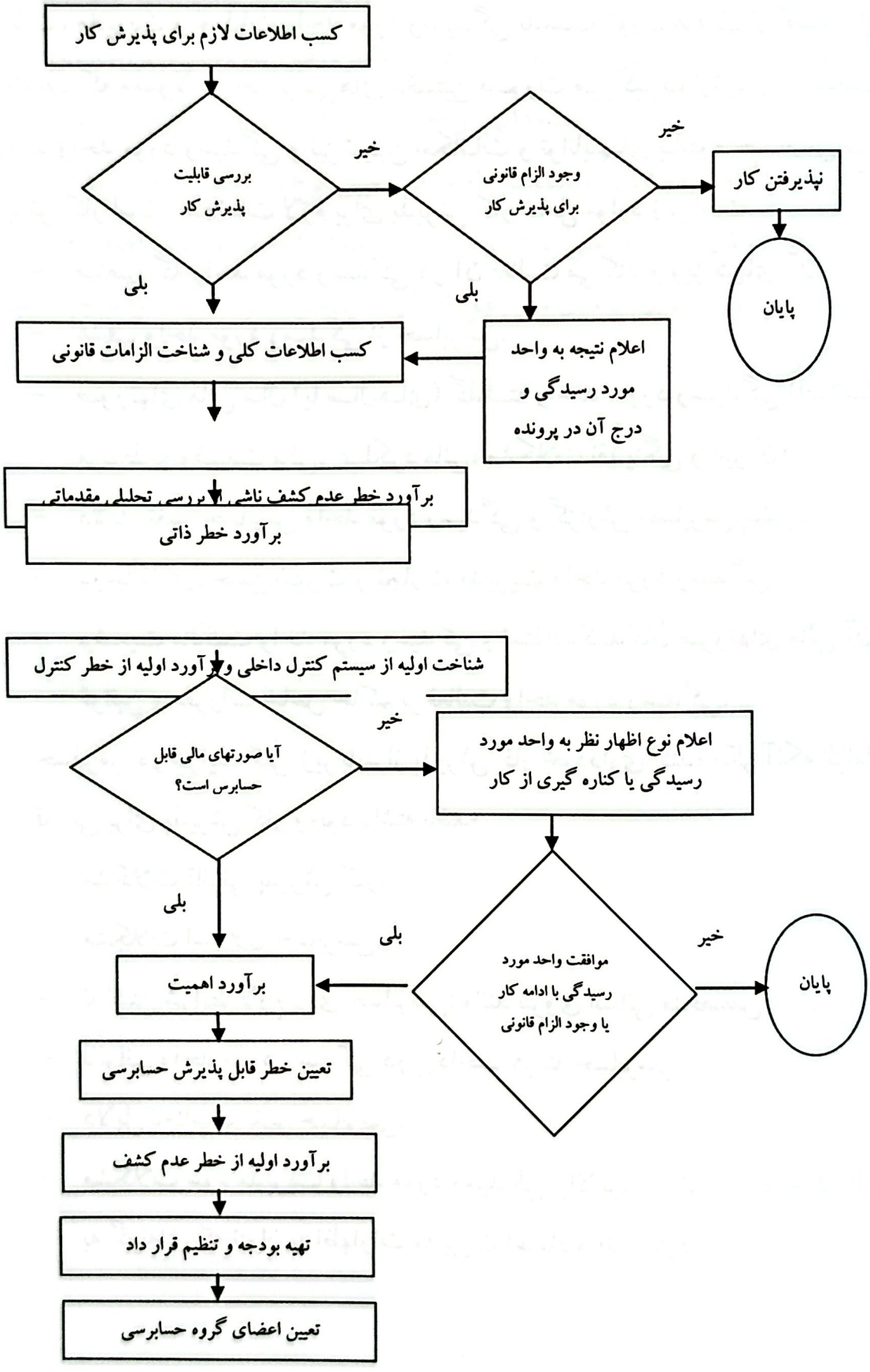

حسابرس پیش از پذیرش کار حسابرسی باید شناختی مقدماتی از صنعت مربوط به مالکیت، مدیریت و عملیات واحد مورد رسیدگی بدست آورد. هدف از کسب این اطلاعات که معمولاً در حسابرسی‌های نخستین صورت می‌گیرد، ارزیابی وضعیت و شرایط واحد مورد رسیدگی و نیز تعیین امکانات و تواناییهای بالقوه حسابرس برای پذیرش کار است. اطلاعات لازم برای پذیرش کار شامل موارد زیر است:

- صنعتی که واحد مورد رسیدگی در آن فعالیت می‌کند و ویژگیهای آن.
- هدف واحد مورد رسیدگی از حسابرسی.
- صورتهای مالی سال (یا سال‌های) گذشته واحد مورد رسیدگی (اطلاعات مربوط به وضعیت مالی، عملکرد مالی، مشکلات نقدینگی و غیرآن).
- دلایل تغییر حسابرس واحد مورد رسیدگی و گزارش حسابرس پیشین.
- درستکاری، حسن شهرت و تجارت مدیریت واحد مورد رسیدگی
- وضعیت مالکیت واحد مورد رسیدگی و استفاده‌کنندگان صورتهای مالی آن.
- قوانین و مقررات خاص حاکم بر فعالیت واحد مورد رسیدگی.

حسابرس در شرایط کلی زیر باید از پذیرش کار خودداری کند، مگر آنکه الزامات قانونی برای پذیرش کار وجود داشته باشد؛

- مشکلات قانونی پذیرش کار.
- مشکلات استقلال حسابرسی.
- نداشتن شرایط لازم برای حسابرسی: مانند نیروی انسانی متخصص
- ناتوانی واحد مورد رسیدگی در پرداخت هزینه حسابرسی.
- دلایل نامناسب تغییر حسابرسی.
- مشکلات سوء مدیریت واحد مورد رسیدگی (بالا بودن بیش از حد خطر ذاتی، به گونه‌ای که نتوان به اظهارات مدیریت اعتماد و اتکا کرد).

بکارگیری **بررسیهای تحلیلی** در مرحله برنامه‌ریزی به منظور کسب شناخت از فعالیت واحد مورد رسیدگی و تعیین زمینه‌های بالقوه مخاطره‌آمیز کار، است. بررسیهای مذبور می‌تواند توجه حسابرس را به جنبه‌هایی از فعالیت واحد مورد رسیدگی جلب کند که قبلاً از آنها آگاه نبوده است و همچنین او را در تعیین نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود سایر روشهای حسابرسی یاری رساند. در جدول ۲-۱ نسبت‌های اصلی مربوط به سال مالی مورد رسیدگی با سال مالی قبل از آن مقایسه و خطر تغییرهای توجیه نشده، کمی گردیده است:

برآورد خطر عدم کشف ناشی از بررسی تحلیلی مقدماتی

	سال قبل(۱)	سال جاری (۲)	تفاوت سال جاری با سال قبل(۳)	درصد تغییر(۴)	درصد خطر(۵)
۱-نسبت جاری (دارائیهای جاری نسبت به بدهی های جاری)					
۲-دوره وصول مطالبات $\frac{\text{متوسط حسابهای دریافتنی} \times ۳۶۰}{\text{فروش خالص}}$					
۳-دوره گردش کالا $\frac{\text{متوسط موجودی کالا} \times ۳۶۰}{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}}$					
۴-نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه					
۵-نسبت مالکانه(نسبت ارزش ویژه به کل دارایی)					
۶-نسبت پوشش بدهی(نسبت دارایی ثابت به بدهی بلند مدت)					
۷-نسبت سود ناخالص به فروش خالص					
۸- نسبت سود عملیاتی به فروش خالص					
۹-بازده دارایی(نسبت سود خالص به جمع دارایی)					
۱۰-بازده سرمایه در گردش(نسبت سود خالص به سرمایه در گردش)					
متوسط ردیف های ۱ تا ۱۰(با توجه به بند ۶ زیر)					

توضیح:

۱- این نسبت‌ها در صورتی قابل اتکا است که صورتهای مالی سال قبل واحد مورد رسیدگی حسابرسی شده باشد. در غیر این صورت، خطر مربوط معمولاً ۱۰۰٪ در نظر گرفته می‌شود.

۲- درصورت آماده نبودن صورتهای مالی نهایی، از پیش‌نویس صورتهای مالی و در صورت آماده نبودن پیش‌نویس، از اقلام و مبالغ برآوردی (براساس اطلاعات موجود) استفاده خواهد شد. در این صورت، خطر حاصل (بند۵ زیر) با تشخیص مدیر حسابرسی افزایش می‌یابد.

۳- منظور از این تفاوت هرگونه تغییرات مثبت یا منفی است.

۴- بعضی از تغییرات نسبت‌ها و روندها نسبت به دوره قبل، با توجه به بررسی‌های اولیه حسابرسی، به سهولت توجیه‌پذیر است. در این گونه موارد، درصد خطر با توجه به قضاوت حرفه‌ای مدیر حسابرسی تعدیل و توضیحات لازم در کاربرگهای مربوط منعکس می‌شود.

۵- خطرناشی از انحرافهای (تا ۵٪)، (۶ تا ۲۰٪)،(۲۱ تا ۵۰٪) و (بیش از ۵۰٪) به ترتیب معادل ۶۰٪ ، ۷۵٪، ۹۰٪ و ۱۰۰٪ در نظر گرفته می‌شود.

۶- جهت محاسبه خطر عدم کشف بررسی تحلیلی مقدماتی، پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت ردیفهای ۷ تا ۱۰، به این موراد ضریب وزنی ۲ و به سایر ردیف‌ها ضریب وزنی ۱ اختصاص داده شود.

۲- شناخت اولیه از سیستم کنترل داخلی و برآورد اولیه از خطر کنترل

شناخت اولیه از سیستم کنترل داخلی و برآورد اولیه از خطر کنترل برای دستیابی به اهداف زیر انجام می‌شود:

الف) تشخیص قابل حسابرس بودن صورتهای مالی

سوابق حسابداری، مهم‌ترین منبع کسب شواهد حسابرسی در رابطه با هدفهای حسابرسی است و هنگامی که حسابرس، صورتهای مالی را غیر قابل حسابرسی تشخیص دهد، ضمن طرح موضوع با بالاترین رده ذیصلاح در واحد مورد رسیدگی باید کناره‌گیری از کار یا اعلام نوع اظهارنظر حرفه‌ای (عدم اظهارنظر) را به واحد مورد رسیدگی (مثلاً مجمع عمومی) مدنظر قرار دهد.

ب) تدوین استراتژی حسابرسی

شناخت اولیه از سیستم کنترل داخلی، حسابرس را در تدوین استراتژی حسابرسی (چگونگی قابلیت اتکا بر سیستم کنترل داخلی) و طراحی نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود آزمونهای حسابرسی یاری می‌رساند.

ج) تعیین خطر عدم کشف برنامه‌ریزی شده

اطلاعات کسب شده درباره سیستم کنترل داخلی و برآورد اولیه از خطر کنترل در مرحله برنامه‌ریزی، یکی از عوامل مؤثر در تعیین خطر عدم کشف و در نتیجه، حجم عملیات (بودجه انجام کار) با استفاده از مدل خطر حسابرسی است.

پس از کسب شناخت اولیه از سیستم کنترل داخلی، حسابرس باید برآورد اولیه‌ای از خطر کنترل به عمل آورد. خطر کنترل میزان انتظار حسابرسی از عدم کشف یا پیشگیری اشتباهات و یا تحریفات توسط سیستم کنترل داخلی است و در بهترین شرایط، دست کم معادل ۳۰٪ پیشنهاد می‌شود.

برآورد اهمیت[۱]

برآورد حسابرس از اهمیت، حداکثر اشتباهات و تحریفاتی است که می‌تواند در صورتهای مالی وجود داشته باشد و حسابرس کماکان بر این باور باشد که اشتباهات و تحریفات مزبور بر قضاوت و تصمیم‌گیری یک استفاده کننده منطقی تأثیری ندارد.

برآورد حسابرسی از اهمیت **اشتباه قابل تحمل** نیز نامیده می‌شود.

مراحل تعیین و بکارگیری اهمیت در جریان حسابرسی به شرح زیر می‌باشد:

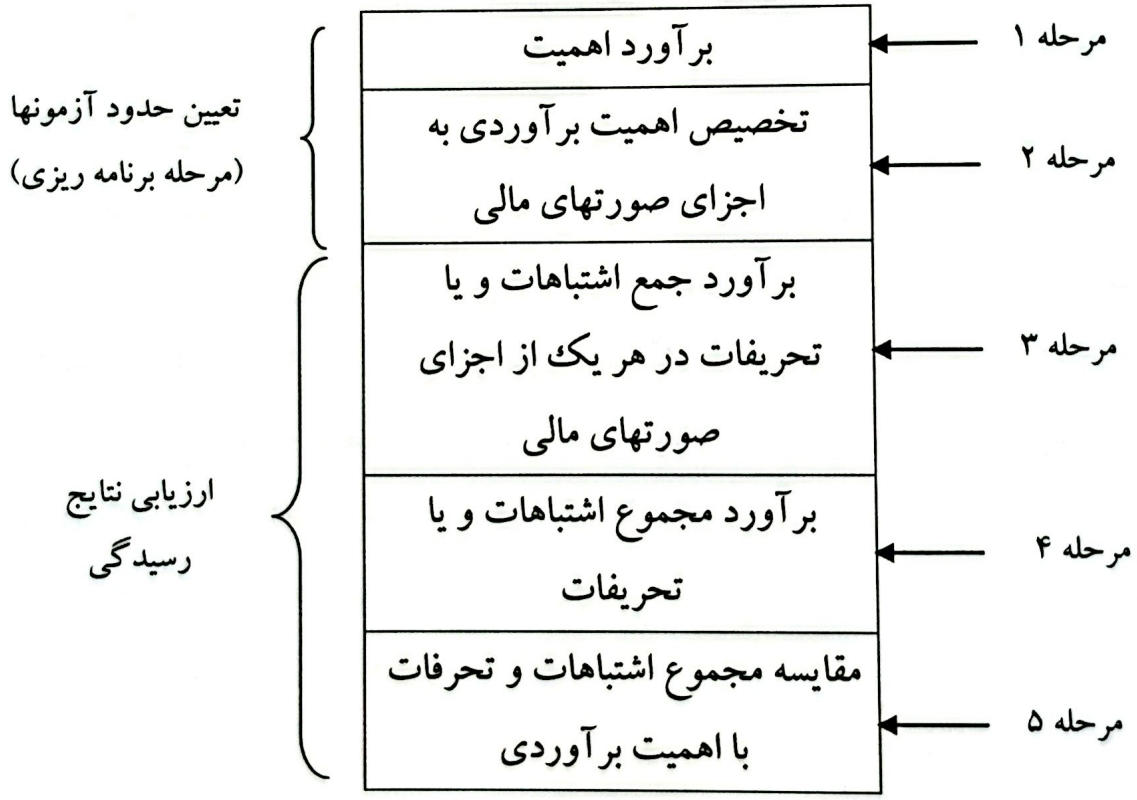

برآورد اهمیت یکی از مهم‌ترین تصمیماتی است که حسابرس بر مبنای قضاوت حرفه‌ای خود اتخاذ می‌کند. اهمیت رابطه معکوس با خطر حسابرسی و حدود آزمون‌ها

---

۱) Materiality Assessment

(حجم شواهد حسابرسی) دارد و بنابراین عاملی تعیین‌کننده در تهیه بودجه حسابرسی است. مبلغ اهمیت برای شرایط عادی براساس جدول زیر پیشنهاد می‌شود:

متوسط جمع دارائیها و فروش / درآمد		سطوح اهمیت(درصد)	
تا ۱	میلیارد ریال		٪۳
تا ۱۰	میلیارد ریال	نسبت به مازاد ۱ میلیارد ریال	٪۲/۵
تا ۱۰۰	میلیارد ریال	نسبت به مازاد ۱۰ میلیارد ریال	٪۲
تا ۱۰۰۰	میلیارد ریال	نسبت به مازاد ۱۰۰ میلیارد ریال	٪۱/۵
بیش از ۱۰۰۰	میلیارد ریال	نسبت به مازاد ۱۰۰۰ میلیارد ریال	٪۱

(سازمان حسابرسی، دستورالعمل حسابرسی، کمیته تجدیدنظر دستورالعمل حسابرسی، نشریه ۱۵۰)

تخصیص اهمیت به مانده حسابهای مندرج در ترازنامه و حسابهای اصلی سود و زیان با هدف تعیین اشتباه قابل تحمل در هر یک از حسابهای مذبور انجام می‌شود. **تخصیص اهمیت به مانده حسابها** به شرح زیر صورت می‌گیرد:

الف) مجموع اهمیت تحصیص‌یافته به حسابها (اقلام مندرج در ترازنامه و سود و زیان) معادل ۳ برابر مبلغ اهمیت موضوع جدول بالاست. برای مثال، در صورتی که مبلغ اهمیت برآورد شده معادل ۲۰میلیون ریال باشد، مجموع اهمیت تخصیص‌یافته به حسابها معادل ۶۰ میلیون ریال خواهد بود.

ب) تخصیص مبلغ اهمیت در دو مرحله و با توجه به عوامل زیر انجام می‌شود:

- در مرحله اول، اهمیت قابل تخصیص به مانده حساب‌ها تنها براساس اندازه نسبی مانده هر حساب، تسهیم و اختصاص داده می‌شود.
- در مرحله دوم، مبلغ تخصیص‌یافته اولیه به هر مانده با در نظر گرفتن مجموعه عوامل زیر تعدیل می‌شود:

۱- به حسابهایی که حسابرسی آن مستلزم صرف زمان و هزینه بیشتر است، اهمیت (اشتباه قابل تحمل) بیشتری اختصاص داده می‌شود و در نتیجه، تعداد نمونه‌ها کاهش می‌یابد. مثلاً در شرایطی که حسابرسی حسابهای دریافتنی نسبت به حساب موجودی کالا دشوارتر و در نتیجه پرهزینه‌تر باشد، مبلغ با اهمیت (اشتباه قابل تحمل) بزرگتری به مانده حسابهای دریافتنی تخصیص داده می‌شود.

۲- در حسابهایی که انتظار وجود تحریف در آن بیشتر است، اهمیت کمتری تخصیص داده می‌شود. این امر موجب می‌شود که تعداد نمونه‌های انتخاب شده برای آزمونهای محتوا افزایش یابد. انتظار تحریف از عواملی چون کنترلهای داخلی، ماهیت حساب و تحریف‌های کشف شده در سال قبل تأثیر می‌پذیرد.

۳-تمامی مبلغ اهمیت به یک حساب تخصیص داده نمی‌شود و حداکثر مبلغ اهمیت تخصیص یافته به هر حساب معادل ۶۰٪ اهمیت برآوردی در سطح صورتهای مالی در نظر گرفته می‌شود. (در مثال بند الف، حداکثر ۱۲ میلیون ریال برای هر حساب).

تعیین خطر قابل پذیرش حسابرس

احتمال خطر اینکه حسابرس نسبت به صورتهای مالی حاوی اشتباه و یا تحریف با اهمیت، نظر حرفه‌ای نامناسب اظهار کند را **خطر حسابرسی** گویند. **خطر قابل پذیرش حسابرسی** [1] نیز میزانی از خطر مزبور است که حسابرس حاضر به پذیرش آن است. در مدل خطر، خطر قابل پذیریش حسابرس دارای رابطه مستقیم با خطر عدم کشف و در نتیجه، رابطه معکوس با شواهد حسابرسی است. تعیین خطر قابل پذیرش حسابرسی در مرحله برنامه‌ریزی، با هدف تدوین رویکرد مؤثر حسابرسی و تعیین حجم عملیات حسابرسی (مؤثر بر بودجه انجام کار) صورت می‌پذیرد. خطر قابل پذیرش حسابرسی علاوه بر اینکه به خطر گریزی حسابرسی بستگی دارد، عوامل زیر نسبت به آن حائز اهمیت است:

---

۱) Tolerable error

- گستردگی استفاده‌کنندگان صورتهای مالی و میزان اتکای آنان بر این صورتها.
- احتمال بروز مشکلات حاد مالی و نقدینگی در واحد مورد رسیدگی در دوره پس از صدور گزارش حسابرس.
- ترکیب مشتریان هر حسابرسی یا مؤسسه حسابرسی.

با توجه به این عوامل، خطر قابل پذیرش حسابرسی برای شرکت‌های مختلف در سازمان حسابرسی به شرح زیر تعیین می‌شود:

	دامنه خطر قابل پذیرش حسابرسی (درصد)
بانک‌ها	۵ تا ۸
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس	۵ تا ۸
شرکت‌های تحت پوشش نهادهای انقلاب	۵ تا ۸
سایر شرکت‌های دولتی	۵ تا ۸
شرکت‌های سرمایه‌گذاری	۵ تا ۸
شرکت‌های تحت پوشش بانک‌ها	۷ تا ۱۰
شرکت‌های تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان صنایع ملی ایران	۷ تا ۱۰
شرکت‌های خصوصی	۹ تا ۱۳

(سازمان حسابرسی، دستورالعمل حسابرسی، کمیته تجدیدنظر دستورالعمل حسابرسی، نشریه ۱۵۰)

برآورد اولیه از خطر عدم کشف

خطر عدم کشف ناشی از آزمون جزئیات یعنی خطر اینکه آزمونهای جزئیات و در نتیجه، شواهد حسابرسی گردآوری شده، اشتباهات و یا تحریف‌های با اهمیت موجود درمانده حسابها یا گروههای معاملات را کشف نکند. خطر عدم کشف ناشی از آزمون جزئیات با استفاده از رابطه زیر تعیین می‌شود:

$$\text{خطر عدم کشف ناشی از آزمون جزئیات} : \frac{\text{خطر قابل پذیرش حسابرسی}}{\text{خطر ذاتی} \times \text{خطر کنترل اولیه} \times \text{خطر بررسی‌های مقدماتی}}$$

هدف از تعیین خطر عدم کشف در مرحله برنامه‌ریزی، دستیابی به معیاری برای تعیین میزان شواهد حسابرسی مورد نیاز است. خطر عدم کشف وابسته به سایر عوامل مدل خطر است. به عبارتی خطر عدم کشف تنها هنگامی تغییر می‌یابد که یکی از عوامل دیگر مدل خطر تغییر کند.

۲- شناخت سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی و برآورد خطر کنترل (نهایی)

پس از کسب شناخت اولیه از سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی و تصمیم حسابرس مبنی بر پذیرش و انجام کار، اولین مرحله اجرای عملیات، کسب شناخت کافی از طراحی سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی و چگونگی اعمال آنهاست. حداقل خطر کنترل معادل ۳۰٪ پیشنهاد می‌شود. برآورد خطر کنترل به میزان حداقل مربوط به شرایطی است که سیستم کنترل داخلی شرکت به اندازه‌ای در کشف یا پیشگیری از وقوع اشتباهات و یا تحریف‌های با اهمیت مؤثر است که حسابرس می‌تواند کاملاً به آن اتکا کند.

برای کسب شواهد حسابرسی درباره اعمال کنترلهای داخلی در تمام طول دوره مالی، انجام **آزمون کنترلها (یا رعایت)** ضروری است. تعداد نمونه‌های آزمون کنترلها بر اساس خطر کنترل برآورد شده به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

خطر کنترل مربوط به طراحی	تعداد نمونه
تا ۲۵٪	۲۵
۴۰٪ تا ۲۶٪	۱۵
با لاتر از ۴۰٪	نمونه‌ای انتخاب نمی‌شود

در مواردی که خطر کنترل مربوط به طراحی بیش از ۴۰٪ برآورد شود، نمونه‌ای انتخاب نمی‌شود و خطر کنترل معادل ۱۰۰٪ در نظر گرفته می‌شود.

۳- برآورد خطر عدم کشف

خطر عدم کشف یعنی خطر این که آزمونهای محتوای حسابرسی، اشتباه و یا تحریف موجود در مانده یک حساب یا گروهی از معاملات را که بتواند به تنهایی یا در مجموع با اشتباهات و یا تحریف‌های موجود در سایر مانده حساب‌ها و گروههای معاملات، با اهمیت باشد، کشف نکند. خطر عدم کشف یکی از عوامل اصلی در تعیین نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود آزمونهای محتوا در حسابرسی است و برای هر یک از مانده حسابها و گروههای معاملات تعیین می‌شود. خطر عدم کشف با استفاده از رابطه خطر حسابرسی، به شرح زیر تعیین می‌شود:

$$\text{خطر عدم کشف مربوط به ماند یک حساب یا یکی از گروههای معاملات} = \frac{\text{خطر قابل پذیرش حسابرسی}}{\text{خطر ذاتی} \times \text{خطر کنترل}}$$

۴-طراحی، اجرا و ارزیابی نتایج آزمون‌های محتوا

منظور از آزمون‌های محتوا عبارتست از روشهایی که برای اثبات مطلوبیت ارائه هر قلم منعکس در صورت‌های مالی اجرا می‌شود. آزمون‌های محتوا، بردو نوع است:

الف) آزمون جزئیات معاملات و رویدادهای مالی و مانده حسابها

ب) بررسی تحلیلی

با توجه به ارتباط خطر عدم کشف با آزمون‌های محتوا، خطر مزبور خود از دو خطر فرعی مربوط به هر یک از انواع اصلی آزمون‌های محتوا با شرح زیر تشکیل می گردد:

$$\text{خطر عدم کشف مانده حساب یا گروه معاملات} = \text{خطر عدم کشف بررسی تحلیلی اجرا شده در مورد مانده حساب یا گروه معاملات} \times \text{خطر عدم کشف آزمون جزئیات مانده حساب یا گروه معاملات}$$

مراحل طراحی، اجرا و ارزیابی نتایج آزمون‌های محتوا به شرح زیر است:

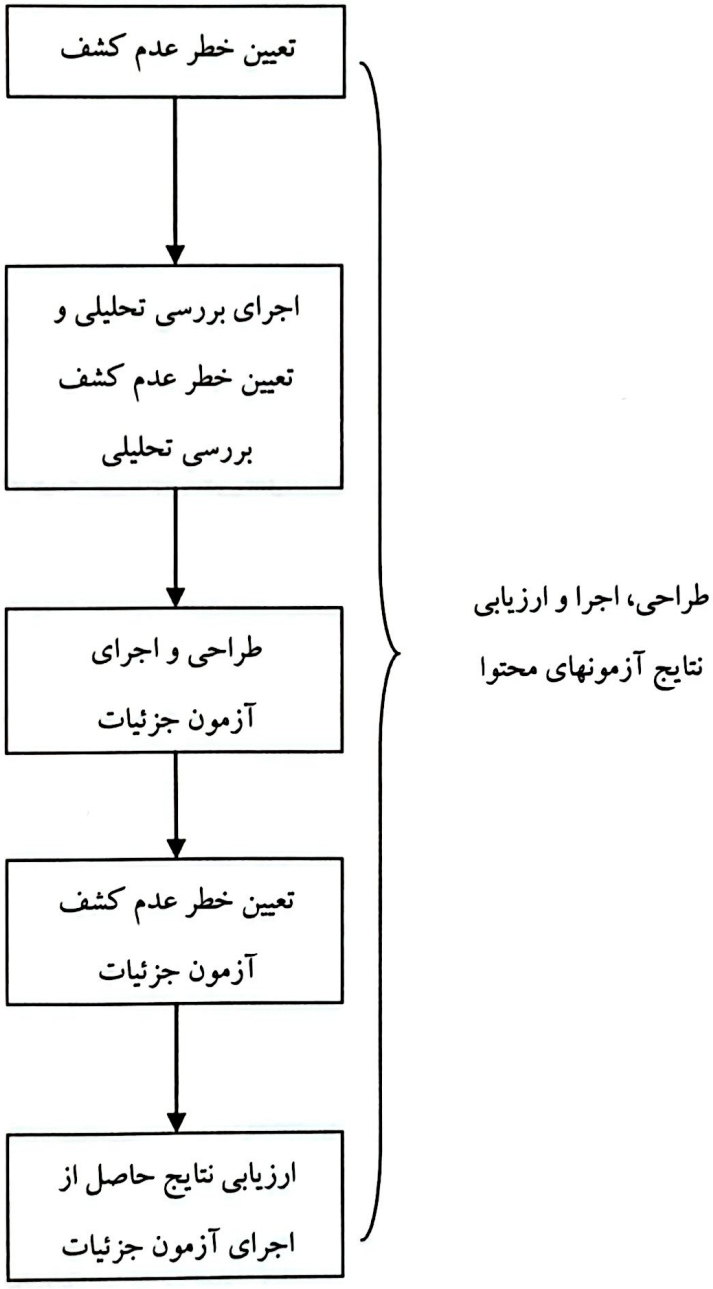

شناسایی ریسک

فرایند شناسایی ریسک با توجه به عناصر اصلی زیر توصیف می‌گردد:

- منابع ریسک
- عوامل خطر
- مخاطره

- بی حفاظ قرار دادن در مقابل ریسک

منابع ریسک[۱]

منابع ریسک یکی از عناصر محیط سازمانی است که می‌تواند نتایج مثبت یا منفی را به دنبال داشته باشد. برای مثال، تصمیم برای شروع تولید یک محصول جدید در یک سازمان، به شدت به وسیله بازار تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین شرایط بازار که بوسیله بود و نبود رقابت، بوسیله نیازهای مشتریان، بوسیله کیفیت مواد خام توصیف می‌گردد، یک منبع ریسک برای سازمان می‌باشند. منابع ریسک می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

۱- **محیط فیزیکی**[۲]: فجایع طبیعی مانند زلزله، طوفان، سیل و غیره منجر به زیانهای جدی می‌شوند. تأثیر محیط به افراد و تأثیر افراد محیط، جنبه‌های مهم این منبع ریسک هستند.

۲- **محیط اجتماعی**[۳]: تغییرات در ارزشهای انسانی، رفتار انسانی و موقعیت ساختارهای اجتماعی، جنبه‌های دیگر منبع ریسک هستند. اعتصاب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی وقایع مهم زیربنایی محیط اجتماعی به عنوان منبع ریسک هستند. سطح وفاداری و مهارت کارکنان نسبت به سازمان، تا حد زیادی تعیین کننده موفقیت سازمان هستند.

۳- **محیط سیاسی**[۴]: محیط سیاسی یک منبع ریسک مهم در تمامی کشورها می‌باشد. بخش حاکم می‌تواند به روشهای گوناگونی، سازمان را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال بوسیله حذف کمک‌ها به بعضی از شاخه‌های صنعت و یا قطع حمایت از بعضی صنایع از طریق اجرای قوانین محدود در رابطه با محیط آنها.

---

۱) Sources of risks
۲) Physical environment
۳) Social environment
٤) political environment

۴- **محیط عملیاتی**[۱]: فعالیتهای عملیاتی سازمان می‌تواند ایجاد کننده ریسک یا عدم اطمینان باشد و برای مثال، یک خرابکاری در فرآیند تولید، ممکن است منجر به خسارت مالی کارکنان شود. شرایط کاری نامناسب می‌تواند سلامت فیزیکی و روانی کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد و یا فرایندهای تولید، ممکن است به محیط آسیب برساند. در این وضعیت، سازمان یک منبع ریسک خواهد بود.

۵- **محیط اقتصادی**[۲]: محیط اقتصادی معمولاً، به شدت تحت تأثیر محیط سیاسی در یک کشور است. ولی جهانی شدن بازار باعث ایجاد بازاری شده است که بزرگتر از یک بازار بوده و می‌بایست بطور جداگانه بررسی گردد. اگر چه یک فعالیت خاص یک دولت می‌تواند بازار سرمایه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد، کنترل بازار برای یک دولت به تنهایی غیرممکن خواهد بود. از منابع ریسک ایجاد شده از محیط اقتصادی می‌توان به بحران و رکود اقتصادی، تغییرات نرخ بهره و سیاست‌های اعتباری اشاره کرد.

۶- **محیط قانونی**[۳]: محیط قانونی نیز سبب ایجاد ریسک و عدم اطمینان در کسب و کار می‌شود. سیستم قانونی به دلیل ایجاد تفاوت در قوانین جدید و قوانین جاری، سبب ایجاد ریسک برای محیط می‌گردد.

۷- **محیط شناخت‌نگر**[۴]: توانایی مدیران برای شناسایی، درک و ارزشیابی ریسک، بی‌عیب و نقص نیست. تفاوت بین استنباط و واقعیت برای افراد زیادی، یک منبع مهم ریسک برای یک سازمان می‌باشد. سوانح تولید که از بی‌دقتی و عوامل انسانی، ناشی شده‌اند، نمونه‌های آشکاری از ریسک محیط شناختی هستند.

---

۱) Operational environment
۲) Economic environment
۳) Legal environment
٤) Cognitive environment

عوامل خطر[۱]

عوامل خطر، شرایط و وضعیت‌هایی هستند که امکان رخداد سود و زیانهای غیرعملیاتی و شدت آنها را افزایش می‌دهند. یک اشتباه مدیر کارخانه در رابطه با گسترش بازار برای یک محصول مشخص، مثالی برای عوامل خطر است که تعیین‌کننده ریسک سیستم می‌باشد.

مخاطره[۲]

عبارتست از چیزی که در حدود ریسک بوده و دارای نتایج منفی و غیر سود ده می‌باشد. مخاطره می‌تواند در هر زمانی اتفاق بیافتد و سبب زیانهای ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی شود. یک مشخصه مخاطره این است که دارای معنی مثبت نیست و معمولاً سبب زیان غیرعملیاتی می‌شود. برای مثال، آتش‌سوزی، حادثه رانندگی، نقص شبکه توزیع.

بی‌حفاظ بودن منبع در مقابل ریسک[۳]

یک سازمان، چیزی است که در مقابل ریسک قرار دارد، زیرا رخداد یک واقعه نامطلوب، می‌تواند کل سازمان را تحت تأثیر قرار دهد. عامل بی‌حفاظ قرار دادن منابع در مقابل ریسک به عوامل زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱) **بی‌حفاظ قرار دادن منابع فیزیکی:** منابع فیزیکی می‌تواند شامل ماشین‌ها، ساختمانها، تجهیزات و غیره باشد. آنها ممکن است در معرض ریسک قرار گرفته، آسیب ببینند و سبب زیان‌های غیرعلمیاتی گردند.

۲) **بی‌حفاظ قرار دادن منابع انسانی:** منابع انسانی، ثروت یک سازمان هستند. موفقیت و رقابت‌پذیری یک سازمان تا حد زیادی به توانایی کارکنان و

---

۱) Hazard factors
۲) Perils
۳) Exposures to risk

خلافیت آنها بستگی دارد. ریسک متوجه از منابع انسانی را می‌توان به این شکل بیان کرد که برای مثال، خسارت کارکنان به سبب عدم توانایی آنها که می‌تواند به آسیب دیدن سلامت فیزیکی و روانی آنها و حتی مرگ آنها منجر شود.

۳) **بی‌حفاظ قرار دادن منابع مالی:** پول و دیگر داراییهای مالی مانند وثیقه‌ها، موضوع ریسک مالی هستند. برخلاف منابع فیزیکی، منابع مالی می‌توانند افزایش یا کاهش ارزش پیدا کنند بدون اینکه تغییر فیزیکی مستقیم داشته باشند. معمولاً سود و زیان‌های غیرعملیاتی مربوط به نتایج تغییر شرایط بازار هستند.

چارچوب شناسایی ریسک به شکل زیر می‌باشد:

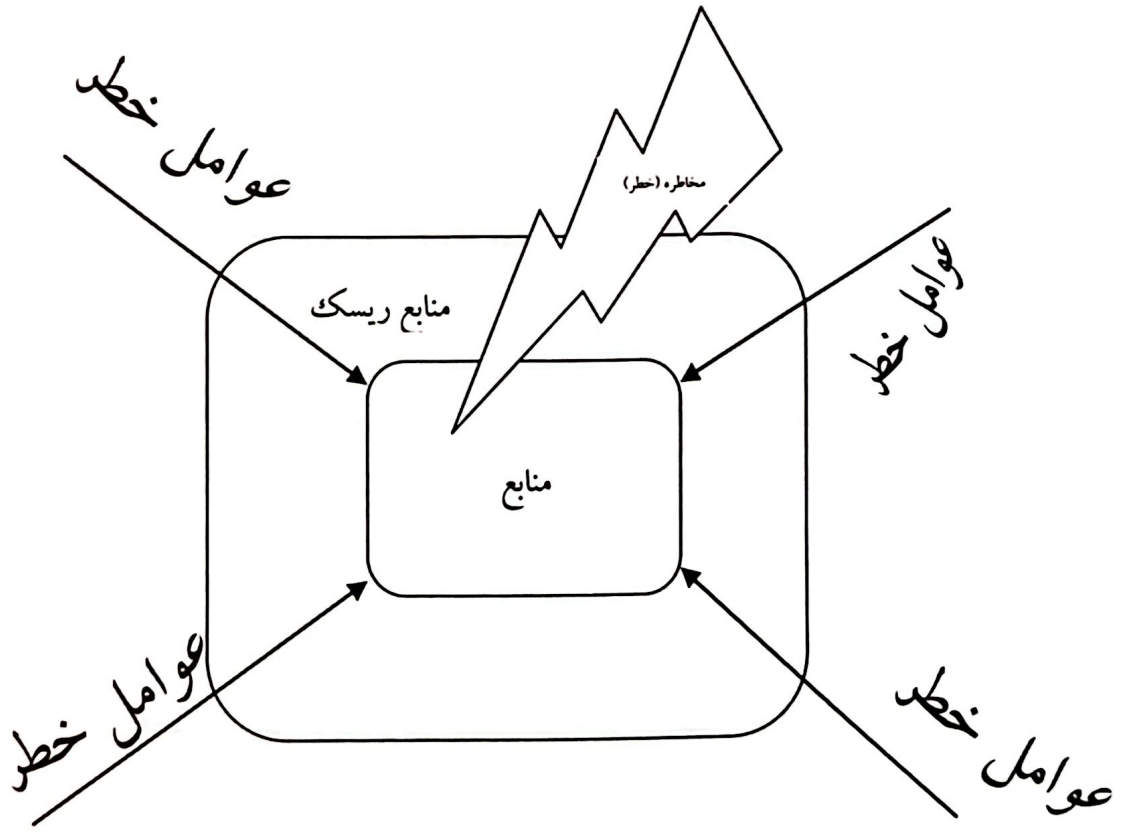

ارزیابی خطر، فرآیندی مستمر و جامع است و شامل شناسایی، بررسی و اقدام درباره خطرهای بالقوه داخلی و خارجی است که می‌تواند مانع دستیابی به هدف‌های تصریحی و تلویحی سازمان باشد. تصمیم گیری‌های اساسی در ارتباط با تأمین مالی، تولید، عرضه، سرمایه گذاری، بازاریابی و غیره متضمن خطر هستند. خطرهای هر یک از این تصمیم گیری‌ها می‌بایست ارزیابی شود.

بررسی خطرهای خارجی و داخلی

این بررسی باید شامل بررسی تعامل با عوامل خارجی چون فروشندگان، بستانکاران، سرمایه گذاران، کارکنان، سهامداران، مشتریان، واسطه‌ها، رقبا، ضابطین قانون و وسائل ارتباط جمعی باشد. **منشأ برخی از خطرهای خارجی به شرح زیر است:**

- **تغییرات فناوری.** برخی تغییرات در ارتباطات و ترابری یا پیشرفت‌های فناوری‌های رقیب، می‌تواند خطرهایی برای واحد انتفاعی و حتی تمام حرفه ایجاد کند.
- **خطرهای ارتباطات.** به سبب گسترش استفاده از شبکه‌های کامپیوتری و افزایش وابستگی به ارتباطات راه دور، این خطر به شدت افزایش یافته است. برخی از عوامل افزایش خطر در این محیط عبارتند از: افشا، دسترسی به اطلاعات، دستکاری غیرمجاز اطلاعات، پیام‌ها یا نرم‌افزار، انتقال اشتباهی اطلاعات، تعویق امور در نتیجه خرابی یا ویروسی‌شدن کامپیوتر یا شبکه، نقص در درستی و دقت اطلاعات، ضعف یا از رده خارج شدن طراحی‌ها، هزینه‌های بیش از حد تحمل و ضعف رد حسابرسی و مدیریت در سیستم‌های سازمان.
- **تغییر قوانین و مقررات.** مواردی چون افزایش مالیات‌ها، مقررات ایمنی جدید و ایجاد محدودیت‌های قانونی برای فعالیتهای بازرگانی می‌تواند برای واحد انتفاعی یا تمام صنعت، خطرساز باشد.

- **سوانح و بلایای طبیعی.** سوانح و بلایای طبیعی هم می‌تواند برای واحد انتفاعی و حتی تمام صنعت، خطرساز باشد. برای مثال، تمام شرکت‌های بیمه در اثر بروز زلزله یا طوفان و سیل، دچار زیان می‌شوند.
- **تغییر شرایط اقتصادی ملی یا بین‌المللی.** تغییر در عرضه پول، نرخ بهره، میزان اشتغال، عرضه کالا، تقاضای مشتریان، سطح دستمزدها، نرخ تبدیل ارزها، اوضاع سیاسی و غیره بر میزان خطر متوجه به واحد انتفاعی یا تمام صنعت، تأثیر دارد.

برخی از موارد خطرهای داخلی عبارتند از:

- بهم ریختن سیستمهای اطلاعاتی
- نداشتن کارکنان متخصص و با انگیزه و در نتیجه، تأثیر منفی براجرای کنترلها.
- تغییر وظایف مدیران
- انجام عملیاتی با میزان خطر ذاتی زیاد.
- دسترسی آسان کارکنان به داراییهای شرکت.
- هیات مدیره و کمیته حسابرسی بدون اثربخشی

ریسک تجارت الکترونیک برای حسابرسان و حسابرسی مستمر

یکی از نقش‌های مهمی که حسابرس بر عهده دارد، ایجاد ارزش افزوده برای شرکت از طریق کاهش هزینه تأمین مالی یا افزایش قیمت سهام شرکت است. با توجه به اهمیت حسابرسی، توجه به ریسک‌های حسابرسی نیز ضروری می‌باشد. یکی از این ریسک‌ها، پیشرفت فناوری اطلاعات[۱] و به ویژه تجارت الکترونیک[۲] است. فناوری اطلاعات، منابع

---

۱) InformationTechnology
۲) Electronic commerce

اطلاعاتی گوناگونی در اختیار کاربران قرار می‌دهد که بر اساس آن نیاز به صورت‌های مالی سنتی و در نتیجه، کفایت حسابرسی سنتی کاهش می‌یابد.

فناوری‌های مربوط به تجارت الکترونیک، فرایندهای خرید، فروش، ارائه خدمات به مشتریان و حتی نحوه سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه فناوری اطلاعات، نحوه تهیه، حسابرسی و استفاده از صورتهای مالی تغییر می‌کند. این تغییرات ریسک‌های جدیدی را متوجه حسابرسی می کند که مهمترین آنها شامل موارد زیر است:

- از دست رفتن اهمیت نسبی صورت‌های مالی سالانه نزد استفاده‌کنندگان به ویژه سرمایه‌گذاران.
- منسوخ شدن اطلاعات تاریخی.

شرکت‌های دارای ارتباطات الکترونیک، بیش از سایر شرکت‌ها در معرض از بین رفتن اطلاعات، سرقت اطلاعات و دسترسی افراد غیرمجاز به اطلاعات قرار دارند. فدراسیون بین‌المللی حسابداران مخاطره‌های مربوط به داد و ستد الکترونیک را به دو گروه اصلی طبقه‌بندی کرده است:

الف) ریسک فناوری اطلاعات داد و ستد الکترونیک[۱].

ب) ریسک قانونی داد و ستد الکترونیک[۲].

---

۱) E-business IT Risks

۲) E- business legal Risks

شکل زیر نشان دهنده انواع ریسکهای مربوط به داد و ستد الکترونیک می‌باشد:

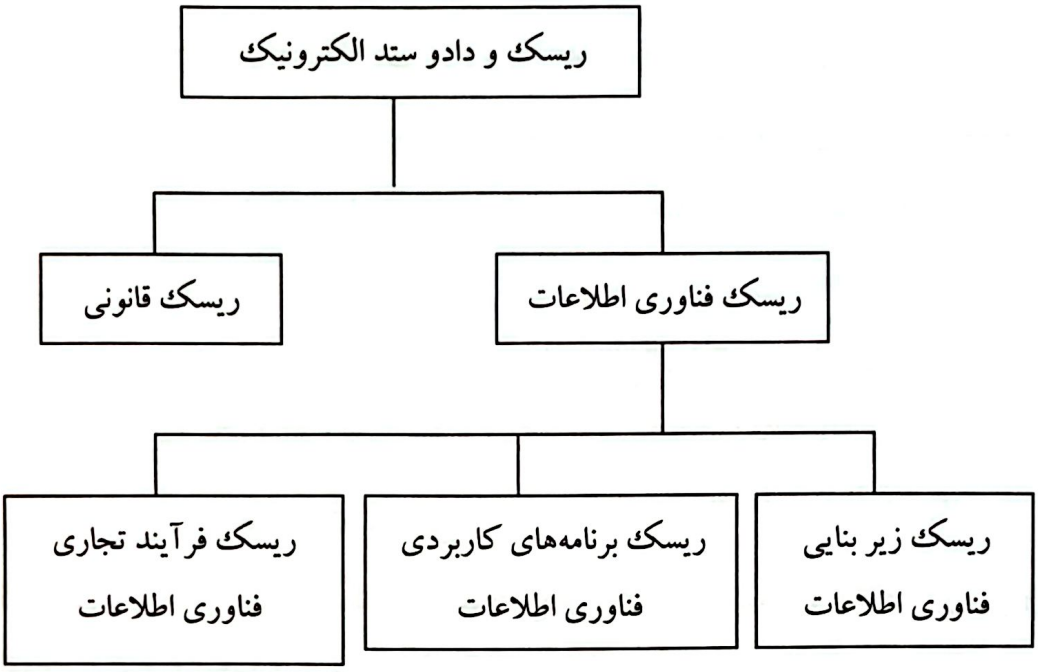

ریسک فناوری اطلاعات داد و ستد الکترونیک به اجزای زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- **ریسک زیربنای فناوری اطلاعات:** مربوط به مناسب بودن ساختار فناوری به کارگرفته شده برای پردازش اطلاعات است. نمونه‌هایی از این ریسک‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- ارزیابی‌های نادرست امنیت فیزیکی که از سرقت، دسترسی غیرمجاز یا افشای نادرست اطلاعات پیشگیری نمی‌کند.
- آسیب‌پذیری نسبت به گرمای بالا، آتش و سایر خطرات فیزیکی.
- عدم کفایت طراحی و فرآیندهای لازم یا نادرست بودن آنها.
- نبود فرایندهای پشتیبان به اندازه کافی.

- پیکربندی و بررسی ناکافی دیواره‌های آتش[۱] (موانع) در برابر تلاش‌های غیرمجاز و پنهان کردن ناکافی.

۲- **ریسک مربوط به برنامه‌های کاربردی فناوری اطلاعات** از قبیل:

- اشکالات و خطاهایی در استفاده از فناوری اطلاعات.
- تغییرات ناموزن یا ثبت نشده در برنامه.
- طراحی ناکافی و نامناسب فرمان‌ها.
- پردازش و کنترلهای خروجی در استفاده از فناوری اطلاعات.
- فرایندهای ناکافی در اطمینان از امنیت نرم افزار.

۳- **ریسک‌های مربوط به فرایند تجاری فناوری اطلاعات** از قبیل:

- شفاف نبودن جریان داده‌ها.
- ترکیب ناکافی سیستم‌ها.
- تعیین فرایندهای کنترل در فواصل بین فرایندهای کنترل.

ریسک قانونی داد و ستد الکترونیک

یکی از مسئولیت‌های مدیریت، اطمینان‌دهی از اجرای قوانین و مقررات در عملیات شرکت است. با توجه به تفاوت قوانین و مقررات در کشورهای مختلف و ناممکن بودن تجمیع آنها، استفاده از داد و ستد الکترونیک می‌تواند ریسک‌ها و هزینه‌های زیادی را متوجه شرکت سازد. برخی از این تفاوتها ممکن است شامل؛ تفاوت در قوانین و مقررات مربوط به **داراییهای معنوی**[۲] مانند حق امتیاز، حق انتشار، علائم تجاری (برند)، عقد قرارداد با ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و مالکیت نرم‌افزارهای خریداری شده باشد.

---

۱) Firewalls
۲) Intellectual properties

ویژگیهای حسابرسی در تجارت الکترونیک

براساس بخش ۴۰۱ استاندارد بین‌المللی حسابرسی، با عنوان حسابرسی در محیط سامانه‌های اطلاعاتی، نوع و ماهیت خطر و ویژگیهای کنترل‌های داخلی در محیط سامانه‌های اطلاعاتی تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

۱- **فقدان زنجیره عطف حسابرسی رویدادهای حسابداری:** ساختار برخی از سامانه‌های اطلاعاتی به گونه‌ای است که احتمال پیگیری زنجیره عطف رویدادهای حسابداری در راستای تحقق اهداف حسابرسی تنها برای مدت زمانی کوتاه وجود خواهد داشت. از اینرو و در صورت وجود اشتباه در منطق برنامه، ممکن است کشف آن در کوتاه مدت امکان‌پذیر نباشد.

۲- **پردازش یکسان رویدادهای حسابداری:** در سامانه‌های اطلاعاتی رایانه‌ای، رویدادهای مشابه به گونه‌ای یکسان مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بنابراین وجود اشتباهات سیستماتیک سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری موجب خواهد شد پردازش تمامی رویدادها به گونه‌ای نادرست صورت پذیرد.

۳- **فقدان تفکیک مسئولیت‌ها:** بسیاری از روش‌های کنترل که به طور معمول در سامانه‌های دستی به وسیله اشخاص مختلف اعمال می‌شود، ممکن است در سامانه‌های اطلاعاتی بصورت متمرکز درآید. بدین ترتیب شخصی که به برنامه‌های رایانه‌ای، پردازش‌ها یا اطلاعات دسترسی دارد، ممکن است در موقعیتی قرار گیرد که وظایف ناسازگاری را انجام دهد.

۴- **احتمال اشتباه و سوء جریان:** به دلیل وجود جزئیات در سامانه‌های رایانه‌ای احتمال بروز خطا در ایجاد، نگهداری و اجرای آن ممکن است بیشتر از سامانه‌های دستی باشد. همچنین ممکن است در سامانه‌های اطلاعاتی، احتمال دسترسی غیرمجاز اشخاص به اطلاعات یا تغییر اطلاعات بدون باقی گذاشتن شواهد ملموس، از سامانه‌های دستی

بیشتر باشد. افزون براین، به دلیل کاهش نقش انسان در پردازش رویدادها در سامانه‌های اطلاعاتی ممکن است احتمال کشف اشتباه‌ها و سوء جریان‌ها کاهش یابد.

۵- انجام رویدادها: سامانه های اطلاعاتی ممکن است قابلیت انجام خودکار برخی رویدادها را داشته باشد. در این گونه سامانه‌ها، مستندات و مجوزهای مربوط به این رویدادها یا روش‌ها، ممکن است مشابه سامانه‌های دستی ایجاد نشود و مجوزهای مدیریت برای این نوع رویدادها ممکن است در قالب طراحی سامانه‌های اطلاعاتی و اصلاحات بعدی آن بصورت ضمنی پذیرفته شده باشد.

۶- وابستگی سایر کنترلها به پردازش رایانه‌ای: حاصل پردازش‌های رایانه‌ای ممکن است گزارشها یا خروجی‌های دیگری باشد که از آنها برای اعمال کنترلهای دستی استفاده می‌شود. از اینرو، اثربخشی این کنترلها به تمامیت و درستی پردازش‌های رایانه-ای بستگی دارد. این در حالی است که اثربخشی پردازش رویدادها در رایانه به نوبه خود به کنترلهای اعمال شده در محیط سامانه‌های اطلاعاتی بستگی دارد.

۷- احتمال بالقوه افزایش در نظارت مدیریت: سامانه‌های اطلاعاتی ابزارهای تحلیلی گوناگونی در اختیار مدیریت قرار می‌دهد، که ممکن است در بررسی و نظارت بر عملیات واحد مورد رسیدگی سودمند واقع شود. فراهم آمدن این کنترلهای اضافی، ممکن است به تقویت کل ساختار کنترلهای داخلی منجر می‌شود.

۸- قابلیت استفاده از روش‌های حسابرسی به کمک رایانه: استفاده از رایانه به منظور تحلیل جمع وسیعی از اطلاعات فرصت لازم را برای استفاده از نرم‌افزارهای حسابرسی برای اجرای آزمونهای حسابرسی ایجاد می‌کند. ارزیابی حسابرسی از خطر و نوع، ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود روشهای حسابرسی تحت تأثیر خطر و کنترلهای مربوط به سامانه‌های اطلاعاتی قرار می‌گیرد.

حسابرسان باید ریسک‌های ممکن را که منجر به اظهارات نادرست در صورتهای مالی می‌شود، شناسایی و ارزیابی کنند. به منظور اطلاع‌رسانی بهنگام و مفید برای استفاده کنندگان، حسابرسان باید امنیت، صحت و اعتبار اطلاعات مالی را به موقع تضمین کنند. اما حرفه حسابرسی در تأمین نیازهای اطلاعاتی کاربران آنی اطلاعات مالی، کند شده است و از این رو است که مفهوم جدیدی در حسابرسی با عنوان **حسابرسی مستمر**[1] ایجاد شده است. روشی که حسابرسان مستقل را قادر می‌سازد تا توسط مجموعه گزارشهای حسابرسی که همزمان یا کمی بعد از وقوع رویدادی منتشر می‌شود، تاییدیه کتبی در یک موضوع معین مبنی بر صحت آن رویداد یا موضوع را ارائه دهند. برخی از **کاربردهای حسابرسی مستمر در تجارت الکترونیک** به شرح زیر است:

۱- اطمینان بخشی مستمر درباره معتبر، کامل و مردودپذیر نبودن مبادلات تجارت الکترونیک.

۲- اطمینان‌بخشی مستمر درباره کنترلهای موجود در سیستم‌های تجارت الکترونیک.

۳- اطمینان‌بخشی مستمر درباره اجرای مفاد قراردادهای بدهی.

۴- اطمینان‌بخشی مستمر درباره امنیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دربرگیرنده گزارشهای حاوی اطلاعات با اهمیت برای تصمیم گیری.

۵- اطمینان‌بخشی مستمر درباره اثربخشی کنترلهای موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی که برای تجارت الکترونیک و سایر هدفها در دسترس عموم قرار دارند.

حسابرسی مستمر عبارتست از یک روش منظم جمع‌آوری شواهد حسابرسی الکترونیک به عنوان مبنای معقول جهت اظهارنظر نسبت به ارائه منصفانه صورتهای مالی که تحت **سیستم بدون کاغذ** تهیه و ارائه شده است. حسابرسی مستمر، فرایند حسابرسی

---

1) Continuous Auditing

الکترونیک جامع می‌باشد که حسابرسان را قادر می‌سازد تا درجه‌ای از اطمینان را نسبت به اطلاعات مستمر، فوراً یا کمی بعد از انتشار بدست آورند و آن اطلاعات را افشا کنند. این نوع حسابرسی از چند نظر بر فرایند حسابرسی سنتی تأثیرگذار است:

۱- بکارگیری طرح حسابرسی بر محور خطر کنترل

۲- افزایش شناخت حسابرس از نوع فعالیت و صنعت صاحبکار.

۳- نیاز بیشتر حسابرسی به ادراک جریان معاملات و فعالیت‌های کنترلی که اعتبار و اعتمادپذیری اطلاعات مبتنی بر سیستم‌های حسابداری همزمان را تضمین می‌کند.

۴- تهیه نرم‌افزارهای حسابرسی مناسب بوسیله حسابرسان.

مراحل تکمیل فرایند حسابرسی مستمر به شرح زیر می‌باشد:

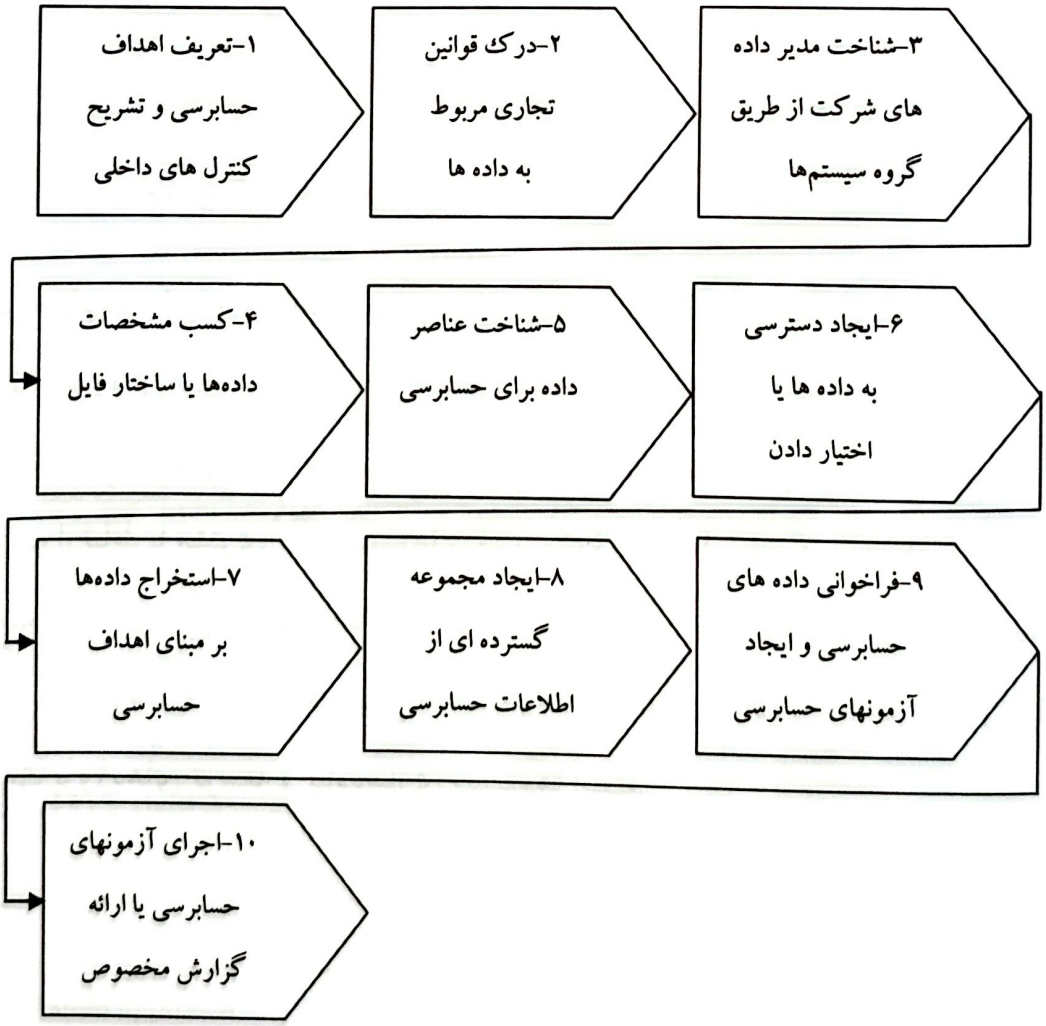

جدول زیر حسابرسی سنتی و مستمر را مقایسه کرده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن توصیف می‌کند.

	حسابرسی سنتی	حسابرسی مستمر
شباهتها	- خدمات شهادت‌دهی حرفه‌ای مستقل - استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری به عنوان معیار	- خدمات شهادت‌دهی حرفه ای مستقل - استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری به عنوان معیار
تفاوتها	- استفاده شده در سیستم های اطلاعاتی حسابداری بر مبنای کاغذ - انجام آن یکبار در سال	- استفاده شده در سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بدون کاغذ - مداوم یا گزارش به محض تقاضا
محدودیت‌ها	- عدم انطباق با فناوری -گزارشهای حسابرسی دوره ای	موانع فنی قابل توجه فقدان استانداردها و دستورالعمل‌های مدون
منافع	- پیشینه تکنیک‌ها و استانداردهای استفاده شده	- افزایش ارزش اطلاعات مالی بهنگام - گزارش حسابرسی به موقع

اغلب حسابرسی فن‌آوری اطلاعات بر مبنای **رویکرد مبتنی بر ریسک** انجام می‌شود. فعالیت‌ها و روش‌های مورد اجرا در حسابرسی فناوری اطلاعات شامل بررسی مستندات فرایندهای تجاری، ارزیابی کنترلهای موجود در سیستم‌ها (مانند برنامه‌ریزی منابع بنگاه[۱]، مدیریت ارتباط با مشتری[۲]، یا سیستم‌های مدیریت زنجیره ارزش[۳])، آزمون تعامل بین این سیستم‌ها، بررسی ردپای حسابرسی فرایند معاملات[۴]، آزمون صحت و اعتبار داده‌ها، بررسی و آزمودن کنترلهای دستیابی به سیستم‌ها، پایگاه‌های داده و شبکه‌ها و ارزیابی وضعیت پروژه‌های توسعه و پیاده‌سازی سیستم‌ها است.

---

۱) Enterprise Resource planning(ERP)
۲) Customer Relationship Management(CRM)
۳) Supply chain Management systems
٤) Reviewing Audit logs of Transaction processing

مزایای حسابرسی مستمر

مزایای حسابرسی مستمر را می‌توان بصورت زیر بیان نمود:

۱- سرعت زیاد در شناسایی خطرهای با اهمیت و یا نارساییهای کنترلی و گزارش به مدیریت، **رویکرد حسابرسی چرخه‌ای**[1] سنتی این خطرها و مشکلات را تنها زمانی گزارش می‌کند که حسابرسی انجام شده باشد. برای مثال، اگر حسابرسی شرکتی هر سه سال یکبار انجام شود و آخرین عملیات حسابرسی یک ماه قبل اجرا شده باشد، ولی مسائل و مشکلات جدیدی پس از آن به وجود آمده باشد، در حدود سه سال طول می‌کشد تا حسابرسی بعدی اجرا و مشکلات مزبور شناسایی شود.

۲- صحت داده‌ها در شرکت را می‌توان از طریق بکارگیری مناسب حسابرسی مستمر بهبود بخشید. به محض شناسایی اشتباهات در داده‌ها به وسیله این نوع حسابرسی، می‌توان آنها را بررسی، بازبینی و به موقع اصلاح کرد.

۳- بهبود کارائی عملیاتی و اثربخشی واحدهای تجاری

۴- کشف سریع‌تر تقلب

به طورکلی بکارگیری حسابرسی مستمر می‌تواند در برطرف کردن موارد اتلاف موجود در دامنه حسابرسی کنونی مفید باشد. در کل در حسابرسی، ممکن است هفت نوع اتلاف رخ دهد:

۱- **حسابرسی بیش از اندازه:** زمانی رخ می‌دهد که مؤسسه حسابرسی روش‌هایی را اجرا کند که بیش از نیاز است. هر روش حسابرسی که برخلاف ضرورت‌های مبتنی بر ریسک حسابرسی و ارزیابی اهمیت انجام شود، به عنوان اتلاف به حساب می‌آید که باعث بالا رفتن زمان و هزینه حسابرسی می‌شود.

---

۱) Cycle audit approach

۲- **زمان انتظار**[۱]: برای حسابرس، منتظر ماندن جهت دریافت اطلاعات مورد نیاز به منظور انجام دادن وظیفه‌اش معمولی است. زمانی که اطلاعات مورد نیاز دریافت شد، ممکن است حسابرس فوراً آماده کار نباشد. زمان انتظار به دلیل کمبود داده‌ها یا نیروی انسانی رخ می‌دهد.

۳- **تأخیرهای زمانی**[۲]: زمان لازم برای انجام حسابرسی سنتی با اهمیت است. معمولاً تأخیر زمانی بین پایان دوره گزارشگری و انتشار گزارش حسابرس وجود دارد.

۴- **فرایند حسابرسی**: چهارمین اتلاف مربوط به حسابرسی سنتی به دلیل ناکارایی‌های موجود در خود فرایند حسابرسی است. می‌توان از مرحله برنامه‌ریزی تا مرحله انتشار گزارش حسابرسی، چندین حوزه بالقوه وجود اتلاف را مشخص کرد. برخی از دلایل اتلاف در فرایند حسابرسی، کم تجربه بودن نیروها، ناکافی بودن داده‌ها و وجود مراحل گسترده حسابرسی است.

۵- **کار در جریان**[۳]: فرایند حسابرسی فرایندی یکنواخت و مستمر از ابتدا تا پایان نیست. در واقع، توقف‌ها و دوباره شروع کردن‌های زیادی وجود دارند که باعث بالا رفتن هزینه حسابرسی می‌شوند. حسابرسی از شروع مرحله برنامه‌ریزی تا انتشار گزارش، کار در جریان است.

۶- **فرایند بررسی**[۴]: فرایند بررسی اصولاً مقیاسی برای کنترل کیفیت است که شامل بررسی کار توسط مدیر و شریک در چند سطح می‌شود. روشهای حسابرسی مستمر، ممکن است فرایند بررسی را خودکار و کوتاه نماید.

۷- **خطاها و اشتباه‌ها**[۱]: با وجود فرایند بررسی، خطاها و اشتباه‌هایی در فرایند حسابرسی رخ می‌دهند. مرحله‌ای که در آن خطا یا اشتباه کشف می‌شود،

---

۱) Waiting
۲) Time Delays
۳) Work- in- process
٤) Review process

گویای میزان کار اضافی برای برطرف کردن آن خطا یا اشتباه است. برای دستیابی به محصول بدون خطا به فرایند کنترل نیاز داریم، ولی این فرایند ارزش افزوده‌ای ندارد.

۱) Errors and Mistakes

خلاصه

رویکردهای حسابرسی را می‌توان به این ترتیب عنوان کرد: رویکرد محتوای (شیوه سندرسی)، رویکرد ترازنامه‌ای، رویکرد مبتنی بر سیستم و رویکرد مبتنی بر ریسک. رویکرد مبتنی بر ریسک، احتمال اینکه اهداف حسابرسی تحقق نیابد را به حداقل می‌رساند. برای این منظور، حسابرسان می‌بایست اقدام به ارزیابی ریسک ارائه نادرست با اهمیت در سطح صورتهای مالی و در سطح ادعاها بر اساس درک و شناخت‌شان از واحد مورد حسابرسی و محیط آن شامل کنترلهای داخلی بنمایند. فرایند شناسایی ریسک با توجه به عناصر اصلی زیر توصیف می‌گردد: منابع ریسک، عوامل خطر، مخاطره و بی‌حفاظ قرار دادن در مقابل ریسک. منابع ریسک خود ناشی از عوامل زیر می‌باشد: محیط فیزیکی، محیط اجتماعی، محیط سیاسی، محیط عملیاتی، محیط اقتصادی، محیط قانونی و محیط شناخت‌نگر. بی‌حفاظ بودن در مقابل ریسک نیز خود ناشی از بی‌حفاظ قرار دادن منابع فیزیکی، منابع انسانی و منابع مالی است. فرایند حسابرسی شامل پنج بخش به شرح زیر است:

۱) برنامه‌ریزی حسابرسی، ۲) اجرای آزمون کنترلها و برآورد خطر کنترل، ۳) برآورد خطر عدم کشف، ۴) طراحی، اجرا و ارزیابی نتایج آزمون محتوا، ۵) بررسی تکمیلی و صدور گزارش حسابرسی مستقل. هدف از شناخت اولیه از سیستم کنترل داخلی و برآورد اولیه از خطر کنترل، الف) تشخیص قابل حسابرسی بودن صورتهای مالی، ب) تدوین استراتژی حسابرسی ج) تعیین خطر عدم کشف برنامه‌ریزی شده می‌باشد. هدف از تعیین خطر عدم کشف در مرحله برنامه‌ریزی، دستیابی به معیاری برای تعیین میزان شواهد حسابرسی مورد نیاز است. خطر عدم کشف وابسته به سایر عوامل مدل خطر است.

سؤالهای تشریحی

۱- روشها و رویکردهای حسابرسی را توضیح دهید.

۲- رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک را با رویکرد مبتنی بر سیستم مقایسه کنید.

۳- عوامل مؤثر برفرایند شناسایی ریسک را توضیح دهید؟

۴- نحوه برنامه‌ریزی حسابرسی با دیدگاه مدیریت خطر حسابرسی را توضیح دهید.

۵- هدف از شناخت اولیه از سیستم کنترل داخلی و برآورد اولیه از خطر کنترل را توضیح دهید؟

۶- مراحل تعیین و بکارگیری اهمیت در جریان حسابرسی را توضیح دهید.

۷- حسابرسان هنگام برنامه‌ریزی یک حسابرس باید سطوح احتمال خطر و اهمیت را برای آن کار تعیین کنند. قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان درباره این دو عامل چگونه بر روشهای رسیدگی مورد نظر آنان اثر می‌گذارد؟ توضیح دهید.

۸- مزایای حسابرسی مستمر را بیان کنید؟

۹- مراحل اجرایی حسابرسی مستمر را بیان و آن را با حسابرسی سنتی مقایسه کنید.

سؤالهای چهارگزینه‌ای

۱- در کدام یک از موارد زیر، منابع حسابرسی بر آزمون حجم زیادی از معاملات و مانده حسابها متمرکز می‌باشد، بدون آنکه هیچ توجه خاصی بر زمینه‌های خاصی از صورتهای مالی باشد.

الف) رویکرد ترازنامه‌ای ب) رویکرد محتوایی(سندرسی)

ج) رویکرد مبتنی بر ریسک د) رویکرد مبتنی بر سیستم

۲- کدام یک از موارد زیر جزو خطرهای خارجی می‌باشد؟

الف) تغییر وظایف مدیران

ب) هیأت مدیره و کمیته حسابرسی بدون اثربخشی

ج) به هم ریختن سیستم‌های اطلاعاتی

د) تغییر قوانین و مقررات

۳- در کدم یک از شرایط زیر، حسابرس باید از پذیرش کار حسابرسی خودداری کند؟

الف) دلایل نامناسب تغییر حسابرس

ب) شرکت صاحبکار در صنعت خاص فعالیت داشته باشد.

ج) مشکلات استقلال حسابرسی

د) موارد الف و ب

۴- در صورتی که صورتهای مالی واحد مورد رسیدگی در سالهای قبل، حسابرس نشده باشد، خطر عدم کشف ناشی از بررسیهای تحلیلی مقدماتی، چند درصد در نظر گرفته می‌شود؟

الف) ۵۰٪ ب) ۷۵٪ ج) ۹۰٪ د) ۱۰۰٪

۵-طبق استانداردهای و دستورالعمل حسابرسی، حداکثر مبلغ اهمیت تخصیص‌یافته به هر حساب چقدر می‌باشد؟

الف) حداکثر ۵۰٪ اهمیت برآوردی در سطح صورتهای مالی

ب) حداکثر ۱۰٪ رقم کل داراییهای شرکت

ج) حداکثر ۶۰٪ اهمیت برآوردی در سطح صورتهای مالی

د) حداکثر ۲۰٪ رقم کل داراییهای شرکت

۶- در مدل خطر حسابرسی، خطر قابل پذیرش حسابرسی دارای رابطه ..... با خطر عدم کشف و رابطه ..... با شواهد حسابرسی می‌باشد.

الف) مستقیم ـ معکوس

ب) معکوس ـ معکوس

ج) معکوس ـ مستقیم

د) مستقیم ـ مستقیم

۷- طبق دستورالعمل حسابرسی، دامنه خطر قابل پذیرش حسابرسی شرکتهای خصوصی چند درصد می‌باشد؟

الف) ۷ تا ۱۰ ب) ۹ تا ۱۳ ج) ۵ تا ۸ د) ۷ تا ۱۳

۸-تعداد نمونه‌های آزمون کنترلها بر اساس خطر کنترل برآورد شده معادل ۵۰٪، چقدر می‌باشد؟

الف) ۱۵ نمونه ب) ۲۵ نمونه ج) ۳۵ نمونه د) نمونه‌ای انتخاب نمی‌شود

۹-نبود فرایندهای پشتیبان به اندازه کافی مربوط به کدام یک از ریسک‌های تجارت الکترونیک می‌باشد؟

الف) ریسک زیربنایی فناوری اطلاعات

ب) ریسک برنامه‌های کاربردی فناوری اطلاعات

ج) ریسک قانونی

د) ریسک فرایند تجاری فناوری اطلاعات

۱۰- کدام یک از حسابرسیهای زیر، پاسخ مناسبی به ریسک تجارت الکترونیک می‌باشد؟

الف) حسابرسی عملیاتی

ب)حسابرسی یکپارچه

ج) حسابرسی مستمر

د) حسابرسی عملکرد

پرسشهای تحلیلی

۱- در حسابرسی مبتنی بر ریسک، اگر کنترلهای سال قبل با توجه به ریسک‌های سال جاری اثربخش باشند اما حسابرس دریافته باشد که طراحی یا اجرای این کنترلها تغییر کرده است، چه اقدامی ضروری به نظر می‌رسد؟

۲- براساس استانداردهای حسابرسی، اجرای روشهای تحلیلی در چه مراحلی از حسابرسی الزامی می‌باشد و در چه مراحلی غیرالزامی؟ کاربرد روشهای تحلیلی در هر یک از مراحل را توصیف و برای هر کدام مثال بیان کنید؟

۳- رابطه اشتباه قابل تحمل را با احتمال خطر حسابرسی بیان نموده و مراحل تعیین و بکارگیری اهمیت در جریان حسابرسی را تشریح کنید.

۴- نحوه اجرای آزمون کنترلها و آزمون‌های محتوای حسابرسی، در حسابرسی مبتنی بر ریسک با حسابرسی مبتنی بر سیستم چه تفاوت‌هایی دارند با هم مقایسه کنید؟

۵- جایگاه حسابرسی مستمر در حسابرسی مبتنی بر ریسک و حسابرسی تجارت الکترونیک را تشریح کنید؟

۶- حسابرسی مستمر را با حسابرسی یکپارچه مقایسه نموده و نیازمندی‌های هر کدام را بیان کنید؟

۷- ریسک موجود در تجارت الکترونیک، نیازمند اجرای کدام نوع حسابرسی می‌باشد، توضیح دهید؟

فصل سوم:

حسابرسی نقد و بانک

مقدمه

وجه نقد به دلیل اینکه دارای نقدینگی و سیالیت بالایی می‌باشد و دارای ریسک ذاتی ۱۰۰٪ است، برای حسابرسان دارای اهمیت زیادی می‌باشد، استفاده‌کنندگان صورتهای مالی نیازمند اطلاعاتی در خصوص چگونگی ایجاد و مصرف وجه نقد توسط واحد تجاری هستند. این نیاز صرف نظر از ماهیت فعالیت‌های واحد تجاری و تلقی یا عدم تلقی وجه نقد به عنوان محصول واحد تجاری، وجود دارد، چرا که علیرغم تفاوت این واحدها از لحاظ فعالیت‌های اصلی درآمدزا، نیاز آنها به وجه نقد عمدتاً از دلایل مشابهی ناشی می‌شود. به عبارت دیگر واحدهای تجاری جهت هدایت عملیات، تسویه

تعهدات و پرداخت سود سهام تماماً به وجه نقد نیاز دارند. وجه نقد به موجودی نقد و سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی اعم از ریالی و ارزی (شامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بدون سررسید) اطلاق می‌گردد. ویژگی **دیداری بودن** در مورد اقلام تشکیل‌دهنده وجه نقد به این معنی است که این اقلام بدون اطلاع قبلی قابل برداشت یا مطالبه باشد. سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت وجه نقد تلقی نمی‌شود، زیرا هدف از نگهداری آن تحصیل سود است. هرگاه برای تسویه اضافه برداشت‌های بانکی مهلتی تعیین شده باشد در صورتی می‌توان آنها را در محاسبه وجه نقد منظور کرد که مهلت مزبور از یک روز کاری تجاوز نکند. از مهمترین دلایل اهمیت وجه نقد برای حسابرس، **نقدینگی** و **سیالیت وجه نقد** و **ارتباط آن با دیگر چرخه‌های فعالیت‌های تجاری** است. به عبارتی هر چرخه معاملاتی یا از وجه نقد شروع می‌شود و یا به وجه نقد منجر می‌شود و همچنین احتمال بیشتری برای سرقت و دزدیده شدن توسط مدیریت و کارکنان می‌باشند.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر وجوه نقد

وجه نقد در هر واحد انتفاعی به صورت روزانه، هفتگی و ماهانه از طریق چرخه جریانات نقد شکل می‌گیرد و تغییر می‌یابد. فروش، حسابهای دریافتنی و موجودی‌ها پایه‌های اصلی جریان وجوه نقد می‌باشد. هر چند فعالیت‌های دیگری در هر واحد انتفاعی بر ورود و خروج نقد تأثیر می‌گذارند. اعمال مدیریت بر روش‌های وصول و پرداخت وجه نقد، یکی از وظایف کنترلی مدیریت می‌باشد. توجه به موارد زیر می‌تواند در کنترل وجوه نقد مفید باشد:

۱- کنترل فیزیکی صندوق در پایان هر روز و یا بصورت غیر مترقبه و اطمینان از صحت عملیات.

۲- عملیات نقدی بانکی در دفتر بانک و دفاتر حسابداری توسط دو شخص مجزا ثبت گردد.

۳- وظیفه حفاظت وجه نقد از امور دفترداری آن تفکیک گردد.

۴- آموزش‌های لازم در خصوص اهمیت نقد و کنترل آن به مجریان امور داده شود.

۵- وجوه دریافتی از مشتریان، بلافاصله در دفاتر ثبت گردند.

۶- تمامی پرداخت‌ها از طریق چک و حساب بانکی صورت گیرد به غیر از پرداختهای جزئی که از طریق تنخواه‌گردان صورت می‌گیرد.

۷- استفاده از دفتر ثبت عملیات دریافت و پرداخت توسط صندوق‌دار و کنترل و مقایسه دوره‌ای آن با عملیات ثبت شده در دفاتر حسابداری

۸- ثبت کلیه عملیات صندوق و نقد در دفاتر حسابداری مطابق اسناد و مدارک مثبته

۹- وجوه دریافتی از مشتریان، هر روز به حساب بانکی واریز گردد.

۱۰- برقراری سیستم حسابرسی داخلی جهت افزایش کنترل وجه نقد.

۱۱-حداقل ماهی یکبار، صورت مغایرت بانکی توسط فردی غیر از ثبت‌کننده و حفاظت‌کننده وجوه نقد تهیه و بررسی گردد.

۱۲- درصورت وجود مغایرت، عملیات اصلاح در دفاتر مؤسسه و یا از طریق اعلام به بانک در دفتر بانک عمل شود.

۱۳- تفکیک وظایف به گونه‌ای که هیچ فردی به تنهایی تمام مراحل اجرای یک معامله را از ابتدا تا انتها بر عهده نداشته باشد.

از جمله وظایف بسیار مهم مدیران مالی شرکت‌ها، پیش‌بینی جریانات نقدی به شکل دریافتها و پرداختهای نقدی می‌باشد. به طور کلی برنامه‌ریزی نقدی، مدیریت گردش وجوه نقد است که عبارت است از اعمال مدیریت بر روشهای وصول و پرداخت وجه نقد برای دستیابی به هدفهای زیر:

۱- وصول وجه نقد از مشتریان در کوتاهترین زمان ممکن به نحوی که وجوه نقد سریعاً در دسترس واحد انتفاعی قرار گیرد. برای برقراری یک چنین سیستمی برای دریافتهای نقدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعطای تخفیف به مشتریانی که صورتحسابها را فوراً پرداخت می کنند.
- ایجاد صندوق پستی[۱] دریافت وجوه نقد.
- انتقال الکترونیکی وجوه نقد.
- مشارکت در دریافتهای نقدی
- استفاده از ماشین‌های صدور صورتحساب[۲] و پایانه‌های هوشمند[۳]
- استفاده از ابزارهای مناسب انتقال نقد از مشتریان به حساب مربوطه (برای مثال پست) و اطلاع‌رسانی به موقع آن به صاحبان حسابها توسط بانک‌های تجاری مانند استفاده از کارت بانک یا ارتباط صاحبان حساب بانک مربوطه از طریق تجهیزات دیتا نظیر رایانه و مودم.

۲- پرداخت به تأمین کنندگان و فروشندگان با کمترین سرعت ممکن به نحوی که وجوه نقد تا حد امکان برای مدت بیشتری در اختیار واحد انتفاعی باقی بماند.

---

۱) Lock box
۲) Form writing Machine
۳) Inteligence terminals

از جمله مواردی که موجب کند نمودن سرعت جریانات نقدی خروجی می‌شود عبارتند از:

- خرید مواد اولیه به صورت اعتباری
- حسابهای بانکی با مانده حساب صفر
- به تعویق انداختن پرداخت وجوه
- استفاده از دو حساب بانکی، یکی برای دریافت وصولی‌ها و یکی برای پرداخت هزینه‌ها
- استفاده از سیستم کنترلی پرداخت به شرح زیر:

۱) به غیر از پرداختهای جزئی، تمامی پرداختها از طریق چک بانکی صورت گیرد.
۲) از چکها به ترتیب شماره سریال آنها استفاده گردد.
۳) حفاظت کافی از چک‌های سفید استفاده نشده و چک‌های باطله.
۴) استفاده از ماشین‌های پرفراژ برای درج مبالغ و اطلاعات چک.
۵) بررسی مدارک مثبته چک‌های پرداخت توسط صاحبان امضاء مجاز قبل از امضای آنها
۶) تهیه و کنترل حداقل ماهانه صورت مغایرت بانکی
۷) برقراری سیستم برگه‌ای
۸) بررسی مدارک هزینه شخص تنخواه‌گردان در زمان ترمیم آن

شرکت‌ها برای اجتناب از نگهداری مانده اضافی وجوه نقد، از **حسابهای بانکی دارای مانده صفر** استفاده می‌کنند. در این نوع حسابها شرکت با همکاری بانک، تنها مقدار وجهی را که برای تأمین چک‌های مراجعه‌کنندگان همان روز کافی است منتقل می‌کند. در این وضعیت شرکت برای پرداختهای خود دو نوع حساب مجزا دارد، وقتی که شرکت از حساب با مانده صفر استفاده نمی‌کند، باید در هر یک از این حسابها، مقداری وجه نقد احتیاطی داشته باشد تا نیازهای پیش‌بینی نشده را رفع کند. شرکتی که از

حساب با مانده صفر استفاده می‌کند، می‌تواند وجه نقد احتیاطی را در حساب اصلی نگهداری کرده و در صورت نیاز، وجوه را به هر یک از این دو حساب فرعی انتقال دهد. به این ترتیب مجموع مبلغ نگهداری شده احتیاطی کمتر خواهد بود.

ریسک تقلب وجوه نقد

هدف از سوءاستفاده از داراییها معمولاً سرقت وجوه نقد می‌باشد. بسیاری از سرقت‌های دریافت نقدی، مربوط به چرخه درآمد است و جدا از سایر سرقت‌های وجوه نقد مورد بررسی قرار می‌گیرند. از جمله روش‌های سوءاستفاده از وجوه نقد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تقلب پیشین یا ورودی[1]: یکی از شکل‌های سرقت داراییهای شرکت این است که درآمد شرکت از همان آغاز، پیش از راه یافتن به سیستم فروش – دریافتنی‌ها- دریافتها، به سرقت برده شود، بی‌آنکه در جایی از سیستم حسابداری کمترین اثری از این عمل پدید آید. منظور از «**تقلب ورودی**» همین است. تقلب ورودی مستلزم آن است که محصولات شرکت به نقد فروخته شود، بی‌آنکه فروش کالا و دریافت نقدی ثبت شود و این پول به جیب زده شود. از مشکل‌ترین تقلب‌ها از لحاظ کشف، تقلبی است که یک فروش ثبت نشود و وجوه نقد حاصل از آن سرقت شود. اگر کالاها بصورت نسیه برای مشتریان ارسال شده باشد،کشف این گونه تقلبات مقداری آسانتر می‌شود. برای اثبات اینکه تمام فروش‌ها ثبت شده‌اند می‌توان اسناد ارسال کالا را به ثبت‌های فروش در دفتر روزنامه فروش ردیابی نمود و همچنین تمام اسناد ارسال کالا را مورد بررسی قرار داد. اثبات اینکه تمام فروش‌های نقدی ثبت شده‌اند، مقداری مشکل‌تر است زیرا هیچ‌گونه اسناد ارسالی برای اثبات کامل بودن فروش و هیچ‌گونه سوابق حسابهای دریافتنی مشتری برای پشتیبانی از این گونه فروش‌ها وجود ندارد. در چنین مواردی برای

---

[1]) Front-End Fraud

اثبات اینکه تمام فروش‌ها ثبت شده‌اند، سایر شواهد اسنادی مورد نیاز است. برای مثال، یک مؤسسه خرده‌فروشی ممکن است الزامی نماید تمام فروش‌ها در ماشین صندوق ثبت شوند. سپس می‌توان فروش‌های ثبت شده را با جمع مبالغ فروش در **نوار ثبت وجوه نقد**[1] مقایسه کرد.

شکل دیگری از تقلب ورودی این است که مشتریان شرکت با نیت سوءاستفاده نزد فروشنده دیگری فرستاده شوند. که این به معنای تحمیل محرومیت از کسب و سود به شرکت خودی است. تقلب ورودی همچنین هنگامی وقوع می‌یابد که درآمدهای خاص و فوق‌العاده یا صرفه‌جویی‌های فوق‌العاده مانند برگشت‌های (تخفیف‌های) قیمت خرید، به جای آنکه روانه شرکت شود، به تصاحب شخصی کارکنان مجرم درآید.

عموماً تقلب ورودی با نادیده گرفتن کنترلهای داخلی از جانب مدیریت همراه است. جایی که فروش ثبت نشده باشد، طبعاً نشانی از دریافتی پرداخت نشده یا سر رسید گذشته در سیستم حسابداری فروش‌ها یافت نمی‌شود. در نتیجه، کشف فروش‌های ثبت نشده دشوار است. اما از سوی دیگر، خود موجودی کالا کاهش یافته است. اگر سیستم حسابداری موجودی شرکت خوب باشد، فروش‌های ثبت نشده را باید بتوان کشف کرد. درآمد بنگاههای خدماتی (مانند خطوط مسافربری، تئاتر، و سینما) عمدتاً از فروش نقدی است و اینها دارای سیستم‌های موجودی نیستند. کشف تقلب ورودی در این گونه بنگاهها فوق‌العاده دشوار است. ایجاد منافع از تقلب در این حالت، ممکن است با بررسی حسابهای شخصی در بانک‌ها به اثبات برسد، یعنی با این کار، وجوه سپرده‌های بانکی از منابع نامعلوم آشکار گردد. در غیر اینصورت، ممکن است ایجاد این گونه منافع با اجرای **روش ارزش ویژه**[2] اثبات شود.

---

[1]) Cash Register Tape

[2]) Net worth Method روشی است که معمولاً دستگاه مالیات ستانی آمریکا در براورد درآمد مشمول مالیات برای اشخاص فاقد حسابدهی روشن به کار می برد و آن چنین است که تغییر پدید آمده در دارایی در تملک شخص تعیین و مبلغ درآمد مشمول مالیات بر این اساس برآورد می‌شود.

ب) سرقت دریافتهای نقدی بعد از ثبت فروش با صورتحسابهای دروغین.

صورتحسابهای فروش شرکت را می‌توان طوری تغییر داد که مبلغ فروش گزارش شده کمتر از مبلغ واقعی باشد. آنگاه می‌توان مابه‌التفاوت را اختلاس کرد بی آنکه نشانه‌ای از آن در سیستم حسابداری باقی بماند. پنهان کردن سرقت دریافتهای نقدی بعد از ثبت یک فروش، مقداری مشکل‌تر است. در این حالت مراجعه به همه نسخه‌های اصل صورت فروش و به همه دفاتر ثبت اولیه مربوط، لازم است. اگر پرداخت‌های یک مشتری سرقت شود، ارسال منظم صورت حساب برای حسابهای پرداخت نشده، اینگونه تقلب‌ها را سریعاً افشا می‌کند. همچنین، غالباً لازم است که با مشتریان تماس گرفته شود تا ثبت‌ها و پرداختها خود را، از جمله چک‌های پرداخت شده و اطلاعیه‌های ارسال وجه را، ارائه دهند، تا معلوم شود که آیا طبق این مدارک صورتحسابهای فروش معینی هست که مبالغ آنها پرداخت شده ولی در حسابهای شرکت تقلب شده پرداخت نشده قلمداد شده است.

در نتیجه کسی که مرتکب تقلب می‌شود برای پنهان داشتن سرقت باید حساب این مشتری از طریق یکی از سه روش زیر کاهش دهد:

۱- ثبت نمودن برگشت از فروش و تخفیفات

۲- حذف حساب مشتری به عنوان غیر قابل وصول

۳- اعمال پرداختهای سایر مشتریان به حساب این مشتری (**کلاه به کلاه کردن**[۱])

---

[۱]) Lapping

گزارشات نادرست بالقوه دریافت های نقدی

شرح گزارش نادرست	مثال	ضعف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می‌دهد
ثبت جعلی دریافت‌های نقدی	**تقلب:** - بیش از واقع نشان دادن دریافت های نقدی در دفاتر بوسیله انتقال وجه نقد بین حساب های بانکی، بدون هیچ گونه ثبت مناسب انتقال برای لاپوشانی یک اختلاس وجوه نقد	- نبود تفکیک وظایف از عملکرد های دسترسی به وجوه نقد، دفترداری و نبود بررسی مؤثر از صورت مغایرت بانکی
قصور در ثبت دریافت‌ها از فروش‌های نقدی	**تقلب:** - کوتاهی یک صندوقدار برای وارد کردن و ثبت فروشهای نقدی و اختلاس وجوه نقد **اشتباه:** - یک دفتردار به صورت تصادفی، ثبت دریافتهای نقدی حاصل از یک فروش در یک روز را از قلم می‌اندازد	- عدم نظارت کافی بر صندوقدار، کوتاهی در تشویق مشتریان برای دریافت رسید های نقدی - کنترل‌های ناکافی برای مغایرت گیری دریافت های نقدی و ثبت حسابداری، کنترل های ناکافی برای مغایرت گیری حساب‌های بانکی
قصور در ثبت وجوه حاصل از وصول حساب های دریافتنی	**تقلب:** - اختلاس یک صندوقدار از پرداختهای نقدی مشتریان نسبت به حسابهای دریافتنی ،بدون ثبت دریافتها در حسابهای مشتریان - یک دفتردار که به دریافتهای نقدی دسترسی دارد، می تواند وجوه دریافتی از مشتریان را اختلاس کرده و حسابهای دریافتنی مرتبط با آن را حذف کند. **اشتباه:** - کوتاهی یک دفتردار به صورت تصادفی برای ثبت وصول یک حساب دریافتنی	- نبود تفکیک وظایف بین کارکنانی که به دریافتهای نقدی دسترسی دارند و آنهایی که انجام ثبتهای حسابهای دریافتنی را بر عهده دارند - نبود تفکیک وظایف بین کارکنانی که به دریافتهای نقدی دسترسی داشته و آنهایی که انجام ثبتهای حسابهای دریافتنی را بر عهده دارند. - مغایرت گیری ناکافی با حسابهای کنترل دفتر کل
شناسایی پیش از موعد یا با تأخیر دریافتهای نقدی – مسائل انقطاع زمانی	**تقلب:** - باز نگهداشتن دفتر روز نامه دریافتهای نقدی برای ثبت دریافتهای نقدی سالهای بعدی با فرض اینکه در این سال اتفاق افتاده است **اشتباه:** - ثبت دریافتهای نقدی بر اساس اطلاعات نادرست در رابطه با تاریخ دریافت وجوه	- هیأت مدیره، کمیته حسابرسی یا کنترلهای داخلی ناکارآمد، نامناسب بودن اخلاق حرفه ای،اصرار بیش از حد برای نشان دادن وضعیت مالی مطلوب و تایید شده - کوتاهی برای ثبت و به حساب واریزکردن به موقع دریافتهای نقدی

گزارشات نادرست پرداختهای نقدی

شرح گزارش نادرست	مثال	ضعف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می دهد
ثبت نادرست خرید یا پرداخت نقدی	**تقلب:** - تهیه و صدور یک چک توسط دفتردار برای خودش و ثبت آن به عنوان اینکه برای یک تأمین کننده عمده(مشتری) صادر شده است	- عدم کفایت تفکیک وظایف دفترداری و انجام پرداختهای نقدی و یا امضاء کننده چک، مدارک تکمیلی و اسناد مربوط به پرداخت را بررسی نکرده و آن را نادیده می گیرد.
	اشتباه: - انجام یک پرداخت نقدی نسبت به یک فاکتور برای کالاهایی که دریافت نشده است.	- کنترلهای ناکافی برای مطابقت فاکتورها با مدارک دریافت قبل از اینکه پرداختها تصویب گردند.
ثبت و پرداخت مضاعف بابت خریدها	- پرداختها برای کالای در راه یا ناسالمی که به نادرست در کالاهای خریداری شده لحاظ شده است.	- رویه‌های حسابداری ناکافی که ممکن است ناشی از پرسنل حسابداری بدونصلاحیت، فهرست و تعریف ناکافی از حسابها و یا نبود کنترلها نسبت به فرآیند انتقال باشند.
	- ثبت یک خرید، موقعی که یک فاکتور از یک فروشنده دریافت می شود و ثبت دوباره آن زمانی که یک فاکتور مشابه بوسیله فروشنده ارسال می‌گردد.	- کنترلهای ناکافی برای بررسی و ابطال اسناد و مدارک تکمیلی بوسیله امضا کننده چک
پرداختهای نقدی ثبت نشده	**تقلب:** - در رابطه با دریافتهای نقدی ثبت نشده ولی به حساب واریز شده، یک کارمند می تواند چک ثبت نشده را برای مبلغ ضروری آن نوشته و آن را نقد کند	- کنترل ناکافی نسبت به ثبت آن، دفترداری آن و دسترسی به وجوه نقد.

۲-آزمون کنترلهای وجوه نقد

- مطابقت رسید یا وجوه دریافتی از مشتریان با ثبتهای دفاتر دریافتهای نقدی برای اطمینان از ثبت بلافاصله دریافتها در دفاتر.
- مطابقت نمونه ای از دریافتها و پرداختهای نقدی ثبت شده در دفاتر با مدارک و اسناد مثبته آنها برای اطمینان از واقعی بودن آنها.
- مشاهده یا پرس وجو از مسئولین نسبت به تفکیک وظایف تصویب دریافتها و پرداختهای نقدی، حفاظت وجوه نقد و ثبت دفاتر آنها.
- مشاهده شماره چکهای صادره و مطابقت آنها با مدارک مثبته مربوطه برای اطمینان از اینکه از چکها به ترتیب شماره سریال آنها استفاده می شود.
- مطابقت جمع وجوه نقد دفاتر روزنامه با دفاتر کل و معین برای اطمینان از درستی محاسبات آنها.
- مشاهده دفتر روزنامه دریافتها و پرداختهای نقدی برای اطمینان از وجود مصوبه های لازم وشرح مناسب هر ثبت حسابداری.
- مطابقت تعدادی از واریزیها طبق صورتحساب بانک با معین بدهکاران و ثبتهای دفتر روزنامه دریافتهای نقدی برای اطمینان از واریز به موقع وجوه در حسابهای بانکی.
- مطابقت تعدادی از ثبتهای دفتر روزنامه پرداختهای نقدی با معین بستانکاران و مدارک پیشتوانه آن برای اطمینان از وجود مجوزهای لازم نسبت به پرداختها.

۳- آزمونهای محتوا

الف) آزمون کلیات وجه نقد

در ابتدای حسابرسی می‌توان از **روشهای تحلیلی**(برای تایید اعتبار و کامل بودن) نیز برای تعیین انجام تعدیلات آتی در ماهیت، زمان و میزان دیگر روشهای محتوا استفاده کرد. از جمله این روشهای تحلیلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقایسه حسابهای وجوه نقد با اقلام مشابه سال قبل و بررسی اضافات و حذفیات این حساب
- مقایسه دریافتهای وجوه نقد حاصل از سایر منابع با اقلام مشابه سال قبل و بررسی تغییرات عمده آنها

ب) آزمون جزئیات وجه نقد

علاوه بر وجوه نقد موجود در بانک، سایر اشکال وجوه نقد موجود در شرکت مانند، تنخواه‌گردن، پول خرد موجود در صندوق و... می‌بایست در تاریخ ترازنامه جزء وجوه نقد محسوب شوند. برای این منظور حسابرس می‌بایست **صورت ریزمانده حسابهای وجه نقد** را بصورت کامل از صاحبکار یا از بانک طرف حساب شرکت صاحبکار دریافت کرده و با دفترکل مطابقت دهند.

دریافت تاییدیه بانک (برای تایید اعتبار). اهمیت تاییدیه‌های بانکی بیشتر از بازبینی و اثبات مانده واقعی وجوه نقد می‌باشد. برای این منظور از یک **فرم تاییدیه استاندارد بانک**[1] استفاده می‌گردد. این فرم تاییدیه برای تمامی حسابهای بانکی فعال و غیرفعال در طول سال مالی ارسال می‌گردد، یعنی برای **حسابهای بامانده صفر** یا اندک نیز می‌بایست تاییدیه ارسال گردد زیرا ممکن است در طی سال مالی معاملات عمده‌ای در آنها جریان

---

[1]) Standard Confirmation

داشته باشد. بانک با تکمیل کردن چنین فرمی مانده حسابهای بانکی و همچنین اطلاعاتی در رابطه با وام‌های شرکت (اطلاعات در مورد بدهی‌های شرکت با بانک از بابت سفته، وام رهنی، تاریخ سررسید، تاریخ پرونده پرداخت اقساط، نرخ بهره و اطلاعاتی در مورد داراییهای گروگذار شده می‌باشد) را ارائه می‌نماید.

با این حال از بانک‌ها انتظار نمی‌رود که اطلاعاتی همچون گشایش خط اعتبار، مقررات مربوط به مانده‌های جبرانی یا بدهی‌های احتمالی برای تضمین وام‌های دیگران را به مؤسسات حسابرسی ارائه دهند، در صورت درخواست این گونه اطلاعات توسط حسابرس، می‌بایست یک درخواست جداگانه به بانک از بابت این موارد ارائه گردد.

صورت مغایرت بانکی[1](برای تایید اعتبار) .در صورتی که صاحبکار حسابهای بانک را در پایان سال مغایرت‌گیری کرده باشد، حسابرس صورت مغایرت تهیه شده توسط صاحبکار را دریافت و آن را از لحاظ درستی محاسبات ریاضی، ردیابی مانده‌ها به صورتحسابهای بانکی و حسابهای دفتر کل آزمون و اقلام مغایر را پی‌جویی می‌نماید. ولی اگر صاحبکار حسابها را مغایرت‌گیری نکرده باشد، حسابرس می‌بایست این ضعف کنترل داخلی را مورد توجه قرار داده و به عنوان یک روش حسابرسی، صورت مغایرت بانک را به تاریخ ترازنامه تهیه نماید. شکل صورت مغایرت بانکی که بیشتر مورد استفاده حسابرسان قرار می‌گیرد، مبنا قرار دادن مانده طبق دفاتر صاحبکار می‌باشد. ولی در صورتی که به تشخیص حسابرسان سیستم کنترل داخلی وجوه نقد ضعیف باشد، ممکن است به عنوان یک روش اضافی، فرم اثبات وجوه نقد یا **صورت مغایرت چهار ستونی**[2] تهیه گردد. صورت مغایرت چهار ستونی یک روش کشف تقلب بوده و برای ماه آخر سال مالی یا ماههای انتخابی دیگر در طول سال مورد رسیدگی تهیه می‌گردد. صورت مغایرت چهار ستونی ضمن اینکه وقت‌گیر و پرهزینه می‌باشد، همان کارکرد

---

[1]) Bank reconciliation
[2]) Proof of cash

صورت مغایرت بانکی را دارد و علاوه بر آن، دریافتها و پرداختهای ثبت شده صاحبکار را با بدهکارها و بستانکارهای صورتحساب بانک، مغایرت گیری می کند.

این صورت مغایرت دارای چهار ستون به شرح زیر می‌باشد:

- **ستون اول:** مانده ابتدای دوره طبق دفاتر و صورتحساب بانک را مطابقت می-دهد.
- **ستون دوم:** وجوه دریافتی طبق دفاتر را با وجوه دریافتی طبق صورتحساب را مطابقت می‌دهد.

بنابراین اگر دریافتهای نقدی اختلاس شده باشند، یا اشتباه ثبت شده باشند، دریافتهای طبق دفاتر با دریافتهای طبق صورتحساب بانک مطابقت نخواهد داشت و به این شکل دریافتهای نقدی اثبات می‌شوند.

- **ستون سوم:** پرداختهای نقدی طبق دفاتر را با چک‌های پرداخت شده توسط بانک مطابقت می‌دهد و هر گونه اختلاف را نمایان می‌سازد و به این شکل پرداختهای نقدی اثبات می‌شوند.
- **ستون چهارم:** مانده‌های پایان دوره طبق دفاتر و صورتحساب بانک را مطابقت می‌دهد. به عبارتی مانده وجوه نقد شرکت برابر است با مانده وجوه نقد اول دوره(ستون اول) بعلاوه وجوه نقد دریافتی (ستون دوم)، منهای وجوه نقد پرداختی (ستون سوم). بطور کلی این روش اضافی در حسابرسی، تحت شرایط ضعف کنترلهای داخلی صاحبکار، به کشف اشتباهات وتقلبات در دریافتها و پرداختهای وجوه نقد و کشف ثبت‌های از قلم افتاده منجر می‌شود.

صورتحساب مقطعی[1] بانک(برای تایید اعتبار).صورتحساب مقطعی بانک همانند صورتحساب ماهانه بانک می‌باشد، با این تفاوت که این صورتحساب به درخواست حسابرسی برای ۷ تا۱۰ روز پس از تاریخ ترازنامه از بانک اخذ می گردد. هدف از

---

[1]) Cut off Statement

گرفتن صورتحساب مقطعی بانک این است که اقلام مغایر در صورت مغایرت بانکی شرکت صاحبکار را بازبینی و اثبات کرد و به مدارکی و شواهدی دست یافت که معمولاً در شرکت صاحبکار وجود ندارد. به این صورت **سپرده‌های بین راهی، چکهای معوق**، و سایر اقلام مغایر، به صورتحساب مقطعی بانک و به چک‌های پرداخت شده که در این صورتحساب برگشت داده شده‌اند، ردیابی می‌شوند. در هنگام بررسی صورتحساب مقطعی بانک می‌بایست اسامی گیرنده چک‌ها، ظهرنویسی‌ها و تاریخ تسویه چک‌های پرداخت شده به دقت مورد بررسی قرار گیرد. اسامی گیرنده‌ها باید با سوابق پرداخت وجوه نقد و اسامی ظهرنویسی‌ها با اسامی گیرنده‌ها که در ظهر چک ذکر می‌شود، مقایسه شوند. هر گونه تأخیر در تسویه چک‌هایی که سررسید آنها قبل از پایان سال است، ممکن است بیانگر باز نگهداشتن دفاتر پرداختهای نقدی تا بعد از پایان سال باشد.

حسابرس می‌بایست، همه چک‌های با اهمیت موجود در فهرست چک‌های در راه که هنگام ارائه صورتحساب مقطعی بانک، هنوز از حساب بانکی خارج نشده‌اند را مورد بررسی قرار دهد. در ابتدا می‌بایست مبلغ هر یک از اقلام خارج نشده از حساب بانکی را با ثبت‌های دفتر روزنامه پرداختهای نقدی مقایسه کرد و علت وصول نشدن چک را باید از شرکت صاحبکار جویا شد و اگر حسابرس نگران احتمال خلافکاری است، مانده حساب پرداختی شرکت فروشنده باید تأیید شود تا حسابرس بتواند مشخص کند که آیا شرکت فروشنده دریافت وجوه نقد را در دفاتر خود ثبت کرده است یا خیر.

شمارش وجوه نقد.(برای تایید اعتبار) وجوه نقد موجود در شرکت صاحبکار که معمولاً به شکل وجوه داخل صندوق و تنخواه‌گردان می‌باشد، می‌بایست توسط حسابرس مورد شمارش قرار گیرند که بیشتر درتاریخ ترازنامه و بصورت سرزده انجام می‌گیرد، به ویژه اگر مانده وجوه نقد شرکت صاحبکار با اهمیت باشد. اولین اقدامی که برای شمارش وجوه نقد و اثبات آن می‌بایست صورت گیرد، **تحت کنترل گرفتن**

تمامی داراییهای قابل نقل و انتقال، مانند وجوه نقد، اوراق بهادار و سایر سرمایه-گذاری‌ها، اسناد دریافتنی و رسیدهای انبار مواد و کالا می‌باشد تا به این صورت امکان پنهان کردن هرگونه کسری و اختلاس وجوه نقد بوسیله جایگزینی‌های غیر مجاز وجود نداشته باشد. در مرحله بعد حسابرس برای انجام شمارش می‌بایست نسبت به حضور صندوق‌دار یا مقام مسئول دیگری در تمام مدت شمارش و **اخذ رسید تحویلی بعد از اتمام شمارش** اصرار ورزد، در نهایت حسابرس نسبت به هر گونه چک جایگزین شده مسئولین شرکت به جای وجه نقد در صندوق شرکت که ثبت دفاتر هم نمی‌شوند، می‌بایست **اعتبار** و **قابلیت وصول** این چک‌ها را مورد بررسی قرار دهد تا به عنوان وجه نقد مورد قبول واقع گردد.

آزمون انقطاع زمانی وجوه نقد[1](برای تایید اعتبار و کامل بودن). اگر وجه نقد دریافت شده بعد از پایان سال مالی در دفتر روزنامه سال جاری ثبت گردد، وضع وجوه نقد بهتر از چیزی خواهد بود که در واقع نشان داده می‌شود. به این حالت بازنگهداشتن دفتر روزنامه دریافتهای نقدی می‌گویند که باعث کاهش یافتن حسابهای پرداختنی خواهد شد و معمولاً باعث می‌شود که نسبت جاری شرکت بیش از مقدار واقعی گزارش گردد به این وضعیت **حساب‌آرایی**[2] گویند. اولین روش مورد قبول برای آزمون دریافتها و پرداختها ایجاب می‌کند که حسابرس در محل ساختمان شرکت صاحبکار و در آخرین روز سال حضور داشته باشد.

برای **اجرای آزمون دریافتهای نقدی**، حسابرس باید درآخرین روز سال وجوه نقد موجود را شمارش و پس از آن وصولی‌های در راه را با ثبت‌های دفتر روزنامه دریافتهای نقدی مقایسه کند و دریافتهای نقدی درآخرین روزهای سال مالی، باید با مراجعه به فهرست دریافتهای نقدی، نامه همراه چک‌ها و رسید واریز وجه به بانک

---

[1]) Cash cut off Test
[2]) Window Dressing

بررسی شوند، اگر وجوه نقد قبل از پایان سال به بانک واریز شده باشند، می‌بایست به صورتحساب بانک و در صورتی که در پایان سال به بانک واریز نشده باشند، می‌بایست به صورت مغایرت بانکی و صورتحساب مقطعی بانک ردیابی شوند.

برای **اجرای آزمون پرداختهای نقدی** می‌بایست، حسابرس شماره آخرین چک صادر شده هر حساب بانکی در آخرین روز سال را یادداشت کرده و آن را با چک‌های در راه و دفتر روزنامه دریافتهای نقدی مقایسه کند و همچنین چکهای در راه را با صورتحساب بانکی متعلق به دوره بعد مقایسه کند. در مورد سپرده‌های بین راهی نیز، حسابرس می‌بایست مشخص نماید که این سپرده‌ها تا یک یا دو روز بعد از پایان سال، به بستانکار حساب صاحبکار در بانک منظور شده باشد.

آزمون نقل و انتقالات بین بانکی(برای تایید اعتبار و کامل بودن).بسیاری از شرکت‌ها دارای چندین حساب بانکی می‌باشند، این شرکت می‌تواند از حساب یک بانک، برای سپرده گذاری در بانک دیگر چک صادر کند ولی این معاملات را قبل از پایان سال در دفاتر ثبت نکرده و یا فقط یک طرف معامله را ثبت می‌کند. به عبارتی نزدیک تاریخ ترازنامه، یک چک از یک حساب بانکی کشیده می‌شود و بلافاصله در حساب دوم که قبل از پایان سال مالی است، بستانکار می‌شود. شخص صاحب حساب در این نقل و انتقال دقت زیادی می‌کند تا مطمئن شود که چک در آخرین ساعات روز کاری به حساب بانک برسد به گونه‌ای که چک مزبور تا پایان دوره از حساب بانک نخست خارج نشود و چکی که به حساب خوابانیده می‌شود معمولاً چند روز طول می‌کشد تا از حساب مربوط نقد و به حساب دیگر منظور گردد در این فاصله چک موجودی هر دو حساب محسوب می‌شود. استفاده از این فاصله زمانی **برای پنهان کردن کسری وجوه نقد و اضافه برداشت بانکی، اختلاس‌های وجوه نقد، بیش از واقع نشان دادن وجوه نقد و تأمین نیازهای مالی کوتاه مدت** را، اصطلاحاً **چک بازی**[1] گویند. البته چک

---

[1]) Kiting

بازی به این شکل در بانک‌های ایرانی متداول نیست ولی به یک شکل دیگر می‌توان آن را تصور کرد. صادر کننده چک با آگاهی از نداشتن موجودی، چک را به گونه‌ای صادر می‌کند که دریافت کننده آن تنها بتواند با به حساب خوابانیدن چک، وجه آن را وصول کند. برای اینکه نقد شدن چک مدتی به درازا می‌کشد، صادر کننده چک فرصت می‌یابد تا وجوه مربوط را تهیه و به حساب واریز کند.

یکی از روش‌های کشف این گونه کلاهبرداری‌ها این است که حسابرس می‌بایست فهرستی از همه نقل و انتقال‌های بین بانکی، دریافتها و پرداختهای نقدی را برای چند روز قبل و بعد از تاریخ ترازنامه مورد رسیدگی قرار دهد. بطوری که می‌بایست نقل و انتقال‌های بین بانکی در هر دو بانک دریافت کننده و پرداخت کننده ثبت شده باشد، **تاریخ ثبت دریافت و پرداخت** هر یک از مبالغ انتقالی باید در همان سال مالی باشد و هرگونه دریافت و پرداخت بصورتی درست در صورت مغایرت‌های بانکی پایان سال باید به عنوان سپرده بین راهی یا چک های معوق اضافه یا از آن حذف شده باشند.

حسابرسان می‌بایست صورتجسله مدیران، مکاتبات، قراردادها و تاییدیه بانک را برای موارد زیر مورد بررسی قرار دهند:

وجود اشخاص وابسته و انجام معاملات با آنها

وثیقه‌گذاری یا تخصیص حسابهای دریافتنی به عنوان تضمین وام

در ارتباط با **معاملات اشخاص وابسته**[1]، می‌بایست اطلاعاتی در رابطه با ارتباط طرفین، محتوای معامله، تأثیر آن روی صورتهای مالی ارائه گردد به عبارتی نوع، ماهیت ارتباط، توصیف معامله و مبلغ آن می‌بایست افشا گردد. شرایط قراردادهای وام، اغلب وام-گیرندگان را ملزم به نگهداری یک مبلغ حداقلی در حساب سپرده‌های جاری می‌کنند، این محدودیت‌ها را **مانده جبرانی**[2] گویند که همراه سایر محدودیت‌ها می-

---

[1]) Related-party Transaction

[2]) Compensating Balance

بایست در یادداشتهای صورتهای مالی افشا شوند. هرگونه **اضافه برداشت با اهمیت** باید به عنوان بدهی جاری طبقه‌بندی شوند، **وجوه اندوخته شده** مانند وجوه استهلاکی، باید به عنوان دارایی غیرجاری طبقه‌بندی شوند و هرگونه حساب سپرده و گواهی سپرده باید جدا از وجوه موجود در بانک گزارش شوند.

سایر آزمونهای وجوه نقد

همچنین حسابرس می‌بایست دریافتهای نقدی که از منابعی غیر از مشتریان بدست می‌آیند را رسیدگی نماید. این منابع شامل فروش دارایی‌های ثابت، فروش اوراق بهادار یا سایر سرمایه‌گذاریها، فروش ضایعات مواد، عواید حاصل از صدور سهام و... می‌باشد. این قبیل از دریافتهای نقدی با تحلیل و بررسی حسابهایی مانند داراییهای ثابت، حسابهای سرمایه‌گذاری، اسناد پرداختنی، سهام سرمایه و اسناد دریافتنی که در قسمت بستانکار ثبت دریافتهای نقدی لحاظ شده‌اند، شناسایی می‌شوند. بعد از شناسایی موارد فوق، حسابرس باید دریافتهای وجه نقد را به طور نمونه‌ای به اسناد زیربنایی سند رسی کرده و به سوابق دریافت وجوه نقد، ردیابی کند.

یکی از رویه‌های کنترل داخلی وجوه نقد، واریز وجوه دریافتی هر روز به حساب بانکی در همان روز یا حداکثر روز بعد می‌باشد. حسابرس برای اطمینان از اینکه وجوه دریافتی بدون دست خوردگی به بانک واریز شده است، می‌بایست جزئیات تعدادی از اقلام صورت دریافتهای نقدی را با دفتر روزنامه دریافتهای نقدی، معین بدهکاران و فیش‌های واریز وجه به بانک مقایسه و ردیابی کند. این مقایسه گونه‌ای از تقلب تحت عنوان **کلاه به کلاه کردن**[1] را آشکار می‌سازد، یعنی پنهان کردن کسری وجوه نقد یا اختلاس وجوه نقد از طریق **تأخیر در ثبت وجوه نقد دریافتی از مشتریان**. به این صورت که صندوق‌دار شرکت وجوه دریافتی از یکی از مشتریان شرکت را دریافت و اختلاس می-

---

[1]) Lapping

کند و آن را ثبت نمی‌زند تا اینکه دریافتهای بعدی از مشتری بعدی به حساب مشتری اول ثبت می‌شود و دریافتهای بعدی از مشتریان دیگر نیز به حساب مشتری دوم ثبت می‌شود به این ترتیب مانده حسابهای دریافتنی تا زمان جایگزینی وجوه سرقت شده، در دفاتر بیش از واقعی نشان داده می‌شود.

خلاصه

وجه نقد به موجودی نقد و سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی اعم از ریالی و ارزی اطلاق می‌گردد. برنامه‌ریزی نقدی، مدیریت گردش وجوه نقد است که عبارتست از اعمال مدیریت بر روشهای وصول و پرداخت وجوه نقد برای دستیابی به اهداف کنترلی. یکی از ابزارهای کنترلی در این زمینه، استفاده از حسابهای بانکی با مانده حساب صفر می‌باشد. از جمله روش‌های سوء استفاده از وجوه نقد می‌توان به تقلب ورودی یا پیشین و سرقت دریافتهای نقدی بعد از ثبت فروش با صورتحسابهای دروغین اشاره کرد که به ترتیب منجر به ثبت نکردن وجوه دریافتی از مشتریان و اختلاس آنها و دریافت وجوه نقد از مشتریان و ثبت آن به یکی از اشکال زیر می‌شود؛ ثبت نمودن برگشت از فروش و تخفیفات، حذف حساب مشتری به عنوان غیرقابل وصول، اعمال پرداختهای سایر مشتریان به حساب این مشتری (کلاه به کلاه کردن). از مهمترین آزمون‌های محتوای وجه نقد می‌توان به این موارد اشاره کرد: دریافت و بررسی تأییدیه بانک، تهیه و بررسی صورت مغایرت بانکی، تهیه و بررسی صورتحساب مقطعی بانک، شمارش وجوه نزد شرکت؛ اجرای آزمون انقطاع زمانی دریافتها و پرداختهای نقدی و بررسی نقل و انتقالات بین حسابهای بانکی.

- پیوست شماره ۱: تاییدیه بانک

بانک:

آدرس:

موضوع: درخواست تأییدیه از بانک در رابطه با حسابرسی دوره مالی منتهی به .....

نام مشتری:

احتراماً، با توجه به مجوز شماره ..... مورخ ..... صادره توسط مشتری فوق‌الذکر در رابطه ارائه اطلاعات مورد درخواست ..... خواهشمند است دستور فرمائید اطلاعات مندرج در صفحات ۱ الی..... پیوست را در رابطه با عملیات مشتری ..... تا پایان وقت اداری روز ..... و در مورد بندهای ۹،۴،۲ و ۱۰ از تاریخ..... لغایت ..... مستقیماً به این سازمان به آدرس: ..... ارسال دارند.

لطفا دستور فرمائید پاسخ‌ها در جای پیش‌بینی شده درج شود (در صورت کافی نبودن جا، اطلاعات بیشتر را می‌توان در صفحات دیگری که به مهر و امضای بانک خواهد رسید درج نمود) و چنانچه بعضی از اقلام در رابطه با مشتری نامبرده مورد نداشته باشد، برای پاسخ از عبارت «مورد ندارد» استفاده شود.

بدیهی است اطلاعات دریافتی کاملا محرمانه تلقی خواهد شد.

قبلاً از همکاری آن بانک سپاسگزاری می‌نماید.

و من ا... التوفیق

موسسه حسابرسی.....

درخواست تأییدیه از بانک (ادامه۱)

نام مشتری .....

اطلاعات درخواستی	پاسخ بانک
حسابهای بانکی ۱- نام کامل کلیه حسابهای ریالی و ارزی با قید نوع حساب، شماره حساب و مانده (از جمله حسابهایی که مانده آنها صفر است) به تفکیک: الف) مواردی که حساب فقط به نام مشتری و اشخاص ثالث است. ب) مواردی که حساب، مشترکاً به نام مشتری است.	

توضیح

الف: چنانچه حساب، تابع محدودیتهایی باشد مراتب را قید نمائید.

ب: چنانچه حساب مشترکاً به نام مشتری و اشخاص ثالث باشد و مجوز صادره توسط مشتری شامل اینگونه حسابها نگردد.

خواهشمند است جهت کسب مجوز لازم از

اطلاعات درخواست	پاسخ بانک
اشخاص ثالث، به مشتری مراجعه و در صورت عدم کسب مجوز، مراتب را قید نمایید. (۱) نام، شماره حساب و تاریخ بسته شدن کلیه حسابهائی که در طی دوره بسته شده است. (۲) مبالغی که در تاریخ فوق، از بابت اقلام زیر تعلق گرفته ولی به حساب مشتری بدهکار یا بستانکار نشده است، بطور جداگانه قید نمایید: الف: هزینه‌هایی از قبیل حق‌الزحمه و کارمزد خدمات بانکی. ب: درآمدهایی از قبیل سود تعلق گرفته به حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری و جوائز نقدی و جنسی و سایر امتیازات تعلق گرفته به حسابهای سپرده قرض‌الحسنه. (۳) شرح مختصری در رابطه با اختیاراتی که جهت پایاپای نمودن مانده حسابهای مشتری در مقابل مانده حساب اشخاص ثالث یا در مقابل مانده سایر حسابهای وی نزد سایر شعب آن بانک بطور کتبی به بانک تفویض گردیده است. (در صورت انجام تغییراتی طی دوره شرح تغییرات و تاریخ عملی شدن تغییرات) (۴) جزئیات تسهیلات اعطائی (نوع عقد، مبلغ	

اطلاعات درخواستی	پاسخ بانک
تسهیلات، مانده بدهی مشتری بابت آن، موعد باز پرداخت و سایر اطلاعات مربوط. **دارائی‌هایی که بصورت وثیقه در اختیار بانک است** (۵) مشخصات این قبیل دارائی‌ها را صرف نظر از رسمی یا غیررسمی بودن ترهین آنها، به شرح زیر توضیح دهید: الف: اگر دارائی رسماً در رهن بانک است. جزئیات وثیقه و تاریخ ایجاد رهن راتوضیح دهید. چنانچه رهن از نظر مبلغ محدود بوده یا برای تسهیلات اعطائی مشخصی در نظر گرفته شده باشد، مراتب را توضیح دهید. ب: اگر دارائی بطور غیررسمی در وثیقه بانک است، ماهیت منافع مورد ادعای بانک نسبت به وثیقه را مشخص نمایید. ج: صرف نظر از رسمی یا غیررسمی بود ترهین دارائی، جزئیات تعهداتی را که در رابطه با دارائی‌ها به بانک داده شده است، قید نمائید. **دارائیهایی که نزد بانک قرار دارد، لکن وثیقه محسوب نمی‌گردد.**	

اطلاعات درخواستی	پاسخ بانک
(۶) مشخصات کامل سایر دارائیهای مشتری نزد بانک (از جمله برگها واسناد سهام، اسناد مالکیت، اوراق بهادار، بروات وصولی و سایر اقلام مندرج در دفتر ثبت دارائیهای مشتریان نزد بانک) را توضیح دهید. (اگر اوراق بهادار «با نام» باشد، لطفاً توضیح دهید به نام چه شخصی است).	
بدهی‌های احتمالی	
(۷) کلیه بدهی‌های احتمالی از قبیل:	
الف: صورت ریز بروات و سفته‌های مشتری که در مورد آنها، با حفظ «حق رجوع به مشتری»، خرید دین صورت گرفته است.	
ب: تاریخ، نام ذینفع، مبلغ و شرح مختصری از ضمانت نامه ها و تعهد نامه یا جبران خسارت که مشتری از طرف اشخاص ثالث به نفع بانک صادر نموده است.	
ج: تاریخ، نام ذینفع، مبلغ و شرح مختصری از ضمانت نامه‌ها و تعهدنامه‌های جبران خسارت که توسط بانک به تقاضای مشتری صادر شده است. لطفاً مواردی که بانک دارای حق رجوع به مشتری	

اطلاعات درخواستی	پاسخ بانک
و/ یا شرکت مادر آن یا هر یک از شرکتهای هم گروه مشتری است فید فرمائید. د: جمع ریالی قراردادهای سلف تکمیل نشده برای خرید و فروش ارز. هـ: صورت ریز تعهدات ارزی و ریالی در رابطه با اعتبارات اسنادی. و: سایر بدهی‌های احتمالی (لطفاً با ذکر جزئیات قید فرمائید). **سایر اطلاعات** (۸) صورت سایر بانک‌ها، شعب آن بانک یا مؤسسات وابسته که، طبق اطلاع آن بانک، مشتری نامبرده طی دوره با آنان ارتباط مالی برقرار نموده است. (۹) صورت صاحبان امضاهای مجاز و تعداد و ترکیب امضاهای لازم جهت اعتبار چک‌ها و اوراق و اسناد بهادار و تغییرات آن طی دوره و تاریخ تغییرات.	مهر رسمی بانک: امضاهای مجاز: سمت: تاریخ:

سؤالهای تشریحی

۱- کنترلهای داخلی دریافتها و پرداختهای نقدی را توضیح دهید؟

۲- روشهای سوء استفاده از وجوه نقد را تشریح کنید؟

۳- منظور از فرم تاییدیه استاندارد چیست، توضیح دهید؟

۴- هدف از تهیه صورت مغایرت بانکی را توضیح دهید؟

۵- نحوه اجرای آزمون انقطاع زمانی وجوه نقد را توضیح دهید؟

۶- هر یک از موارد زیر را توضیح دهید:

حساب آرایی، چک بازی، کلاه به کلاه کردن

پرسشهای چهارگزینه‌ای

۱- حسابرس برای گردآوری شواهد حسابرسی مربوط به مانده بانک منعکس در صورت مغایرت بانکی باید تمام موارد زیر به استثنای کدام مورد، رسیدگی کند؟

الف) دفتر کل ب) تأییدیه بانکی

ج) صورتحساب مقطعی بانک د) صورتحساب بانک به تاریخ پایان سال

۲- حسابرس برای کشف کدام مورد زیر باید انتقالات بانکی هفته آخر دوره مورد حسابرسی و هفته اول دوره بعد را ردیابی کند؟

الف) هر پرداخت یا دریافت غیرعادی از اشخاص وابسته

ب) بیش از واقع بودن مانده‌های وجود نقد به دلیل چک بازی

ج) تحویل شدن چک‌های صادر و ثبت شده پیش از پایان سال مورد رسیدگی به ذینفعان

د) باز نگهداشتن دفتر روزنامه دریافتهای نقدی برای چند روز بعد از پایان سال مورد رسیدگی.

۳- درصورت عمل به کدام مورد زیر توسط کارمند بانک، سودمندی درخواست تأییدیه بانک می‌تواند محدود باشد.

الف) عدم اعتقاد به وظیفه تأیید اطلاعات محرمانه به اشخاص ثالث

ب) امضا و برگشت دادن تأییدیه، بدون بررسی صحت صورت مغایرت بانکی صاحبکار

ج) دسترسی نداشتن به صورتحساب مقطعی بانک صاحبکار

د) ناآگاهی از همه روابط مالی صاحبکار با بانک

۴-چک‌های ثبت نشده که طی آخرین هفته سال صادر شده‌اند، به احتمال زیاد هنگامی بوسیله حسابرس کشف می‌شوند که ..... .

الف) تأییدیه بانک بررسی شود.

ب) بدهی‌های ثبت نشده بررسی شود

ج) صورتحساب مقطعی بانک، مغایرت‌گیری شود

د) دفتر صدور چک برای آخرین ماه سال بررسی شود

۵- منظور از تقلب پیشین یا ورودی وجه نقد، کدام مورد می‌باشد؟

الف) اعمال پرداختهای سایر مشتریان به حساب مشتری دیگر

ب) ثبت وصولی‌ها به عنوان برگشت از فروش و تخفیفات

ج) سرقت وجوه، بدون ثبت آن در دفاتر در زمان وصول آن

د) حذف حساب مشتری به عنوان غیرقابل وصول

۶- حسابرس برای اطمینان از صحت، اقلام مغایر صورت مغایرت بانکی، کدام یک از موارد زیر را بررسی می‌کند؟

الف) صورت مغایرت چهارستونی

ب) صورت حساب مقطعی بانک

ج) تأییدیه استاندارد بانک

د)پرس و جو از کارکنان

۷- اجرای آزمون انقطاع زمانی حسابرس نسبت به وجوه نقد مستلزم انجام کدام یک از موارد زیر می‌باشد؟

الف) شمارش وجوه نقد به تاریخ ترازنامه

ب) دریافت تأییدیه بانک به تاریخ ترازنامه

ج) یادداشت شماره آخرین چک صادره مربوط به حساب بانکی در آخرین روزکاری سال مالی و شمارش موجودی نقد

د) همه موارد

۸- همزمان با حسابرسی وجه نقد، کدام مورد زیر نیز مورد حسابرسی قرار می گیرد؟

الف) موجودی کالا ب) اوراق بهادار قابل داد و ستد

ج) حسابهای پرداختنی د) اموال و ماشین آلات

پرسشهای تحلیلی

۱- حسابرسان شرکتی، تأییدیه بانک و صورت حساب مقطعی بانک را در ارتباط با چک‌ها و واریزهای سه حساب بانکی اصلی، بطور مستقیم از بانک دریافت کرده‌اند. حسابرسان، ریسک کنترل برای ادعاهای مدیریت نسبت به وجوه نقد را در سطح پایین برآورد کرده‌اند. انقطاع مناسب دریافتها و پرداختهای نقدی صورت گرفته است. هیچ حساب بانکی در طول سال باز یا بسته نشده است.

مطلوبست: تهیه یک برنامه حسابرسی از آزمون‌های محتوا برای گواهی مانده‌های بانک

۲- حسابرسان برای حسابرسی صورتهای مالی یک شرکت داروسازی دعوت به کار شده‌اند. این شرکت خرده فروش متوسطی است که تنوع زیادی از کالاها را به مشتریان خود می‌فروشد. تمامی فروش‌ها نقدی و یا با چک می‌باشد. صندوق‌دار ثبت دریافتهای نقدی را برای فرایند معاملات انجام می‌دهد. با فرض اینکه هیچ دریافتی از طریق پست و کارتهای اعتباری وجود ندارد، مطلوبست: تهیه فرایند وصول وجوه نقد و بخش پرسشنامه کنترلهای داخلی مربوط به دریافتهای نقدی که می‌بایست در ارزشیابی کنترلهای داخلی شرکت داروسازی مورد استفاده قرار گیرد.

۳- حسابرسان در طول رسیدگی به وجوه نقد، نسبت به هر گونه نشانه‌هایی از کلاه به کلاه کردن، چک بازی و حساب آرایی، هشیارند. هر چند که هدف اصلی حسابرسان کشف تقلب نیست. مطلوبست:

الف) تعریف چک بازی، کلاه به کلاه کردن و حساب آرایی

ب) توصیف نشانه‌های حاکی از رخداد موارد بالا

ج) توصیف روش‌های لازم برای کشف موارد بالا

۴- صورت حساب مطقعی بانک، معمولاً چند روزی بعد از تاریخ ترازنامه، بطور مستقیم از بانک صاحبکار درخواست و دریافت می‌گردد.

مطلوبست:

الف) هدف از دریافت صورت حساب مقطعی بانک چیست؟

ب) در ردیابی اقلام مغایر با صورت حساب مقطعی بانک، حسابرس به نام گیرنده چک، ظهرنویسی، تاریخ پرداخت چک و تاریخ منظور نمودن سپرده‌ها به حساب مشتریان توسط بانک توجه می‌کند. حسابرس با بکارگیری این روشها، در پی یافتن چه مواردی است؟

ج) حسابرس در ردیابی اقلام مغایر به صورت حساب مقطعی بانک، ایرادهای زیر را فهرست کرده است:

- سپرده ۸۷/۱۲/۲۹ در تاریخ ۸۸/۱/۹ به حساب صاحبکار منظور شده است.
- یک چک معوق به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ ریال که قابل پرداخت به شرکت سهند می‌باشد، بوسیله آقای دبیری، مدیر امور مالی صاحبکار، ظهرنویسی شده است.
- چک‌های شماره ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۷، که در سوابق ۸۷/۱۲/۲۹ وجود داشته‌اند به ترتیب تا تاریخ‌های ۸۸/۱/۲۲ ، ۸۸/۱/۲۳، ۸۸/۱/۲۴ پرداخت نشده است.

اشتباهات یا تقلبات احتمالی مربوط به هر یک از موارد بالا را شرح دهید؟

فصل چهارم:

حسابرسی چرخه درآمد

مقدمه

چرخه درآمد یک واحد تجاری شامل معاملات فروش، مانده‌های حسابها و اسناد دریافتنی، معاملات مربوط به دریافت وجوه نقد و مانده وجوه نقد می‌باشد. همچنین مطالبات حاصل از فروش‌های تجاری به مشتریان و اعطای اعتبار نیز به دلیل اینکه بزرگترین دارایی بانک‌ها و مؤسسات مالی را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای دیگر برای حسابرسان حایز اهمیت می‌باشند. در این فصل ابتدا کنترلهای داخلی و ریسک هر یک از معاملات مرتبط با چرخه درآمد بررسی و سپس آزمون‌های محتوای معاملات و رویدادهای مالی مورد بررسی قرار می گیرند.

حسابرسی حسابها و اسناد دریافتنی و معاملات فروش

از دیدگاه حسابداری وقتی به یک مشتری اعتباری داده می‌شود، یک حساب دریافتنی ایجاد می‌گردد. این حسابهای دریافتنی شامل اعتبار دادن به سایر شرکتها و اعتبار دادن به مصرف‌کنندگان می‌باشد که به ترتیب اعتبار تجاری و اعتبار مصرف‌کنندگان نامیده می‌شوند. مشخصاً دادن اعتبار یکی از راههای افزایش فروش است. در عین حال هزینه‌های مربوط به اعطای اعتبار کم‌اهمیت نیست: اولاً این احتمال وجود دارد که مشتری مطالبات شرکت را نپردازد و ثانیاً شرکت ناچار است هزینه نگهداری اسناد دریافتنی را متحمل شود. اسناد دریافتنی نیز همانند حسابهای دریافتنی در مؤسسات بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد که معمولاً مهمترین دارایی بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌باشد و بیشتر برای فروش‌های نسیه، تبدیل و تمدید حسابهای دریافتنی موعد رسیده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مدت زمانی که طی آن به مشتری اعتبار داده می‌شود را **دوره اعتبار** گویند که می‌تواند از یک صنعت به صنعت دیگر تفاوت زیادی داشته باشد. دوره اعتبار معمولاً شامل دو بخش خواهد بود:

الف) **دوره نهایی اعتبار:** مدت زمانی که طی آن خریدار می‌بایست صورتحساب خود را بپردازد.

ب) **دوره تخفیف نقدی:** مدت زمانی که طی آن می‌توان از تخفیف بهره مند شد.

تاریخ صدور فاکتور، آغاز دوره اعتبار است. بر اساس عرف در مورد اقلام منفرد تاریخ صدور فاکتور معمولاً تاریخ ارسال کالا یا صورتحساب است نه تاریخی که مشتری کالا یا صورتحساب را دریافت می‌کند.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر فروش ، حسابها و اسناد دریافتنی

هیچ فرمول خاصی برای تعیین احتمال عدم پرداخت مطالبات از سوی مشتری وجود ندارد. در سطح بسیار کلی، پنج C سنتی اعتبار، عوامل اصلی ارزیابی این احتمال هستند:

۱- **شخصیت مشتری:** مجموعه صفات اخلاقی و تمایل مشتری به اجرای تعهدات اعتباری.

۲- **ظرفیت:** توانایی مشتری در پرداخت تعهدات از محل جریانات نقدی عملیاتی خود.

۳- **سرمایه:** سطح منابع مالی در دسترس متقاضی وام در زمان اعطای وام

۴- **وثیقه:** اشاره به میزان دارایی هر واحد انتفاعی برای تضمین وام

۵- **وضعیت اقتصاد:** میزان حساسیت سوء عملیاتی و جریانات نقد نسبت به تغییرات اقتصادی.

اطلاعاتی که به طور کلی در ارزیابی میزان اعتبار مشتریان مورد استفاده قرار می گیرد شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- صورتهای مالی،۲- سابقه اعتباری مشتری در تعامل با سایر شرکت‌ها،۳- بانک‌ها و ۴- سابقه اعتباری مشتری در رابطه با خود شرکت.

جهت برقراری یک سیستم کنترل داخلی قوی فروش و حسابهای دریافتنی ضروری است که مسئولیت اجرای هر یک از موارد زیر بر عهده یک اداره یا شخص مستقل قرار گیرد:

از جمله وظایف و کارهای اصلی بعد از دریافت سفارش از مشتری شامل، ثبت سفارش دریافتی در دفتر مخصوص، بررسی نوع کالا و تعداد درخواستی مشتری برای تعیین توانایی شرکت در انجام سفارش در مدت زمان معقول و تهیه سفارش فروش و انعکاس آن به دوایر دیگر.

قبل از اینکه سفارش فروش اجرا گردد، می‌بایست سفارش مشتری برای تعیین اعتبار جهت فروش نسیه به دایره اعتبارات ارسال گردد. میزان اعتبار هر یک از مشتریان معمولاً از طرف مسئولین مربوطه شرکت مشخص می‌گردد و دایره اعتبارات در هر نوبت دریافت سفارش از طرف مشتری، باید مانده حساب مشتری را با توجه به ارزش سفارش دریافتی مورد بررسی قرار دهد.

دایره انبار وظیفه حفاظت و نگهداری کالای آماده فروش را به عهده دارد و خروج هر کالایی از انبار منوط به صدور مجوز از طرف اشخاص ذی صلاحیت تحت عنوان سفارش فروش است که به تصویب دایره اعتبارات رسیده باشد.

زمان حمل و ارسال کالا این دایره مشخصات کالای ارسالی، تاریخ ارسال و شماره سریال اسناد حمل در دفتر مربوطه ثبت می‌گردد. اسناد حمل می‌بایست دارای شماره سریال چاپی بوده و در سه نسخه تهیه گردند، که یک نسخه به دایره صدور صورتحساب، یک نسخه برای مشتری ارسال می‌شود و یک نسخه نیز برای اطمینان از خروج کالا از محوطه شرکت در اختیار مسئول حمل قرار می‌گیرد تا هنگام خروج از شرکت به نگهبانی خروجی تحویل دهد.

صدور فاکتور می‌بایست توسط دایره‌ای صورت گیرد که تحت کنترل مدیر فروش نباشد که معمولاً به عهده فرد مستقلی در دایره حسابداری یا امور مالی واگذار می‌شود.

فاکتورها قبل از ارسال برای مشتری می‌بایست توسط فردی غیر از تهیه‌کننده آن از لحاظ مطابقت مقدار کالا با سفارش فروش و اسناد حمل و از لحاظ قیمت‌های اعمال شده با لیست مصوب قیمتها و از لحاظ شرایط پرداخت و صحت محاسبات مورد رسیدگی قرار گیرد.

در پایان هر روز می‌بایست صورت خلاصه‌ای از فاکتورهای صادره به ترتیب شماره سریال تهیه و نسخه‌ای ازآن برای ثبت در حساب کنترل دفتر کل به حسابداری مربوطه ارسال گردد. نسخه دیگری از صورت خلاصه همراه با نسخه‌ای از فاکتورهای صادره

باید به قسمت حسابداری بدهکاران برای ثبت در حسابهای معین بدهکاران ارسال گردد.

تصویب تخفیفات اعطایی و برگشتی‌های فروش وحذف اقلام غیرقابل وصول از حسابها باید بر اساس تایید و دستور کتبی مدیران مسئول انجام شود. انجام پیگیری‌های لازم برای وصول مطالبات از این گونه بدهکاران حتی بعد از حذف آنها از دفاتر یک امر ضروری خواهد بود، در غیر اینصورت ممکن است وجوه پرداختی مشتری، توسط کارکنان بدون هیچ تحریفی در دفاتر مورد سوء استفاده قرار گیرد.

وظیفه نگهداری اسناد دریافتنی از وظیفه نگهداری موجودی‌های نقد و مدارک و دفاتر حسابداری تفکیک شده ، قبول یا تمدید اسناد دریافتنی می‌بایست با تصویب کتبی مقام مسئولی که نسبت به نگهداری اسناد دریافتنی مسئولیتی ندارد صورت گیرد. در این وضعیت احتمال ایجاد اسناد دریافتنی جعلی برای جبران اختلاس وجوه نقد به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد، یعنی اختلاس وجوه و جایگزینی یک سند دریافتنی جعلی و یا وصول وجوه نقد از مشتریان و اختلاس آن بصورت تمدید غیر واقعی اسناد دریافتنی از مشتریان. نسبت به حذف اسناد دریافتنی غیر قابل وصول از حسابها، می‌بایست تصویب کتبی مقام مسئول اخذ گردد و همچنین اقدامات لازم بعدی برای پیگیری وصول اسناد صورت گیرد. انجام پیگیری بدین دلیل می‌باشد که ممکن است بدهکار در سالهای بعد با پرداخت اسناد نکول شده مبادرت به ایجاد رابطه مجدد با شرکت کند. بعضی مواقع اختلاس از وجوه نقد با عدم ثبت علی‌الحسابهای دریافتی از مشتری همراه است. روش مناسب برای کنترل این گونه پرداختها و ثبت آنها در دفاتر، درج مبلغ وصول شده، تاریخ وصول و مانده پرداخت نشده در ظهر اسناد دریافتنی و ثبت مبلغ فوق در دفتر ثبت اسناد دریافتنی می‌باشد.

- اسناد داخلی مانند برگه‌های سفارشی مشتری، فاکتور فروش، دستور حمل و بارنامه‌ها باید دارای شماره سریال بوده و این شماره‌ها هر چند وقت یکبار، مطابقت داده شوند.
- فروش‌ها می‌بایست بعد از دریافت بارنامه‌ای که ارسال کالا را مستند می‌کند و فاکتور فروش به پیوست سفارش مشتریان که سفارش، اعتبار و صورتحساب فروش را مستند می‌کند، در دفاتر ثبت گردد.
- فاکتورهای فروش فقط باید بر مبنای بارنامه امضا شده برای مشتریان فرستاده شود.
- دستور فروش و فاکتور فروش می‌بایست تنها بر مبنای سفارش‌های مشتری صادر گردد.
- ارسال کالا برای مشتریان می‌بایست بر مبنای دستور فروش، فاکتور فروش تایید شده و نیز تایید اعتبار شده صورت گیرد.

ریسک تقلب در حسابهای دریافتنی و درآمد مربوطه

تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که بیشتر از نصف تقلب‌های صورتهای مالی شامل حسابهای دریافتنی و درآمد می‌باشد. به دلیل تعداد وقوع تقلب‌های گزارشگری مالی که مربوط به شناسایی درآمد می‌باشد، انجمن حسابداران رسمی آمریکا و کمیته بورس و اوراق بهادار رهنمودی در مورد شناسایی درآمد در سال ۱۹۹۰ منتشر کردند. استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ امریکا حسابرسان را ملزم نموده در اکثر حسابرسی‌ها، ریسک تقلب در شناخت درآمد را بالا ارزیابی کنند. درآمد فروش به چند دلیل مستعد دستکاری است. بیش از واقع نشان دادن درآمدها اغلب سود خالص را نیز به همان اندازه افزایش می‌دهد. زیرا بهای تمام شده فروش‌های مربوط به درآمدهای واهی یا زود هنگام شناسایی شده، اغلب شناسایی نمی‌شوند. همچنین تحلیل‌گران مالی و سایر

شرکت‌کنندگان در بازار[۱]، تأکید زیادی بر رشد درآمد دارند. سه نوع دستکاری در درآمد فروش وجود دارد:

الف) درآمدهای واهی: بدترین شکل تقلب درآمد، ایجاد درآمدهای واهی می‌باشد. **مقصران تقلب**[۲] اغلب برای حمایت از درآمدهای واهی تلاش‌های زیادی انجام می‌دهند. در یکی از موارد، یک شرکت به حسابرسان مکان‌های ساخت واهی نشان داده بود.

ب) شناسایی زود هنگام درآمد: شرکت‌ها اغلب برای دستیابی به پیش‌بینی‌های فروش یا درآمد، زمان شناخت درآمد را جلو می‌اندازند. شناسایی زود هنگام درآمد به معنی شناسایی درآمد قبل از برآورد الزامات استانداردهای حسابداری برای ثبت درآمد است. شناسایی زود هنگام درآمد، باید از اشتباهات ناشی از انقطاع زمانی متمایز شود.

اشتباهات ناشی از انقطاع زمانی به معنی ثبت غیرعمدی معاملات در دوره‌های ناصحیح می‌باشد. در ساده‌ترین نوع شناسایی زود هنگام درآمد، فروش‌هایی که باید در دوره بعدی ثبت شوند، به عنوان فروش‌های سال جاری ثبت می‌شوند. یک روش متقلبانه برای شناسایی زود هنگام درآمد، صورتحساب نمودن فروش و عدم ارسال کالاها[۳] می‌باشد. فروش‌ها معمولاً در زمان ارسال کالاها، شناسایی می‌شوند. در فروشی که صورتحساب شده و کالای مربوط به آن ارسال نشده، کالاها قبل از اینکه ارسال شوند، صورتحساب می‌شوند. روش دیگر شامل صدور قراردادهای یک طرفه است که در آن، شرایط معاملات فروش تعدیل شده است. برای مثال، در یک قرارداد یک طرفه، قیمت‌گذاری مساعدتر و برگشت غیرمحدود کالا در نظر گرفته می‌شود. در بعضی موارد، شرایط مذکور در قراردادهای یک طرفه به گونه‌ای است که این گونه معاملات بر اساس استانداردهای حسابداری کیفیت یک فروش را ندارد. برای مثال: ارسال کالاهایی برای

---

۱) Market Participants
۲) Fraud Participants
۳) Bill-and-Hold

مشتریان که هیچ‌گونه سفارشی برای آنها دریافت نشده و حق برگشت غیر محدود کالا وپرداخت قیمت کالاها بعد از فروش توسط مشتریان نیز در قرارداد واهی قید شده باشد.

پ)دستکاری تعدیلات درآمد: معمول‌ترین تعدیل برای درآمد، برگشت از فروش و تخفیفات است. یک شرکت ممکن است برای بیش از واقع نشان دادن فروش‌ها و سود، فروش‌های برگشتنی را از دید حسابرسان پنهان کند. اگر کالاهای برگشتی به عنوان بخشی از موجودی فیزیکی شمارش شود، این برگشت، سود گزارس شده را افزایش می‌دهد. در این مورد، افزایش دارایی از طریق شمارش فیزیکی موجودی کالا شناسایی می‌شود اما کاهش مربوط به حسابهای دریافتنی شناسایی نمی‌شود. در این مورد، وقوع برگشت از فروش می‌تواند از طریق بررسی تمام گزارشهای دریافتی، اثبات شود. با این حال اگر مدیریت روش‌های جداگانه‌ای برای دریافت کالاهای برگشتنی داشته باشد یا تلاش‌هایی برای غلبه بر روشهای دریافت معمول انجام گیرد، ممکن است برای اثبات وقوع برگشت از فروش، شواهد دیگری لازم باشد.

هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول، مربوط به چرخه درآمد است اما به جای احتساب آن به عنوان یک تعدیل درآمد، معمولاً با آن به عنوان یک هزینه فروش رفتار می‌شود. شرکت‌ها ممکن است هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول را با کمتر از واقع نشان دادن حساب ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، کاهش دهند. به دلیل اینکه ذخیره الزامی به سن و کیفیت حسابهای دریافتنی بستگی دارد، برخی شرکت‌ها برای جاری‌تر نشان دادن حسابهای دریافتنی سن آنها را تغییر می‌دهند. این موضوع معمولاً با آزمون دقت سنی کردن اثبات می‌شود.

علائم هشدار دهنده تقلب در درآمد فروش

ازمهمترین علائم هشدار دهنده تقلب در درآمد فروش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) روشهای تحلیلی[1]: روشهای تحلیلی، مخصوصاً درصد حاشیه فروش ناخالص را بیش از واقع نشان می‌دهد و همچنین شناسایی زود هنگام درآمد، اگر بهای تمام شده مرتبط با آن شناسایی نشود حاشیه فروش ناخالص را بیش از واقع نشان می‌دهد. درآمدهای واهی نیز گردش حسابهای دریافتنی را پایین می‌آورد زیرا درآمدهای واهی وصول نمی‌شوند. در بعضی تقلب‌ها، مدیریت برای اینکه نتایج روش‌های تحلیلی، مانند حاشیه فروش ناخالص را همانند سال گذشته نشان دهد، اقدام به ایجاد درآمدهای واهی می‌نماید که در این گونه تقلب‌ها، روش‌های تحلیلی برای خبر دادن از تقلب مفید نمی‌باشند.

ب) مغایرت اسنادی[2]: علی رغم تلاش‌های زیاد متقلبان، به ندرت اتفاق می‌افتد که میزان و سطح شواهد اسنادی مربوط به معاملات واهی به اندازه شواهد معاملات قانونی و مشروع باشد. حسابرسان باید نسبت به علائم غیرعادی و اصلاحات انجام شده روی اسناد هوشیار باشند و به جای رو نوشت اسناد باید بر نسخه اصلی آنها اتکا کنند. به دلیل اینکه متقلبان برای پنهان نگه داشتن تقلب تلاشهای زیادی می‌کنند، حتی یک معامله غیرعادی ساده هم باید به عنوان یک علامت بالقوه تقلب محسوب شود و پی‌جویی گرد

---

۱) Analytical procedures
۲) Documentary Discrepancies

گزارشات نادرست درآمد(مطالبات)

شرح گزارش نادرست	مثال	ضعف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می دهد
ثبت درآمدهای کسب نشده	**تقلب:** - ثبت جعلی فروشها بدون دریافت یک سفارش مشتری و یا حمل کالاها - حمل بیش از واقع و عمومی کالاها	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و یا حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه‌ای، اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف فروش
	اشتباه: - ثبت فروشها بر اساس سفارشات دریافتی از مشتریان به جای حمل کالاها	- فرآیند نامناسب صدور فاکتور که در آن صدور فاکتور مبتنی بر اطلاعات حمل کالا نیست
	- صورتحساب کردن و ثبت نادرست فروشها	- کنترلهای نامناسب برای آزمون فاکتورها و یا کنترل های اعتبار بخشی نامناسب ورودیها و مغایرت گیری های نامناسب کامپیوتر برای اطمینان از صحت پایگاه اطلاعاتی
	- ثبت وجوهی که نشان دهنده یک بدهی است(دریافت وجوه واریزی مشتری)، به عنوان درآمد	- سیستم‌های حسابداری نامناسب و پرسنل حسابداری نالایق
شناسایی پیش از موعد یا با تأخیر درآمدها - مسائل انقطاع زمانی	**تقلب:** - باز نگهداشتن دفتر روزنامه فروش برای ثبت فروشهای سال بعد با عنوان اینکه در سال جاری اتفاق افتاده است	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره،کمیته حسابرسی و یا حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه ای،اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف فروش
	- ثبت فروشها در دوره اشتباهی بر اساس اطلاعات حمل نادرست کالا	- رویه‌های نامناسب قطع معاملات دردپارتمان حمل و ارسال کالا

شناسایی درآمد زمانی که ابهامات عمده ای وجود داشته باشد	**تقلب:** - ثبت فروشها زمانی که احتمالا مشتری کالاها را برگشت دهد **اشتباه:** - ثبت فروشها زمانی که پرداخت مشتری وابسته به دریافت تأمین مالی مشتری و یا فروش کالاها به دیگر بخش ها و مشتریان باشد(کالاهای امانی)	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، و یا حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه ای و اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف فروش - نگرش و طرز تفکر جسورانه مدیریت در جهت گزارشگری مالی و مدیریت نامناسب اداره حسابداری
ثبت درآمد زمانی که هنوز خدمات عمده ای می‌بایست بوسیله فروشنده انجام گیرد	**تقلب:** - ثبت درآمد فرانشیز زمانی که فرانشیز فروخته شده باشد، هرچند که یک تعهدی برای انجام خدمات عمده، هنوز وجود داشته باشد. **اشتباه:** - مقدار درآمد کسب شده از فرانشیز به طور نادرست محاسبه شده باشد	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه ای و اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف فروش - نگرش جسورانه مدیریت در جهت گزارشگری مالی و مدیریت نامناسب اداره حسابداری
برآورد بیش از حد مبالغ درآمد بدست آمده	**تقلب:** - ارائه نادرست درصد تکمیل چندین پروژه بوسیله یک شرکت پیمانکاری با استفاده از روش درصد تکمیل در شناخت درآمد - برآورد بیش از حد درصد تکیل پروژه ها بوسیله یک شرکت پیمانکاری با استفاده از روش درصد تکمیل در شناخت درآمد	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و یا حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه ای، وجود افراد بدون صلاحیت در فرآیند پیش بینی - نگرش و طرز تفکر جسورانه مدیریت در جهت گزارشگری مالی، پرسنل بدون صلاحیت در فرآیند پیش بینی یا حسابداری

۲- آزمون کنترلهای حسابها و اسناددریافتنی

- بررسی سیاست وخط مشی شرکت صاحبکار نسبت به فروش اعتباری به مشتریان و اعطای تخفیفات و مطابقت آن با دفتر روزنامه دریافتهای نقدی جهت اعمال صحیح آن.
- تجزیه و تحلیل تخفیفات اعطایی در هر ماه، نسبت تخفیفات به وصولیها و نسبت تخفیفات نقدی به خالص فروش نسیه برای آشکار کردن اختلافهای فاحش.
- سندرسی نمونه ای از معاملات فروش برای اطمینان از وجود مجوزها و مدارک مثبته کافی.
- کنترل عطف متقابل مدارک اولیه فروش و ردیابی تعدادی از مدارک حمل کالا به فاکتورهای فروش برای اطمینان از ثبت دفاتر بودن تمامی کالاهای حمل شده برای مشتریان.
- کنترل برگشت از فروشهای با مبالغ بزرگ و بستانکاران متعدد با مبالغ کوچک در معین بدهکاران برای اطمینان از عدم ثبت کالاهای ارسالی امانی به عنوان فروش.
- بررسی اقدامات پیگیرانه مدیریت برای وصول مطالبات سوخت شده ای که از دفاتر حذف شده اند.
- کنترل مفاد تعدادی از قراردادهای فروش و ذخیره درنظر گرفته شده برای فروشهای با حق برگشت آنها.
- بررسی تعدادی از علی الحسابهای دریافتی از مشتریان و مطابقت آنها با اسناد دریافتنی و دفتر ثبت اسناد دریافتنی برای اطمینان از وجود روش مناسب برای کنترل این گونه پرداختها.

۳- آزمون‌های محتوا

الف) آزمون کلیات حسابها واسناد دریافتنی

در صورتی که در اجرای روشهای تحلیلی(برای تایید اعتبار و کامل بودن) در مورد معاملات فروش و حسابهای دریافتنی، نوسانات غیرعادی کشف شود، حسابرس می‌بایست از مدیریت پرسش‌های بیشتری بنماید. پاسخ‌های مدیریت را باید با دقت مورد ارزیابی قرار داده و مشخص کند که آیا در مورد نوسانات غیر عادی توضیح قانع کننده‌ای داده شده است یا خیر و اینکه آیا شواهد مؤید ادعاهای مدیریت وجود دارد یا خیر. بطور کلی روش‌های تحلیلی حسابرس را به زمینه‌هایی که دارای روابط غیر عادی بوده و نیازمند انجام بررسی‌های بیشتر می‌باشند، رهنمون می‌سازد. از جمله روش‌های تحلیلی معاملات فروش و حسابهای دریافتنی عبارتند از:

۱- محاسبه نسبت سود ناخالص و مقایسه با سالهای قبل برای کشف مواردی که در آن فروش وحسابهای دریافتنی بیشتر یا کمتراز مقدار واقعی گزارش شده‌اند.

۲- مقایسه فروش در طول زمان برحسب ماه برای کشف فروش و حسابهای دریافتنی که بیشتر یا کمتر ازمقدار واقع گزارش شده‌اند.

۳- محاسبه نسبت درآمد بهره به اسناد دریافتنی و مقایسه آن با سال قبل.

۴- محاسبه نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به حسابهای دریافتنی و مقایسه با سالهای قبل برای کشف موارد بیش از واقع یا کمتر از واقع گزارش کردن ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول.

۵- محاسبه نسبت حسابهای دریافتنی به فروش نسیه و مقایسه با سالهای قبل

۶- محاسبه دوره وصول مطالبات و گردش حسابهای دریافتنی ومقایسه با سالهای قبل برای کشف گزارش بیش از واقع یا کمتر از واقع ذخیره مطالبات

مشکوک‌الوصول و هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و همچنین کشف حسابهای دریافتنی ساختگی .

۷- محاسبه نسبت مطالبات سوخت شده به ناخالص فروش یا حسابهای دریافتنی و مقایسه با سالهای قبل برای کشف مطالبات سوخت شده‌ای که در واقع سوخت نشده‌اند.

۸- محاسبه نسبت برگشت از فروش و تخفیفات به ناخالص فروش و مقایسه با سالهای قبل برای کشف گزارش کمتر از واقع یا بیش از واقع برگشت از فروش و تخفیفات و حسابهای دریافتنی.

۹- مقایسه مانده‌های حساب هر مشتری که به بیش از مبلغ مشخص رسیده باشد با سالهای قبل

ب) آزمون جزئیات حسابها و اسناد دریافتنی

حسابرس می‌بایست **جدول سنی بدهکاران**[1] را از صاحبکار دریافت نماید. درصورت عدم تهیه آن توسط کارکنان صاحبکار، حسابرسی خود مبادرت به تهیه آن می‌نماید. یک جدول سنی عبارت است از فهرستی از مانده حسابهای دریافتنی در حساب کنترل، در تاریخ ترازنامه که شامل مانده حسابهای هر مشتری (مانده مطالبات شرکت از وی بوده) و بر اساس تاریخ فروش و تاریخ ترازنامه تفکیک می‌شوند. بطور کلی مطابقت اطلاعات موجود در جدول سنی بدهکاران با حساب کنترل حسابهای دریافتی و دفتر کل، پیش از هر آزمون دیگری یک روش الزامی می‌باشد.

حسابرس می‌بایست جمع عمودی و افقی جدول سنی بدهکاران را محاسبه و با جمع حسابهای دفتر کل مطابقت دهد که برای این منظور می‌توان از نرم‌افزارهای حسابرسی استفاده نمود. همچنین حسابرس باید نمونه‌ای از مانده هر یک از حسابها را با اسناد و

---

۱) Aged Trial Balance

مدارک حسابداری مربوط مقایسه کرده و بدین وسیله نام مشتری، مانده حساب و مانده‌های جدول سنی را تأیید کند. دامنه آزمون جدول سنی بدهکاران به عوامل زیر بستگی دارد: تعداد حسابهای مورد نظر، حدود و گستره‌ای که حساب کنترل (به عنوان بخشی از آزمون کنترلهاو آزمونهای محتوا از رویدادهای مالی) آزمون شده است، و گستره یا دامنه‌ای که این جدول به وسیله یک حسابرس داخلی یا یک شخص مستقل بازبینی و اثبات شده است (البته پیش از اینکه به حسابرس داده شود).

صورت تجزیه و تحلیل اسناد دریافتنی و بهره‌های مربوطه نیز می‌بایست تهیه گردد که معمولاً کارکنان صاحبکار آن را تهیه و در اختیار حسابرس قرار می‌دهند. در صورت تهیه آن توسط کارکنان صاحبکار لازم است که صاحبکار صحت آن را با کنترل جمع‌های افقی و عمودی و مطابقت جمع اسناد دریافتنی با مانده پایان سال حساب کنترل در دفترکل و همچنین پیگیری تعدادی از اسناد انتخابی در حسابهای دفتر معین و کار برگ شمارش موجودی نقد و اسناد دریافتنی اثبات کند. این صورت تجزیه و تحلیل شامل اطلاعاتی درباره نام صادرکننده، تاریخ صدور، تاریخ سررسید، مبلغ و نرخ بهره می‌باشد.

دریافت تأییدیه[1] بدهکاران (برای تایید اعتبار). منظور از تأییدیه، فرایند کسب مستقیم اطلاعات از یک شخص ثالث و ارزیابی آن در پاسخ به درخواست اطلاعات درباره یک مورد خاص مؤثر بر ادعاهای مدیریت در صورتهای مالی می‌باشد. به طور کلی تأییدیه سندی است که از طرف اشخاص خارج از سازمان صاحبکار برای حسابرس ارسال می‌گردد. حسابرس با دریافت تأییدیه از طرف بدهکار، وجود بدهی را اثبات می‌کند. به طور کلی دریافت تأییدیه دو هدف زیر راتأمین می‌کند:

۱) اثبات وجود دارایی

---

1) Confirmation Request

۲) اطمینان از اینکه در ازای دریافت وجه از وی وجوه کمتری به حساب او منظور نشده یا دستکاری در حساب وی در تاریخ ترازنامه صورت نگرفته است (عدم کلاه به کلاه کردن و سایر اختلاس‌ها) بر اساس استانداردهای حسابرسی، دریافت تأییدیه از بدهکاران به عنوان روش پذیرفته شده حسابرسی شناخته شده است و حسابرس مستقل که در مورد صورتهای مالی اظهارنظر می‌کند، هنگامی که در رسیدگی‌های خود از روش دریافت تأییدیه استفاده نمی‌کند، باید بداند که مسئول توجیه اظهارنظر ارائه شده خواهد بود.

اعتبار تأییدیه دریافتی از اشخاص ثالث به دو عامل اساسی بستگی دارد:

۱) تأییدیه می‌بایست از طرف کسی صادر شده باشد که صلاحیت صدور آن را داشته باشد.

۲) تأییدیه بی‌واسطه به دست حسابرس رسیده باشد، به طوری که در اصالت و درستی آن هیچ تردیدی وجود نداشته باشد.

با این حال دریافت تأییدیه بدهکاران، قابلیت وصول آن را تضمین نمی‌کند. انواع تأییدیه بدهکاران را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

۱) تاییدیه مثبت: تاییدیه ای که از پاسخ دهنده خواسته می شود که در هر صورت با اعلام موافقت نسبت به اطلاعات داده شده یابا تکمیل اطلاعات درخواستی، به حسابرس پاسخ دهد. به عبارتی چه اطلاعات و مبلغ درج شده در نامه تاییدیه مورد تایید پاسخ دهنده باشد و چه موردتایید وی نباشد، پاسخ دهنده می بایست جواب آن را به آدرس حسابرس ارسال نماید. قابلیت اطمینان و اتکای بیشتر تاییدیه مثبت از این واقعیت ناشی می شود که در صورت دریافت نکردن پاسخ، حسابرسان نسبت به ضرورت پی جویی بیشتر هشیار می شوند. در صورت عدم دریافت پاسخ تاییدیه مثبت، حسابرسان می‌بایست سایر روشهای حسابرسی را انجام دهند. به عبارتی ارسال درخواستهای پیرو اول و دوم در اکثر موارد، ضرورت می یابد (نامه پیرو دوم معمولا با پست سفارشی،

تلفن یا فکس صورت می گیرد). حسابرسان در صورت عدم دریافت پاسخ درخواست تاییدیه به روشهای بالا، سایر روشهای رسیدگی شامل موارد زیر را انجام می دهند: بررسی و اثبات وجود، محل کارو اعتبار بدهکاران، دریافتهای بعد از تاریخ ترازنامه، قراردادها وسایر مدارک اولیه.

موارد استفاده تاییدیه مثبت شامل موارد زیر می باشد:

- سیستم های کنترل داخلی صاحبکار ضعیف باشند.
- وجود حسابها با مبالغ زیادوبا اهمیت وبه تعداد کم.
- احتمال سوء استفاده وجود داشته باشد.

۲) **تایید منفی**: درخواست تاییدیه منفی از پاسخ دهنده می خواهد تنها در صورتی پاسخ دهد که با اطلاعات ارائه شده در درخواست تاییدیه، موافق نباشد. اما در صورت دریافت نکردن پاسخ درخواست تاییدیه منفی، حسابرس می داند که هیچ شواهد روشنی درباره اینکه اشخاص ثالث مورد نظر، درخواست تاییدیه را دریافت ودرستی اطلاعات مندرج در آن را تایید کرده اند، در اختیار ندارد. بر همین اساس، معمولاً استفاده از درخواست تاییدیه منفی شواهدی با قابلیت اعتماد کمتر از درخواست تاییدیه مثبت فراهم می کند وحسابرس اجرای سایر آزمونهای محتوا را به عنوان مکمل استفاده از تاییدیه منفی، مورد توجه قرار می دهد.

موارد استفاده از تاییدیه منفی عبارتند از:

- پایین بودن سطح برآوردی خطرهای ذاتی وکنترل.
- وجود تعداد زیادی از مانده های کوچک.
- مورد انتظار نبودن وجود اشتباهات به تعداد زیاد.
- نبود دلیلی برای حسابرس دال بربی توجهی پاسخ دهندگان به این گونه درخواستها.

۳) **تایید مثبت ومنفی**: یعنی ترکیبی از تاییدیه مثبت وتاییدیه منفی برای اقلام مختلف استفاده گردد. برای مثال در مواردی که مبلغ کل مانده حسابهای دریافتنی از تعداد

زیادی مانده های کوچک و تعداد اندکی مانده های بزرگ تشکیل شده باشد، حسابرس ممکن است به این نتیجه برسد که استفاده از درخواست تاییدیه مثبت در مورد تمام یا نمونه ای از مانده های بزرگ ودرخواست تاییدیه منفی در مورد نمونه ای از مانده های کوچک، مناسب است.

تاییدیه بدون مانده، نوعی تاییدیه مثبت تلقی می گردد، زیرا بوسیله ارسال یک نامه تاییدیه ای که هیچ مبلغی به عنوان طلب یا بدهی مشتری در آن قید نشده، حسابرس از گیرنده نامه درخواست می کند که مبلغ مورد نظر را در جای خالی نامه ارسالی نوشته وبه آدرس حسابرس ارسال کند که در صورت عدم دریافت پاسخ، حسابرس همانند تاییدیه مثبت به پی جویی های بیشتر اقدام می کند.

انتخاب اقلام برای تأییدیه‌گیری

برای تعیین اندازه نمونه جهت گرفتن تاییدیه در مورد حسابهای دریافتنی عوامل زیر می‌بایست مورد توجه قرار گیرد:

- تحریف قابل تحمل (برآورد اولیه درباره سطح اهمیت هر حساب)
- ریسک ذاتی (تحریف‌های مورد انتظار)
- ریسک کنترل (ضعف و قوت سیستم کنترل داخلی)
- ریسک عدم کشف ناشی از سایر آزمونهای محتوا (گسترده و نتایج حاصل از آزمون محتواهای به عمل می‌آید)
- اهمیت حسابهای دریافتنی نسبت به مجموع داراییها
- نتایج تأییدیه‌های سالهای قبل
- نوع تأییدیه مثبت یا منفی

برای گرفتن تأییدیه از حسابهای دریافتنی، می‌بایست حسابهای دریافتنی به گونه‌ای مناسب طبقه‌بندی شوند که می‌توان آنها را بر حسب مبلغ ریالی و یا مدت زمان سپری

شده از سررسید برای تأییدیه‌گیری انتخاب کرد. در بیشتر حسابرسی‌ها، به دلیل اینکه احتمال تحریف‌های عمده در مانده حسابهای بزرگ و حسابهایی که برای مدت طولانی‌تر وصول نشده‌اند، بیشتر است، به این معیارها تأکید می‌گردد.

پی‌جویی نامه‌های بدون پاسخ

در صورتی که بعد از ارسال درخواست تأییدیه مثبت توسط حسابرس، هیچ پاسخی از طرف مشتریان دریافت نگردد، بر اساس استانداردهای حسابرسی، حسابرس می‌بایست از روشی به نام **روش پیگیری** استفاده کند. یعنی حسابرس نامه دوم و پس از مدتی نامه سوم(که معمولاً با پست سفارشی، فکس و... صورت می‌گیرد) را برای مشتری ارسال می‌کند. در صورتی که نامه‌های دوم و سوم نیز به جوابی از طرف مشتری منجر نشد، حسابرس می‌بایست از روش دیگری به نام **سایر روشها** استفاده نماید. یعنی به روشی غیر از گرفتن تأییدیه اقدام به رسیدگی کرد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دریافتهای نقدی بعد از ارسال نامه و بعد از تاریخ ترازنامه، نسخه دوم و سوم فاکتور فروش، سند حمل یا بارنامه، قراردادهای فیمابین، سفارش خرید مشتری و ادامه نامه‌نگاری با مشتری.

در صورت وجود هرگونه مغایرت در جوابهای دریافتی از مشتریان، حسابرس می‌بایست، علت مغایرتها را پیگیری نماید. بیشتر این مغایرتها به دلیل تفاوت زمانی در ثبت دفاتر طرفین معامله می‌باشد ولی متداول‌ترین تفاوتهای گزارش شده به شرح زیر می‌باشند:

الف) **بدهیها پرداخت نشده است.** ادعای مشتری مبنی بر پرداخت مبلغ بدهی و عدم ثبت آن توسط صاحبکار

ب) **عدم تحویل کالا به مشتری تا زمان درخواست نامه تأییدیه.** ثبت فروش توسط صاحبکار در زمان حمل و ارسال کالا به مشتری در حالی که هنوز کالا به مقصد مشتری نرسیده است. (کالای در راه)

ج) **برگشت کالاها توسط مشتری.** برگشت کالا توسط مشتری، در حالی که تا زمان دریافت کالای برگشتی توسط مشتری، صاحبکار ثبت اعلامیه بستانکاری انجام نمی‌دهد.

د) اشتباهات دفتری و مبالغ مورد مشاجره. اشتباه در مبالغ فاکتورها، کالاهای آسیب دیده، اشتباه در مقدار کالای دریافتی توسط مشتری.

بازرسی[1] اسناد دریافتنی.(برای تایید اعتبار) بازرسی اسناد دریافتنی موجود در شرکت برای جلوگیری از پنهان کردن کسری و اختلاس وجوه نقد با جایگزین کردن سایر اسناد و اوراق بهادار و یا برعکس، می‌بایست **همزمان با شمارش موجودیهای نقدی و اوراق بهادار** صورت گیرد و تا زمان تکمیل بازرسی می‌بایست کنترل کاملی بر تمامی اسناد قابل انتقال اعمال گردد. برای اسنادی که نزد اشخاص دیگری نگهداری می‌شوند می‌بایست هم از نگهدارنده آن و هم از صادر کننده آن تأییدیه گرفته شود که شامل اطلاعاتی همچون نام صادر کننده، مبلغ، نرخ بهره، تاریخ صدور و تاریخ سررسید نیز باشد. با این حال **بازرسی اسناد دریافتنی در مقایسه با بازرسی وجه نقد و اوراق بهادار،** به دلیل سهولت ایجاد سند جعلی، روش کم اهمیتی تلقی می‌گردد.

آزمون انقطاع زمانی معاملات فروش و حسابهای دریافتنی(برای تایید اعتبار و کامل بودن). هدف انقطاع زمانی یکی از مهمترین هدف‌هایی است که در چرخه فروش وصول مطالبات مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا تحریف انقطاع می‌تواند اثری مهم بر سود دوره جاری داشته باشد. از مهمترین تحریف‌های انقطاع زمانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- باز نگه داشتن دفتر روزنامه فروش و ثبت فروش‌های بزرگ سال بعد در دوره جاری.

---

1) Inspect

- انجام فروش‌های واهی و ارسال آن به مکان نامشخص و برگشت آن بعد از تاریخ ترازنامه.
- حذف آگاهانه برگشت از فروش و تخفیفات

زمانی که سیستم کنترل داخلی شرکت صاحبکار مناسب باشد، می‌توان از طریق کنترل و یادداشت کردن آخرین محموله حمل شده در پایان سال و شماره آخرین سند حمل، صحت انقطاع زمانی را تعیین کرد. به این شکل که فروش‌های ثبت شده چند روز قبل و چند روز بعد از تاریخ ترازنامه به سندهای حمل و فاکتور فروش آنها ردیابی می‌شوند.

برای هر گونه فروش غیرواقعی نیز که بعد از پایان سال دوباره به داخل شرکت برگشت داده می‌شوند و تحت عنوان برگشت از فروش ثبت می‌شوند، حسابرس می‌بایست اقدام به اخذ تأییدیه به تاریخ ترازنامه از مشتری کرده و هر گونه برگشت از فروش‌های ثبت شده بعد از تاریخ ترازنامه را به تاریخ فروش اصلی آنها ردیابی کند. براساس اصول حسابداری، هر گونه برگشت از فروش می‌بایست با فروش‌های مربوطه در دوره مربوطه یکجا منظور شوند و در صورتی که از محل فروش‌های دوره جاری، در دوره بعد برگشت از فروش‌های بااهمیتی اتفاق افتد، می‌بایست یک ثبت اصلاحی در ثبت‌های دوره جاری صورت گیرد.

مشتریانی که از طریق اینترنت اقدام به خرید کالایی می‌کنند، چون قبل از خرید نمی‌توانند کالا را مشاهده کنند، احتمال برگشت دادن آنها بیشتر است. بنابراین حسابرسان شرکت‌هایی که بصورت الکترونیکی اقدام به فروش می‌کنند، می‌بایست فروش‌های الکترونیکی و برگشتی‌های آنها را جدا از فروش و برگشتی‌های سنتی مورد بررسی قرار دهند.

بازبینی درآمد بهره و بهره دریافتنی(برای تایید اعتبار و کامل بودن).حسابرس برای اطمینان از صحت مبلغ بهره تحقق یافته می‌بایست، با توجه به تاریخ صدور و نرخ بهره هریک از اسناد دریافتنی، بهره تحقیق یافته در طی دوره مورد رسیدگی را خود محاسبه

نماید. برای این منظور چهار ستون دیگر بابت بهره به کار برگ تجریه و تحلیل اسناد دریافتنی اضافه می گردد که عبارتند از:

ستون اول: شامل بهره تحقق‌یافته دریافت نشده اول دوره (استخراج ازکاربرگ‌های سال قبل)

ستون دوم: شامل بهره تحقق‌یافته طی دوره (با توجه به تاریخ صدور و نرخ بهره هریک از اسناد محاسبه می‌شود).

ستون سوم: بهره وصول شده در طی دوره (از طریق پیگیری مدارک دریافتهای نقدی استخراج می‌شود).

ستون چهارم: بهره تحقق‌یافته دریافت نشده پایان دوره (توسط حسابرس محاسبه می‌شود).

به عبارتی اگر حاصل ستون سوم از حاصل جمع دو ستون اول کسر گردد، نتیجه ستون چهارم یعنی بهره دریافتنی آخر دوره خواهد بود. برای اطمینان از درستی مانده‌ها می‌بایست جمع افقی مانده‌های چهار ستون کنترل و جمع هر یک از ستونها به طور جداگانه با مانده حسابهای دفتر کل مطابقت داده شود.

کفایت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول(برای تایید ارزشیابی).بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری، حسابهای دریافتنی می‌بایست به ارزشی گزارش شوند که در نهایت وصول خواهند شد، یعنی حسابهای دریافتنی منهای ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول. ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول یک مبلغ برآوردی توسط مدیریت شرکت صاحبکار بوده و با هیچ قطعیتی همراه نیست. در این راستا حسابرس باید این موضوع را برآورد نماید که آیا مبلغی که به عنوان ذخیره در نظر گرفته شده است کافی است یا خیر. نقطه آغازین برای ارزیابی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول این است که نتیجه آزمون کنترلها (مربوط به سیاستهای اعتباری شرکت صاحبکار) بررسی گردد. اگر سیاستهای اعتباری شرکت صاحبکار تغییر نکرده باشد و آزمونهای انجام شده در مورد سیاستهای

اعتباری و تصویب اعتبارات مشابه سال قبل باشد، تغییر درمانده حساب ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول باید نشان دهنده فقط تغییراتی باشد که در شرایط اقتصادی و حجم فروش رخ داده است، در غیر این صورت، سیاستهای اعتباری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای تعیین کفایت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، حسابرس در درجه اول باید، **قابلیت وصول حسابها و اسناد دریافتنی** را مورد بررسی قرار دهند، از جمله عوامل مؤثر در این زمینه عبارتند از:

- میزان وصول مطالبات در طول مدت حسابرسی و بعد از تاریخ ترازنامه.
- میزان ارزش وثیقه اسنادی که مشتری بابت ضمانت پرداخت بدهی خود در اختیار صاحبکار قرارداده است.
- تجزیه و تحلیل جدول سنی بدهکاران و میزان و مبلغ مطالبات سررسید گذشته.
- میزان اعتبار مشتریان، بدهکاران بد حساب یا با مبلغ بدهی زیاد.
- پرس و جو از مدیریت و مسئول واحد اعتبارات و بررسی پرونده مکاتبات.
- بررسی جواب تأییدیه‌های دریافتی
- محاسبه روش‌های تحلیلی مانند: نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به حسابهای دریافتنی، فروش خالص و حسابهای سوخت شده و مقایسه با سال قبل.

علاوه بر آزمونهای مبالغ دلاری حسابهای دریافتنی، حسابرس می‌بایست **نحوه ارائه و افشاء** اطلاعات مربوط به معاملات فروش و حسابهای دریافتنی را نیز مورد رسیدگی قرار دهد. از موارد مهم در این زمینه عبارتند از:

- به حساب گرفتن ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و کسر آن از حسابهای دریافتنی

- مانده بستانکار حسابهای دریافتنی در صورت با اهمیت بودن باید به عنوان بدهی جاری طبقه‌بندی مجدد گردند.
- معاملات اشخاص وابسته باید بطور کامل در یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی افشاء گردند.
- حسابهای دریافتنی غیرتجاری و حسابهای دریافتنی از اشخاص وابسته باید جداگانه افشاء گردند.
- هر گونه وثیقه‌گذاری یا تخصیص حسابهای دریافتنی به عنوان تضمین وام باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء گردند.
- هرگونه فروش، واگذاری حسابهای دریافتنی به دیگران باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء گردند.

از جمله **روشهای تعیین گرو بودن یا نبودن دریافتنی‌ها** توسط حسابرس عبارت است از: پرس و جو از مدیریت صاحبکار، دریافت تأییدیه بانک، تجزیه و تحلیل حساب هزینه‌های بهره و بررسی نسخه دوم فاکتورهای فروش موجود در شرکت نسبت به درج اطلاعات راجع به گروگذاری.

خلاصه

اطلاعاتی که به طور کلی در ارزیابی میزان اعتبار مشتریان مورد استفاده قرار می‌گیرد شامل موارد فوق می‌باشد:۱)صورتهای مالی، ۲) سابقه اعتباری مشتری در تعامل با سایر شرکت‌ها، ۳) بانک‌ها، ۴) سابقه اعتباری مشتری در رابطه با خود شرکت. جهت برقراری یک سیستم کنترل داخلی قوی فروش و حسابهای دریافتنی ضروری است مسئولیت اجرای هر یک از موارد زیر برعهده یک اداره یا شخص مستقل قرار گیرد: ۱) دریافت سفارش از مشتری، ۲) تصویب اعتبار مشتری، ۳) صدور کالا از انبار، ۴) حمل و ارسال کالا، ۵) صدور فاکتور، ۶) تصویب اعتبار مشتری، ۷) نگهداری و ثبت حسابهای کنترل بدهکاران، ۸) نگهداری و ثبت حسابهای معین بدهکاران، ۹) تصویب تخفیفات اعطایی و برگشتی‌های فروش و ۱۰) صدور مجوز حذف مطالبات سوخت شده. از جمله روش‌های تقلب و دستکاری در درآمد فروش عبارتند از: الف)درآمدهای واهی، ب) شناسایی زودهنگام درآمد، پ) دستکاری تعدیلات درآمد. از مهمترین علائم هشدار دهنده تقلب در درآمد فروش می‌توان به الف) روشهای تحلیلی و ب) مغایرت اسنادی اشاره کرد. از مهمترین آزمونهای محتوای معاملات فروش و حسابهای دریافتنی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دریافت تأییدیه بدهکاران، بازرسی اسناد دریافتنی، اجرای آزمون انقطاع زمانی، اجرای روشهای تحلیلی، بازبینی درآمد بهره و بهره دریافتنی، بررسی کفایت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول.

سؤالهای تشریحی

۱- کنترلهای داخلی و تفکیک وظایف مربوط به مطالبات را توضیح دهید؟

۲- ریسک تقلب در مطالبات و روشهای دستکاری درآمد فروش را توضیح دهید؟

۳- علایم هشدار دهنده تقلب در درآمد فروش را توضیح دهید؟

۴- فرایند تاییدیه گیری از بدهکاران را تشریح کنید؟

۵- تاییدیه مثبت را با تاییدیه منفی مقایسه کنید؟

۶- چرا بازرسی اسناد دریافتنی، نسبت به بازرسی وجه نقد و اوراق بهادار، روش کم اثرتری می باشد؟

۷- مهم ترین روشهای تحریف انقطاع زمانی معاملات فروش و حسابهای دریافتنی را توضیح دهید؟

۸- آزمون کلیات در معاملات فروش و حسابهای دریافتنی را تشریح کنید؟

۹- عوامل موثر در قابلیت وصول مطالبات جهت تشخیص کفایت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول را توضیح دهید؟

پرسشهای چهارگزینه‌ای

۱-کدام مجموعه اطلاعات درخواستی حسابرس در یک فرم مورد تأیید قرار می گیرد؟

الف) حسابهای دریافتنی و بهره دریافتنی ب)کالای امانی و بدهی احتمالی

ج)موجودی نقد نزد بانک و وثیقه وام‌ها د) حسابهای پرداختنی و تعهدات خرید

۲- درخواست تأییدیه حسابهای دریافتنی درباره کدام ادعای زیر می‌تواند به احتمال زیاد شواهد مربوطه را فراهم کند؟

الف) ارزشیابی ب) کامل بودن ج)وجود د) طبقه‌بندی

۳- حسابرس در کدام مورد زیر باید روش‌های دیگری را برای اثبات وجود حسابهای دریافتنی اجرا کند؟

الف) دریافت نکردن پاسخ تأییدیه‌های مثبت

ب) دریافت نکردن پاسخ تأییدیه‌های منفی

ج) وجود احتمال گرو بودن حسابهای دریافتنی

د) تردید داشتن در مورد قابلیت وصول حسابهای دریافتنی

۴- کدام مورد زیر در ارتباط با استفاده از تأییدیه منفی درست است؟

الف) تأییدیه منفی هنگامی مؤثر است که انتظار رود مانده حسابها، کمتر از واقع ارائه شده است.

ب) دریافت نکردن پاسخ تأییدیه منفی نشانه ضرورت اجرای روش‌های دیگری است.

ج) تأییدیه منفی هنگامی مؤثر است که خطر عدم کشف در سطح پایین باشد

د) دریافت نکردن پاسخ تأییدیه‌های منفی، به ندرت شواهد صریح قابل ملاحظه‌ای را فراهم می‌آورد.

۵- کدام مورد زیر به احتمال زیاد، استفاده از تأییدیه منفی را برای حسابهای دریافتنی توجیه می‌کند؟

الف) تعداد موارد مغایر، اندک و مانده بدهکاران عمدتاً از فروش به تعداد اندکی مشتری ناشی شده باشد.

ب) تعداد موارد مغایر، اندک و مانده بدهکاران از فروش به تعداد زیادی مشتری و با مانده اندک ناشی شده باشد.

ج) تعداد موارد مغایر، بسیار و مانده بدهکاران از فروش به تعداد زیادی مشتری و با مانده‌های اندک ناشی شده باشد.

د) تعداد موارد مغایر، بسیار و مانده بدهکاران عمدتاً از فروش به تعداد اندکی مشتری ناشی شده باشد.

۶- در صورتیکه تعدادی از مشتریان به درخواست تأییدیه نوبت دوم پاسخ ندهند حسابرس باید کدام روش زیر را اجرا کند؟

الف) بالا بردن سطح برآوردی خطر عدم کشف برای اثبات وجود حسابهای دریافتنی

ب) افزایش مطالعه و ارزیابی سیستم کنترل داخلی صاحبکار در مورد چرخه درآمد.

ج)بازرسی اسناد حمل کالاهای فروخته شده به بدهکاران

د) بررسی دفتر روزنامه دریافتهای نقدی برای یک ماه پس از پایان سال مالی

۷- اجرای آزمون انقطاع زمانی برای کشف فروشهایی که قبل از پایان سال رخ داده‌اند ولی در سال بعد ثبت شده‌اند، شواهد پشتوانه برای کدام ادعای مدیریت می‌باشند؟

الف) وجود ب) کامل بودن ج) نحوه ارائه د) حقوق و تعهدات

۸- کدام یک از موارد زیر، به احتمال زیاد بیشترین اطمینان را در مورد ادعای ارزشیابی حسابهای دریافتنی فراهم می‌آورد؟

الف) ردیابی مبالغ در دفتر معین به جزئیات اسناد ارسال کالا

ب) ارزیابی معقول بودن ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول

ج) پرس و جو درباره وثیقه‌گذاری دریافتنی‌ها طبق قرارداد وام

د) مقایسه نرخهای گردش دریافتنی‌ها با آمارهای صنعت

۹- اگر هدف از آزمون جزئیات، کشف بیش از واقع نشان دادن فروش‌ها باشد، حسابرس باید معاملات را از..... ردیابی کند.

الف) دفتر روزنامه دریافتهای نقدی به دفتر روزنامه فروش

ب) دفتر روزنامه فروش به دفتر روزنامه دریافتهای نقدی

ج) اسناد اولیه به سوابق حسابداری

د) سوابق حسابداری به اسناد اولیه

۱۰-کدام یک از موارد زیر، به احتمال زیاد با استفاده از آزمون انقطاع زمانی فروش کشف می‌شود؟

الف) ارسال کالا بدون فاکتور فروش و اسناد ارسال

ب) حذف بیش از اندازه حسابهای دریافتنی

ج) فروش‌های ثبت نشده در پایان سال

د) کلاه به کلاه کردن حسابهای دریافتنی پایان سال

۱۱- تعیین کفایت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، درباره کدام ادعای زیر می‌تواند شواهد مربوطی را فراهم سازد؟

الف) ارزشیابی ب)وجود ج) طبقه‌بندی د)کامل بودن

پرسشهای تحلیلی

۱- حسابرسان در رسیدگی به کنترلهای داخلی فروش شرکت امید متوجه نکات زیر گردیدند:

الف) حواله انبار (برگه خروج اجناس از انبار) فاقد شماره سریال چاپی است.

ب) شرکت لیست قیمت فروش مصوب تدوین شده ندارد، مسئول فروش با توجه به وضعیت بازار و مشتریان قیمت فروش را تعیین می‌کند.

ج) شرکت برای ثبت موجودی‌ها از روش ثبت دایمی استفاده می‌کند.

با توجه به اطلاعات فوق، حسابرس نسبت به صورتهای مالی به خصوص در مورد ترازنامه و صورت حساب سود و زیان چه نوع اظهارنظری ارائه خواهد کرد؟ چرا؟

۲- مؤسسه حسابرسی حسابان، قبل از تکمیل فرایند حسابرسی شرکت آرام، نسبت به موضوع زیر می‌بایست تصمیم‌گیری کند: هیچ اقدامی نسبت به درخواست‌های تأییدیه پاسخ داده نشده، انجام نگرفته است. مؤسسه حسابرسی از هر دو تأییدیه مثبت و منفی استفاده کرده و برای بدهکارانی که به تأییدیه اول پاسخ نداده‌اند، برای بار دوم درخواست تأییدیه ارسال کرده است. مطلوبست: مؤسسه حسابرسی حسابان باید چه روش‌های دیگری را در مورد تأییدیه‌های پاسخ داده نشده اجرا کند؟

۳- مؤسسه حسابرسی سامان در حسابرسی صورتهای مالی شرکت پولاد، کنترلهای داخلی مربوط به حسابهای دریافتنی را بررسی کرده و ریسک کنترل را در سطح حداکثر ارزیابی نمود و همچنین جدول سنی حسابهای دریافتنی را که کل طلب شرکت از مشتریان را نشان می‌داد، از صاحبکار دریافت نموده و برای تعدادی از مشتریان به طور نمونه تأییدیه مثبت فرستاده است. مطلوبست: موسسه حسابرسی سامان چه روشهای حسابرسی محتوای دیگری را برای حسابرسی حسابهای دریافتنی باید بکار گیرد؟

۴- حسابرسی مؤسسه حساب‌گستر از تأییدیه مثبت برای دریافت تأییدیه بدهکاران شرکت لاله استفاده کرده است. پاسخ‌های دریافتی از تمام بدهکاران به غیر از یک حساب با مانده بزرگ، رضایت‌بخش بود. حسابرس درخواست تأییدیه نوبت دوم و سوم را نیز برای مشتری ارسال کرد ولی پاسخی دریافت نکرد. در این زمان، یکی از کارکنان شرکت به حسابرس اطلاع می‌دهد که چکی به مبلغ کل مانده حساب از این مشتری دریافت شده است. آیا حسابرس دریافت این چک را به عنوان یک راه‌حل رضایت بخش تلقی می‌کند؟ توضیح دهید.

۵- در مورد هر یک از موارد زیر بحث کنید؟

- دریافت تأییدیه از صادر کننده اسناد دریافتنی به جای مشاهده عینی صرف آنها
- دریافت تأییدیه از صادر کننده اسناد دریافتنی در مقابل دریافت تأییدیه صرف از دارنده آن

- رسیدگی به برگشتی‌ها و تخفیفات فروش بعد از تاریخ ترازنامه
- بازرسی اسناد دریافتنی در مقابل بازرسی وجوه نقد و اوراق بهادار
- روش کشف سفارش‌های حمل شده برای مشتریان ولی ثبت نشده در دفاتر به دلیل عدم صدور فاکتور.
- روش اطمینان از واقعی بودن مطالبات سوخت شده در دفاتر.

فصل پنجم:

حسابرسی چرخه مخارج

مقدمه

چرخه مخارج شامل خریدها، پرداختهای وجه نقد، هزینه‌های عملیاتی، موجودی‌ها، داراییهای ثابت، داراییهای نامشهود و حسابهای پرداختنی می‌باشد. موجودی‌ها جزو اقلام مهم سرمایه در گردش واحد تجاری و جزو داراییهای فیزیکی آن می‌باشند که نیازمند دقت بسیار زیاد حسابرسان به دلیل تأثیرات مهم آن بر صورت سود و زیان و بالا بودن ریسک ذاتی آن می‌باشد. داراییهای ثابت که ممکن است سالیان متمادی در یک واحد تجاری بدون تغییر باشند و یا دارای تغییرات اندکی می‌باشند، نسبت به حسابرسی داراییهای جاری مثل موجودی مواد و کالا که ممکن است تغییرات و گردش‌های بسیار

زیادی طی یک سال مالی داشته باشند، آسانتر می‌باشد. حسابرسان در انجام یک حسابرسی از صورتهای مالی، همیشه نگران بیش از واقع بودن داراییها هستند در حالی که نگرانی اصلی حسابرسان از حسابرسی بدهی‌ها مانند حسابهای پرداختنی، کمتر از واقع گزارش شدن آنها از طرف صاحبکار می‌باشد، در نتیجه حسابرسان می‌بایست، در حسابرسی بدهی‌ها به دنبال بدهی‌های ثبت نشده باشند که این کار در مقایسه با حسابرسی داراییهای بیش از واقع گزارش شده سخت و مشکل می‌باشد. در این فصل از بابت حسابرسی چرخه مخارج، به ترتیب حسابهای موجودی مواد و کالا، داراییهای ثابت و حسابهای پرداختنی مورد بررسی قرار می گیرند.

موجودی‌های مواد و کالا و بهای تمام شده کالای فروش رفته

موجودی‌ها از اقلام بسیار مهم داراییهای جاری هستند. اگر داراییهای جاری را در چهار گروه موجودی نقد، اوراق بهادار، حسابهای دریافتنی و موجودی کالا تفکیک کنیم، سه گروه اول **دارایی مالی**[۱] و گروه چهارم، **دارایی فیزیکی**[۲] نامیده می‌شوند.

موجودی‌ها از اقلام مهم سرمایه در گردش (داراییهای جاری) هر واحد انتفاعی بوده که نماینده اقلام زیر در ترازنامه شرکت‌ها می‌باشد:

۱- موجودی کالا: آن دسته از کالاهایی که به قصد فروش در مؤسسات مختلف به ویژه مؤسسات بازرگانی که به خرید وفروش کالا فعالیت دارند، نگهداری می‌شود.

۲- موجودی کالای ساخته شده: آن دسته از کالاهای تولید شده واحدهای تولید که به قصد فروش، تولید و نگهداری می‌شوند.

---

۱) Financial Asset
۲) Physical Asset

۳- موجودی کالای در جریان ساخت: آن دسته از موجودی‌هایی که حاصل فرآیند تولید واحدهای تولیدی است که هنوز تکمیل نشده و قابلیت فروش ندارند و یا قابلیت فروش به صورت کالای فرعی دارند.

۴- موجودی مواد خام: آن دسته از موجودی‌هایی که برای تولید محصول توسط واحدهای تولیدی خریداری و نگهداری می‌شوند.

۵- موجودی ملزومات و موجودی قطعات یدکی: آن دسته از موجودی‌هایی که به ترتیب برای مصارف جاری عملیات و برای تعمیر ماشین‌آلات و یا فروش به همراه محصولات در مؤسسات خریداری و نگهداری می‌شوند و در واحدهای تولیدی، معمولاً موجودی‌ها به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند که شامل مواد خام قابل استفاده در تولید، کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده آماده فروش می‌باشند.

اهمیت موجودی‌ها

موجودی‌ها به عنوان پشتوانه بسیار مهم برای تأمین مالی به شمار می‌روند، بسیاری از مؤسسات اعطا کننده اعتبار، در ارزیابی ساختار مالی شرکت به کمیت و کیفیت موجودی‌ها توجه دارند. این مؤسسات وضعیت موجودی‌ها را به دلایل زیر مورد توجه قرار می‌دهند:

۱- به عنوان اقلام مهم سرمایه در گردش برای کسب سود، تداوم فعالیت و سنجش توان پرداخت تعهدات.

۲- به عنوان وثیقه و پشتوانه پرداخت تعهدات و به عبارتی ضمانت اجرایی تسهیلات اعطایی.

مزایای متعددی را برای سرمایه‌گذاری در موجودی‌ها می‌توان عنوان کرد که نشان دهنده اهمیت موجودی‌ها در فعالیتهای عملیاتی است که عبارتند از:

۱-کسب سود ناشی از نگهداری موجودی‌ها بویژه در شرایط تورمی.

۲-به حداقل رساندن هزینه فرصت از دست رفته، به عبارتی پرهیز از فقدان موجودی به طوری که به دنبال کاهش ضایعات و عدم توقف تولید، ارضاء نیاز مشتریان را سبب خواهد شد.

۳-کاهش هزینه سفارش و بهره‌مندی از تخفیفات خرید.

۴-برخورداری از مزایای بازاریابی به طوری که هر چه تنوع اقلام موجودی بیشتر باشد، فرایند تولید بدون مشکل انجام می گیرد.

موجودی‌های کالا به دلایل زیر بیش از سایر اقلام داراییهای مندرج در صورتهای مالی مورد توجه قرار می گیرند:

۱-موجودی‌های کالا معمولاً مبلغ عمده‌ای از دارایی‌های جاری واحد تجاری را به خود اختصاص داده و بیش از سایر داراییها در معرض اشتباهات و تخلفات قرار می گیرد.

۲- با توجه به طبقات و گروه‌های مختلف موجودی‌های کالا، روشهای ارزشیابی متنوعی نیز برای ارزیابی آنها وجود دارد.

۳- ارزیابی موجودی‌های کالا به طور مستقیم بر بهای تمام شده کالای فروش رفته و نهایتاً بر سود ویژه تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

۴- رسیدگی به کمیت، کیفیت و ارزش موجودی‌ها به مراتب مشکل‌تر و پیچیده‌تر از اکثر اقلام صورتهای مالی است. برای مثال، رسیدگی به اقلامی مانند جواهرات، لوازم الکترونیکی و داروهای شیمیایی دارای دشواری‌های خاصی می‌باشند.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر موجودی‌ها و بهای تمام شده کالای فروش رفته

وجود کنترل‌های داخلی مناسب، اطلاعات درستی را در جهت ارائه بهای تمام شده برای موجودی‌ها و بهای تمام شده کالای فروش رفته و صحت مقادیر فیزیکی آنها برای گزارش‌های مالی فراهم می‌کند، در صورتی که عدم کفایت و یا نامناسب بودن کنترلهای داخلی به علت اطلاعات نادرستی که در مورد بهای تمام شده در اختیار مدیریت قرار می‌دهد می‌تواند به تصمیم‌گیری غلط مدیریت در قبال تثبیت قیمت‌ها یا سایر تصمیمات که بر اساس سود نهایی اتخاذ می‌شود منجر گردد زیرا هم صورتحساب سود و زیان و هم ترازنامه گمراه‌کننده خواهد بود.

روش‌های کنترل داخلی موجودی‌های کالا بستگی به عواملی مانند بزرگی و یا کوچکی شرکت، نوع موجودی‌ها، مقدار و ارزش آنها دارد. ولی به طور کلی تفکیک وظایف زیر با توجه به هدف‌های کلی می‌تواند مؤثر واقع گردد:

خرید مواد و کالا می‌بایست به دایره خرید محول و برای هر گونه خرید فرم سفارش خرید که دارای شماره سریال بوده تهیه و یک نسخه آن به دایره حسابداری و نسخه دیگر به دایره دریافت کالا ارسال گردد، با این تفاوت که نسخه ارسالی برای دایره دریافت کالا نباید مقدار کالای مورد سفارش را داشته باشد تا مسئول دریافت خود اقدام به شمارش آن نماید. حتی اگر سفارش به شکل تلفنی و شفاهی صورت گیرد بازهم می‌بایست فرم سفارش خرید تهیه گردد.

دریافت کالا می بایست مستقل از دایره خرید، انبار و ارسال بوده و وظایف زیر را بر عهده دارد:

الف)تعیین تعداد یا مقدار کالای دریافتی

ب) شناسایی تعداد کالای خسارت دیده و معیوب

ج)تهیه گزارش دریافت کالا

د) ارسال فوری کالای دریافتی به دایره انبار

کالا هنگام ورود به انبار می بایست مورد شمارش و بازرسی قرار گرفته و در ازاء آن رسید انبار(قبض انبار) صادر می‌شود که با این کار انبار مسئولیت کالا را بر عهده می‌گیرد و بلافاصله دایره انبار مقدار کالای دریافتی را به دایره حسابداری اطلاع می‌دهد که با این کار، کار دایره دریافت کالا را تأیید می‌کند. از جمله روش‌های کنترلی دیگر در این زمینه عبارتند از:

الف) مدارک مقداری موجودی انبار (کارتکس و صورت موجودی‌ها) نباید در انبار و تحت نظر انباردار نگهداری شود. بلکه این گونه مدارک در محلی مستقل از انبار تحت نظر واحدهایی نظیر برنامه‌ریزی و کنترل مواد نگهداری می‌شود.

ب) مدارک انبار در فواصل زمانی معین (مثلاً ماهی یکبار) باید با مدارک حسابداری انبار کنترل و مغایرت استخراج و پیگیری شود.

ج) ورود و خروج موجودی از انبار بر اساس دستورات شفاهی، یادداشت و یا به صورت قرض و موقت مقدور نباشد.

هنگام خروج کالا از انبار می‌بایست یک رسید از دایره دریافت کننده آن تحت عنوان حواله انبار[1] اخذ گردد که حداقل در سه نسخه تهیه می‌گردد و یک نسخه به عنوان رسید تحویلی به انبار در انبار بایگانی می‌شود، یک نسخه به واحد درخواست کننده و یک نسخه به دایره حسابداری ارسال می‌شود.

مسئولیت موجودی‌های کالا در قسمت تولید بر عهده سرپرستان تولید بوده که از لحظه ورود مواد اولیه به خط تولید تا خروج آن به عنوان کالای ساخته شده نسبت به آن پاسخگو می‌باشند. از جمله وظایف مهم سرپرستان تولید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

---

1) Stors Requisition

الف) بازرسی مرتب کالای در جریان ساخت برای آشکار کردن کالاهای معیوب و ناقص.

ب) گزارش به موقع ضایعات حین تولید به دایره حسابداری برای ثبت کاهش بهای تمام شده.

مجوز حمل و ارسال کالا برای مشتری، سفارش فروش تصویب اعتبار شده مشتری می‌باشد. مجوز حمل کالای برگشتی نیز، دستور برگشت کالا توسط مدیر خرید می‌باشد. دستور حمل در چهار نسخه باید تهیه شود که یک نسخه آن در خود دایره ارسال کالا بایگانی می‌شود، نسخه دوم همراه کالا برای مشتری ارسال می‌شود، نسخه سوم برای دایره انبار ارسال می‌شود و نسخه چهارم همراه با مدارک حمل مانند بارنامه[۱] و رسید تحویل کالا به شرکت حمل و نقل برای دایره صدور صورتحساب ارسال می‌گردد.

استقرار یک سیستم حسابداری صنعتی مناسب برای محاسبه مواد اولیه، ملزومات مصرفی در تولید، تجمیع هزینه‌های کار و هزینه‌های غیرمستقیم و سرشکن کردن آنها جهت تعیین حجم و بهای تمام شده موجودی‌های کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده ضروری می‌باشد.

محاسبه بهای تمام شده در حیطه هزینه‌یابی (بهایابی)[۲] قرار می‌گیرد و به فرایند تعیین بهای تمام شده موضوع بها[۳] اشاره دارد. به عبارت دیگر بهایابی مجموعه برنامه‌ها، فعالیتها و اقداماتی است که در جهت تعیین بهای ساخت یا ایجاد یک موضوع بها صورت می‌گیرد و موضوع همان چیزی است که به دنبال تعیین آن هستیم. موضوع بها می‌تواند یک فعالیت، خدمت، دایره، فرایند یا یک محصول باشد اما موضوع نهایی بها

---

۱) Bill of lading
۲) Costing
۳) Cost Object

در حسابداری صنعتی بهای تمام شده محصول است. بطور کلی یک سیستم حسابداری صنعتی ۵ بخش مهم به شرح نمودار زیر است:

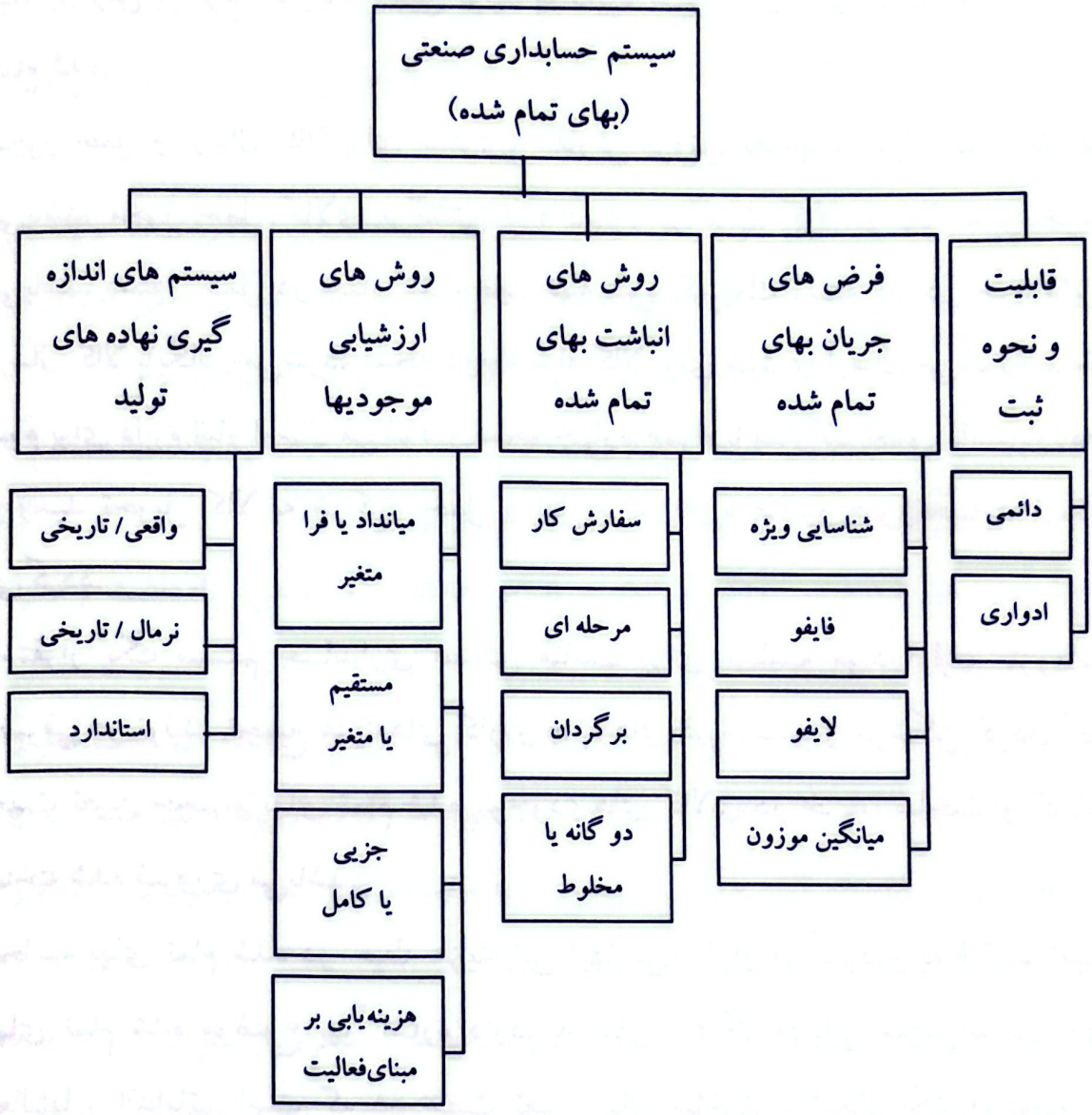

مهم‌ترین عنصر سیستم کنترل داخلی موجودی‌ها، **سیستم ثبت دائمی موجودی‌ها**[۱] می‌باشد که مستلزم ثبت دایمی ورود و خروج کالا در دفاتر بوده که در هر زمان مقدار و ارزش موجودی‌ها را مشخص می‌کند و اطلاعات مهمی را در خصوص خرید، فروش و تولید فراهم نموده و بدین وسیله با شناسایی حداقل و حداکثر موجودی‌ها، میزان نگهداری موجودی‌ها و به دنبال آن هزینه نگهداری و ضایعات به حداقل ممکن می‌رسد و به نوعی نیز به خاطر حساب‌دهی منظم ناشی از ثبت و گزارش موجودی‌ها، از سرقت آنها جلوگیری می‌کند. از آنجایی که نگهداری موجودی‌ها موجب مصرف منابع ارزشمند می‌شود و و هزینه‌های مخفی را ایجاد می‌کند، بسیاری از واحدهای تولیدی در کشورهای صنعتی، نحوه تولید و مدیریت موجودی‌های خود را تغییر داده و استراتژی جدیدی را برای کنترل جریان و فرآیند تولید به موقع اجرا گذاشته‌اند که مدیریت به موقع موجودی‌ها (JIT)[۲] نامیده می‌شود. در این استراتژی، مواد خام و قطعات هنگامی خریداری یا ساخته می‌شود که در مراحل مختلف فرایند تولیدی مورد نیاز باشد. این نحوه تولید و مدیریت موجودی‌ها به دلیل کاهش سطح موجودیها، موجب صرفه‌جویی های قابل توجهی در هزینه‌ها شده است. به همین ترتیب کالاهای نیم‌ساخته مورد نیاز در هر یک از مراحل تولیدی قبل از این که در مرحله بعدی لازم باشد تولید نمی‌شود. کالای ساخته شده نیز هنگامی تولید می‌شود که برای تأمین سفارش مشتریان ضرورت داشته باشد.

ویژگیهای عمده سیستم مدیریت به موقع موجودی‌ها در فرایند تولید به شرح زیر است:

۱- سرعت یکنواخت و هموار تولید

۲- مراحل هماهنگ فرایند تولید

۳- خرید یا تولید به مقدار نسبتاً کم

---

۱) Perpetual Inventory system

۲) Just-in- tim

۴- راه اندازی سریع و کم هزینه ماشین‌آلات

۵- کیفیت بالا برای مواد اولیه و کالاهای ساخته شده.

۶- سیستم اثربخش نگهداری تجهیزات

۷- بهبود سیستم تولید از طریق کار گروهی.

۸- تنوع مهارتهای کارکنان و انعطاف تجهیزات.

حفظ تداوم منظم و هماهنگ فعالیتهای تولیدی و فروش و جلوگیری از توقف عملیات به دلیل کمبود موجودی‌ها، اشاره به مدیریت موجودی‌ها دارد. بنابراین مدیران سعی می‌کنند که حد مطلوبی از منابع مالی خود را درگیر موجودی‌ها کنند تا توازنی بین هزینه‌های سفارش و نگهداری موجودی‌ها از یک طرف و هزینه فقدان موجودی‌های کافی (هزینه فرصت از دست رفته) از طرف دیگر، ایجاد نمایند. این توازن را می‌توان با تعیین با صرفه‌ترین مقدار سفارش[۱] و حد تجدید سفارش[۲] بدست آورد.

هزینه‌هایی که برای تعیین با صرفه‌ترین مقدار سفارش مدنظر قرار می‌گیرد هزینه سفارش و هزینه نگهداری می‌باشند. با صرفه‌ترین مقدار سفارش برای یک قلم معین از موجودی‌ها هنگامی بدست می‌آید که هزینه‌های آن حداقل شود، این حداقل نیز مقارن با مقداری از سفارش است که در آن جمع هزینه سفارش مساوی جمع هزینه نگهداری باشد.

علاوه بر آگاهی از با صرفه‌ترین مقدار سفارش، مدیریت نیازمند دانستن زمان انجام سفارش نیز هست. حد تجدید سفارش، سطحی از موجودی است که به محض رسیدن به آن، یک سفارش جدید داده می‌شود. معمولاً واحدهای تجاری قادر به سفارش و دریافت فوری نیازمندیهای خود نیستند و معمولاً مدت زمانی بین تاریخ ارسال سفارش و تاریخ تحویل کالا وجود دارد، این دوره اصطلاحاً زمان مورد نیاز برای تحویل[۳] نامیده

---

۱) Economic order quantity
۲) Reorder point
۳) Lead time

می‌شود. برای جلوگیری از فقدان موجودی‌ها و پرهیز از تحمل هزینه‌های مربوط به آن، اغلب واحدهای تجاری ـ تولیدی، بیش از نیازمندی زمان مورد نیاز برای تحویل کالا نگهداری می‌کنند، این موجودی اضافی، اصطلاحاً موجودی ایمنی[1] نامیده می‌شود که حد مطلوب آن برابری هزینه نگهداری و هزینه فقدان می‌باشد.

به طور کلی روش‌های زیر در برقراری یک سیستم کنترل داخلی قوی برای موجودی‌های مواد و کالا می‌توانند مؤثر واقع گردند:

- استفاده از پوشش بیمه‌ای مناسب برای موجودی‌ها
- قیمت‌گذاری موجودی‌ها طبق روشهای اعلام شده در یادداشتها و افشاء هر گونه تغییر روش.
- مدارک انبار باید طوری نگهداری شوند که امکان کنترل این مدارک با دفاتر مالی و صورتهای مالی مقدور باشد.
- مدارک انبار می‌بایست به نحوی طراحی، توزیع و نگهداری شود که تخصیص هزینه مواد به مراکز هزینه به آسانی و با دقت امکان‌پذیر باشد.
- میزان موجودی‌ها باید همیشه تحت کنترل باشد بطوری که کالا و مواد مورد نیاز در هر حال به مقدار کافی موجود باشد، بدون آنکه موجودی هر یک از اقلام بیش از حد لزوم گردد.
- از موجودی‌های کالا می‌بایست به نحو مطلوب حفاظت و ورود و خروج کالا از انبار با کسب مجوز قبلی و بر اساس مدارک معتبر انجام گیرد.

---

۱) Safety stock

ریسک تقلب در موجودی کالا

بسیاری از شرکت‌های بزرگ موجودی‌های متعدد و گسترده‌ای در مکان‌های مختلف دارند که این امکان را برای این شرکتها فراهم می‌آورد که به سوابق حسابداری، موجودی واهی اضافه نمایند. حسابرسان ملزم هستند وجود موجودی‌های فیزیکی را اثبات نمایند ولی معمولاً تمام مکان‌هایی که در آنجا موجودی کالا نگهداری می‌شود، مورد آزمون قرار نمی‌گیرد. در بعضی مواردی که موجودی‌های واهی وجود دارد، حسابرسان از قبل به صاحبکار خبر می‌دهند که مکان‌های موجودی کالا باید مورد آزمون قرار گیرد، در نتیجه انتقال موجودی‌ها به مکان‌هایی که آزمون می‌شوند، کار را نسبتاً آسان می‌کند. برای تصمیم‌گیری در مورد تقلب موجودی کالا، روش‌های تحلیلی از اهمیت زیادی برخوردار است.

روش‌های تحلیلی مخصوصاً درصد حاشیه فروش ناخالص و گردش موجودی کالا، از وقوع تقلب موجودی کالا خبر می‌دهد. موجودی واهی، بهای تمام شده کالای فروش رفته را بیش از واقع و درصد حاشیه فروش ناخالص را کمتر از واقع نشان می‌دهد. موجودی واهی همچنین گردش موجودی کالا را پایین‌تر نشان می‌دهد بنابراین کاهش عمده در گردش موجودی کالا، علامت وجود موجودی واهی می‌باشد.

چنانچه خطر تحریف‌های ناشی از تقلب مرتبط با مقادیر موجودی مواد و کالا وجود دارد، بررسی سوابق موجودی‌های واحد مورد رسیدگی می‌تواند به شناسایی محل‌ها، مناطق یا اقلام مورد توجه خاص در زمان انبارگردانی یا پس از آن کمک کند. برای مثال، این گونه بررسی‌ها ممکن است منجر به تصمیم‌گیری درباره نظارت سرزده بر شمارش موجودی‌ها در محل‌های خاص گردد یا از مدیریت خواسته شود که از شمارش همزمان موجودی‌ها در همه محل‌های مشمول شمارش اطمینان یابد.

گزارشات نادرست بالقوه موجودیها

شرح گزارش نادرست	مثال	هدف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می دهد
ارائه نادرست بهاء تمام شده وجودیها	**تقلب:** - ارائه نادرست عمدی بهای تمام شده اختصاص یافته برای موجودیها - ارائه نادرست عمدی قیمتهای موجودیها **اشتباه:** - اختصاص هزینه های مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و یا سربار کارخانه به اقلام موجودی که نادرست هستند - قیمت گذاری نادرست موجودی‌ها	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و یا حسابرسی داخلی، نامناسب بود اخلاق حرفه‌ای، اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف کسب سود - سیستم های حسابداری نا مناسب بهای تمام شده، کوتاهی در به روز کردن هزینه های استادارد به شکل به موقع - کنترل های نامناسب اعتبار سنجی ورودی‌ها در پایگاه اطلاعاتی بهای تمام شده موجودیها، نظارت نامناسب بر پرسنلی که وارد کردن اطلاعات بهای تمام شده در جداول نهایی موجودیها را بر عهده دارند
ارائه نادرست مقادیر موجودیها	**تقلب:** - اقلام موجودی به سرقت می روند و هیچ ثبت روزنامه ای که انعکاس دهنده این دزدی باشد صورت نمی گیرد - مقادیر موجودی‌ها در مکانهایی کهبوسیله حسابرسان مشاهده و نظارت نمی گردد، بطور منظم بیش از واقع گزارش می شوند **اشتباه:** - محاسبه نادرست موجودی‌ها بوسیله پرسنلی که در شمارش موجودیهای فیزیکی حضور دارند	- کنترل‌های فیزیکی نا مناسب بر موجودیها - عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، و یا حسابرسی داخلی، نا ماسب بودن اخلاق حرفه‌ای، اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف کسب سود
شناسایی پیش از موعد و یا با تأخیر خریدها - مسئله انقطاع زمانی	**تقلب:** - ثبت عمدی خریدها در دوره‌های بعدی **اشتباه:** - ثبت خریدهای دوره جاری در دوره بعدی	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، و یا حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه ای، اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف کسب سود - رویه‌های حسابداری نا مناسب که مبتنی بر ثبت خرید ها بر اساس اطلاعات دریافتی نیست

۲- آزمون کنترلهای موجودی‌های مواد و کالا

- آزمون مدارک ثبت دایمی موجودیها از طریق مدارک ورود و خروج کالا برای اطمینان ازنگهداری به روز حساب موجودیها در دفاتر.
- مشاهده موجودیهای انبار برای اطمینان از نحوه نگهداری و حفاظت آنها در مقابل خسارتهای احتمالی
- سندرسی نمونه ای معاملات خرید موجودی کالا برای اطمینان از وجود مجوزها و مدارک پشتوانه کافی برای معاملات.
- مطابقت تعدادی از حسابهای مربوط به بهای تمام شده کالای فروش رفته در دفتر کل با محاسبات مربوط به عوامل تولید(مواد، دستمزد، سربار) تا مواردی همچون بستن حسابهای درآمد و هزینه متفرقه به حساب بهای تمام شده کالای فروش رفته آشکار شود.
- بررسی تعدادی از گزارشهای بازرسی کالای در جریان ساخت نسبت به ضایعات حین تولید و نحوه ثبت و به حساب گرفتن آنها در دفاتر.
- ردیابی تعدادی از مدارک حمل و ارسال کالا به فاکتورهای فروش و ردیابی تعدادی از فاکتورهای خرید به گزارش دریافت کالاها برای اطمینان ازاعمال درست معاملات در دفاتر حسابداری.
- آزمون سیستم حسابداری صنعتی صاحبکار از لحاظ هزینه های تولید برای کنترل مواد مستقیم (فاکتور خرید، حواله انبار)، دستمزد مستقیم (پرونده استخدامی کارکنان و کارت ساعت یا کارت اوقات کار) و سربار ساخت (مدارک پرداخت هزینه های واقعی، کنترل محاسبات نرخ جذب سربار) و نحوه اعمال ضایعات در حسابها.

۳- آزمونهای محتوا

الف) آزمون کلیات موجودی‌های مواد و کالا

از جمله روش‌های تحلیلی عمده در رابطه با موجودی‌های مواد و کالا (برای تایید اعتبار، کامل بودن و ارزشیابی)، شامل موارد زیر می‌باشند:

- مقایسه درصد سود ناخالص با درصد سالهای قبل (هرگونه تحریف ناشی از بیش از واقع نشان دادن موجودی‌ها و کمتر از واقع نشان دادن بهای تمام شده کالای فروش رفته، سرقت موجودی‌ها، خرید و فروش‌های ثبت نشده، نوسانات شدید قیمت‌ها و تغییر در روشهای ارزشیابی موجودی‌ها را نشان می‌دهد.)
- مقایسه دفعات گردش موجودی کالا با سالهای قبل (هرگونه ناباب و منسوخ شدن موجودی‌های کالا، سرمایه‌گذاری بیش از حد در موجودی‌ها و کم گردشی موجودی‌های کالا را نشان می‌دهد.)
- مقایسه هزینه ساخت سال جاری با مبالغ متعلق به سال‌های قبل (هرگونه تحریف در بهای تمام شده هر واحد موجودی کالا، سرمایه‌گذاری بیش از حد در موجودی‌ها و کم گردشی موجودی‌های کالا را نشان می‌دهد.)
- مقایسه هزینه ساخت سال جاری با مبالغ متعلق به سال‌های قبل (هرگونه تحریف در بهای تمام شده هر واحد موجودی کالا، بویژه دستمزد مستقیم و سربار ساخت را که می‌تواند بر موجودی کالا و بهای تمام شده کالای فروش رفته تأثیر بگذارند را نشان می‌دهد)
- مقایسه بهای تمام شده هر واحد، جمع موجودی کالا و خرید موجودی کالا با موارد مشابه سال‌های قبل.

ب) آزمون جزئیات موجودی‌های مواد و کالا

برای تعیین موجودیهای مواد و کالا در هر شرکت و همچنین محاسبه ارزش آنها معمولاً یک برنامه اصولی شمارش موجودی‌ها سازماندهی می‌شود. منظور از شمارش موجودی‌ها توزین، شمارش و اندازه‌گیری موجودی‌های متعلق به شرکت در پایان سال مالی و یا هر زمان مناسب دیگری می‌باشد. عدم شمارش موجودی‌ها طبق برنامه، باعث بروز مشکلاتی از قبیل وقفه درتولید، فروش و بسیاری نارساییهای دیگر خواهد شد. بنابراین ضروری است که مراحل انجام کار و زمان مناسب برای اجرای هر مرحله به شکل دقیق تعیین گردد که اولین گام در این مرحله، انتخاب فردی به عنوان هماهنگ کننده و مسئول شمارش عینی موجودی‌ها می‌باشد که معمولاً بر عهده رئیس حسابرسی داخلی یا رئیس حسابداری می‌باشد. بعد از تنظیم و تصویب برنامه عملیات شمارش، هماهنگ‌کننده می‌بایست برنامه انجام کار را به حسابرس مستقل ارائه دهد و امکانات لازم را جهت نظارت آنها برعملیات شمارش فراهم نماید. حسابرس نیز نسخه اولیه دستورالعمل انبارگردانی شرکت را از لحاظ کفایت کنترلها مورد مطالعه قرار می‌دهد و نظرات خود را از این بابت به شرکت اعلام می‌کند.

از نقاط قابل توجه در تهیه دستورالعمل انبارگردانی که باید قبل از شمارش از طرف مسئولین شرکت مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از:

۱- انتخاب فردی به عنوان هماهنگ‌کننده انبارگردانی، این شخص سرپرستی عملیات شمارش را بر عهده خواهد داشت.

۲- روزها و ساعات شمارش انبار باید مشخص گردد و به قسمت‌های مختلف بصورت کتبی اطلاع داده شود که انبار در روزهای تعیین شده تعطیل خواهد بود لذا لازم است جهت برآورد احتیاجات خود قبل از روزهای تعیین شده به انبار مراجعه نمایند و هرگاه در حین انبارگردانی بنابر ضرورت احتیاج به نقل و انتقال موجودی‌ها باشد، می‌بایست تحت نظارت حسابرسان صورت گیرد.

۳- اقلام ناباب، اسقاط و اجناس بدون استفاده از سایر اقلام جدا شده باشند.

۴- موجودی‌های امانی دیگران نزد شرکت باید جدا از سایر موجودی‌ها چیده شوند.

۵- برای شمارش از برگه‌های شمارش که در دو نسخه تنظیم می‌گردند و از پیش آماده و شماره‌گذاری شده‌اند استفاده شود.

۶- برای جلوگیری از شمارش مجدد و یا شمارش نشدن قسمتی از موجودی‌ها لازم است در مدت زمان انبارگردانی جابجایی اجناس بین قسمت‌های مختلف تا آنجا که ممکن است انجام نشود.

۷- قبل از اجرای موجودی‌برداری آخرین شماره مدارک ثبت گردش موجودی‌ها مانند برگ صدور کالا، رسید کالا و غیره هماهنگ‌کننده موجودی‌برداری گزارش گردد.

۸- برای تعیین کمیت و کیفیت برخی از موجودی‌ها در انبارگردانی لازم است از خدمات سایر کارشناسان استفاده گردد.

۹- برای انجام شمارش صحیح، لازم است در طول انبارگردانی، هرگونه خرید، فروش و تولید موجودی‌ها متوقف گردد.

۱۰- برای شمارش موجودی‌ها لازم است مناسبت‌ترین تاریخ انتخاب گردد. معمولاً حسابرسان بر شمارش موجودی‌ها در تاریخ ترازنامه یا نزدیک آن تأکید دارند ولی در صورتی که سیستم کنترل داخلی صاحبکار قوی باشد، حسابرسان بر شمارش موجودی‌ها در ضمن سال نیز متقاعد می‌شوند.

نظارت بر شمارش موجودی‌ها (برای تایید اعتبار و کامل بودن). مؤثرترین روش برای اثبات وجود موجودی‌ها، نظارت بر شمارش فیزیکی موجودی کالا می‌باشد. استانداردهای حسابرسی نیز مشاهده موجودی‌ها را الزامی کرده است. بنابراین انجام عملیات شمارش برعهده صاحبکار می‌باشد و حسابرس تنها نظارت می‌کند، نظارت به این معنی که از موارد زیر اطمینان حاصل گردد:

- تمام موجودی‌های مواد و کالا که در انبار موجود می‌باشند، در صورت ریز شمارش موجودی‌ها ثبت شوند.
- تمام مواردی که در صورت ریز شمارش موجودی‌ها ثبت می‌شوند، واقعاً در انبار موجود باشند.
- هیچ کالای ناباب، وآسیب دیده‌ای به عنوان کالای سالم گزارش نگردد.

صاحبکار برای مستند کردن شمارش موجودی‌ها از برچسب‌ها یا **برگه‌های موجودی کالای**[1] از پیش‌شماره‌گذاری شده استفاده می‌کنند که در زمان شمارش این برچسب‌ها به کالاها چسبانده و بعد از اتمام عملیات شمارش به دستور حسابرس برداشته می‌شوند این کار باعث می‌شود که از شمارش مضاعف موجودی‌ها و از قلم افتادن شمارش بعضی از موجودی‌ها جلوگیری گردد.

حسابرس می‌بایست همه برچسب‌ها و برگه‌های استفاده شده را قبل از اتمام شمارش موجودی‌ها بررسی نماید و شماره برگه‌های شمارش و برچسب‌های استفاده نشده را فهرست نماید. این روش باعث می‌شود از اضافه شدن کالاهایی که وجود ندارند به برچسب‌ها یا برگه‌ها، بعد از اتمام شمارش جلوگیری یا باعث کشف آنها گردد.

بر اساس ریسک ذاتی و اهمیت موجودها و همچنین ضعف و قوت سیستم کنترل داخلی صاحبکار، حسابرس تعدادی از موجودی‌ها را در طول نظارت بر شمارش موجودی‌ها، انتخاب و بصورت آزمایش شمارش می‌کند و آن را با برگه‌های شمارش موجودی‌ها مقایسه و در کاربرگها مستند می‌کند. در صورت وجود اختلاف در شمارش آزمایشی حسابرس و شمارش صاحبکار بوسیله برگه‌های شمارش، ممکن است به دستور حسابرس کالای مورد شمارش، بطور مجدد شمارش گردند و در صورت با اهمیت بودن اختلاف،کل انبار دوباره شمارش گردد.

---

۱) Inventory Tag

از جمله موارد مهم در طول نظارت بر شمارش موجودی‌ها که نیاز به توجه خاص دارد عبارتند از:

۱- **موجودی امانی دیگران نزد صاحبکار.** حسابرس می‌بایست از مدیریت شرکت نسبت به کالاهای امانی موجود در شرکت پرس‌وجو کند و از منظور نشدن کالای امانی در موجودی کالا، اطمینان حاصل کند. روش‌های حسابرس این موجودی‌های امانی عبارت است از: مقایسه عین کالا با مدارک موجودی‌های امانی، بررسی هرگونه قرارداد و مکاتبات طرفین و دریافت تأییدیه مستقیم از فرستندگان کالا.

۲- **موجودی کالای امانی صاحبکار نزد دیگران.** حسابرس ممکن است کالاهایی که در انبارهای عمومی نگهداری می‌شوند یا کالاهای امانی شرکت نزد دیگران را به وسیله تأییدیه اثبات کند و در صورت با اهمیت بودن مبالغ موجودی‌ها، حسابرس به بازرسی فیزیکی آنها اقدام کند. با توجه به اهمیت این گونه موجودی‌ها، حسابرس موارد زیر را مد نظر قرار می‌دهد:

- دستکاری و استقلال اشخاص ثالث.
- نظارت بر شمارش موجودی‌های امانی نزد اشخاص ثالث یا برنامه‌ریزی برای نظارت برشمارش آنها توسط حسابرس دیگر.
- دریافت گزارش از حسابرسان اشخاص ثالث درباره کفایت و کارایی سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی آنان به منظور حصول اطمینان از شمارش صحیح و حفاظت کافی از موجودی‌های امانی.
- وارسی مستندات مربوط به کالای امانی، مثلا رسیدهای انبار عمومی یا دریافت تأییدیه از اشخاص ثالث در مواردی که موجودی‌های مزبور نزد آنان به وثیقه گذارده شده است.

۳- **عدم امکان نظارت بر شمارش موجودیها.** در صورتی که نظارت بر شمارش موجودی‌ها به دلیل عواملی مانند ماهیت و محل استقرار موجودی‌ها یا عوامل دیگر امکان‌پذیر نباشد، حسابرس می‌بایست امکان کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب مربوط به وجود و وضعیت موجودی‌ها را از راههای دیگر ارزیابی کند.

دو عامل مهم که در این زمینه نیاز به توجه خاص دارد عبارتند از:

الف) عدم نظارت برشمارش موجودی‌های پایان دوره به دلیل دعوت حسابرس بعد از پایان سال مالی. در چنین شرایطی اگر حسابرس به این نتیجه برسد که نمی‌تواند شواهد کافی و قابل اطمینانی را در رابطه با موجودی‌ها بدست آورد، ممکن است نسبت به مطلوبیت ارائه صورتهای مالی **عدم اظهارنظر**[۱] ارائه دهد. ولی در صورت وجود شرایط مساعد، حسابرس ممکن است نسبت به مطلوبیت ارائه صورتهای مالی، **اظهارنظر مقبول**[۲] ارائه نماید، این شرایط عبارتند از: وجود یک سیستم کنترل داخلی قوی، وجود مدارک ثبت دایمی موجودی‌ها، وجود دستورالعمل‌ها و سایر مدارک نشان دهنده شمارش صحیح موجودی‌ها طبق برنامه و در تاریخ ترازنامه یا نزدیک آن و شمارش آزمایشی موجودی‌ها توسط حسابرس.

ب) عدم نظارت بر شمارش موجودی‌های اول دوره به دلیل دعوت از حسابرس برای نخستین بار. در این حالت در صورتی که بنابه بررسی حسابرس، شرکت صاحبکار در سال قبل به شکل رضایت‌بخشی حسابرسی شده باشد و استانداردهای حسابرسی نیز رعایت شده باشند، حسابرس جانشین می‌تواند با **کمترین میزان پی‌جویی** موجودی‌های اول دوره را بپذیرد این پی‌جویی‌ها شامل بررسی شیوه‌های ارزشیابی موجودی‌ها، بررسی مدارک موجودی‌ها، بررسی صورتهای شمارش موجودی‌ها که در انبارگردانی سال قبل از آنها استفاده شده است و مقایسه گروه به گروه موجودی‌های اول و آخر دوره.

---

۱) Disclaimer of opinion
۲) Unqualified opinion

و در صورتی که شرکت صاحبکار در سال قبل به شکل رضایت‌بخشی حسابرسی نشده باشد، پی‌جویی حسابرس نه تنها شامل موارد ذکر شده بالا، بلکه مستلزم اقدامات زیر نیز خواهد بود: مصاحبه با شخصی از شرکت صاحبکار که مسئول نظارت بر شمارش موجودی‌های ابتدای دوره بوده است، بررسی دستورالعمل کتبی که در برنامه‌ریزی شمارش موجودی‌های سال قبل مورد استفاده قرار گرفته، ردیابی تعداد زیادی از موجودی‌ها از برگه‌های شمارش یا صورت شمارش موجودی‌ها به صورت نهایی شمارش موجودی‌ها، آزمون مدارک ثبت دایمی موجودی‌های اول دوره در ارتباط با فروش، سود ناخالص و گردش موجودی‌ها. بطور کلی در صورتی که حسابرس با بررسی‌ها و پی‌جویی‌های بعدی نیز نتواند نسبت به موجودی‌های اول دوره قانع شود، می‌تواند نسبت به ترازنامه نظری مقبول ارائه کند، ولی نسبت به صورت سود و زیان و گردش وجوه نقد نمی‌تواند نظر مقبول ارائه دهد.

آزمون انقطاع زمانی موجودی‌های مواد و کالا(برای تایید اعتبار و کامل بودن).هدف از اجرای آزمون انقطاع زمانی موجودی‌های مواد و کالا، حصول اطمینان از موارد زیر می‌باشد:

۱- کالاهای خریداری شده قبل از پایان سال، به عنوان خرید ثبت و در موجودی کالای پایان دوره لحاظ شده باشد.

۲- کالاهای فروش رفته تا پایان سال، به عنوان فروش ثبت و از موجودی کالای پایان دوره خارج شده باشند.

تحریف انقطاع زمانی، در صورتی اتفاق می‌افتد که ثبت خرید و فروش موجودی‌ها در یک طرف تاریخ ترازنامه و ورود و خروج موجودی‌ها از شرکت در طرف دیگر تاریخ ترازنامه صورت گیرد.

به عنوان مثال دریافت فاکتور خرید و ثبت آن قبل از تاریخ ترازنامه و ورود موجودی کالای خریداری شده به شرکت بعد از تاریخ ترازنامه و یا برعکس. در هر دو حالت سود خالص و سود انباشته تحریف می گردد.

حسابرس برای اثبات اینکه خریدها یا فروش‌ها قبل از پایان سال اتفاق افتاده‌اند، باید به اسناد مربوط به انتقال مالکیت، رسیدگی کند. تاریخ دریافت یا ارسال کالا و شرایط حمل عوامل اصلی در تعیین انتقال مالکیت هستند. اگر شرایط حمل فوب مبدأ باشد، مالکیت با تحویل کالا به حمل کننده انتقال می‌یابد و اگر شرایط حمل فوب مقصد باشد، مالکیت با دریافت کالاها توسط خریدار منتقل می‌شود. گزارش دریافت، صورتحساب فروشندگان، بارنامه و فاکتورهای فروش، شواهد لازم برای انتقال مالکیت را فراهم می‌آوردند. حسابرس می‌بایست آخرین شماره اسناد از جمله فاکتور خرید، فاکتور فروش، سند حمل، گزارش دریافت را ثبت و به کالاهای ارسالی و دریافتی عطف دهد و در هنگام حسابرسی نهایی، این شماره‌ها باید به سوابق خرید و فروش ردیابی شوند تا از ثبت شدن آنها به عنوان آخرین خرید و فروش‌ها اطمینان حاصل گردد.

برای هر خریدی فاکتور خرید و گزارش دریافت و برای هر فروشی فاکتور فروش و سند حمل می‌بایست وجود داشته باشد. حسابرس برای اعمال آزمون انقطاع زمانی می‌بایست تعدادی از فاکتورهای خرید و گزارش دریافت را برای خریدها و تعدادی از فاکتورهای فروش و سند حمل را برای فروش‌های چند روز قبل و چند روز بعد از تاریخ ترازنامه را مورد رسیدگی قرار دهد، اگر:

۱- تاریخ هر دو سند به قبل از تاریخ ترازنامه باشد، موجودی‌ها در زمان خرید، جزو موجودی‌های پایان دوره نمی‌باشد و در زمان فروش می‌بایست جزو موجودی‌های پایان دوره لحاظ گردد.

۲- تاریخ هر دو سند بعد از تاریخ ترازنامه باشد، موجودی‌ها در زمان خرید، جزو موجودی‌های پایان دوره نمی‌باشد و در زمان فروش می‌بایست جزو موجودی‌های پایان دوره لحاظ گردد.

۳- تاریخ یکی قبل و دیگری بعد تاریخ ترازنامه باشد، به عبارتی موجودی کالای مورد معامله در راه باشد (البته در تاریخ ترازنامه)، در چنین حالتی هر دو طرف معامله می‌بایست در یک طرف تاریخ ترازنامه ثبت گردد یعنی ثبت بدهکار موجودی کالا و ثبت بستانکار بدهی مربوط به خرید و ثبت بدهکار دارایی و ثبت بستانکار موجودی کالای مربوط به فروش، در چنین وضعیتی کالای در راه تأثیری بر صورتهای مالی نخواهد داشت.

ارزشیابی موجودی‌های مواد و کالا(برای تایید ارزشیابی). کالاهای کم گردش و ناباب نباید بیشتر از ارزش خالص بازیافتنی در ترازنامه گزارش شوند، بنابراین لازم است که وضعیت و کیفیت موجودی‌ها نیز مورد بررسی گیرد. برای شناسایی اقلام کم گردش می‌توان مدارک ثبت دایمی موجودی‌ها را مورد بررسی قرار داد، وضعیت و شکل ظاهری موجودی‌ها نیز می‌تواند علائمی از کم گردش و نابابی آنها باشد (مانند گرد و غبار، زنگ زدگی). با این حال برای بررسی وضعیت و کیفیت بسیاری از موجودی‌های دیگر(مانند مواد شیمیایی، جواهرآلات) نیازمند استفاده از نظر کارشناسان امر می‌باشد. برای آزمون نابابی موجودی کالا، می‌توان از روش‌های تحلیلی درباره دوره گردش موجودی کالا برای طبقات مختلف موجودی‌ها استفاده کرد. یک کاهش قابل ملاحظه در دوره گردش موجودی‌ها نسبت به سال‌های قبل یا نسبت به سایر اقلام موجودی‌های مشابه، نشانه دیگری از نابابی است. همچنین حسابرس نسبت به موجودی‌هایی که نرخ دوره گردش آنها پایین می‌باشد، می‌بایست از مدیریت و کارکنان پرس و جو نماید.

صاحبکار در طول مراحل تحصیل، تولید و کنارگذاری، از یک روش قابل قبول برای تخصیص هزینه‌ها به تولیدات استفاده می‌کند. روشهای ارزشیابی موجودی‌ها طبق اصول پذیرفته شده حسابداری شامل بهای تمام شده تاریخی، حداقل قیمت تمام شده و قیمت بازار، قیمت خرده‌فروشی، قیمت عمده‌فروشی و قیمت‌های رسمی بازار(مظنه بازار) می‌باشد. خود روش بهای تمام شده شامل روش فایفو، لایفو، میانگین و شناسایی ویژه می‌باشد. حسابرس می‌بایست در راستای ارزشیابی موجودی‌ها رعایت یکنواختی در بکارگیری روشهای ارزشیابی مورد استفاده مدیریت را نیز مورد بررسی قرار دهد.

قبل از آزمون قیمت‌گذاری موجودی‌های مندرج در لیست نهایی موجودی‌ها، حسابرس می‌بایست از قابل اتکا بودن اطلاعات بهای تمام شده، که توسط سیستم حسابداری بهای تمام شده ایجاد می‌گردد مطمئن شود. قابلیت اتکای کلیه فهرست‌های قیمت مواد اولیه و اقلام خریداری شده، صورتحساب مواد و سوابق دائمی موجودی کالا نیز باید رسیدگی و آزمون گردد.

برای ارزشیابی کالاهای خریداری شده، مانند **مواد اولیه، قطعات خریداری شده** و ملزومات در ابتدا می‌بایست مشخص کرد که کدام یک از روشهای ارزشیابی مورد استفاده قرار گرفته است (فایفو، لایفو، میانگین، شناسایی ویژه) و همچنین باید مشخص کرد که برای تعیین ارزش هر یک از اقلام موجودی کدام هزینه‌ها گنجانده شده‌اند (هزینه‌های محل انبار، تخفیفات) و برای اطمینان از ثبات رویه می‌بایست با نتایج حسابرسی سال پیش مقایسه گردد. در این راستا حسابرس فاکتورهای خرید مربوط به کالاهای خریداری شده را از صاحبکار دریافت و کانالهای انتخاب شده برای ارزشیابی را با آنها مقایسه می‌کند و برای این منظور حسابرس می‌بایست فاکتورهای بیشتری را مورد بررسی قرار دهد به این دلیل که می‌تواند مواردی را کشف کند که شرکت صاحبکار ارزش موجودی کالا را بر مبنای آخرین فاکتور تعیین می‌کند و یا می‌توان کالاهای ناباب و منسوخ شده را کشف کرد.

برای ارزشیابی **کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده**، حسابرس می‌بایست، به بهای تمام شده مواد اولیه، دستمزد مستقیم و سربار ساخت توجه نماید. هنگام ارزشیابی مواد اولیه مصرف شده برای محصولات می‌بایست به بهای تمام شده هر واحد از مواد اولیه به تعداد یا آحاد مواد اولیه برای ساخت یک محصول، حواله انبار و فاکتور خرید هر واحد مواد توجه کرد برای دستمزد نیز می‌بایست مدت زمان لازم از نظر دستمزد و تعداد ساعات لازم برای ساخت یک واحد محصول مورد بررسی قرار داد، برای نرخ هر ساعت کار می‌توان به گزارش اوقات کار یا کارت ساعت کارکنان مراجعه کرد. سربار اختصاص یافته برای کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده نیز بستگی به روش مورد استفاده صاحبکار دارد که حسابرس می‌بایست ثبات رویه در کابرد آن را مورد بررسی قرار دهد. بطور کلی آزمون ارزیابی کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده همزمان با آزمون هزینه‌های استاندارد انجام می‌شود. **موجودی‌ها نباید به مبلغی بیشتر از ارزش خالص بازیافتنی گزارش گردند**، ابزاری متداول برای این منظور، **آزمون حداقل قیمت تمام شده و قیمت بازار**[1] می‌باشد که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- محاسبه ارزش جایگزینی، ارزش خالص بازیافتنی(قیمت فروش منهای هزینه‌های فروش) و ارزش خالص بازیافتنی بعد از کسر سود متعارف

۲- انتخاب ارزش متوسط بین سه ارزش بالا

۳- مقایسه ارزش انتخاب شده با بهای تمام شده تاریخی

۴- انتخاب رقم کمتر بین دو رقم بالا به عنوان اقل قیمت تمام شده یا بازار

حسابرسی باید صورتهای مالی شرکت صاحبکار را **از لحاظ ارائه و افشاء** درست و صحیح موجودی‌های مواد و کالا بر طبق اصول پذیرفته شده حسابداری، مورد بررسی

---

1) Lower of cost or market (LCM)

قرار دهد. از جمله موارد مهم مربوط به نحوه ارائه و افشاء موجودی‌های مواد و کالا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ارائه موجودی کالا در طبقات اصلی یعنی مواد اولیه، کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده در ترازنامه.

۲- موجودی‌های نگهداری شده برای هدفی غیر از تولید یا فروش، می‌بایست جداگانه در ترازنامه ارائه گردد.

۳- موجودی‌ها می‌بایست به ارزش اقل قیمت تمام شده و قیمت بازار ارائه گردند و هرگونه ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها از مبلغ موجودی‌ها کسر گردد.

۴- روش‌های مورد استفاده برای بهایابی و ارزشیابی موجودی‌ها می‌بایست افشاء گردند.

۵- هرگونه تغییر در شیوه‌های ارزشیابی موجودی‌ها و آثار ریالی آنها همراه با دلایل توجیحی می‌بایست افشاء شوند.

۶- موجودی‌هایی که به عنوان تضمین وام و دیگر موارد، در وثیقه می‌باشند، می‌بایست افشاء شوند.

۷- هر گونه تعهدات خرید و فروش موجودی‌ها می‌بایست افشاء شوند.

داراییهای ثابت

داراییهایی که در روال عادی عملیات واحد تجاری به کار می‌روند و تا سال‌های متمادی خدماتی را فراهم می‌آورد، در حسابداری به دو گروه عمده زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱) **داراییهای عملیاتی مشهود.** این گروه از داراییها شامل زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و انواع تجهیزات می‌باشد. داراییهای عملیاتی مشهود دارای ویژگیهای عمده زیر هستند:

الف) در عملیات به طور مؤثر مورد استفاده قرار می‌گیرند. داراییهایی که در عملیات واحد تجاری کاربرد ندارند و یا انتظار می‌رود طی مدت زمانی معقول به کار گرفته نشوند، تحت عنوان سایر داراییها در ترازنامه طبقه‌بندی می‌شوند.

ب) به قصد سرمایه‌گذاری یا فروش مجدد نمی‌باشند. داراییهایی که به قصد سرمایه‌گذاری یا فروش تحصیل شده است، بطور جداگانه و تحت عنوان سرمایه‌گذاری‌ها یا موجودی جنسی در ترازنامه طبقه‌بندی می‌شوند.

ج) دارای منافع اقتصادی آتی می‌باشند. داشتن منافع آتی مشخصه اصلی تمام داراییها می‌باشد.

د) دارای موجودیت عینی هستند. داراییهایی که وجود خارجی ندارند، تحت سرفصل داراییهای نامشهود طبقه‌بندی می‌شوند.

داراییهای عملیاتی مشهود به سه گروه فرعی زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

- داراییهای استهلاک‌پذیر[۱]. مانند ساختمان، ماشین‌آلات که دارای عمر اقتصادی محدود بوده و سرمایه‌گذاری در آنها از طریق فرایند استهلاک به خدمات و داراییهای تولید شده مشخص تخصیص می‌یابد.
- داراییهای استهلاک‌ناپذیر: مانند زمین که معمولاً عمر اقتصادی نامحدود داشته و برخلاف سایر اموال در نتیجه استفاده یا گذشت زمان تحلیل یا از بین نمی‌رود.
- داراییهای نقصان‌پذیر[۲]. مانند جنگلها، معادن و سایر معادن و ذخایر طبیعی که بر اثر استخراج و بهره‌برداری تحلیل می‌روند و به موجودی مواد یا کالا تبدیل می‌شوند و معمولاً در ترازنامه تحت عنوان منابع و ذخایر طبیعی، طبقه‌بندی می‌شوند.

---

۱) Depreciable Assets
۲) Depleable Assets

۲) **داراییهای عملیاتی نامشهود.** این گروه از داراییها موجودیت عینی ندارند و تحت عنوان داراییهای نامشهود در ترازنامه طبقه‌بندی می‌شوند. این داراییها دارای ویژگیهای عمده زیر هستند:

الف) در عملیات به طور مؤثر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ب) به قصد سرمایه‌گذاری یا فروش مجدد نمی‌باشند.

ج) دارای منافع آتی هستند ولی موجودیت عینی ندارند.

داراییهای عملیاتی نامشهود نیز به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند.

الف) داراییهای نامشهود قابل شناسایی. داراییهایی که ارزش آن به سایر داراییهای واحد تجاری و یا به کل واحد تجاری، وابسته نبوده و بطور جداگانه قابل فروش می‌باشد، مانند:

حق اختراع، حق تألیف، سرقفلی محل کسب (حق کسب و پیشه)، علائم تجاری و حق امتیاز (فرانشینز)

ب) داراییهای نامشهود غیرقابل شناسایی. داراییهایی که نمی‌توان بطور جداگانه ارزشیابی یا معامله کرده که می‌توان به سرقفلی اشاره کرد که فقط در صورتی در دفاتر ثبت و گزارش می‌شود که به مانند بخشی از یک واحد تجاری خریداری شود.

حسابرسی داراییهای ثابت در مقایسه با داراییهای جاری

حسابرسی داراییهای ثابت دارای تفاوت‌های زیر نسبت به داراییهای جاری می‌باشد:

۱) رسیدگی به داراییهای ثابت به علت عدم وجود عوامل زیر، آسانتر از حسابرسی داراییهای جاری می‌باشد:

الف) داراییهای ثابت معمولاً دارای ارزش ریالی زیادی هستند ولی تعداد معاملات این داراییها در سال معدود می‌باشد.

ب) در طی سال، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در حساب این داراییها صورت نمی‌گیرد.

ج) حسابرس در رسیدگی به این داراییها به قیمت جاری آنها در تاریخ ترازنامه توجهی ندارد، در حالی که داراییهای جاری مانند حسابهای دریافتنی و موجودی کالا ممکن است در طی سال چندین بار گردش داشته باشند.

۲) در مورد داراییهای ثابت آزمون انقطاع زمانی، بی‌اهمیت می‌باشد. در داراییهای جاری هر گونه عدم رعایت انقطاع زمانی نسبت به خرید و فروش در پایان سال مالی موجب تحریف سود ویژه می گردد در حالی که در داراییهای ثابت تأثیری در سود ویژه نخواهد داشت هر چند باعث تغییر جزئی در استهلاک و سود زیان فروش یا برکناری آنها می گردد.

۳) خریدهای مربوط به اموال، ماشین آلات و تجهیزات و دیگر داراییهای ثابت براساس کنترل بودجه‌ای صورت می گیرد و بودجه سرمایه‌ای معمولاً توسط هیأت مدیره شرکت قبلاً به تصویب می‌رسد. بنابراین برای خرید داراییهای ثابت در مقایسه با داراییهای جاری (موجودی کالا) به اختیارات وسیع تری نیاز است.

۴) رسیدگی حسابرس به داراییهای ثابت به علل متعدد شامل تعیین کفایت پوشش بیمه‌ای آنها نمی‌باشد. زیرا مبلغ بیمه به ارزش جاری داراییهای ثابت بستگی دارد و حسابرس صلاحیت ارزیابی ارزش جاری این داراییها را ندارد.

۵) تأمین مالی برای خرید داراییهای ثابت اغلب از طریق تسهیلات بانکی و یا اسناد پرداختنی بلندمدت تأمین می گردد.

۶) مدیران اجرایی شرکت‌ها در مورد تحصیل داراییهای ثابت می‌بایست از رویه خاص از قبل تعیین شده پیروی نمایند، در حالی که برای تحصیل موجودی کالا برای مثال، جهت نگهداری در انبار و یا استفاده در مراحل تولید که یک کار عادی و روزمره شرکت می‌باشد، این موارد کمتر مورد توجه قرار می گیرد. به عبارتی شرکت‌ها از رویه‌های یکنواختی برای تحصیل داراییهای ثابت استفاده نمی کنند.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر داراییهای ثابت

زیان‌هایی که از اعمال روشهای نادرست و نسنجیده در مورد تحصیل، نگهداری و کنارگذاری اقلام اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناشی می‌شود، در برخی موارد از زیان‌های ناشی از اختلاس وجوه نقد بیشتر است. زیرا اغلب آنها از لحاظ مبلغ با اهمیت بوده و بخش مهمی از کل داراییهای بسیاری از واحدهای بازرگانی ـ تولیدی را تشکیل می‌دهند. در صورتی که کنترل داخلی در مورد اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به دقت اعمال نگردد، احتمال دارد که تعداد زیادی از اقلام دارایی آسیب ببینند، به سرقت رود یا کنار گذاشته شود بدون آنکه این گونه رویدادها در اسناد و مدارک حسابداری ثبت گردد. که در این صورت، حساب دارایی بیش از واقع نشان داده خواهد شد و محاسبه استهلاک داراییهای از دست رفته بطور مداوم ادامه پیدا خواهد کرد و سود خالص به دلیل در نظر نگرفتن زیان ناشی از کنارگذاری این گونه داراییها و انتقال ارقام اشتباه به حساب هزینه استهلاک، نادرست ارائه خواهد شد. از رویه‌های کنترلی مهم برای داراییهای ثابت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) انجام مخارج سرمایه‌ای قبلاً در بودجه‌بندی سرمایه پیش‌بینی گردد.

۲) تحصیل داراییهای سرمایه‌ای قبلاً بوسیله درخواست‌کننده توجیه شود و به تصویب سطح مناسبی از مدیریت برسد.

۳) تحصیل داراییهای سرمایه‌ای کلاً توسط دایره تدارکات خریداری و قبل از شروع به کار بازرسی شود.

۴) انحراف مخارج واقعی انجام شده از مخارج پیش‌بینی شده در بودجه گزارش شود.

۵) داراییهای سرمایه‌ای بعد از خرید شماره‌گذاری و پلاک‌کوبی گردند.

۶) برای هر یک از اقلام دارای سرمایه‌ای کارت مخصوص یا صفحه‌ای از دفتر معین اختصاص یابد که در آن اطلاعاتی مانند: بهای تمام شده، تاریخ خرید یا ساخت، ارزش اسقاط، استهلاک سالانه و استهلاک انباشته ثبت شود.

۷) اموال متعلق به واحد تجاری هر چند وقت یکبار مورد بازدید و شمارش قرار گیرد و با مدارک تفصیلی و اسناد مالکیت مربوط مطابقت داده شود. این رسیدگی می‌بایست توسط افرادی انجام شود که مسئولیت نگهداری داراییها و یا اسناد و مدارک مربوط به آنها را بر عهده نداشته باشند.

۸) کارت‌های معین اموال (دفتر معین اموال) هر چند وقت یکبار با حساب کنترل مربوط در دفتر کل مطابقت داده شود.

۹) مخارج جاری از سرمایه‌ای تفکیک و حداقل معینی برای منظور کردن مخارج سرمایه‌ای به حساب دارایی تعیین گردد.

۱۰) تعمیرات، نوسازی، مرمت و گسترش و الحاق به داراییها توسط درخواست کننده توجیه شود و به تصویب سطح مناسبی از مدیریت برسد.

۱۱) فروش، معاوضه و کنارگذاری داراییها به تصویب سطح مناسبی از مدیریت برسد و در اسناد و مدارک حسابداری ثبت شود.

۱۲) تحت پوشش بیمه قرار دادن داراییهای ثابت و ارزشیابی صحیح داراییهای مزبور از لحاظ پوشش بیمه‌ای.

ریسک تقلب در داراییهای ثابت

دارایی ثابت، یک قلم ترازنامه‌ای بزرگ در بسیاری از شرکت‌ها می‌باشد و اغلب بر اساس ارزش‌های عینی تعیین می‌شود. در نتیجه داراییهای ثابت، مخصوصاً در شرکت‌هایی که دریافتنی‌ها یا موجودی‌های با اهمیتی وجود ندارد، ممکن است مورد دستکاری قرار گیرد. برای مثال شرکت‌ها ممکن است هزینه تعمیرات یا سایر هزینه‌های

عملیاتی را به عنوان دارایی ثابت، سرمایه‌ای نمایند. اگر حسابرس، شواهد پشتوانه اضافات دارایی‌هایی ثابت را رسیدگی نماید، کشف چنین تقلباتی نسبتاً آسان می‌باشد. با این وجود، اخیراً چندین مورد از گزارشگری مالی متقلبانه اتفاق افتاده که شامل سرمایه‌ای کردن نادرست داراییها بوده است.

به دلیل ارزش و قابلیت فروش داراییهای ثابت، این گونه داراییها در معرض سرقت نیز قرار دارند. سرقت داراییهای ثابت مخصوصاً در مورد داراییهایی مصداق دارد که به راحتی قابل حمل می‌باشند، همانند کامپیوترهای لپ تاپ. برای کاهش سرقت داراییها، این گونه داراییها باید هرطور که ممکن است به طور فیزیکی مورد حفاظت قرار گیرند. همچنین باید روی آنها کنده‌کاری شود یا برچسب نصب گردد و بطور مرتب از آنها صورت‌برداری شود.

گزارش نادرست بالقوه اموال، ماشین‌آلات، تجهیزات

شرح گزارش نادرست	مثال	ضعف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می‌دهد.
ارائه نادرست تحصیل اموال، ماشین‌آلات، تجهیزات	**تقلب** - مخارج تعمیر و هزینه‌های نگهداری، بعنوان تحصیل اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ثبت می‌شوند تا سود بیش از واقع گزارش گردد. **اشتباه** - خرید تجهیزات به شکل غلط در حساب هزینه نگهداری و تعمیرات ثبت می‌گردد.	- اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف کسب سود. - سیستم حسابداری نامناسب و پرسنل حسابداری نالایق
کوتاهی در ثبت برکناری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	**اشتباه** - یک دارایی که جایگزین شده است، به دلیل پایین بودن ارزش آن کنار گذاشته می‌شود، بدون هیچ ثبت حسابداری در دفاتر	- سیاست‌های نامناسب حسابداری، یا کوتاهی در استفاده از گزارش کار برکناری داراییها
گزارشگری نامناسب معاملات غیرعادی	**اشتباه** - ثبت سود حاصل از معاوضه داراییهای غیرنقدی که فاقد محتوای تجاری می‌باشد.	- سیستم حسابداری نامناسب و پرسنل حسابداری نالایق

۲- آزمون کنترلهای اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

- مشاهده و بررسی مجوز مقامات شرکت برای هرگونه تغییرات پیش بینی نشده در داراییهای ثابت برای به حداقل رساندن آزمون تغییرات در داراییهای ثابت.
- مشاهده و بررسی هر گونه گزارش مربوط به انحراف مخارج واقعی از مخارج پیش بینی شده داراییهای ثابت برای اطمینان از وجود چنین رویه ای و تصمیمات مدیران.
- مشاهده عینی تعدادی از داراییهای ثابت برای اطمینان از محل و نحوه نگهداری آنها و وجود یا عدم وجود شماره اموال.
- بررسی گزارش بازرسیهای قبلی از داراییهای ثابت، افراد مسئول بازرسی و نتایج بازرسی ها.
- مطابقت جمع دفتر معین داراییهای ثابت با دفتر کل مربوطه برای اطمینان از درستی محاسبات آنها.
- مشاهده دستورالعمل صاحبکار برای تفکیک مخارج جاری از سرمایه ای و نحوه اعمال آن در دفاتر.
- شناسایی تعدادی از داراییهای برکنار شده و مطابقت آنها با مجوز برکناری و دلایل برکناری و تصویب مقامات مسئول.
- مطابقت نرخهای استهلاک دوره مورد رسیدگی با دوره قبل ویادداشتهای توضیحی صورتهای مالی برای اطمینان از رعایت یکنواختی و اعمال صحیح روشها.

۳- آزمون‌های محتوا

الف) آزمون کلیات اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

ازجمله روش‌های تحلیلی(برای تایید کامل بودن و ارزشیابی)که برای کشف روابط غیرعادی در اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد استفاده قرار می گیرند، عبارتند از:

- نسبت هزینه استهلاک به ناخالص بهای تمام شده داراییها.
- نسبت استهلاک انباشته به ناخالص بهای تمام شده داراییها
- نسبت بهای تمام شده داراییها به بازدهی آنها (برای کشف داراییهای برکنار شده ولی از دفاتر حذف نشده)
- مقایسه ماه به ماه و سال به سال هزینه تعمیر و نگهداری (برای کشف تحریف در کشف مخارج سرمایه ای از جاری)
- مقایسه برکناری سال جاری با سال قبل یا بودجه
- مقایسه هزینه استهلاک سال جاری با سال قبل یا بودجه

ب) آزمون جزئیات اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

معمولاً رسیدگی به حسابهای داراییهای ثابت روی رسیدگی و آزمون تغییرات انجام شده در مانده‌های این حسابها در طی دوره مورد رسیدگی متمرکز می شود. بنابراین دریافت یک **صورت ریز تغییرات** در اموال، ماشین آلات و تجهیزات و مطابقت آن با دفاتر کل و معین، شروع آزمونهای محتوای حسابرسی این داراییها به شمار می‌رود. این صورت‌ریز شامل مانده‌های اول دوره، اضافات و برکناری‌های طی سال و مانده آخر دوره می‌باشد. این اقلام دریافتی باید به شرح زیر توسط حسابرس ردیابی گردد:

۱- مطابقت مانده‌های اول دوره با کاربرگهای حسابرسی سال قبل که در پرونده حسابرسی موجود است.

۲- ثبت صورت ریز اضافات داراییهای ثابت و یا برکناری‌های داراییهای ثابت در کاربرگهای حسابرسی.

۳- مطابقت نرخ‌های استهلاک محاسبه شده در دوره مورد رسیدگی با جدول محاسبه استهلاک و یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی.

۴- مطابقت صورت ریزداراییهای ثابت با مانده حسابهای دفتر کل و معین.

اضافات داراییهای ثابت (برای تایید اعتبار و ارزشیابی).حسابرس می‌بایست بطور نمونه‌ای اسناد پشتوانه اضافات طی سال داراییهای ثابت را رسیدگی کند، این اسناد پشتوانه برای خرید، ساخت و اجاره داراییهای ثابت شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) **خرید دارایی ثابت:** حسابهای دفترکل، دفتر روزنامه، مدارک پرداخت، اسناد مالکیت، مجوز خرید، صورتحساب فروشندگان، صورتحساب حمل.

ب) **ساخت دارایی ثابت:** حسابهای دفترکل، دفتر روزنامه، مجوز ساخت، درخواست‌های کتبی مواد و فاکتور خرید (برای مواد مصرفی)، کارت ساعت و قراردادهای استخدامی (برای دستمزد مصرفی)، مبنای جذب سربار و بررسی منطقی بودن و همچنین محاسبه دوباره آن.

ج) **اجاره دارایی ثابت:** حسابهای دفتر کل، دفتر روزنامه، مجوز مدیریت، قرارداد اجاره، مدارک پرداخت.

داراییهای ثابت برای اینکه کمتر در معرض سوء استفاده قرار می‌گیرند، نیازی به رسیدگی کلیه اقلام داراییهای ثابت برای اثبات وجود و مالکیت آنها نیست. ولی ضرورت دارد که حسابرس گاهی اوقات آنها را مورد مشاهده قرار دهد. برای این منظور تعدادی از داراییهای ثابت خریداری شده در طی سال را انتخاب می‌نماید و ضمن مشاهده عینی آنها از وجود پلاک دارایی ثابت اطمینان حاصل می‌کند. بطور کلی مشاهده و بازرسی خریدهای عمده دارایی ثابت زمانی مناسب است که سیستم کنترل داخلی صاحبکار ضعیف باشد. مشاهده داراییهای ثابت خریداری شده می‌تواند از دو

جهت بین حسابهای داراییهای ثابت و عین آنها انجام شود. ردیابی اقلام منعکس در معین داراییها به عین آنها **اثبات کننده وجود واقعی** آنها و ردیابی عین داراییها به معین داراییها و ثبت دفاتر، **اثبات کننده ثبت دفاتر بودن و کامل بودن** آنها می‌باشد. با این حال در صورت انجام بازرسی و مشاهده تمامی داراییهای ثابت، حسابرس تنها نقش نظارت‌کننده را خواهند داشت.

تجزیه و تحلیل هزینه تعمیر و نگهداری (برای تایید ارزشیابی). هزینه‌های تعمیر و نگهداری به دو دسته کلی قابل تقسیم می‌باشند:

الف) هزینه‌های بی‌اهمیت (برای نگهداری دارایی در وضعیت عادی) که جزو مخارج جاری[۱] می‌باشند.

ب) هزینه‌های با اهمیت (تعمیرات اساسی) که جزو مخارج سرمایه‌ای[۲] محسوب می‌گردد:

- باعث افزایش کارایی، ظرفیت و کیفیت تولید گردد، که به بدهکار دارایی ثبت می‌شود.
- باعث افزایش عمر مفید و ارزش اسقاط گردد، که به بدهکار استهلاک انباشته ثبت می‌شود.

با این حال بسیاری از شرکت‌ها یک دستورالعمل کتبی برای تفکیک مخارج سرمایه‌ای از جاری تهیه می‌کنند و برای تفکیک آن از یک حداقل قانونی استفاده می‌کنند که می‌بایست رعایت یکنواختی در کاربرد این روش توسط حسابرس مورد بررسی قرار گیرد. برای اطمینان از واقعی بودن مخارج تعمیر و نگهداری می‌توان مدارک مثبت زیر را مورد بررسی قرار داد: فاکتور خرید، درخواست مواد از انبار، کارت ساعت یا اوقاف کارکنان. حسابهای تعمیرات و نگهداری می‌بایست همراه با حساب داراییهای ثابت

---

۱) Revenue Expenditure
۲) Capital Expenditure

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مخارج عمده به صورتحساب فروشندگان و سفارشات کار سندرسی گردد و قبل از هر چیز سیاست شرکت در مورد سرمایه‌ای کردن تعمیرات اساسی بررسی و ارزیابی گردد.

بررسی وضعیت داراییهای بلا استفاده (برای تایید ارزشیابی). گاه ممکن است، اموال، ماشین آلات و تجهیزات بدون آنکه کاملاً کنار گذاشته شده یا به فروش رسد، مورد استفاده و استعمال قرار نگیرد و برای استفاده اضطراری یا تأمین نیازهای ضروری هنگام تراکم با کار نگهداری شود.اگر داراییها برای مدت کوتاهی به شکل موقت مورد استفاده قرار نگیرند هیچ تغییری در گزارشگری آنها نباید صورت گیرد، ولی اگر دیگر انتظار استفاده مجدد آنها در آینده وجود نداشته باشد ،می بایست به کمترین بین ارزش خالص بازیافتنی یا ارزش دفتری ،در قسمت سایر داراییها گزارش و هرسال معادل ۳۰درصد استهلاک معمولی مستهلک گردند.

بررسی ذخیره استهلاک(برای تایید ارزشیابی). هزینه استهلاک یک هزینه کاملاً برآوردی می‌باشد و در طول ارزیابی سیستم کنترل داخلی شرکت صاحبکار مورد بازبینی قرار نمی گیرد چون جزو هزینه‌ها و تخصیص‌های درون سازمانی می‌باشد. از بین روش‌های متداول برای محاسبه استهلاک، روش خط مستقیم و مانده نزولی بیشترین مورد استفاده را دارند. حسابرس می‌بایست نسبت به منطقی بودن کاربرد یکنواخت روش‌های محاسبه استهلاک و درستی محاسبات آن اطمینان معقولی کسب نماید. یک برنامه حسابرسی برای آزمون ذخیره استهلاک شامل مراحل زیر می‌باشد:

۱- بررسی سیاست استهلاک شرکت و لزوم بازنگری در آن

- بررسی هرگونه نوبت‌های کار اضافی و تولیدات بیش از حد
- بررسی هرگونه نابابی ناشی از تغییرات تکنولوژی و نوآوری

۲- بررسی صورت تجزیه و تحلیل استهلاک انباشته:

- مطابقت مانده‌های اول دوره با کاربرگهای حسابرسی سال قبل

- مطابقت جمع استهلاک انباشته حسابهای معین با دفتر کل

۳- اثبات ذخیره استهلاک

- مقایسه نرخ‌های استهلاک مورد استفاده با نرخ‌های سال‌های قبل
- محاسبه استهلاک تعدادی از داراییها و مطابقت آن با حسابهای معین
- مطابقت اقلام بدهکار هزینه استهلاک سال مورد رسیدگی با بستانکار استهلاک انباشته

۴- بررسی هرگونه کاهش استهلاک انباشته بابت برکناری داراییها:

- ردیابی آن به کاربرگ برکناری داراییها
- محاسبه استهلاک انباشته داراییهای برکنار شده برای اطمینان از درستی آنها.

۵- بررسی آخرین گزارش اظهارنامه مالیاتی صاحبکار را از لحاظ هزینه استهلاک

۶- اجرای روش‌های تحلیلی نسبت به استهلاک

- محاسبه نسبت هزینه استهلاک به داراییهای ثابت
- محاسبه نسبت استهلاک انباشه به داراییهای ثابت

بازبینی برکناری داراییهای ثابت (برای تایید اعتبار). اگر شرکت صاحبکار رویداد مربوط به از دور خارج کردن داراییهای ثابت را ثبت نکند، بهای تمام شده این دارایی‌ها برای همیشه بیش از مقدار واقعی گزارش خواهد شد و تا زمانی که دارایی بصورت کامل مستهلک نشود، ارزش دفتری بیش از مقدار واقعی گزارش خواهد شد. بهای تمام شده داراییهای ثابت فروخته شده، معاوضه شده، مستهلک شده و واگذار شده و یا اسقاط و از رده خارج شده می‌بایست از حسابهای دارایی خارج شوند. به منظور رسیدگی به داراییهای ثابت برکنار شده، حسابرس می‌بایست اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- اطمینان نسبت به تصویب واگذاری دارایی توسط مراجع ذیصلاح مؤسسه.

۲- اطمینان از اینکه مانده حساب دارایی واگذار شده یا کنار گذارده شده از حسابهای مربوطه خارج شده باشد.

۳- اثبات صحت فرایند معاملات از طریق مراجعه به مدارک مثبته

۴- اطمینان از اینکه سود و زیان حاصل از واگذاری و فروش داراییها به نحو صحیح ثبت شده باشد.

۵- اطمینان از صحت ثبت قیمت تمام شده داراییهایی که از طریق معاوضه خریداری شده‌اند.

در صورتی که برکناری دارایی ثابت در دفاتر ثبت نشود، این رویداد می‌تواند بر صورتهای مالی اثر زیادی بگذارد، لازم است که در مورد داراییهای ثابت برکنار شده ولی ثبت نشده جست وجوی کافی صورت گیرد. ماهیت سیستم‌های کنترل داخلی می‌تواند بر دامنه این بررسی اثر بگذارد، اغلب این بررسی‌ها شامل موارد زیر می‌باشد:

- بررسی هرگونه کاهش پوشش بیمه‌ای داراییها
- پرس و جو از مدیریت و مسئولین شرکت
- بررسی درآمدهای متفرقه از بابت فروش داراییها
- بررسی اینکه آیا داراییهای ثابت تازه خریداری شده جایگزین داراییهای قبلی بوده یا خیر.
- بررسی سرنوشت داراییهایی که محصولات آنها تولید نمی‌شوند.
- بررسی مجوز مسئولین بر روی دستور برکناری داراییها.
- بررسی هر گونه نقل و انتقالات بین حسابهای دارایی.

اثبات مالکیت قانونی داراییهای ثابت (برای تایید اعتبار). اگر چه مشاهده یک دارایی وجود آن را در محل مؤسسه اثبات می‌کند. اما برای اثبات مالکیت قانونی کفایت نمی‌کند. برای اثبات مالکیت قانونی یک دارایی، حسابرس باید مدارک خرید دارایی شامل سند مالکیت، فاکتور فروش و یا قرارداد مربوط به خرید و ساخت آن را رسیدگی کند. برای آن دسته از داراییهای ثابت که تحت عنوان قراردادهای اجاره‌ای در اختیار اشخاص ثالث قرار دارد باید با دقت بیشتری مورد رسیدگی قرار گیرد و تأییدیه لازم از

استفاده‌کننده دارایی اخذ گردد. بطور کلی مدارکی که می‌تواند نشان دهنده مالکیت و تداوم آن بر داراییها باشد شامل موارد زیر می‌باشد: قبض عوارض نوسازی، بیمه‌نامه آتش‌سوزی، تأییدیه دریافتی و رسید دریافت اجاره برای داراییهای اجاره داده شده، مدارک حاکی از پرداخت منظم به رهن گیرنده دارایی بابت وام دریافتی، اخذ تأییدیه از اداره ثبت اسناد در خصوص احراز مالکیت، قراردادهای اجاره.

بررسی مفاد قراردادهای اجاره بلندمدت (برای تایید اعتبار). بر اساس استانداردهای حسابداری در صورتی که مزایا و مخاطرات مالکیت دارایی مورد اجاره به اجاره‌کننده انتقال نیابد، اجاره عملیاتی و در صورتی که مزایا و مخاطرات مالکیت دارایی مورد اجاره به اجاره‌کننده انتقال یابد، اجاره سرمایه‌ای تلقی می‌شود. با این حال انتقال مزایا و مخاطرات مالکیت دارایی مورد اجاره لزوماً با انتقال مالکیت همراه نیست. حسابرسان برای تعیین درستی نحوه حسابداری بکار گرفته شده در مورد داراییهای مورد نظر باید مفاد قراردادهای اجاره بلندمدت را به دقت مورد رسیدگی قرار دهند تا سرمایه‌ای یا عملیاتی بودن اجاره مشخص گردد.

برای اینکه برای اجاره‌کننده، اجاره سرمایه‌ای محسوب گردد، می‌بایست حداقل یکی از چهار معیار زیر وجود داشته باشد:

۱- مالکیت به اجاره‌کننده انتقال یابد.

۲- دارای حق تقدم خرید به مبلغی کمتر از ارزش متعارف برای اجاره‌کننده باشد.

۳- مدت اجاره حداقل ۷۵ درصد عمر اقتصادی دارایی باشد.

۴- ارزش فعلی حداقل مبالغ اجاره بها حداقل ۹۰ درصد ارزش متعارف دارایی مورد اجاره باشد.

برای اجاره‌دهنده نیز، اجاره زمانی سرمایه‌ای محسوب می‌گردد که حداقل یکی از معیارهای بالا پوشش داده شوند و دو معیار زیر نیز وجود داشته باشند:

۱- قابلیت وصول حداقل مبالغ اجاره‌بها قابل پیش‌بینی باشد.

۲- برای اجاره‌دهنده در خصوص هزینه‌های اجاره، ابهام با اهمیتی وجود نداشته باشد.

اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات بخش عمده‌ای از کل داراییهای بسیاری از واحدهای تجاری را تشکیل می‌دهد. بنابراین از **لحاظ ارائه** وضعیت مالی از اهمیت زیادی برخوردارند. در هر دوره گزارشگری مالی بر طبق استانداردهای حسابداری، اطلاعات زیر باید در مورد اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات **افشا** شوند:

- مبنای تعیین بهای تمام شده
- اموالی که به وثیقه گذاشته شده است
- اطلاعات مربوط به مخارج سرمایه‌ای بعد از تحصیل داراییها
- اموالی که از پوشش بیمه‌ای کافی برخوردار نیستند.
- اطلاعات مربوط به داراییهایی که به قصد سرمایه‌گذاری تحصیل شده‌اند یا بلا استفاده‌اند.
- خط‌مشی شرکت در مورد روش‌های استهلاک داراییها
- افشاء هرگونه تغییر و تعدیلات در روش‌های استهلاک
- مانده گروههای عمده داراییهای استهلاک‌پذیر و استهلاک انباشته در تاریخ ترازنامه.

حسابرسی داراییهای نامشهود

داراییهای نامشهود به عنوان یک گروه فرعی در زیرمجموعه داراییهای ثابت ترازنامه گزارش می‌شوند. با این حال هر دارایی فاقد موجودیت فیزیکی، دارایی نامشهود تلقی نمی‌شود، به عنوان مثال حسابهای دریافتنی علیرغم آنکه فاقد موجودیت فیزیکی می‌باشند دارایی نامشهود به حساب نمی‌آیند. به طور خلاصه داراییهای نامشهود داراییهایی هستند که در عملیات واحد تجاری بکار برده می‌شوند اما موجودیت فیزیکی

نداشته و غیرجاری محسوب می‌گردند. دارایی‌های نامشهود را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

۱- داراییهای نامشهودی که دارای عمر محدود می‌باشند مانند، حق اختراع، حق تألیف، حق امتیاز، هزینه تأسیس و سرقفلی (در صورتی که مدارکی دال بر محدودیت عمر آن در دست باشد).

۲- داراییهای نامشهودی که برای آنها عمر محدود شناسایی نشده است و یا نمی‌توان عمر مفید و اقتصادی آنها را در تاریخ تحصیل یا مدت‌ها بعد از آن به نحو معقولی برآورد کرد، مانند اسم تجاری و علائم تجاری، فرمول‌ها و فرایند تولید و سرقفلی (در صورتی که مدارکی دال بر محدودیت عمل آن وجود نداشته باشد). در صورتی که دارایی نامشهودی از این گروه بی‌ارزش شود، بهای تمام شده آن باید یکجا به حساب سود و زیان منظور گردد.

۳- این گروه از داراییهای نامشهود می‌تواند شامل داراییهای نامشهود گروه اول یا دوم یا ترکیبی از هر دو گروه باشد (مانند سرقفلی ترکیب تجاری).

داراییهای نامشهود خریداری شده باید به بهای تمام شده تحصیل منهای استهلاک انباشته ارزشیابی شوند. اگر دارایی نامشهودی دارای منافع آتی نباشد، یا به عبارت دیگر قدرت تولید درآمد خود را از دست بدهد، قیمت تمام شده یا قیمت دفتری آن باید از حساب داراییهای نامشهود حذف و به عنوان یک قلم هزینه به حساب سود و زیان منظور شود.

آزمون کلیات داراییهای نامشهود

در حسابرسی داراییهای نامشهود، حسابرس باید حسابرسی خود را با انجام روش‌های تحلیلی (برای تایید کامل بودن و ارزشیابی)در مورد هزینه‌های استهلاک و تحقیق و توسعه سال جاری شروع کند و موارد غیرعادی با اهمیت را، برای تعیین علت، مورد پیگیری قرار دهد. کاهش غیرعادی در هزینه استهلاک ممکن است بیانگر کنارگذاری

یا حذف داراییهای نامشهود و کاهش غیرعادی در هزینه تحقیق و توسعه ممکن است ناشی از سرمایه‌ای محسوب کردن نادرست مخارج تحقیق و توسعه باشد. روش‌های تحلیلی داراییهای نامشهود را می‌توان به شکل زیر عنوان کرد:

- مقایسه هزینه استهلاک سال جاری با اقلام مشابه سال قبل و پی‌جویی تغییرات با اهمیت
- مقایسه نسبت مخارج تحقیق و توسعه به فروش سال جاری با سال قبل
- مقایسه مخارج تحقیق و توسعه سال جاری با سال قبل و پی‌جویی انحرافات با اهمیت
- ارزیابی منافع اقتصادی آتی داراییهای نامشهود، از طریق نسبت داراییها به درآمد حاصل از آنها.

آزمون جزئیات داراییهای نامشهود

بررسی مدارک داراییهای نامشهود(برای تایید اعتبار). برای اثبات وجود و مالکیت داراییهای نامشهود، کلیه مدارک مربوط به مالکیت می‌بایست مورد بررسی قرار گیرند. این مدارک شامل موارد زیر می‌باشند: قرارداد خرید، ورقه اختراع، گواهی ثبت علائم تجاری، مدارک هزینه تأسیس، قرارداد حق تألیف، قرارداد فرانشیز، قرارداد انجام، مجوزها و صورتجلسات هیأت مدیره. پرس و جو از مدیریت و وکیل حقوقی شرکت ممکن است به حسابرس در شناسایی موارد احتمالی مربوط به داراییهای نامشهود کمک کند. همچنین حسابرس ممکن است در مورد منافع آتی حاصل از داراییهای نامشهود ثبت شده، از مدیریت پرس و جو نماید.

اولین وظیفه حسابرس در رسیدگی به سرقفلی، تعیین چگونگی ایجاد آن در دفاتر و نحوه تعیین مبلغ آن است. در این صورت باید صورتجلسات هیأت مدیره، مدارک قرارداد خرید و مدارک پرداخت بررسی شود. در مواردی که سرقفلی در اثر خرید یک مؤسسه یا ترکیب ایجاد شده باشد، علاوه بر مدارک فوق، نحوه تخصیص مبلغ خرید به داراییها و سرقفلی باید مورد بررسی قرار گیرد. صاحبکار می‌بایست مبنای

ارزیابی سرقفلی، روش ایجاد و استهلاک آن را در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی تشریح کند.

حسابها و اسناد پرداختنی

حسابها و اسناد پرداختنی عموماً بزرگترین بخش بدهی‌های جاری هستند. عنوان حسابهای پرداختنی بطور معمول در مورد تعهدات عادی و مستمر تجاری به کار می‌رود و سایر پرداختنی‌ها جداگانه نامگذاری و گزارش می‌شوند. در تعیین مبلغ حسابهای پرداختنی بابت کالاهای خریداری شده در اواخر دوره مالی، باید به کالاهای در راه (سفارشات)، اگر وجود داشته باشند، توجه دقیق نمود. خرید این گونه کالاها و بدهی‌های ایجاد شده در ازای آنها هنگامی باید ثبت شود که مالکیت کالا از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد. ممکن است کالای خریداری شده چند روز پیش از پایان دوره مالی دریافت شود و به سبب تأخیر در بازبینی و مطابقت کالاها، سیاهه خرید در آخرین روز دوره مالی هنوز ثبت نشده باشد. در این صورت به علت ثبت نشدن خرید و به حساب منظور نشدن موجودی، هم بدهی‌ها و هم موجودی کالا، یعنی هر دو طرف ترازنامه، کم نشان داده خواهد شد.

نحوه ارائه بدهی‌های جاری در ترازنامه

دو مسئله اساسی در رابطه با ارائه بدهی‌های جاری وجود دارد: الف) ترتیب فهرست کردن آنها و ب) میزان تفصیل در افشای انواع بدهی‌های کوتاه مدت. ترتیب فهرست کردن بدهی‌های جاری ممکن است براساس موعد پرداخت و یا بر اساس مبلغ (به ترتیب نزولی) باشد. اما انجام هر دو شرط در آن واحد دشوار است و معمولاً سازشی به این شکل صورت می‌گیرد که بدهی‌های جاری به ترتیب مبلغ آورده شود مگر آنکه اختلاف موعدهای پرداخت قابل ملاحظه باشد. با این حال، اضافه برداشت بانکی و سفته هایی که سررسید آنها اندکی بعد از تاریخ ترازنامه است به دلیل تقدم موعد پرداخت،

اول آورده می‌شوند. مسأله تفصیل تا حدودی به این امر بستگی دارد که ترازنامه برای چه منظوری تهیه می‌گردد. در ترازنامه‌ای که قرار است به درخواست وام ضمیمه گردد یا برای پیش‌بینی نیازمندیهای مالی کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار گیرد، ارائه صورت بدهی‌های جاری به تفصیل بیشتر، مطلوب است. اقلامی که مبلغ آنها با اهمیت است، طبق اصل افشای کامل باید جداگانه افشاء شوند. برای صورتهای مالی که در گزارشهای سالانه ارائه می‌شوند، طبقه‌بندی زیر پیشنهاد می‌گردد:

بدهی‌های جاری	ریال
اضافه برداشت بانکی	XX
اسناد پرداختنی ـ تجاری	XX
حسابهای پرداختنی ـ تجاری	XX
سایر حسابهای پرداختنی	XX
پیش‌دریافت از مشتریان	XX
ذخیره مالیات بر درآمد	XX
سود سهام پیشنهادی	XX
حصه جاری دیون بلندمدت	XX
کل بدهی‌های جاری	XX

حسابرسی بدهی‌ها در مقایسه با حسابرسی داراییها

۱- در حسابرسی داراییها، نگرانی اصلی حسابرسان بیش از واقع نشان دادن آنها و در مورد بدهی‌ها، کمتر از واقع نشان دادن آنها می‌باشد. کمتر از واقع نشان دادن بدهی‌ها معمولاً با کمتر از واقع نشان دادن هزینه‌ها و بیش از واقع نشان دادن سود همراه است

در حالی که بیش از واقع نشان دادن داراییها معمولاً با بیش از واقع نشان دادن درآمدها همراه می‌باشد.

۲- روش‌های حسابرسی داراییها بیشتر بر اعتبار (وجود و مالکیت) داراییهای گزارش شده تأکید دارند، در حالی که روش‌های حسابرسی بدهی‌ها بیشتر بر کامل بودن بدهی‌های ثبت شده تأکید می‌کنند.

۳- برای بدهی‌های ثبت شده، اثبات ارزشیابی آنها به مراتب آسانتر از ارزشیابی داراییها و برای بدهی‌های ثبت نشده، این امر دشوارتر از اثبات ارزشیابی داراییها می‌باشد.

۴- در حسابرسی داراییها برای اثبات اعتبار آنها، وجود و مالکیت آنها و در حسابرسی بدهی‌ها برای اثبات اعتبار آنها، رخداد و تعهد آنها بررسی می‌گردد.

۵- کشف بدهی کمتر از واقع گزارش شده به مراتب دشوارتر از یک دارایی بیش از واقع گزارش شده می‌باشد.

زیرا بیش از واقع نشان دادن یک دارایی با یک ثبت جعلی همراه است که در صورت کشف توسط حسابرسی نیز، شخص مسئول این تخلف ناگزیر به اعتراف آن می‌باشد. در حالی که برای کمتر از واقع نشان دادن یک بدهی، فقط کافی است، معامله‌ای که منجر به این بدهی گردیده، در دفاتر ثبت نگردد، که در صورت کشف توسط حسابرس نیز، از سوی متخلف به عنوان یک اشتباه تصادفی توجیه می‌گردد.

به طور کلی دشوارترین تخلف از نظر کشف آن، تقلبی است که با ثبت نکردن معاملات به وجود می‌آید.

۶- حسابرسی بیشتر داراییها را می‌توان مدتها قبل از تاریخ ترازنامه انجام داد ولی بیشترین کار رسیدگی به بدهی‌ها به خصوص حسابهای پرداختنی را می‌بایست بعد از تاریخ ترازنامه انجام داد. بنابراین رسیدگی به بدهی‌ها زمانی می‌تواند بیشترین اثربخشی را داشته باشد که جستجو برای بدهی‌های ثبت نشده بعد از تاریخ ترازنامه و در طول

چند هفته سال بعد انجام گیرد. هر چند بدهی‌های غیرجاری غیر از حسابهای پرداختنی برای رسیدگی پیش از تاریخ ترازنامه، مناسبتر می‌باشند، مانند: بدهی ناشی از عوارض، مالیات، حقوق و دستمزد، بیمه و مالیات.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر حسابهای پرداختنی

سیستم‌های کنترل داخلی برای این رویدادهای مالی را می‌توان در چهار بخش عمده زیر خلاصه کرد:

۱- **صدور مجوز خرید:** با صدور مجوز خرید می‌توان اطمینان یافت که کالا و خدمات خریداری شده مربوط به هدف‌های مشخص شرکت بوده و مانع از خرید اقلام اضافی و غیر ضروری می‌شود. اسناد و مدارک لازم در این بخش عبارتند از: درخواست خرید و سفارش خرید

- **درخواست خرید:** بیانگر درخواست برای کالاها و خدمات بوسیله مقامات مسئول شرکت. معمولاً شرکت‌ها دارای سیستم‌های رایانه‌ای هستند که زمان ارائه درخواست را مشخص و گاهی بصورت الکترونیکی درخواست خرید می‌دهند.
- **سفارش خرید:** نشان دهنده مقدار و نوع کالا و اطلاعات مورد نیاز برای کالاها یا خدماتی است که شرکت قصد خرید آنها را دارد.

از نظر کنترلهای داخلی واحد خرید نباید مسئول صدور مجوز برای خرید یا تحویل گرفتن کالا باشد. همه برگ‌های درخواست خرید باید از پیش شماره‌گذاری شوند و برگ سفارش خرید می‌بایست دارای مقدار کافی ستون و فضای لازم باشد تا بتوان هنگام درخواست، اقلام غیرضروری را از فهرست حذف کرد.

۲- **تفکیک تصدی‌گری داراییها از سایر وظایف:** بسیاری از شرکت‌ها دارای واحد مخصوص برای تحویل گرفتن کالای خریداری شده هستند، این واحدها گزارش دریافت کالا را ارائه می‌کنند که سندی است مبنی بر تحویل گرفتن و بررسی کالاهای خریداری شده. شرکت‌ها با تهیه و ارائه گزارش دریافت کالا، خرید و بدهی مربوطه را در دفاتر خود ثبت می‌کنند. گزارش دریافت شامل شرحی از کالاها، مقدار دریافت شده، تاریخ دریافت و سایر داده‌های مهم می‌باشد. به طور کلی یک نسخه از این سند به انبار مواد اولیه و نسخه دیگر به واحد حسابهای پرداختنی ارسال می‌گردد. برای جلوگیری از سوء استفاده از کالاها می‌بایست، از نظر فیزیکی کنترل گردند و این اعمال کنترل از زمان تحویل گرفتن کالا تا زمان استفاده کردن یا فروش آنها اعمال گردد و همچنین افراد مسئول در واحد دریافت کالا باید مستقل از مسئولان انبار و واحد حسابداری باشند.

۳- **ثبت به هنگام بدهی و بررسی مستقل از رویدادهای مالی:** در بعضی از شرکت‌ها، ثبت بدهی مربوط به خرید کالا بر اساس سند دریافت کالا و خدمات انجام می‌گیرد و در بعضی دیگر از شرکت‌ها، ثبت این اقلام تا زمان دریافت فاکتور خرید از فروشنده به تأخیر می‌افتد. اسناد و مدارک لازم در این بخش عبارتند از: نگهداری حساب کنترل خرید، دفتر روزنامه خرید، فاکتور فروشنده، اعلامیه بدهکار حساب کنترل حسابهای پرداختنی و سند. از جمله رویه‌های کنترلی در این مرحله عبارتند از:

- مقایسه کردن شرح یا جزیات درخواست خرید، گزارش دریافت کالا و فاکتور فروش از لحاظ مقادیر، قیمت‌ها و...
- عدم دسترسی مسئول ثبت خرید به وجه نقد، اوراق بهادار قابل فروش و سایر داراییها.
- تفکیک وظیفه تصویب فاکتورهای خرید از وظیفه پرداخت نقدی آنها.
- مطابقت ماهانه جزئیات حسابهای پرداختنی با حساب کنترل بستانکاران در دفتر کل.

- مطابقت ماهانه صورتحسابهای ارسالی فروشندگان با دفتر معین بستانکاران و پی‌جویی هر گونه اختلاف آشکار

۴- صدور مجوز برای پرداخت: مهمترین سیستم کنترل بر پرداخت نقد شامل امضای چک بوسیله فردی است که دارای مسئولیت و اختیارات لازم است. از جمله مدارک مهم در این مرحله عبارتند از: چک، پرونده پرداختهای نقدی و دفتر روزنامه پرداختهای نقدی

از رویه‌های مهم کنترلی در این مرحله، می‌توان به موراد زیر اشاره کرد:

- تفکیک وظیفه امضا و صدور چک از وظیفه واحد حسابهای پرداختنی
- بررسی دقیق اسناد و مدارک پشتیبان چک قبل از امضای آنها.
- استفاده از چک‌های از پیش شماره گذاری شده.
- یادداشت کردن شماره چک بر روی اسناد و مدارک پشتیبان

ریسک تقلب در حسابهای پرداختنی

کمتر از واقع نشان دادن بدهی‌ها به همان اندازه اهمیت دارد که بیش از واقع نشان دادن داراییها داشته است. کمتر از واقع نشان دادن عمدی حسابهای پرداختنی معمولاً منتج به کمتر از واقع نشان دادن خرید و بهای تمام شده کالای فروش رفته و بیش از واقع نشان دادن سود خالص می‌شود. همچنین سوء استفاده عمدی از خرید می‌تواند به شکل پرداخت به فروشنده‌های واهی، رشوه و سایر قراردادهای غیرقانونی با فروشنده‌ها باشد و یا می‌تواند به شکل ثبت نکردن حسابهای پرداختنی تا دوره بعد یا ثبت نمودن کاهش واهی در حسابهای پرداختنی انجام شود.

تمام خریدهایی که قبل از پایان سال دریافت می‌شوند، باید به عنوان بدهی ثبت شوند. اگر شرکت از گزارشهای دریافت از پیش شماره‌گذاری شده استفاده نماید، اثبات این موضوع، نسبتاً آسان می‌شود. با این حال اگر از گزارشهای دریافت از پیش شماره‌گذاری شده استفاده نشود یا شرکت عمداً این گزارش‌ها را از سوابق حسابداری حذف نماید، ممکن است اثبات اینکه آیا تمام بدهی‌ها ثبت شده‌اند یا خیر برای حسابرسان مشکل باشد. در این گونه موارد، شواهد تحلیلی مانند تغییرات غیرمعمول در درصدها ممکن است نشانه‌ای از کمتر از واقع نشان دادن حسابهای پرداختنی باشد.

شرکت‌ها اغلب توافقات پیچیده‌ای با فروشندگان دارند که منتج به کاهش حسابهای پرداختنی به دلیل اعتبارات تبلیغاتی و سایر تخفیفات می‌شود. این توافقات، اغلب به خوبی معاملات تحصیل، مستند نمی‌شوند. بعضی شرکت‌ها برای بیش از واقع نشان دادن سود خالص از کاهش واهی در حسابهای پرداختنی استفاده کرده‌اند. هنگامی که مبالغ با اهمیت است، حسابرسان باید قراردادهای منعقده با فروشندگان را مطالعه نمایند و مطمئن شوند که صورتهای مالی محتوای قراردادها را منعکس کرده‌اند.

معمول‌ترین تقلب در زمینه خرید یا تحصیل، پرداخت به فروشندگان واهی و سپرده‌گذاری این وجوه در حسابهای واهی می‌باشد. برای پیشگیری از اینگونه تقلب‌ها می‌توان پرداخت‌ها را به فروشندگان مجاز محدود و اسناد پشتوانه تحصیل را قبل از پرداخت وجوه، دقیقاً توسط کارکنان مجاز بررسی نمود. در سایر موارد سوء استفاده مسئول حسابهای پرداختنی یا سایر کارکنان، چک‌های صادر شده برای فروشندگان مجاز را به سرقت می‌برند. لذا اطلاعات خرید هنگام پرداخت به فروشنده، دوباره تسلیم می‌شود. این گونه تقلب‌ها را می‌توان با حذف نمودن اسناد پشتوانه، برای جلوگیری از استفاده از آنها به عنوان پشتوانه پرداختهای چندگانه، پیشگیری نمود.

گزارش نادرست بالقوه حسابهای پرداختنی

شرح گزارش نادرست	مثال	ضعف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می‌دهد.
ثبت نادرست یک خرید یا یک پرداخت نقدی	**تقلب** - یک دفتردار، یک چکی را برای خودش صادر می‌کند و آن را به عنوان اینکه برای یک تأمین کننده (مشتری) عمده صادر شده است، ثبت می‌کند. **اشتباه** - انجام یک پرداخت نقدی برای پرداخت یک فاکتور برای کالاهایی که دریافت نشده است	- تفکیک نامناسب وظایف دفترداری و انجام پرداختهای نقدی، عدم بررسی یا نادیده گرفتن اسناد و مدارک تکمیلی سند بوسیله امضا کننده چک - کنترلهای نامناسب مطابقت فاکتورها با مدارک دریافت قبل از اینکه پرداخت نقدی تصویب گردد.
تخصیص نادرست خریدها (دزدی)	**تقلب** - کالاها سفارش داده می‌شوند اما به یک آدرس نادرست ارسال شده و به سرقت می‌روند	- کنترلهای نامناسب مطابقت فاکتورها با مدارک دریافت قبل از اینکه پرداخت نقدی تصویب گردد.
ثبت مضاعف خریدها	**اشتباه** - یک خرید زمانی که یک فاکتور از یک مشتری دریافت می‌شود ثبت می‌گردد و دوباره زمانی که یک فاکتور مشابه بوسیله مشتری ارسال می‌شود نیز ثبت می‌شود.	- کنترلهای نامناسب برای بررسی و ابطال اسناد و مدارک تکمیلی سند بوسیله امضاء کننده چک
ثبت پیش از موعد یا با تأخیر بهای تمام شده خریدها ـ مسئله انقطاع زمانی	**تقلب** - دفتر روزنامه خرید، پیش از موعد بسته می‌شود و خریدهای این دوره با عنوان اینکه در دوره بعدی اتفاق افتاده‌اند، در دوره بعد ثبت می‌شوند.	- عملکرد نامناسب هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، یا حسابرسی داخلی، نامناسب بودن اخلاق حرفه‌ای، اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف کسب سود.

۲- آزمون کنترلهای حسابهای پرداختنی

- بررسی مدارک اولیه تعدادی از معاملات خرید (درخواست خرید، سفارش خرید) برای اطمینان از صدور مجوز صحیح معاملات
- مطابقت تعدادی از صورتحسابهای ارسالی مشتریان با معین بستانکاران و جزئیات حسابهای پرداختنی با کنترل بستانکاران برای اطمینان از ثبت دفاتر بدهیها.
- بررسی اسناد و مدارک تعدادی از چکهای صادره برای اطمینان از کامل بودن مدارک و نحوه علامت گذاری مدارک برای جلوگیری از پرداخت دوباره آنها.
- ردیابی سفارشهای خرید، گزارشهای دریافت کالا، فاکتور خرید، مدارک پرداختهای نقدی به دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه خرید، دفتر معین و دفتر کل بستانکاران برای اطمینان از اعمال رویه های کنترلی و کنترل عطف متقابل مدارک.
- مطابقت تعدادی از فاکتورها با مدارک دریافت کالا برای اطمینان از عدم پرداخت بابت کالای دریافت نشده.
- کنترل برگشت از خریدهای با مبالغ بزرگ و بدهکاران متعدد با مبالغ کوچک در معین بستانکاران برای اطمینان از عدم ثبت کالاهای دریافتی به شکل امانی به عنوان موجودی کالای خریداری شده.
- بررسی تعدادی از پیش پرداختهای به فروشندگان و مطابقت آنها با ثبتهای حسابهای پرداختنی و تسویه آنها برای اطمینان از وجود روش مناسب برای کنترل این گونه پرداختها.

۳- آزمونهای محتوا

الف) آزمون کلیات حسابهای پرداختنی

از جمله روش‌های تحلیلی برای حسابهای پرداختنی(برای تایید اعتبار و کامل بودن) ، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقایسه هزینه سال جاری با مبالغ مشابه سال قبل (برای اطمینان از گزارش آخرین صورتحساب هزینه‌های منظم مانند آب، برق، گاز)
- مقایسه نسبت خرید به حسابهای پرداختنی سال جاری با سال قبل برای کشف حسابهای ثبت نشده یا حسابهایی که وجود ندارد.
- مقایسه نسبت حسابهای پرداختنی بر کل بدهیهای جاری با سال قبل
- مقایسه نسبت تخفیفات نقدی دریافتی به خرید با سال قبل
- مقایسه هر یک از حسابهای پرداختنی با مبالغ سال‌های پیش برای کشف حسابهای ثبت نشده یا حسابهایی که وجود ندارند و یا تحریف و خلافکاری.

ب) آزمون جزئیات حسابهای پرداختنی

رسیدگی به حسابهای پرداختنی معمولاً با اخذ تراز آزمایشی مانده حسابهای پرداختنی در تاریخ ترازنامه از صاحبکار شروع می‌شود. حسابرس می‌بایست صحت محاسبات مانده دفتر معین حسابهای پرداختنی را کنترل و جمع آن را با جمع حساب آن در دفتر کل مطابقت دهد. مطابقت اقلام با حساب کنترل باید محدود باشد مگر اینکه سیستم کنترل داخلی ضعیف باشد. علاوه بر مطابقت مانده حسابهای پرداختنی با دفاتر کل و معین، حسابرس می‌بایست فاکتورهای فروشندگان را با حساب کنترل از لحاظ نام و مبلغ مطابقت دهد.

سندرسی[1] بستانکاران انتخابی(برای تایید اعتبار و کامل بودن). اسناد و مدارک اولیه پشتیبان مانده حسابهای پرداختنی انتخابی توسط حسابرس آزمون محتوایی است برای اثبات اعتبار مانده حسابهای پرداختنی شرکت صاحبکار، این اسناد و مدارک اولیه عبارتند از: حسابهای دفترکل، حسابهای دفتر روزنامه، مجوز خرید، درخواست خرید، سفارش خرید، گزارش دریافت کالا، فاکتور خرید و صورتحساب ارسالی مشتریان و پرونده برگه‌های پرداخت نشده.

آزمون انقطاع زمانی (برای تایید اعتبار و کامل بودن). به عنوان یکی از روش‌های حسابرسی، حسابرس می‌بایست صورتحسابهای ارسالی مشتریان با مانده حسابهای پرداختنی در تاریخ ترازنامه مطابقت نماید. هدف از این **مغایرت‌گیری[2]** اطمینان از این می‌باشد که رویدادهای مالی که چند روز قبل و بعد از تاریخ ترازنامه اتفاق افتاده‌اند، به درستی در دوره مربوطه گزارش شده باشند. در صورت ضعیف بودن سیستم کنترل داخلی صاحبکار، حسابرس می‌تواند کنترل مراسلات دریافتی صاحبکار را در اختیار گیرد تا از دریافت تمامی صورتحسابهای ارسالی مشتریان اطمینان حاصل کند. بنابراین حسابرس می‌بایست شماره آخرین گزارش دریافت کالا را در تاریخ ترازنامه یادداشت کرده وآن را با فاکتورهای فروشندگان مطابقت نماید یعنی تعدادی از فاکتورهای خرید و گزارش دریافت چند روز قبل و بعد تاریخ ترازنامه را مورد مطابقت قرار می‌دهد اگر:

۱- تاریخ هر دو سند به قبل از تاریخ ترازنامه باشد، بدهی مربوط به خرید می‌بایست جزو بدهی‌های دوره مالی لحاظ گردد.

۲- تاریخ هر دو سند به بعد از تاریخ ترازنامه باشد، بدهی مربوط به خرید نباید جزو بدهی‌های دوره مالی مورد رسیدگی باشد، بلکه جزو بدهی‌های دوره مالی بعد می‌باشد.

---

۱) Vouch/Voching
۲) Reconcile

۳- تاریخ یکی قبل و دیگری بعد تاریخ ترازنامه باشد. در این حالت هر دو طرف معامله یعنی بدهکار موجودی کالا و بستانکار خرید، می‌بایست در یک طرف تاریخ ترازنامه ثبت گردد.

هنگامی که موجودی کالای شرکت صاحبکار، پیش از آخرین روز سال شمارش می‌شود، می‌بایست در زمان شمارش کالا اطلاعات مربوط به آزمون انقطاع زمانی را بدست آورد. یعنی شماره آخرین گزارش دریافت کالا را در سند مربوط به شمارش فیزیکی موجودی کالا بنویسد.

از طرف دیگر حسابرس با بررسی فاکتورهای فروشنده می‌تواند مشخص کند که با شرایط فوب مبدأ یا فوب مقصد فروخته شده‌اند. هنگام خرید کالا با شرایط تحویل در مقصد زمانی مالکیت و سند دارایی به خریدار منتقل می شود که کالا تحویل شرکت شود، بنابراین فقط کالاهایی را که پیش از تاریخ ترازنامه به شرکت تحویل شده باشد باید در پایان سال در حسابهای پرداختنی و موجودی کالا منظور کرد. ولی اگر کالایی با شرط تحویل در مبدأ خریداری شده باشد، اگر محموله در تاریخ ترازنامه یا پیش از آن حمل شده باشد، باید آن را به حساب موجودی کالا و حسابهای پرداختنی مربوطه منظور کرد.

دریافت تأییدیه[1](برای تایید اعتبار و کامل بودن). برای اینکه نگرانی حسابرسان نسبت به بدهی‌ها این است که مبادا کمتر از واقع گزارش شده باشند، بیشتر حسابهایی برای گرفتن تأییدیه مورد توجه قرار می‌گیرند که مقدار آنها زیاد، نوع حساب بسیار فعال، مانده آنها صفر، حسابهایی که صورتحساب آنها به دست حسابرس نرسیده باشد و حسابهای تضمین شده با وثیقه‌گذاری داراییها باشد.

در صورتی که شرکت صاحبکار دارای سیستم کنترل داخلی مناسب باشد و صورتحسابهای فروشندگان نیز برای بررسی در دسترس باشند، نامه جهت گرفتن تأییدیه

---

۱) Confirmation Request

از اشخاص ثالث ارسال نخواهد شد. ولی زمانی که سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار دارای نقاط ضعف عمده باشند، صورتحسابها در دسترس نباشند یا زمانی که حسابرس نسبت به صداقت شرکت صاحبکار تردید داشته باشد، روش مناسب و مطلوب این است که از فروشندگان تأییدیه گرفته شود. با این حال **دریافت تاییدیه بستانکاران مانند دریافت تاییدیه بدهکاران یک روش اجباری نیست** و نسبت به آن کم اهمیت می‌باشد برای اینکه: دریافت تأییدیه برای بدهی‌های ثبت شده، بود و نبود بدهی‌های ثبت نشده را اثبات نمی‌کند، برای بستانکاران شواهدی خارج از شرکت صاحبکار وجود دارد که به سبب تهیه آنها توسط اشخاص ثالث دارای قابلیت اتکای بیشتری هستند (مانند صورتحسابهای مشتریان و فاکتورهای آنان) و پرداخت بدهی‌ها بعد از تاریخ ترازنامه دلیل دیگری برای صحت آنها می‌باشد.

لازم است بین **صورتحساب فروشندگان**[1] و **فاکتورهای فروشندگان** تفکیک ایجاد شود زیرا یک صورتحساب فروش فقط نشان دهنده کل مبلغ مورد معامله است در این سند آحاد محصول خریداری شده، قیمت، هزینه حمل و سایر داده‌ها نوشته نشده است ولی دارای این مزیت است که طبق دفاتر فروشنده نشان دهنده مانده بدهی خریدار می‌باشد. برای بازبینی و اثبات حسابهای پرداختنی صورتحساب فروشنده بهتر است، زیرا نشان دهنده مانده حساب است ولی برای بازبینی و اثبات معامله خرید، فاکتور فروشنده بهتر است زیرا جزئیات خرید را نشان می‌دهد.

پی‌جویی برای کشف بدهی‌های ثبت نشده (برای تایید اعتبار و کامل بودن). این پی‌جویی برای اثبات کامل بودن بدهی‌ها می‌باشد و بیشتر این بررسی را برای مدت کوتاهی بعد از تاریخ ترازنامه و با بررسی فاکتورها و معین بستارنکاران انجام می‌دهد.

---

۱) Vendors statement

روش‌هایی که بصورت کلی برای کشف بدهی‌های ثبت نشده مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل موارد زیر می‌باشند:

۱- ردیابی مدارک و اسناد اولیه به ثبت‌های روزنامه و دفتر کل حسابهای پرداختنی

۲- مغایرت‌گیری بدهی‌ها با صورتحسابهای ماهانه فروشندگان

۳- دریافت تأییدیه برای حسابهای با مانده صفر

۴- اجرای روش‌های تحلیلی

۵- مطابقت پرداختهای نقدی بعد از تاریخ ترازنامه با صورت زیرحسابهای پرداختنی در تاریخ ترازنامه

۶- بررسی فاکتورهای خرید بدون گزارش دریافت کالا و گزارشهای دریافت کالای بدون فاکتور

۷- بررسی پرداختنی‌های ثبت شده در معین بستانکاران[1] بعد از تاریخ ترازنامه

۸- بررسی فاکتورهای دریافتی توسط صاحبکار بعد از تاریخ ترازنامه[2]

۹- پرس و جو از کارکنان حسابداری و مسئولین صاحبکار

۱۰- رسیدگی به تعدیلات حسابرسی سال‌های گذشته صاحبکار

بطور کلی تصمیم‌گیری حسابرسان درباره اهمیت معاملات و بدهی‌های ثبت نشده به میزان قابل ملاحظه‌ای بر اثر داشتن یا نداشتن آن بر سود خالص شرکت بستگی دارد و برای تشخیص اهمیت، اقلام بدهکار ثبت نشده در حسابهای طرف مقابل مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر بدهکار ثبت نشده یک حساب هزینه باشد، اثر آن به مراتب بیشتر از یک دارایی یا بدهی ثبت نشده می‌باشد، این بیشتر به خاطر اهمیت و تأثیر آن بر سود خالص، تطابق درآمد و هزینه و انقطاع زمانی است.

---

۱) Voucher Register
۲) Subsequent Period

مهم‌ترین هدف در حسابرسی ارائه و افشاء بدهی‌های جاری این است که حسابرس تعیین کند هیچ اشتباه با اهمیتی در طبقه‌بندی بدهی‌های جاری و غیرجاری رخ نداده است. برای مثال، اقساط جاری بدهی‌های بلندمدت باید در بخش بدهی‌های جاری ترازنامه منعکس شوند و تعهدات کوتاه مدتی که انتظار می‌رود تأمین مالی مجدد شوند به عنوان بدهی‌های بلندمدت تجدید طبقه‌بندی شوند. تمام پرداختنی‌های عمده به اشخاص وابسته می‌بایست در صورتهای مالی افشاء شوند، حسابهای پرداختنی با وثیقه نیز باید در ترازنامه و یا در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء و به داراییهای وثیقه شده عطف متقابل داده شوند.

حقوق و دستمزد پرداختنی و هزینه حقوق و دستمزد

چرخه حقوق و دستمزد کارکنان با استخدام نیرو آغاز و با پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان، از بابت خدمات ارائه شده و نیز مبالغ مربوط به دولت و سایر سازمان‌ها پایان می‌یابد. در فاصله بین این دو نقطه زمانی، چرخه حقوق و دستمزد کارکنان ایجاب می‌کند که کارکنان خدماتی را طبق هدف‌های مشخص شرکت ارائه کننده و شرکت از بابت این خدمات یک سیستم حسابداری مشخص نگهداری نماید. با وجود اینکه آزمون کنترلها و آزمونهای محتوا در مورد رویدادهای مالی، مهم‌ترین بخش آزمون حقوق و دستمزد را تشکیل می‌دهند، ولی در این زمینه نمی‌توان آزمون‌های زیادی انجام داد. در بسیاری از حسابرسی‌ها ریسک تحریف با اهمیت در این مورد، به کمترین مقدار ممکن می‌رسد، حتی با وجود اینکه اغلب، این مبالغ مهم‌ترین بخش کل هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد. در این مورد سه دلیل ارائه می‌شود:

۱- اگر شرکت به کارکنان حقوق مناسب پرداخت نکند، با احتمال زیادی آنها به مدیریت شکایت خواهند کرد.

۲- رویدادهای مالی مربوط به حقوق و دستمزد، یکسان و بدون پیچیدگی است.

۳- رویدادهای مالی مربوط به حقوق و دستمزد به وسیله دولت‌ها از نظر مالیات‌های کسر شده، پرداخت‌های مربوط به تأمین اجتماعی و مالیات‌های بیکاری، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر حقوق و دستمزد

برای چرخه حقوق و دستمزد کارکنان کنترلهای داخلی زیر می‌تواند مفید واقع شوند:

- **تفکیک وظایف:** تفکیک وظایف درست مانع از گزارش مبالغی می‌شود که بیش از حقوق مشخص پرداخت شده‌اند و یا پرداخت‌ها به کارکنانی باشد که هرگز وجود نداشته‌اند. استخدام افراد، پایان دادن به کار آنها، تغییر در نرخ حقوق و منظور کردن کسورات جزو وظایف دایره کارگزینی می‌باشد، در حالی که پردازش حقوق و دستمزد می‌بایست در حیطه اشخاصی باشد که مسئول امضای چک‌های حقوق می‌باشند.
- **مجوز اضافه کاری:** در هر شرکتی، واحدی می‌بایست مسئول نرخ حقوق و صدور مجوز برای کسورات باشد. مسئولیت ساعات کار انجام شده به وسیله هر یک از کارکنان، به ویژه اضافه کاری، باید بر عهده سرپرست مستقیم فرد باشد. مسئول مستقیم یا سرپرست واحد می‌تواند آنها را در کارت ساعت کار انجام شده یا کارت جداگانه (برای اضافه کاری) ثبت و گزارش کند.
- **اسناد و مدارک:** از اسناد و مدارک مربوط به حقوق و دستمزد می‌توان به کارت حضور و غیاب کارکنان موفقیت و یا کارت ساعت اشاره کرد.
- **کنترل فیزیکی بر داراییها و اسناد و دفاتر:** چک‌های حقوق و دستمزد امضاء نشده نباید در دسترس همگان قرار گیرد. چک‌ها باید بوسیله شخص مسئول امضاء شود و حقوق باید بوسیله شخص دیگری پرداخت شود. چک‌هایی که به دست افراد ذیربط

نمی‌رسد باید دوباره به حساب بانک شرکت منظور گردند و اگر چک‌ها به وسیله دستگاه امضاء می‌شوند، تنها فرد یا افراد مسئول می‌توانند به این سیستم دسترسی داشته باشند.

- **محاسبه چک از بابت عملکرد افراد بوسیله واحد مستقل:** محاسبه حقوق و دستمزد باید بوسیله واحد مستقل انجام و تأیید شود و این وظیفه شامل مقایسه کردن کل مبلغ با خلاصه گزارشات ارائه شده می‌شود. یکی از مدیران مسئول باید محاسبه حقوق را بررسی و هر نوع تحریف آشکار یا مبالغ غیرعادی را کنترل نماید.

۲-آزمون کنترلها ی حقوق و دستمزد

- مشاهده سرزده چگونگی توزیع چکهای حقوق و دستمزد در صورت پرداخت نقدی برای اطمینان از واقعی بودن اسامی لیست حقوق و دستمزد.
- بررسی نحوه اعمال چکهای مطالبه نشده حقوق و دستمزد در شرکت صاحبکار.
- بررسی مجوزهای اعمال تغییرات در نرخهای دستمزد انتخابی که نسبت به قبل تغییر کرده اند و همچنین افراد اضافه یا حذف شده از لیست حقوق و دستمزد
- مقایسه گزارشهای متصدیان ثبت اوقات کار با کارتهای ساعت برای اطمینان از درستی ساعات کار گزارش شده و مطابقت آنها با اقلام مندرج در لیست حقوق و دستمزد.
- مطابقت جمع حقوق و دستمزد با جمع چکهای صادره.
- مطابقت کسورات حقوق و دستمزد کارکنان با مجوزهای مربوطه.
- مطابقت کسورات حقوق و دستمزد با گزارشهای به دستگاههای دولتی.

۳- آزمونهای محتوا

الف) آزمون کلیات حقوق و دستمزد کارکنان

استفاده از روش‌های تحلیلی(**برای تایید اعتبار و کامل بودن**)، در چرخه دستمزد برای شناسایی روابط غیرعادی و مشکوک دارای اهمیت زیادی می‌باشد و برای کشف زمینه‌هایی که نیاز به بررسی بیشتری دارد، اینها می‌توانند مفید واقع شوند:

۱- مقایسه مانده حساب هزینه حقوق و دستمزد با سال‌های پیش (با توجه به افزایش و کاهش نرخ حقوق و حجم فعالیت تعدیل شده است) برای کشف تحریف حساب هزینه حقوق و دستمزد کارکنان

۲- مقایسه دستمزد مستقیم، به صورت درصدی از فروش با سال‌های قبل برای کشف تحریف دستمزد مستقیم در موجودی کالا

۳- مقایسه هزینه کمیسیون، به صورت درصدی از فروش با سال‌های قبل برای کشف تحریف هزینه کمیسیون و بدهی مربوط به کمیسیون.

۴- مقایسه هزینه مالیات حقوق و دستمزد به صورت درصدی از حقوق و دستمزد با سال‌های قبل (با توجه به تغییرات در نرخ مالیات تعدیل شده است) برای کشف تحریف هزینه مالیات برحقوق و بدهی مالیات مربوط به حقوق

۵- مقایسه حساب مالیات به حقوق و دستمزد تعلق گرفته و پرداخت نشده با سال‌های قبل برای کشف تحریف مالیات بر حقوق تعلق گرفته و پرداخت نشده و هزینه مالیات بر حقوق و دستمزد

ب) آزمون جزئیات برای مانده حسابهای حقوق و دستمزد

۱- **کسورات حقوق و دستمزد:** برای آزمون بیمه‌ها و مالیات‌هایی که شرکت از حقوق کارکنان کم پرداخت نکرده است می‌توان مانده ثبت‌های دفتر روزنامه حقوق و دستمزد را با مبالغ مندرج در فرم‌های تأمین اجتماعی و مالیات بر حقوق متعلق به دوره بعد و پرداخت‌های نقدی دوره بعد مقایسه کرد.

۲- **حقوق و دستمزد تعلق گرفته ولی پرداخت نشده:** در مورد حقوق و دستمزد تعلق گرفته ولی پرداخت نشده، تأمین اهداف انقطاع زمانی و صحت محاسبات به سیاست‌های هر شرکت بستگی دارد و اینکه شرکت مزبور در اجرای این سیاست‌ها دارای ثبات رویه باشد. بعد از اینکه حسابرس با سیاست شرکت آشنا شود و بداند که با سیاست سال‌های قبل سازگار بوده و دارای ثبات رویه است، برای آزمون آن می‌تواند مبلغ تعلق گرفته ولی پرداخت نشده حقوق و دستمزد شرکت صاحبکار را دوباره محاسبه نماید.

۳- **کمیسیون تعلق گرفته ولی پرداخت نشده:** برای این منظور، حسابرس باید نخست به مفاد قرارداد کمیسیون توجه کند و سپس با توجه به این قرارداد محاسبه‌ها را آزمون نماید. مسئله مهم این است که روش منظور کردن کمیسیون‌های تعلق گرفته و پرداخت نشده با اقلام سال‌های قبل مقایسه شود تا بتوان نسبت به حفظ ثبات رویه مطمئن شد. در صورتی که مبالغ با اهمیت باشند، حسابرس می‌تواند با ارسال نامه به کارکنان، صحت یا نادرستی مبالغ گزارش شده را تأیید نماید.

۴- **پاداش‌های تعلق گرفته و پرداخت نشده:** معمولاً بازبینی و اثبات اقلام پاداش‌های تعلق گرفته و پرداخت نشده از طریق مقایسه آنها با مبلغ مجاز در صورت جلسه‌های هیأت مدیره انجام می‌شود.

۵- **مالیات بر حقوق و مزایای تعلق گرفته و پرداخت نشده:** مالیات بر حقوق، مانند حق بیمه خدمات درمانی و مالیات‌های بیکاری متعلق به دولت باید در فرم‌های گوناگون گزارش شوند که معمولاً در دوره بعد تکمیل می‌شوند. حسابرس با بررسی این فرم‌ها می‌تواند مشخص کند که آیا مبالغ مزبور در تاریخ ترازنامه به عنوان یک بدهی ثبت شده‌اند یا خیر.

۶- **کل حقوق و دستمزد:** حسابرسان می‌باید کل هزینه حقوق و دستمزد موجود در دفتر کل را با مبالغ مندرج در اظهارنامه مالیاتی مربوط به حقوق و دستمزد مقایسه

کنند. هدف چنین آزمونی این است که مشخص شود که آیارویدادهای مالی مربوط به حقوق و دستمزد به حساب حقوق و دستمزد منظور شده و یا اینکه در دفتر روزنامه ثبت شده است یا خیر.

خلاصه

موجودی‌های کالا به دلایل زیر بیش از سایر اقلام داراییهای مندرج در صورتهای مالی مورد توجه قرار می‌گیرند: موجودی‌های مواد و کالا معمولاً مبلغ عمده‌ای از داراییهای جاری را به خود اختصاص می‌دهند، وجود روش‌های ارزشیابی متنوعی برای موجودیهای متنوع، تأثیر مستقیم موجودیهای مواد و کالا روی سود خالص شرکت و مشکل بودن تعیین کیفیت، وضعیت و ارزش موجودیها.تفکیک وظایف زیر موجب تقویت سیستم کنترل داخلی می‌گردد: دایره خرید، دایره دریافت کالا، دایره انبار، دایره صدورکالا، دایره تولید، دایره حمل و ارسال کالا، سیستم حسابداری صنعتی و سیستم ثبت دایمی موجودی‌ها. از آزمون‌های محتوای مهم موجودی‌های مواد و کالا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نظارت بر شمارش موجودی‌ها، اجرای آزمون انقطاع زمانی موجودی‌ها، ارزشیابی موجودی‌های مواد و کالا، اجرای روش‌های تحلیلی.

در صورتی که کنترل داخلی در مورد اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به دقت اعمال نگردد، احتمال دارد که تعداد زیادی از اقلام دارایی آسیب ببینند، به سرقت رود یا کنار گذاشته شود، بدون آنکه این گونه رویدادها در اسناد و مدارک حسابداری ثبت گردد، که در این صورت، حساب دارایی بیش از واقع نشان داده خواهد شد. برای کاهش سرقت این داراییها، این گونه داراییها باید هر طور که ممکن است به طور فیزیکی مورد حفاظت قرار گیرند و همچنین روی آنها کنده‌کاری یا برچسب نصب گردد و بطور مرتب از آنها صورت‌برداری شود.

از مهم‌ترین آزمون‌های محتوای داراییهای ثابت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بررسی اضافات دارایی ثابت، تجزیه و تحلیل هزینه تعمیر و نگهداری، بررسی وضعیت داراییهای بلا استفاده، آزمون ذخیره استهلاک، بررسی داراییهای ثابت بر کنار شده، بررسی مالکیت دارایی ثابت، بررسی مفاد قراردادهای بلندمدت اجاره، اجرای روش‌های تحلیلی.

دو مسئله اساسی در رابطه با ارائه بدهی‌های جاری عبارتست از: الف) ترتیب فهرست کردن آنها و ب) میزان تفصیل در افشای انواع بدهی‌های کوتاه‌مدت. در مورد بدهی‌ها، حسابرسان نگران کمتر از واقع نشان دادن آنها هستند، روش‌های حسابرسی بدهی‌ها بیشتر بر کامل بودن آنها تأکید دارند، اثبات ارزشیابی بدهی‌های ثبت نشده بسیار دشوار می‌باشد. کشف بدهی کمتر از واقع گزارش شده، به مراتب دشوارتر از یک دارایی بیش از واقع گزارش شده می‌باشد. از جمله مهم‌ترین رویه‌های کنترل داخلی بدهی‌ها، تفکیک وظایف زیر می‌باشد، صدور مجوز خرید، تهیه درخواست خرید و سفارش خرید، تفکیک تصدی‌گری داراییها از سایر وظایف، ثبت به هنگام بدهی و بررسی مستقل از رویدادهای مالی، صدور مجوز برای پرداخت. کمتر از واقع نشان دادن عمدی حسابهای پرداختنی معمولاً منتج به کمتر از واقع نشان دادن خرید و بهای تمام شده کالای فروش رفته و بیش از واقع نشان دادن سود خالص می‌شود. از مهم‌ترین آزمون‌های محتوای بدهی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: سندرسی بستانکاران انتخابی، مغایرت‌گیری صورتحساب‌های مشتریان، دریافت تأییدیه طلبکاران، اجرای روش‌های تحلیلی، جستجو برای کشف بدهی‌های ثبت نشده.

پرسشهای تشریحی

۱- دلایل اهمیت موجودی‌ها از نظر حسابرسان را بیان کنید؟

۲- کنترلهای داخلی و تفکیک وظایف مربوط به موجودی‌ها و بهای تمام شده کالای فروش رفته را توضیح دهید؟

۳- ریسک تقلب در موجودی‌ها را توضیح دهید؟

۴- الزامات و مقدمات شمارش موجودی‌ها که می‌بایست توسط حسابرس بررسی گردد را بیان کنید؟

۵- نحوه حسابرسی و رسیدگی به موجودی امانی دیگران نزد صاحبکار و موجودی کالای امانی صاحبکار نزد دیگران را توضیح دهید.

۶- نحوه برخورد حسابرس در صورت عدم نظارت بر شمارش موجودی‌های اول دوره و یا آخر دوره را تشریح کنید؟

۷- نحوه اجرای آزمون انقطاع زمانی موجودی‌ها را توضیح دهید؟

۸- آزمون کلیات مربوط به موجودی‌های مواد وکالا را تشریح کنید؟

۹- از جمله موارد مهم در نحوه ارائه و افشاء موجودی‌های مواد و کالا که می‌بایست مورد توجه حسابرس قرار گیرد، کدامند، توضیح دهید؟

۱۰-کنترلهای داخلی مربوط به داراییهای ثابت را توضیح دهید؟

۱۱- ریسک تقلب در داراییهای ثابت را بیان کنید؟

۱۲- هدف از تجزیه و تحلیل هزینه تعمیر و نگهداری داراییهای ثابت را توضیح دهید؟

۱۳- نحوه آزمون ذخیره استهلاک داراییهای ثابت را توضیح دهید؟

۱۴- روش‌های رسیدگی برای کشف داراییهای ثابت برکنار شده ولی از دفاتر حذف نشده را توضیح دهید؟

۱۵- آزمون کلیات مربوط به داراییهای ثابت را توضیح دهید؟

۱۶- تفاوت حسابرسی داراییهای ثابت با داراییهای جاری چیست، توضیح دهید؟

۱۷- تفاوت حسابرسی بدهی‌ها با حسابرسی داراییها را بیان نمایید؟

۱۸- سیستم کنترل داخلی مربوط به بدهی‌های (حسابهای پرداختنی) را توضیح دهید؟

۱۹- ریسک تقلب در حسابهای پرداختنی را توضیح دهید.

۲۰- نحوه اجرای آزمون انقطاع زمانی در مورد حسابهای پرداختنی را توضیح دهید؟

۲۱- دریافت تأییدیه بدهی‌ها را با دریافت تأییدیه داراییها مقایسه کنید؟

۲۲- روش‌های مورد استفاده برای کشف بدهی‌های ثبت نشده را توضیح دهید؟

۲۳- آزمون کلیات مربوط به حسابهای پرداختنی را توضیح دهید؟

پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۱- حسابرس به احتمال زیاد، ضریب‌های گردش موجودی کالا را تجزیه و تحلیل می‌کند تا شواهد مربوط به کدام ادعای زیر را بدست آورد؟

الف) وجود یا رخداد
ب) حقوق مالکانه یا تعهدات
ج) ارائه و افشاء
د) ارزشیابی یا تخصیص

۲- حسابرس برای اثبات کدام مورد زیر از کارکنان تولید و فروش صاحبکار درباره موجودی‌های ناباب یا کم‌گردش، پرس وجو می‌کند؟

الف) ارزشیابی یا تخصیص
ب) حقوق مالکانه یا تعهدات
ج) وجود یا رخداد
د) نحوه ارائه و افشاء

۳- حسابرس به منظور ارزیابی نحوه بکارگیری منابع موجود واحد مورد رسیدگی، گردش موجودی کالا را با تقسیم کدام مورد زیر بر متوسط موجودی محاسبه می‌کند.

الف) فروش خالص
ب) بهای تمام شده کالای فروش رفته
ج) سود عملیاتی
د) فروش ناخالص

۴- حسابرس در طول نظارت بر شمارش موجودی‌ها، تعدادی از اقلام موجودی را برای شمارش آزمایشی انتخاب می‌کند، سپس شمارش‌های آزمایشی را به لیست موجودی صاحبکار ردیابی می‌کند. این روش شواهد مربوط به کدام ادعای زیر را فراهم می‌کند؟

الف) حقوق مالکانه و تعهدات
ب) کامل بودن
ج) وجود یا رخداد
د) ارزشیابی

۵- کدام روش حسابرسی زیر به احتمال زیاد درباره ارزشیابی موجودی کالای یک شرکت تولیدی اطمینان می‌دهد؟

الف) آزمون نحوه محاسبه نرخ‌های استاندارد سربار.

ب) درخواست تأییدیه درباره موجودی‌های درگرو بر اساس قرارداد وام دریافتی

ج) آزمون انقطاع زمانی گزارش‌های حمل و گزارش‌های دریافت موجودی‌ها

د) ردیابی شمارش‌های آزمایش موجودی‌ها به لیست موجودی‌های واحد موردرسیدگی

۶- بررسی وضعیت و کیفیت موجودی‌ها، شواهد مربوط به کدام ادعای مدیریت را بدست می‌دهد؟

الف) اعتبار ب) کامل بودن

ج) ارزشیابی د) نحوه ارائه و افشاء

۷- کدام یک از موارد زیر در رابطه با موجودی‌ها، درست می‌باشد؟

الف) هنگام ورود کالا به انبار، حواله انبار تنظیم می‌گردد.

ب) هنگام خروج کالا از انبار، قبض انبار، تنظیم می‌گردد.

ج) سفارش خرید، توسط دایره خرید تهیه می‌گردد.

د) تنظیم گزارش دریافت توسط خرید انبار صورت می گیرد.

۸- کدام یک از موارد زیر، از وجود تقلب در موجودی کالا خبر می‌دهند؟

الف) اجرای روش تحلیلی ب) اجرای آزمون ارزشیابی

ج) نظارت بر شمارش موجودی‌ها د) بررسی وضعیت موجودی‌ها

۹- کدام یک از موارد زیر نادرست می‌باشند: هدف از نظارت بر شمارش موجودی‌ها توسط حسابرس...

الف) اطمینان از ارزشیابی درست موجودی‌ها می‌باشد.

ب) اطمینان از ثبت تمام موجودی‌ها در صورت شمارش موجودی‌ها می‌باشد.

ج) اطمینان از عدم ثبت کالای آسیب دیده به عنوان موجودی سالم می‌باشد.

د) اطمینان از وجود واقعی تمام موجودی‌های صورت شمارش در انبار می‌باشد.

۱۰- کدام یک از مدارک زیر برای شناسایی انقطاع صحیح معاملات موجودی‌ها، مورد بررسی قرار می گیرد؟

الف) فاکتور خرید- سفارش خرید ب)سفارش خرید- اسناد پرداخت

ج) اسناد پرداخت- سند حمل　　د) فاکتور خرید- گزارش دریافت

۱۱- تجزیه و تحلیل کدام حساب زیر، شواهد کمتری را در ارتباط با کنارگذاری تجهیزات ثبت شده تأمین می‌کند؟

الف) استهلاک انباشته　　ب) اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

ج) هزینه بیمه　　د) برگشت از خرید و تخفیفات

۱۲- رسیدگی به اضافات طی سال مندرج در جدول اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، به احتمال زیاد شواهدی را درباره کدام ادعای مدیریت بدست می‌دهد؟

الف) کامل بودن　　ب) وجود یا رخداد

ج) نحوه ارائه و افشا　　د) ارزشیابی و تخصیص

۱۳- حسابرس درباره کدام مورد زیر به احتمال بسیار زیاد از مدیرکارخانه پرس وجو می‌کند؟

الف) کفایت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول

ب) مناسب بودن روش‌های شمارش موجودی‌ها

ج) وجود ماشین‌آلات از رده خارج/ فرسوده

د) تأخیر در تأمین پوشش بیمه‌ای در برخی موارد ضروری

۱۴- بررسی هزینه استهلاک داراییهای نامشهود، محاسبه دوباره و تعیین منطقی بودن دوره استهلاک، شواهد پشتوانه کدام ادعای مدیریت را فراهم می‌کند؟

الف) ارزشیابی یا تخصیص　　ب) کامل بودن

ج) وجود یا رخداد　　د) حقوق مالکانه و تعهدات

۱۵- کدام ترکیب از روش‌های زیر را حسابرس به احتمال زیاد برای کسب شواهد حسابرس درباره اضافات دارایی ثابت اجرا می‌کند؟

الف) بازرسی مدارک و مشاهده عینی داراییها.

ب) کنترل محاسبات و دریافت تأییدیه مدیران

ج) اثبات مالکیت و تأیید معاملات با پرس و جو از کارکنان

د) مشاهده فعالیتهای عملیاتی شرکت و مقایسه مانده داراییهای ثابت سال جاری با مانده پایان دوره پیش.

۱۶- بررسی وضعیت داراییهای بلا استفاده، شواهد مربوط به کدام یک از ادعاهای مدیریت را فراهم می کند؟

الف) کامل بودن ب) ارزشیابی

ج) نحوه ارائه و افشا د) وجود و مالکیت

۱۷- بررسی کدام یک از موارد زیر، به حسابرس در کشف داراییهای برکنار شده ولی از دفاتر حذف نشده، کمک می کند؟

الف) بررسی نحوه محاسبات استهلاک انباشته

ب) بررسی مدارک پشتوانه داراییهای ثابت

ج) بررسی هرگونه کاهش پوشش بیمه‌ای

د) اثبات مالکیت داراییها

۱۸- تجزیه و تحلیل هزینه نگهداری و تعمیر داراییهای ثابت، شواهد مربوط به کدام یک از ادعاهای مدیریت را فراهم می کند؟

الف) کامل بودن ب) وجود و مالکیت

ج) نحوه ارائه و افشاء د) ارزشیابی

۱۹- ردیابی اقلام منعکس درمعین داراییها به عین آنها و ردیابی عین داراییها به معین آنها، به ترتیب اثبات کننده کدام ادعای مدیر می‌باشند؟

الف) کامل بودن- وجود ب) وجود- کامل بودن

ج) کامل بودن- ارزشیابی د) ارزشیابی – کامل بودن

۲۰- روش‌های مورد استفاده حسابرس برای حسابرسی حسابهای پرداختنی، به احتمال زیاد، به کدام ادعای مدیریت تأکید دارد؟

الف) وجود یا رخداد
ب) کامل بودن
ج) نحوه ارائه و افشا
د) ارزشیابی یا تخصیص

۲۱- کدام روش زیر را حسابرس، به احتمال زیاد برای کشف بدهی‌های ثبت نشده بکار می‌گیرد؟

الف) ردیابی تعدادی از اقلام حسابهای پرداختنی ثبت شده پیش از پایان سال به پرونده گزارش‌های دریافت کالا

ب) مقایسه نمونه‌ای از سفارشات خرید بعد از پایان سال با صورت ریزحسابهای پرداختنی طبق تراز آزمایشی پایان سال.

ج) سندرسی نمونه‌ای از پرداخت‌های نقدی ثبت شده پس از پایان سال با گزارشهای دریافت و فاکتورهای خرید.

د) بررسی پرداختهای نقدی ثبت شده پیش از پایان سال برای کشف معاملات غیر عادی

۲۲- به کدام دلیل زیر، درخواست تأییدیه از بستانکاران در تاریخ ترازنامه ممکن است ضروری نباشد؟

الف) این عمل تکرار آزمون‌های انقطاع زمانی است.

ب) مانده حسابهای پرداختنی در تاریخ ترازنامه ممکن است پیش از تکمیل حسابرس پرداخت نشده باشد.

ج) مکاتبه با وکیل حقوقی صاحبکار، همه دعاوی تأمین‌کنندگان مواد و کالا را به دلیل عدم تأییدیه آشکار خواهد کرد.

د) شواهد خارجی قابل اطمینان دیگری برای اثبات مانده‌ها ممکن است وجود داشته باشد.

۲۳- کدام جامعه زیر به احتمال زیاد برای درخواست تأییدیه به منظور کسب شواهد درباره ادعای کامل بودن حسابهای پرداختنی مناسب است؟

الف) تأمین کنندگان مواد و کالا که شرکت قبلاً با آنها معاملات تجاری انجام داده است.

ب) مبالغ ثبت شده در دفتر معین حسابهای پرداختنی

ج) ذینفع چک‌های صادر شده در یک ماهه اول سال بعد.

د) فاکتورهای بایگانی شده در پرونده فاکتورهای پرداخت نشده صاحبکار.

۲۴- کدام روش زیر به ندرت قبل از تاریخ ترازنامه اجرا می‌شود؟

الف) نظارت برشمارش موجودی‌ها ب) جستجو برای بدهی‌های ثبت نشده

ج) درخواست تأییدیه حسابهای دریافتنی د) آزمون کنترل داخلی وجوه نقد.

۲۵- جستجو برای کشف بدهی‌های ثبت نشده، برای کسب شواهد نسبت به کدام ادعای مدیریت می‌باشد؟

الف) وجود یا رخداد ب) نحوه ارائه و افشاء

ج)کامل بودن د) ارزشیابی

۲۶- اجرای آزمون انقطاع زمانی بدهی‌ها، مستلزم مطابقت کدام یک از مدارک زیر با همدیگر می‌باشد؟

الف) سفارش خرید- مدارک عمل ب) فاکتور خرید- گزارش دریافت کالا

ج) فاکتور خرید- سفارش خرید د) مدارک حمل- گزارش دریافت کالا

۲۷- جستجو برای کشف بدهی‌های ثبت نشده، در چه تاریخی از حسابرسی می‌بایست اجرا شود؟

الف) درطول مدت حسابرسی ب) در تاریخ ترازنامه

ج) بعد از تاریخ ترازنامه د) قبل از تاریخ ترازنامه

پرسش‌های تحلیلی

۱- مؤسسه حسابرسی عادل، برای حسابرسی صورتهای مالی شرکت عشایر دعوت به کار کرده است. حسابرسان در فرایند رسیدگی به موجودی‌های مواد و کالا متوجه شده‌اند که موجودی‌های آخر سال شامل الف) مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال کالای ساخته شده در انبار عمومی است که وثیقه وام دریافتی از بانک قرار دارد و ب) مبلغ ۱۴۰۰۰۰۰۰ ریال کالای ساخته شده می‌باشد که جهت فروش برای حق‌العمل کار ارسال شده است. مطلوبست: بیان روش‌های حسابرسی که اجرای آنها سبب اطمینان از صحت اقلام فوق می گردد.

۲- یکی از مشکلات حسابرسان در اثبات موجودی‌های مواد و کالا، احتمال منظور شدن اقلام کم گردش و ناباب در موجودیهای به تاریخ ترازنامه است. در صورت شناسایی این گونه اقلام، ارزش آنها باید به ارزش برآوردی قراضه آنها یا هر ارزش قابل بازیافت دیگر، کاهش یابد. مطلوبست: تهیه فهرستی از روشهای حسابرسی که حسابرسان باید بکار گیرند تا مطمئن شوند که اقلام کم گردش یا ناباب، جزء موجودی‌های مواد و کالا منظور نشده است.

۳- نظارت برشمارش موجودی‌های مواد و کالای صاحبکار، در صورت با اهمیت بودن و در مواردی که عملی و ممکن باشد. یکی از روش‌های اجباری حسابرس است.

الف) هدف حسابرسان از نظارت بر شمارش موجودی‌ها توسط صاحبکار کدام است؟

ب) حسابرسان برای چه منظوری شمارش آزمایش موجودی‌ها را حین شمارش موجودی‌ها توسط صاحبکار انجام می‌دهند؟

پ) در چه شرایطی نظارت بر شمارش موجودی‌ها، عملی یا ممکن نیست؟

ت) چرا نظارت بر شمارش موجودی‌های مواد و کالا، یک روش اجباری حسابرسی است؟

۴- آقای ساحلی شریک مسئول حسابرسی شرکت سازمان، یک شرکت عمده فروش است که صاحب انباری می‌باشد که ۸۰ درصد موجودی‌هایش در آن نگهداری می‌شود. آقای ساحلی مشغول بررسی کاربرگهایی است که پشتوانه اظهارنظر مؤسسه نسبت به صورتهای مالی شرکت سامان می‌باشد و مایل است اطمینان یابد که مدارک اساسی حسابرسی، به خوبی مستند شده است. آقای ساحلی چه آزمون‌های محتوایی را در مورد ادعای مدیریت مبنی بر کامل بودن مقادیر موجودی‌های پایان سال باید در کار برگها بیابد؟

۵- با توجه به هریک از موارد زیر بصورت جداگانه، تأثیر آنها بر گزارش حسابرسان چه خواهد بود؟ بحث کنید.

الف) عدم نظارت بر شمارش موجودی‌های نزد انبارهای عمومی که مبلغ آن با اهمیت می‌باشد.

ب) عدم نظارت بر شمارش موجودی‌های اول دوره که حسابرس از طریق دیگری نتوانسته خود را قانع کند.

پ) عدم نظارت بر شمارش موجودی‌های آخر دوره که حسابرس از طریق دیگری نتوانسته خود را قانع کند.

ت) عدم نظارت بر شمارش موجودی‌های امانی دیگران نزد شرکت که حسابرس از طریق دیگری نیز رسیدگی انجام ندهد.

۶- هدف از وجوه هر یک از روشهای زیر را در سیستم کنترلهای داخلی بیان کرده و تشریح کنید که روشهای مزبور چگونه باعث تقویت کنترلهای داخلی می‌شوند؟

الف) پیش‌بینی هزینه‌های سرمایه‌ای در مورد خرید اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

ب) نگهداری دفتر ثبت مشخصات برای اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

۷- آقای اکبری، بررسی صورتهای مالی سال ۱۳۸۷ شرکت پیمانکاری آرمان را قبول کرده است. صورتهای مالی شرکت، شامل مبلغ قابل توجهی تجهیزات پیمانکاری قابل

نقل و انتقال (متحرک) است. این تجهیزات به تفکیک در دفتر معین آورده شده‌اند. آقای اکبری رویه‌ها و روش‌های کنترل داخلی شرکت را بررسی و ارزیابی نمود و آنها را رضایت‌بخش توصیف کرد. مطلوبست: آقای اکبری در رسیدگی به تجهیزات پیمانکاری متحرک و استهلاک آنها باید چه روش‌های حسابرسی محتوایی را اجرا کند؟

۸- در حین حسابرسی صورتهای مالی شرکت سمند، مدیر اجرایی شرکت صاحبکار به حسابرس اطلاع می‌دهد که برای برکناری ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت از هیچ روش مدونی استفاده نمی‌شود. اخیراً موجودی ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت شمارش شده است. این شمارش مشخص کرده است که حدود ۲۵درصد ماشین‌آلات، در دسترس نیست و احتمالاً کنار گذارده شده است. دفاتر و مدارک حسابداری شرکت به گونه‌ای اصلاح شده است که با شمارش عینی ماشین‌آلات و تجهیزات مطابقت داشته باشد. مطلوبست: طراحی سیستم کنترل داخلی حاکم بر ماشین‌آلات و تجهیزات به گونه‌ای که مواردی همچون موارد فوق رخ ندهد.

۹- هدف از اجرای هر یک از آزمون‌های محتوای زیر را توضیح دهید؟

الف) تجزیه و تحلیل هزینه تعمیر و نگهداری داراییهای ثابت

ب) تجزیه و تحلیل ذخیره استهلاک

پ) تجزیه و تحلیل قرار دادهای اجاره بلندمدت داراییهای ثابت

ت) رسیدگی به داراییهای به کنار شده

ث) بررسی سیستم صدور مجوز برای اضافات داراییهای ثابت

۱۰- حسابرسان برای تشخیص وجود عینی داراییهای جاری، مانند وجوه نقد، اوراق بهادار و موجودی‌ها، بیشتر بر مشاهده، بازرسی و دریافت تأییدیه تکیه می‌کنند. آیا حسابرسان برای تشخیص وجود داراییهای ثابت ثبت شده نیز باید برخوردی مشابه داشته باشند؟ بطور کامل توضیح دهید.

۱۱- حسابرسان بیشتر ترجیح می‌دهند تا جایی که امکان دارد، رسیدگی به صورتهای مالی شرکت صاحبکار را پیش از تاریخ ترازنامه انجام دهند. ولی رسیدگی به حسابهای پرداختنی، موردی است که عموماً برای بعد از تاریخ ترازنامه، برنامه‌ریزی می‌شود. چه عواملی را می‌توان بر شمرد که سبب می‌شود رسیدگی به حسابهای پرداختنی در پیش از تاریخ ترازنامه، نامناسب گردد؟

۱۲- حسابرسان ضمن بازبینی تک تک فاکتورهای مربوط به حسابهای پرداختنی در تاریخ ترازنانه تعدادی گزارش دریافت کالا را یافتند که نشان می‌داد کالاهای مربوط به چند فقره از این فاکتورها، تا مدت‌ها پس از تاریخ ترازنامه دریافت نشده است. واکنش حسابرسان در این زمینه چه خواهد بود؟

۱۳- آقای موحدی، در حال حسابرسی شرکت عمده فروشی شاهرود، برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۸۷ می‌باشد. آقای رجبی روش‌ها و رویه‌های کنترل داخلی مربوط به خریدها، دریافت‌ها، و حسابهای پرداختنی تجاری را مورد بررسی قرار داد و تصمیم گرفت که آزمون کنترلها را انجام ندهد. با اجرای روش‌های تحلیلی، آقای موحدی به کمتر از واقع نشان دادن حسابهای پرداختنی مشکوک شده است. بنابراین جدول ریزحسابهای پرداختنی تجاری صاحبکار را دریافت نمود. مطلوبست: شما چه روش‌های حسابرسی محتوایی دیگری را در رسیدگی به حسابهای پرداختنی پیشنهاد می‌کنید؟

۱۴- آقای مهدوی، صورتهای مالی شرکت پیمانکار صبا را حسابرسی می‌کند. او در حال اجرای روش‌های حسابرسی نهایی برای حسابهای پرداختنی تجاری می‌باشد و خطر کنترل حسابهای پرداختنی را در سطح حداکثر برآورد کرده است. او صورت ریزحسابهای پرداختنی و دفتر معین آنها را درخواست کرده است.

مطلوبست: روشهای حسابرسی نهایی که آقای مهدوی برای اثبات مانده‌های حسابهای پرداختنی باید بکار گیرد را توضیح دهید.

فصل ششم:

حسابرسی چرخه تأمین مالی و سرمایه‌گذاری

مقدمه

چرخه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، شامل معاملات استقراضی و سرمایه‌گذاری، هزینه و درآمد بهره، سود سهام، اسناد پرداختنی، اوراق قرضه پرداختنی، سهام سرمایه و سود انباشته می‌باشد. بسیاری از شرکت‌ها وجوه مازاد خود را برای کسب درآمد بیشتر در اوراق بهاردار سرمایه‌گذاری می‌کنند که نیازمند بررسی آنها از طرف حسابرس از جنبه‌های طبقه‌بندی آنها، ارزشیابی و اندازه‌گیری درآمد آنها و افشاء آنها در صورتهای مالی می‌باشد. در مقابل شرکت‌ها ممکن است به دلیل نیاز به منابع مالی جدید اقدام به تأمین مالی از افراد خارج از شرکت نموده، خدمات دریافت کرده و یا اقدام به اخذ وام

و انتشار اوراق قرضه نمایند که نیازمند بررسی آنها توسط حسابرس از بابت هزینه بهره و نحوه اجرای مفاد قراردادهای طرفین می‌باشد که ممکن است در ادامه و تداوم فعالیت شرکت مورد رسیدگی، تردید مهمی ایجاد نماید، رسیدگی به حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها بستگی به نوع شرکت مورد رسیدگی دارد. در شرکت‌های سهامی عام به دلیل تعدد معاملات، رسیدگی نسبت به شرکت‌های سهامی خاص، پیچیدگی بیشتری دارد که نیازمند توجه حسابرسان نسبت به حسابهای سهام سرمایه، صرف سهام، سود انباشته و سود آنها می‌باشد. در این فصل به ترتیب، حسابرس سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، بدهی‌های بلندمدت و حقوق صاحبان سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری نوعی دارایی است که واحد سرمایه‌گذار برای افزایش منافع اقتصادی از طریق توزیع منافع (به شکل سود سهام، سود تضمین شده و اجاره)، افزایش ارزش یا سایر مزایا نگهداری می‌کند. سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار، نوعی سرمایه‌گذاری است که برای آن بازار فعالی که آزاد و در دسترس است وجود دارد به طوری که از طریق آن بتوان به ارزش بازار یا شاخصی قابل اتکا که محاسبه ارزش بازار را امکان‌پذیر سازد، دست یافت. تعریف سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار، دربرگیرنده دو شرط اصلی است. اول وجود بازاری فعال که آزاد و قابل دسترس باشد و دوم اینکه قیمت‌های معاملاتی در چنین بازاری معلوم باشد و علنی اعلام شود. بعلاوه قیمت اعلام شده باید به گونه‌ای قابل اتکا بیانگر قیمتی باشد که بتوان بر اساس آن معامله کرد. از جمله دلایل مهم سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، استفاده از وجوه مازاد برای سرمایه‌گذاری موقت و افزایش درآمدها به شکل سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌باشد.

بسیاری از شرکت‌ها به دلایل گوناگون در اوراق بهادار سایر شرکت‌ها و مؤسسات دولتی سرمایه‌گذاری و این سرمایه‌گذاری را در صورتهای مالی خود به عنوان دارایی

گزارش می‌کنند. سرمایه‌گذاری به عنوان ابزاری برای ایجاد تنوع در محصولات و خدمات و اعمال نفوذ مؤثر توسط واحد سرمایه‌گذار، نیز تلقی می‌شود. مدیریت ممکن است سرمایه‌گذاری در سهام و اوراق بهادار را با قصد نگهداری سرمایه‌گذاری برای کوتاه‌مدت یا بلندمدت انجام دهد.

دلایل سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار

الف) سرمایه‌گذاری موقت وجوه نقد مازاد (بلااستفاده): شرکت‌ها اغلب وجوه نقد مازاد دارند که هر چند ممکن است در زمان حاضر به آن نیاز نداشته باشند اما این وجوه نقد مازاد، در آینده نزدیک مورد نیاز خواهد بود. در این گونه موارد به جای این که وجوه نقد در حسابی عاطل نگهداری شود، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند این وجوه را در جاهایی به شکل کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری کنند که همراه با بازدهی باشد.

ب) سرمایه‌گذاری بلندمدت به منظور افزایش درآمد: دلیل دیگر که شرکت‌ها در اوراق بهادار یکدیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند، خصوصاً در اوراق بهاداری که بیانگر حق مالکیت است، ایجاد روابط و مناسبات تجاری بین شرکت‌هاست که این امر به طور مستقیم و غیرمستقیم توان سودآوری شرکت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکتها در ترازنامه تحت عنوان سرمایه‌گذاری‌ها، گزارش و از طریق یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی اطلاعات بیشتری در مورد آن افشا می‌شود.

موضوعات اساسی در حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها

در حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها سه موضوع مهم و اساسی به شرح زیر مطرح می‌گردد:

الف) طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها

ب) ارزشیابی و اندازه‌گیری درآمد سرمایه‌گذاری

ج) افشاء سرمایه گذاری‌ها.

الف) طبقه‌بندی سرمایه گذاری‌ها

سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار در تاریخ تحصیل باید در یکی از گروههای زیر طبقه‌بندی شود:

۱- **اوراق بهادار قابل داد و ستد:** اوراق بهاداری که به منظور برخورداری از تغییر قیمت‌ها در کوتاه‌مدت، به دفعات خرید و فروش می‌شوند.

۲- **اوراق بهادار آماده برای فروش.** اوراق بهاداری که تا سررسید نگهداری نمی‌شود و به عنوان اوراق بهادار قابل داد و ستد طبقه‌بندی نمی‌گردد.

۳- **اوراق بهاداری که تا سررسید نگهداری می‌شود.** اوراق بهاداری که سرمایه‌گذار تصمیم دارد آن را تا سررسید نگهداری کند و معمولاً فروش چنین سرمایه‌گذاری‌هایی تا قبل از تاریخ سررسید آنها به ندرت اتفاق می‌افتد.

ب) ارزشیابی و اندازه‌گیری درآمد سرمایه‌گذاری

اوراق بهادار در تاریخ تحصیل به بهای تمام شده ثبت می‌گردد و درآمد حاصل از آن نظیر سود سهام، سود تضمین شده و سود یا زیان تحقق‌یافته فروش اوراق بهادار در صورت سود و زیان منظور می‌شود. ولی ارزشیابی اوراق بهادار برای انعکاس در ترازنامه و گزارش سود یا زیان‌های تحقق‌نیافته ناشی از نگهداشت اوراق بهادار به شرح زیر خواهد بود:

۱) **اوراق بهادار قابل داد و ستد.** سرمایه‌گذاری در این اوراق بهادار به ارزش متعارف در تاریخ ترازنامه گزارش و هرگونه سود و زیان تحقق‌نیافته ناشی از نگهداشت آن در سود و زیان دوره جاری منظور می‌گردد.

۲) **اوراق بهادار آماده برای فروش.** سرمایه‌گذاری در این اوراق بهادار به ارزش متعارف در تاریخ ترازنامه گزارش و هر گونه سود و زیان تحقق‌نیافته ناشی از نگهداشت آن به عنوان یکی از اجزای حقوق صاحبان سهام در ترازنامه گزارش می‌گردد.

۳) **اوراق بهاداری که تا سررسید نگهداری می‌شود.** این اوراق بهادار به ارزش دفتری (مبلغ اسمی اوراق بهادار بعلاوه هر گونه مانده صرف و یا منهای هر گونه مانده تخفیف) در تاریخ ترازنامه گزارش می‌گردند و هیچ گونه سود و زیان تحقق نیافته‌ای از بابت آن شناسایی نمی‌شود.

به طور کلی وضعیت مربوطی که بکارگیری روش‌های مختلف حسابداری را برای سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها توجیه می‌کند، **میزان نفوذ** شرکت سرمایه‌گذار بر شرکت سرمایه‌پذیر است. اگر چه برای تعیین میزان نفوذ می‌توان ضوابط مختلفی را نظیر درصد تملک سهام عادی با حق رأی، داشتن کنترل در هیأت مدیره و کنترل عملیات یا مدیریت را مدنظر قرار داد اما هیأتهای تدوین استاندارد غالباً تنها بر یک ضابطه کمی، یعنی درصد تملک سهام تأکید کرده‌اند. این ضابطه را اصطلاحاً می‌توان **سطح کنترل** نامید. برای گزارش سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها، سه طریقه وجوه دارد:

۱) تملک اکثریت سهام (بیش از ۵۰٪): تهیه صورتهای مالی تلفیقی با فرض اینکه دو یا چند شخصیت حقوقی مجزا به عنوان یک شخصیت حسابداری تلقی شوند.

۲) نفوذ با اهمیت اما عدم کنترل مؤثر (بین ۲۰٪ و ۵۰٪): بکارگیری روش ارزش ویژه بدون تهیه صورتهای مالی تلفیقی (روش تلفیق یک سطری).

۳) نبود نفوذ با اهمیت (کمتر از ۲۰٪ سهام): بکارگیری رویکرد ارزش متعارف یا بهای تمام شده

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر اوراق بهادار

برای اینکه سهام، اوراق قرضه و سایر اوراق بهادار اغلب قابل انتقال می‌باشند، مسئله حفاظت و نگهداری آنها مانند حفاظت فیزیکی وجوه نقد و اسناد دریافتنی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و به خاطر ماهیت سیال آنها و برای جلوگیری از هر گونه جایگزینی‌های غیرمجاز، بهتر است حسابرسان آن را هم زمان با حسابرسی وجه نقد و اسناد دریافتنی، رسیدگی نمایند.

عوامل مهم در یک سیستم کنترل داخلی مناسب در مورد سرمایه‌گذاری شامل موارد زیر می‌باشد:

۱) تفکیک وظایف تصویب، ثبت حسابداری و حفاظت اوراق بهادار. معمولاً برای حفاظت اوراق بهادار از بانک یا صندوق امانات استفاده می‌شود که تحت کنترل مشترک دو یا چند نفر از مسئولین شرکت می‌باشند. حساب بانک یا صندوق امانات نیز می‌بایست به نام شرکت باشد.

۲) ثبت و نگهداری کلیه سوابق مربوط به اوراق بهادار و درآمد ناشی از بهره و سود سهام. منظور از سوابق اوراق بهادار اطلاعاتی در زمینه نام صادرکننده اوراق بهادار، مبلغ اسمی، شماره سریال، تعداد، تاریخ خرید، نام کارگزار، بهای تمام شده، بهره یا سود سهام است.

۳) برقراری روشی که هر گونه خرید و فروش اوراق بهادار مستلزم دریافت مجوز از هیات مدیره باشد. البته سیستم کسب مجوز نباید غیرقابل تغییر یا دست و پاگیر باشد به طوری که مانع تصمیم گیری فوری در مواقع ضروری گردد. بطوری که تفویض اختیار خرید و فروش اوراق بهادار به مدیری که مسئولیت مالی دارد با توجه به بررسی‌های مکرر عملکرد وی به توسط کمیته مدیریت یا هیأت مدیره باعث تسهیل عملیات مربوط به سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار می‌شود.

۴) برقراری روشی که تمامی اوراق بهادار به نام واحد تجاری خریداری و ثبت گردد. اعمال این روش احتمال انتقال فریب آمیز و متقلبانه یا استفاده غیرمجاز و هر گونه سوء استفاده را کاهش می‌دهد.

۵) شمارش اوراق بهادار در فواصل زمانی معین به وسیله یکی از مسئولین شرکت یا حسابرس داخلی که مسئولیتی در نگهداری و یا ثبت دفاتر نداشته باشد. هدف از این رویه مطابقت شماره سریال و دیگر مشخصات اوراق بهادار با مدارک حسابداری و همچنین مطابقت حسابهای معین اوراق بهادار با دفاتر کل آنها می باشد.

ریسک تقلب در اوراق بهادار

اوراق بهادار نیز که از نقدینگی بالایی برخوردار می‌باشند، در معرض سوء استفاده و خطر زیادی هستند. با توجه به اینکه اکثر معاملات حقوق صاحبان سهام به مصوبه هیأت مدیره نیاز دارند، حسابرس باید در مورد مجوز معاملاتی مانند بازخرید یا ابطال سهام[۱]، سود سهام، اختیار خرید سهام، صورتجلسات هیأت مدیره را رسیدگی نماید. حسابرس برای اینکه متقاعد شود برای انجام معاملات بطور صحیح مجوز صادر شده است، باید آنها را با رسیدگی به اسناد زیربنایی، (ثبت‌های دریافت وجوه نقد و رسید ارسال وجوه نقد به بانک، صدور سهام، استفاده از اختیار سهام، فروش سهام خزانه، سوابق پرداخت وجوه نقد و چک‌های پرداخت شده برای بازخرید سهام و سود سهام) سندرسی نمایند. **عدم تقارن اطلاعاتی**[۲]، زمینه‌ساز سوء استفاده، بروز تقلب و به عبارت دیگر رواج شیوه‌های غیراخلاقی در بازار مالی می‌شود. از جمله تقلبات و تخلفات رایج در بازار سرمایه به شرح زیر می‌باشند:

---

۱) Stock Reacquisition or Retirement
۲) Asymmertries of information

۱- عدم ارائه اطلاعات و سوء استفاده از اطلاعات محرمانه توسط مدیران شرکت. یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، صورتهای مالی شرکت و سایر اطلاعاتی است که از جانب شرکت منتشر می‌شود. ممکن است وقایعی در شرکت رخ دهد که تأثیر قابل توجهی بر وضعیت مالی و نتایج عملیات شرکت داشته باشد. اولین افرادی که از این وقایع مطلع می‌شوند دست اندرکاران و مدیران شرکت‌اند. آنان با تحلیل پیامدهای وقایع، سهام را ارزیابی و قبل از دیگران اقدام به خرید و فروش سهام شرکت می‌کنند و از این طریق، سودهای کلانی به دست می‌آورند.

۲- ارائه اطلاعات نادرست توسط شرکتها. بعضی از مدیران شرکت‌ها سعی دارند نتیجه اقدامات خود را بهتر از آنچه هست جلوه دهند. در بعضی از شرکت‌ها پاداش مدیران تابعی از افزایش قیمت سهام شرکت است. بنابراین آنان کوشش خوهند کرد که سود شرکت را بالاتر نشان دهند. انتشار اخبار مربوط به افزایش سود باعث می‌شود که قیمت سهام افزایش باید. اگر بعد از انتشار اخبار، مشخص شود که سود واقعی شرکت افزایش نیافته، قیمت سهام کاهش می‌یابد و عده ای که بر اساس اخبار مساعد سهامی را خریده‌اند زیان خواهند کرد.

۳- معاملات صوری. در این روش یک نفر به تنهایی یا به کمک فرد دیگری اقدام به خرید و فروش همزمان سهام می‌کند. اگر چه ظاهراً معامله‌ای انجام شده، ولی تغییر مالکیت واقعی صورت نپذیرفته است. هدف از این گونه معاملات، ایجاد قیمت مصنوعی و غیرواقعی برای سهام، به منظور کسب سود یا نشان دادن زیان مصنوعی، برای اهداف مالیاتی است. البته اگر چنین معامله‌ای از جانب دو نفر انجام شود اثبات صوری بودن معامله بسیار مشکل است.

۴- انتشار اخبار کذب. در بازار سهام، تغییر قیمت سهام به میزان زیادی به انتشار اخبار و گزارش‌هایی درباره وضعیت شرکت بستگی دارد. بنابراین، یکی از روش‌های سوء استفاده، انتشار اخبار کذب در بازار، با هدف پایین آوردن قیمت و خرید سهام به

قیمت‌های پایین و سپس انتشار اخبار مساعد در بازار، با هدف افزایش قیمت سهام و فروش سهام به قیمت‌های بالاتر است. این روشها معمولاً از سوی مدیران ارشد شرکت‌ها به کار گرفته می‌شود.

گزارشات نادرست سرمایه گذاری‌های مالی

شرح گزارش نادرست	مثال	ضعف کنترل داخلی یا عواملی که ریسک گزارش نادرست را افزایش می‌دهد.
ارائه نادرست ارزش ثبت شده سرمایه‌گذاری‌ها	**اشتباه** - کوتاهی در ثبت تغییرات در ارزش‌های بازار سرمایه گذاری‌ها **تقلب** - ارائه نادرست ارزش سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت - ثبت اوراق بهادار ساختگی	- سیستم حسابداری نامناسب و پرسنل حسابداری نالایق - هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و یا کنترلهای داخلی ناکارآمد، نامناسب بودن اخلاق حرفه‌ای و اصرار بیش از حد برای دستیابی به اهداف
معاملات سرمایه‌گذاری تصویب نشده	**تقلب** - یک کارمند با دسترسی به اوراق بهادار، آنها را برای استفاده شخصی تبدیل می‌کند.	- تفکیک نامناسب وظایف دفترداری و سرپرستی و حفاظت اوراق بهادار
ثبت ناقص سرمایه گذاری‌ها	**اشتباه** - کوتاهی در ثبت توافقات و قراردادهایی که ریشه در سایر توافقات و قراردادها دارند.	- سیستم حسابداری نامناسب و پرسنل حسابداری نالایق - نظارت نامناسب توسط حسابرسان داخلی

۲-آزمون کنترلهای اوراق بهادار

- مشاهده اوراق بهادار در خصوص با نام بودن اوراق بهادار.
- مطابقت حسابهای معین اوراق بهادار با دفاتر کل مربوطه.
- مطابقت شماره سریال اوراق بهادار با گزارش های قبلی از اوراق بهادار
- بررسی نمونه ای معاملات و مدارک اولیه معاملات اوراق بهادار برای اطمینان از وجود مدارک مثبته کافی.
- بررسی گزارش بازرسیهای متناوب از اوراق بهادار و مطابقت مدارک اوراق بهادار با آن.
- بررسی صورت ریز اوراق بهادار درصورت وجود و کنترل جمع افقی و عمودی آن.
- بررسی سیستم حسابداری صاحبکار برای ثبت تغییرات در ارزشهای بازار سرمایه گذاریها.
- مطابقت اوراق بهادار موجود در بعد ازتاریخ ترازنامه با مانده حساب دفتر کل که هر گونه اوراق بهاداری که فروخته شده ولی در دفاتر ثبت نشده است را آشکار می سازد.
- بررسی میزان درصد مالکیت سهام درشرکتهای فرعی و نحوه اعمال آن در دفاتر حسابداری.

۳- آزمون‌های محتوا

الف) آزمون کلیات اوراق بهادار

روش‌های تحلیلی[1] (برای تایید اعتبار و کامل بودن). برای سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، بیشتر شامل مقایسه بهره و سود سهام با اقلام مشابه سال قبل می‌باشد. هر گونه تفاوتی که

---

1) Analytical Procedures

ناشی از افزایش، کاهش و یا تغییرات در سبد سرمایه‌گذاری‌ها نمی‌باشند، می‌بایست برای یافتن اشتباهات احتمالی پی‌جویی شوند. این مقایسه را می‌توان به شکل نسبت مالی نیز بیان نمود:

$$\frac{\text{سود سهام}}{\text{سهام سرمایه}} \quad ، \quad \frac{\text{درآمد بهره}}{\text{اوراق بهادار}} \quad ، \quad \frac{\text{استهلاک صرف یا کسر}}{\text{اوراق بهادار بلند مدت}}$$

محاسبه جداگانه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها بوسیله حسابرس می‌تواند مغایرت بین سود سهام اعلام شده، سود پرداخت شده و سود دریافتی به وسیله صاحبکار را آشکار سازد. با توجه به اطلاعاتی که می‌توان از بورس اوراق بهادار یا سایر مؤسسات نسبت به سود سهام پیشنهادی و تاریخ پرداخت آنها بدست آورد، حسابرس می‌تواند سود سهام دریافتنی را تعیین و با توجه به نرخ بهره و تاریخ پرداخت آن که در اوراق بهادار درج می‌گردد، بهره قابل دریافت از سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه را محاسبه نماید. به این ترتیب درآمد اوراق بهادار به شکل سود سهام و بهره برای سال مورد رسیدگی محاسبه و حاصل آن با مانده حسابهای سود سهام و درآمد بهره منعکس در دفتر کل مقایسه می‌گردد. اشتباهاتی که معمولاً در محاسبه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار صورت می‌گیرد عبارتند از:

- ثبت بهره تحقق‌یافته خریداری شده به حساب سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه در هنگام خرید و ثبت کل بهره دریافتی به بستانکار حساب درآمد بهره هنگام وصول بهره.
- ثبت سود سهام دریافتی بابت بازیافت قسمتی از سرمایه‌گذاری در حساب درآمد سود سهام.

- ثبت کلیه سود سهام دریافتی که معرف برگشت قسمتی از سرمایه‌گذاری است درحساب درآمد، در حالی که می‌بایست به عنوان کاهش سرمایه‌گذاری ثبت گردد.
- اشتباه در محاسبه بهره تحقق یافته اوراق قرضه در تاریخ ترازنامه

اشتباهات فوق سبب ارائه نادرست بهای تمام شده سرمایه گذاری‌ها و در نتیجه محاسبه نادرست درآمد سرمایه‌گذاری می‌شوند.

ب) آزمون جزئیات اوراق بهادار

صورت ریزحساب اوراق بهادار بیانگر تمامی تغییرات حساب اوراق بهادار در طی دوره مورد رسیدگی می‌باشد که حسابرس در ابتدای حسابرسی از صاحبکار دریافت می‌کند. برای اطمینان از صحت صورت زیر، حسابرس جمع عمودی و افقی ستون‌های بهای تمام شده مربوط به مانده اول دوره، خرید و فروش و مانده آخر دوره را کنترل می‌کند. برای اثبات صحت مانده اول دوره آن را با مانده آخر دوره سال قبل که در کاربرگ حسابرسی دوره قبل منعکس می‌باشد، مقایسه می‌کنند. خرید و فروش اوراق بهادار نیز از طریق رسیدگی به صورتحساب کارگزار و مجوز هیأت مدیره اثبات می‌گردد. جمع عمودی ستون بهای تمام شده اوراق بهادار در پایان سال می‌بایست با اقلام منعکس در کاربرگ تراز آزمایشی و حساب دفترکل مطابقت داده شود.

بازرسی اوراق بهادار. (برای تایید اعتبار) بازرسی یا شمارش اوراق بهادار معمولاً در تاریخ ترازنامه یا تاریخی نزدیک به آن صورت می‌گیرد. برای این منظور می‌بایست وجوه نقد در دسترس و موجود در شرکت تحت کنترل قرار گیرد و بطور همزمان مورد بازرسی و شمارش قرار گیرند تا از جایگزینی وجوه نقد و ارواق بهادار، برای مخفی کردن کسریهای احتمالی جلوگیری شود. در بازرسی اوراق بهادار، شماره سریال اوراق بهادار برای مقایسه بعدی با سوابق سرمایه‌گذاری، یادداشت می‌گردد. اگر اوراق بهادار

اختلاس شده باشند، سوابق سرمایه‌گذاری دارای اوراقی خواهد بود که در سبد سرمایه‌گذاری صاحبکار وجود ندارند. یکی از روش‌های پنهان کردن این اختلاس، جایگزینی موقت اوراق مشابه به جای اوراق سرقت شده می‌باشد که با مقایسه شماره سریال‌های موجود در سوابق سرمایه‌گذاری صاحبکار با شماره‌هایی که حسابرس هنگام بازرسی اوراق بهادار یادداشت کرده است، این جایگزینی کشف می‌گردد. به طور کلی در بازرسی و شمارش اوراق بهادار، نکات زیر می‌بایست درکاربرگ شمارش درج گردد:

- شماره سریال اوراق بهادار
- نام صادرکننده
- مبلغ اسمی اوراق بهادار و تعداد سهامی که بوسیله هر گواهی سهام ارائه می‌شود.
- نام ذینفع که در اوراق بهادار ثبت می‌شود.
- نرخ و تاریخ پرداخت بهره یا سود سهام
- سررسید کوپن‌های آتی بهره اوراق بهادار

در صورتی که اوراق بهادار در صندوق امانات بانک نگهداری می‌شوند و حسابرس نتواند در تاریخ ترازنامه موجودی صندوق امانات را مورد بازرسی قرار دهد می‌تواند از صاحبکار بخواهد که به بانک دستور دهد که از تاریخ ترازنامه کسی حق دسترسی به صدوق امانات را بدون حضور حسابرس ندارد. بدین شکل امکان بازرسی و شمارش اوراق بهادار در تاریخی غیر از تاریخ ترازنامه برای حسابرس فراهم می‌گردد.

دریافت تأییدیه اوراق بهادار. (برای تایید اعتبار) یک روش جایگزین برای رسیدگی به اوراق بهاداری که در داخل شرکت نگهداری نمی‌شوند، دریافت تأییدیه از نگهدارنده آنها می‌باشد. این اوراق بهادار ممکن است به دلایل مختلف مانند حفاظت، فروش، وثیقه تضمین قرارداد و یا بر اساس حکم دادگاه در نزد افراد دیگری نگهداری

گردند. در این فرم تأییدیه اطلاعاتی راجع به نام صادرکننده، تعداد سهام یا ارزش اسمی آنها، نام ثبت شده مالک اوراق بهادار و شماره سریال اوراق بهادار و وثیقه بودن احتمالی آنها درخواست می‌گردد.

در صورتی که اوراق بهادار در دسترس نباشد، مبالغ عمده‌ای را به خود اختصاص داده باشند، حسابرس متوجه سوء جریان‌هایی شود و یا اوراق بهادار در اختیار افرادی که زیاد قابل اعتماد نیستند باشد می‌بایست رسیدگی دقیق‌تری صورت گیرد یعنی می‌توان روش‌های زیر را انجام داد:

- مشاهده عینی اوراق بهادار در نزد دارنده آنها
- تایید اسناد دریافتنی توسط صادرکننده آنها که شامل جرئیات اسناد، الزامات وثیقه گذاری و نکول اصل و فرع اسناد نیز باشد.

سندرسی[1] معاملات اوراق بهادار. (برای تایید اعتبار و ارزشیابی) حسابرس می‌بایست هر گونه خرید و فروش اوراق بهادار را به طور نمونه‌ای با مراجعه به اسناد زیربنایی آنها سندرسی نماید. برای کلیه خریدها و فروش‌ها می‌بایست مجوز کتبی از هیأت مدیره دریافت گردد، که می‌توان با پیگیری صورتجلسات هیأت مدیره یا کمیته سرمایه‌گذاری وجود مجوزها را اثبات کرد. از جمله شواهد زیربنایی در انجام سندرسی عبارتند از: **مجوز هیأت مدیره یا کمیته سرمایه‌گذار، صورتحساب کارگزار، رسید تحویل اوراق بهادار، رسید خرید و فروش با مدارک و مستندات و روزنامه دریافت‌ها و پرداختهای نقدی و همچنین سیاست‌های سرمایه‌گذاری.** مانده آخر دوره از طریق جمع جبری خریدها و فروش‌ها محاسبه شده و با مانده دفاتر کل و معین مطابقت داده می‌شوند. بهای تمام شده اوراق بهادار علاوه بر قیمت خرید، شامل کارمزد کارگزار، مالیات نقل و انتقال و سایر هزینه‌های مربوط به انتقال مالکیت است. فروش معمولاً به مبلغ خالص یعنی مبلغ فروش بعد از کسر هزینه‌های مربوط به فروش در دفاتر ثبت می‌گردد.

---

1) Vouching

همچنین حسابرس می‌بایست برگه‌های شمارش اوراق بهادار را که در شمارش و بازرسی اوراق بهادار تهیه شده است و یا برگه‌های درخواست تأییدیه و دریافتی در صورت عدم شمارش، را به سوابق سرمایه‌گذاری ردیابی نماید. مقایسه شماره‌های سریال به حسابرس کمک می‌کند هرگونه جایگزینی غیرمجاز اوراق بهادار مشابه کشف گردد. **ردیابی** در جهت مخالف یعنی از سوابق سرمایه‌گذاری به برگه‌های شمارش، کسریهایی که بوسیله جایگزینی غیرمجاز و سایر موارد پنهان نشده‌اند را کشف می‌کند.

ارزشیابی (ارزش بازار) اوراق بهادار. (برای تایید اعتبار و ارزشیابی) در هنگام تحصیل، سرمایه‌گذاری به بهای تمام شده ثبت می‌گردد. بهای تمام شده یک سرمایه‌گذاری شامل بهای خرید و مخارج تحصیل آن نظیر کارمزد کارگزار، حق‌الزحمه‌ها و عوارض و مالیات را نیز در برمی‌گیرد. اگر سرمایه‌گذاری در مقابل ما به ازای غیرنقد تحصیل شود، بهای تمام شده آن معادل ارزش منصفانه دارایی یا اوراق بهاداری خواهد بود که به عنوان ما به ازاء واگذار شده است. در صورتی که سرمایه‌گذاری تحصیل شده در برگیرنده حداقل سود تضمین شده یا سود سهام تعلق گرفته و دریافت نشده باشد، بهای تمام شده سرمایه‌گذاری عبارت از بهای خرید بعد از کسر هر گونه سود تعلق گرفته و دریافت نشده خواهد بود. به عبارتی اگر اوراق قرضه به عنوان سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در فاصله بین تاریخ‌های پرداخت بهره خریداری شوند، بهره تحقق یافته این اوراق جزء بهای تمام شده آن محسوب نمی‌شود، در این صورت سرمایه‌گذار مبلغ پرداختی بابت بهره تحقق یافته را در حسابی به نام بهره دریافتنی منظور نموده و در اولین تاریخ دریافت بهره این حساب بسته خواهد شد.

براساس استانداردهای حسابداری سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله هرگاه به عنوان دارایی جاری نگهداری شود باید در ترازنامه به یکی از دو روش زیر منعکس گردد:

۱) روش ارزش بازار

۲) روش اقل قیمت تمام شده و خالص ارزش فروش

در روش ارزش بازار، سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در تاریخ ترازنامه می‌بایست به ارزش متعارف گزارش و تفاوت بین ارزش متعارف و ارزش ثبت شده سرمایه‌گذاری (ارزش دفتری سرمایه‌گذاری)، بیانگر سود و زیان تحقق‌نیافته ناشی از نگهداشت سرمایه‌گذاری می‌باشد. در روش اقل قیمت تمام شده و خالص ارزش فروش، بهای تمام شده سرمایه‌گذاری با ارزش بازار آنها بصورت مجموع (ارزش مجموعه) مقایسه می‌گردد و هر گونه کاهش ارزش بازار نسبت به بهای تمام شده سرمایه‌گذاری به بستانکار حساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه گذاری ثبت و هر گونه افزایش ارزش بازار در سالهای بعد به عنوان بازیافت زیان‌های سال‌های قبل در بدهکار حساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری ثبت می‌گردد.

برای ارزشیابی اوراق بهادار می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱) اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که در آنجا مورد معامله قرار می‌گیرند.

۲) اوراق بهاداری که در بورس اوراق بهادار مورد معامله قرار نمی‌گیرد و در بورس پذیرفته نیستند.

برای تعیین ارزش جاری اوراق بهاداری که در بورس پذیرفته شده می‌باشند، می‌توان قیمت فروش را از نشریات بورس اوراق بهادار استخراج نمود. روش معمول برای تعیین ارزش جاری، تعیین متوسط بالاترین و پایین‌ترین قیمت اوراق بهادار معامله شده در تاریخ ترازنامه می‌باشد و اگر در آخرین روز دوره مالی معامله‌ای انجام نشده باشد، متوسط قیمت اوراق بهادار در آخرین معامله می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

برای تعیین ارزش جاری اوراق بهاداری که در بورس اوراق بهادار مورد معامله قرار نمی‌گیرند، می‌توان قیمت اوراق بهادار را از مؤسساتی که در خرید و فروش این اوراق بهادار مشغول فعالیت هستند استعلام کرد و یا در صورتی که آخرین صورتهای مالی شرکت‌هایی که در سهام آنها سرمایه‌گذاری شده در اختیار باشند می‌توان با استفاده از

ارزش ویژه و تقسیم آن بر تعداد سهام، ارزش هر سهم را محاسبه کرد. با این حال در ایران به دلیل عدم وجود چنین شرایطی، حسابرسان از مدیران تأییدیه‌ای مبنی بر اینکه ارزش این اوراق در تاریخ ترازنامه کمتر از ارزشی که در صورتهای مالی منعکس شده است نمی باشد، دریافت می‌کنند. با این حال نوسانات موقتی در ارزش جاری اوراق بهاداری که جهت نگهدای برای مدت نامحدود خریداری شده اند نباید در ارزیابی آنها در تاریخ ترازنامه تأثیری داشته باشد.

آزمون انقطاع زمانی اوراق بهادار. (برای تایید اعتبار و کامل بودن) گاهی ممکن است اوراق بهادار قبل از تاریخ ترازنامه فروخته شوند ولی بعد از تاریخ ترازنامه به خریدار تحویل و ثبت‌های حسابداری نیز بعد از تاریخ ترازنامه در دفاتر صورت گیرد. در صورتی که معاملات انجام شده اوراق بهادار در بعد از تاریخ ترازنامه مورد رسیدگی قرار نگیرند، این گونه اشتباهات پوشیده خواهند ماند، مگر این که حسابرس معاملات بعداز تاریخ ترازنامه را مورد رسیدگی قرار داده و مدارک و مستندات آنها را با تاریخ انجام معاملات و تسویه مبالغ فروش مقایسه کند. این بررسی می‌تواند از طریق مطابقت نتایج شمارش اوراق بهادار که از بعد از تاریخ ترازنامه انجام می‌شود با مانده حساب دفاتر تکمیل گردد. بطور کلی برای اطمینان از تفکیک مناسب و کامل معاملات اوراق بهادار مربوط به تاریخ‌های نزدیک ترازنامه، حسابرس می‌بایست معاملات انجام شده درخلال دو یا سه هفته بعد و قبل از تاریخ ترازنامه را مورد بررسی قرار دهند.

ارزیابی روشهای حسابداری اوراق بهادار. (برای تایید ارزشیابی و نحوه ارائه و افشاء) برای اطمینان از اینکه صاحبکار روش حسابداری مناسبی برای سرمایه‌گذاری در سهام عادی شرکت سرمایه‌پذیر به کار برده است، باید از مدیریت در مورد میزان نفوذ در شرکت سرمایه‌پذیر سؤال گردد. اگر حسابرس به این نتیجه برسد که **روش حسابداری ارزش ویژه** برای حسابداری سرمایه‌گذاری صاحبکار در شرکت سرمایه‌پذیر مناسب است، می‌بایست برای اثبات صحت اقلام ثبت شده در دفاتر صاحبکار صورتهای مالی

حسابرسی شده شرکت سرمایه‌پذیر را مورد رسیدگی قرار دهد. انجمن حسابداران رسمی امریکا، اعمال روش ارزش ویژه را برای حسابداری سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فرعی را که با شرکت مادر (اصلی) تلفیق نمی‌شوند و میزان سرمایه‌گذاری کمتر از ۵۰ درصد سهام دارای حق رأی شرکت سرمایه‌پذیر باشد، الزامی نموده است. تشخیص توانایی اعمال نفوذ شرکت سرمایه‌گذار در شرکت سرمایه‌پذیر همیشه قابل اثبات نیست ولی داشتن ۲۰ درصد سهام دارای حق رأی معیاری برای اعمال نفوذ است مگر آن که خلافش ثابت شود.

بطور کلی برای تعیین اینکه حساب سرمایه‌گذاری، منعکس کننده حقوق شرکت سرمایه‌گذار از خالص داراییهای شرکت سرمایه‌پذیر (ارزش ویژه) در تاریخ ترکیب است، صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت سرمایه‌پذیر در تاریخ ترکیب تجاری و بعد از ترکیب تجاری باید مورد بررسی قرار گیرد.

حسابرسان به دو دلیل می‌بایست معاملات با شرکت‌های سرمایه‌پذیر را حسابرسی نمایند:

۱) آنها شامل معاملات اشخاص وابسته می‌باشند و ممکن است شکل و محتوای این معاملات با یکدیگر متفاوت باشند. برای مثال پیش‌پرداخت به یک سهامدار اصلی ممکن است به عنوان یک وام محسوب گردد (شکل قانونی) در حالی که در حقیقت این مورد یک سود سهام می‌باشد (محتوای اقتصادی)، زیرا هم شرکت سهامی و هم سهامدار انتظار ندارند این پیش‌پرداخت برگشت داده شود. هنگامی که شکل قانونی و محتوای اقتصادی معاملات متفاوت هستند، ممکن است به قضاوت حسابرس یا افشاهای خاصی نیاز باشد.

۲) معاملات درون گروهی که در اواخر سال اتفاق می‌افتد، باید برای حصول اطمینان نسبت به اینکه هر دو طرف معامله ثبت شده‌اند، با دقت بررسی شوند. فقدان تعادل حسابداری می‌تواند داراییها، بدهی‌ها یا سود را تحریف کند.

از مباحث مهم **در ارائه و افشای سرمایه‌گذاری‌ها در اوراق بهادار**، نحوه طبقه‌بندی آنها در ترازنامه می باشد. حسابرسان برای تصمیم‌گیری نسبت به طبقه‌بندی اوراق بهادار به عنوان دارایی جاری یا غیرجاری، می‌بایست قابلیت فروش اوراق بهادار و قصد مدیریت برای نگهداری آنها را در نظر بگیرند. برای اینکه این اوراق به عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی شوند، باید هر دو شرط را داشته باشند، در غیر اینصورت به عنوان سرمایه‌گذاری بلندمدت تحت سرفصل داراییهای غیرجاری ارائه خواهند شد. از جمله مواردی که در ارائه مطلوب اقلام سرمایه‌گذاری در ترازنامه می‌بایست مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

۱) روش ارزشیابی اوراق بهادار و یکنواختی آن با دوره‌های قبل باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء گردند.

۲) میزان سرمایه‌گذاری و درصد مالکیت سهام در شرکت‌های فرعی باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء شوند.

۳) هر گونه وثیقه‌گذاری اوراق بهادار و بوسیله آن تضمین قراردادها باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء گردند.

۴) ارزش بازار و هر گونه کاهش با اهمیت در ارزش بازار سرمایه‌گذاری‌ها در بعد از تاریخ ترازنامه باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشاء گردند.

۵) سرمایه‌گذاری‌ها باید به طور صحیح به عنوان اوراق بهادار معاملاتی، نگهداری تا سررسید و آماده برای فروش طبقه‌بندی شوند. اوراق بهادار معاملاتی (اوراق بهادار قابل داد و ستد) و آماده برای فروش به ارزش بازار گزارش و سود و زیان تحقق نیافته آنها باید به ترتیب در صورت سود و زیان و بخش حقوق صاحبان سهام ترازنامه منعکس شوند و اوراق بهادار نگهداری تا سررسید باید به بهای تمام شده گزارش گردند.

۶) هر گونه زیان قابل توجه و دایمی در ارزش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت باید تشخیص و در صورتهای مالی نشان داده شوند.

۷) برای کاهش ارزش سرمایه گذاری‌ها از حساب ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری استفاده و مانده این حساب از حساب سرمایه‌گذاری در ترازنامه کسر گردد.

۸) جزئیات مربوط به معاملات اشخاص وابسته باید در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی به وضوح افشا شود.

بدهی‌های بلندمدت

بدهی‌هایی که در تعریف بدهی‌های جاری قرار نگیرند به عنوان بدهی‌های غیرجاری تلقی می‌شوند. انواع بدهی‌های غیرجاری عبارتند از:

- حسابها و اسناد پرداختنی تجاری بلندمدت
- حسابها و اسناد پرداختنی غیرتجاری بلندمدت
- اوارق قرضه بلندمدت
- ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان.

اگر صاحبکار مبالغ عمده‌ای استقراض داشته باشد، حسابرس باید در مورد نقض قراردادهای محدود کننده یا قصور در پرداخت بهره و اصل وام، هوشیار باشد. قصور در اجرای شرایط قرار داد وام، باعث نکول وام شده و اغلب باعث می‌شود کل مبلغ وام، همراه با بهره‌های معوق، فوراً به سررسید برسند. این عمل ممکن است در توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت، تردید ایجاد کند. حسابرسان می‌بایست تمام قراردادهای وام را با دقت مطالعه نموده و بخش‌هایی که مربوط به محدودیت‌های سرمایه در گردش، جریان‌های نقدی، سود انباشته، نگهداری وثیقه، جدول زمانی پرداخت اقساط و هر گونه شروطی که مربوط به احتمال نکول وام می‌باشد را استخراج نمایند.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱- روشهای برآورد خطر بدهی‌های بلندمدت

رویه‌های مهم کنترل بدهی‌های بلندمدت را می‌توان در بخش‌های زیر خلاصه نمود:

۱- **مجوز لازم برای صدور یا انتشار اسناد جدید.** مسئولیت انتشار اسناد جدید بر عهده هیأت مدیره یا مقام ارشد مدیریت شرکت می‌باشد. مجوز هیأت مدیره با توجه به بررسی و تصویب موارد زیر صادر می‌گردد: انتخاب بانک، نوع وثیقه، انتخاب امین، ثبت اوراق نزد کمیسیون بورس و اوراق بهادار، توافق با بانک‌های سرمایه‌گذاری، رعایت اساسنامه شرکت و پذیرش آن اوراق در بورس اوراق بهادار. هنگام تمدید اسناد پرداختنی مسئله مهم این است که این اقدام تحت روش‌های مجاز یا رسمی انجام شود، درست همان روشی که اسناد جدید منتشر یا صادر می‌شوند.

۲- **اعمال کنترلهای مناسب بر باز پرداخت اصل و بهره وام.**

پرداختهای بهره در دوره‌های مشخص زمانی و اصل وام باید به عنوان بخشی از چرخه خرید و پرداخت تحت کنترل باشد. هنگام صدور سند، واحد حسابداری باید نسخه‌ای از آن را دریافت نماید.

۳- **وجود ثبت‌ها، دفاتر و اسناد مناسب.** شامل دفاتر معین بوده و می‌بایست بر سفته سفید یا سند پرداختنی هم کنترلهایی اعمال گردد، اسناد پرداخت شده را باید باطل کرد و تحت نظارت یک مقام مسئول نگهداری نمود.

۴- **بازرسی رویدادهای مالی بوسیله شخص مستقل در دوره‌های زمانی مشخص.**

باید هر چند وقت یکبار در دوره‌های مشخص زمانی جزئیات ثبت سند اسناد و دفاتر با دفتر کل را با ثبت‌هایی که شخص مسئول نگهداری دفاتر انجام می‌دهد، مقایسه کرد. از طرف دیگر، یک شخص مستقل باید هزینه بهره اسناد را محاسبه کند و بدین گونه صحت و درستی سند و دفاتر مورد آزمون قرار گیرد.

۵- استفاده از شخص امین مستقل[1]. شرکتی که به اندازه لازم بزرگ باشد تا بتواند اوراق بهادار منتشر کند و بازار خوب و آماده‌ای برای فروش آن داشته باشد حتماً از خدمات یک بانک به عنوان امین مستقل نیز استفاده می‌کند.

از جمله وظایف امین مستقل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حفاظت از منافع اعتباردهندگان بصورت بررسی رعایت مفاد قرار داد انتشار اوراق بهادار توسط شرکت
- تهیه و تنظیم مدارک تفضیلی مربوط به مشخصات و آدرس صاحبان اوراق بهادار
- اجرای روش‌های لازم برای جلوگیری از انتشار بیش از اندازه اوراق بهادار توسط شرکت.
- توزیع بهره اوراق بهادار و پرداخت اصل اوراق بهادار درسر رسید آن.

بطور کلی برای اینکه امین مستقل به داراییها یا مدارک حسابداری شرکت صادر کننده اوراق بهادار دسترسی ندارد و این واقعیت که امین مزبور یک مؤسسه مالی اعتباری بزرگ با مسئولیت قانونی نسبت به اعمال خود است، سبب تقویت سیستم کنترل داخلی می‌شود.

۲-آزمون کنترلهای بدهی‌های بلند مدت

- بررسی مجوزهای هیات مدیره نسبت به ایجاد اوراق بهادار.
- بررسی گزارشهای مربوط به شخص امین مستقل شرکت درصورت وجود.
- بررسی مفاد قراردادهای بلندمدت و بررسی رعایت شدن یا نشدن مفاد آن از لحاظ ایجاد وجوه استهلاکی، تامین پوشش بیمه ای برای اموال گر و گذارده

---

۱) Inependent Trustec

شده و حفظ نسبت های مالی در سطح معین و ممنوعیت استقراض بلند مدت جدید.

- ردیابی مجوز انتشار بدهیهای بلند مدت به صورتجلسات هیات مدیره و مفاد اساسنامه .
- مشاهده گزارش وکیل حقوقی صاحبکار درباره قانونی بودن انتشار اوراق بهادار.
- مطابقت تاریخ سررسید تعدادی از اوراق بهادار با تاریخ پرداخت وجوه نقد برای اطمینان از نبود مشکلات مالی جدی در شرکت از بابت عدم پرداخت به موقع اسناد

۳- آزمون‌های محتوا

الف) آزمون کلیات بدهیهای بلند مدت

برای تعیین معقول بودن کلی بدهی‌های بهره‌دار و هزینه بهره آنها می‌توان از روش‌های تحلیلی (برای تایید اعتبار، کامل بودن و ارزشیابی) زیر استفاده کرد:

۱- محاسبه مجدد هزینه بهره بر مبنای میانگین نرخ بهره و کل سندهای پرداختنی مربوط به هرماه

۲- محاسبه نسبت هزینه بهره به اصل مبالغ بدهی و مقایسه آن با نرخ بهره سال‌های قبل و نرخ بهره بازار برای کشف تحریف هزینه بهره، بهره تعلق گرفته و پرداخت نشده یا حذف یک سند پرداختنی منتشر شده.

۳- مقایسه اسناد پرداختنی منتشر شده با اسناد سال قبل

۴- مقایسه مبلغ بدهی‌های بهره‌دار سال‌جاری با سال قبل برای کشف حذف یا تحریف سند پرداختنی

۵- مقایسه هزینه بهره سال جاری با سال قبل برای کشف بدهی‌های ثبت نشده.

۶- محاسبه نسبت بهره پرداختنی به اصل مبالغ بدهی و مقایسه آن با سال قبل

۷- مقایسه استهلاک صرف و کسر سال جاری با سال قبل برای کشف هزینه بهره و بدهی‌های ثبت نشده.

۸- مقایسه کل مانده اسناد پرداختنی، هزینه بهره، بهره تعلق گرفته و پرداخت نشده با مانده‌های سال قبل برای کشف تحریف هزینه بهره و بهره تعلق گرفته و پرداخت نشده یا اسناد پرداختنی.

حسابرسان می توانند بهره اسمی اوراق بهادار را با استفاده از مبالغ اسمی و نرخ بهره اسمی، استهلاک صرف و کسر، بهره پرداختنی و هزینه بهره را برحسب روش خط مستقیم یا نرخ بهره مؤثر برای استهلاک صرف و کسر اوراق بهادار را آزمون کنند. هزینه بهره سالانه خود بیانگر بهره پرداختنی و استهلاک صرف و کسر بوده و در کل مانده بدهی‌های تسویه نشده را نشان می‌دهد که می‌تواند در کشف بدهی‌های ثبت نشده بهره‌دار مؤثر باشد.

ب) آزمون جزئیات بدهیهای بلند مدت

در ابتدای حسابرسی، برای شروع آزمون‌های محتوای بدهی‌های بلندمدت، دریافت یک **صورت تجزیه و تحلیل حسابهای بدهی‌های بهره‌دار**، بهره و صرف یا کسر اوراق بهادار از صاحبکار یک امر ضروری می‌باشد. این صورت تجزیه و تحلیل هر گونه مانده‌های اول دوره، اسناد پرداختنی صادر شده طی دوره، اسناد پرداخت شده طی دوره و مانده اسناد پرداختنی پایان دوره را نشان می‌دهد. این اطلاعات در یک کاربرگ جداگانه تحت عنوان کاربرگ تجزیه و تحلیل آورده می‌شوند که علاوه بر این اطلاعات، موارد زیر را نیز می‌توان به آن اضافه کرد: مانده بهره پرداختنی و پیش‌پرداخت بهره اول دوره، هزینه بهره طی سال، بهره پرداخت شده و مانده بهره

پرداختنی و پیش‌پرداخت بهره آخر دوره. بعد از اخذ این اطلاعات از صاحبکار، حسابرس باید آنها را با ثبت‌های دفاتر کل و معین مربوطه مطابقت نماید.

دریافت تأییدیه. (برای تایید اعتبار و کامل بودن) مدارک پشتوانه اسناد پرداختنی باید توسط حسابرس مورد رسیدگی قرار گیرند، هر چند نسخه اصلی اسناد پرداختنی نزد اعتبار دهنده نگهداری می‌شود، با این حال یک نسخه از آنها می‌بایست توسط صاحبکار نگهداری شود. برای بدهی‌های بهره‌دار از اعتباردهندگان یا اشخاص ثالث دیگر باید تأییدیه دریافت گردد. این تأییدیه می‌تواند به شکل **تاییدیه استاندارد** از بانک و یا از سایر اعتباردهندگان باشد. در ارسال تأییدیه استاندارد برای بانک‌ها، باید تأییدیه به تمامی بانک‌هایی ارسال گردد که شرکت صاحبکار در طول سال مالی نزد آنها حساب بانکی داشته است حتی اگر در تاریخ تأییدیه‌گیری مانده حساب بانکی نزد آنها صفر باشد زیرا ممکن است حساب بانکی بسته شود ولی اسناد پرداختنی نزد بانک تا مدت‌ها بعد از آن هنوز پرداخت نگردد. در این نامه تاییدیه باید اطلاعاتی در خصوص تاریخ صدور، تاریخ سررسید، مانده پرداخت نشده اسناد، نرخ بهره، آخرین تاریخ پرداخت بهره و وثیقه اسناد، از اعتباردهنده درخواست گردد و این اطلاعات دریافتی باید با مدارک حسابداری صاحبکار و کاربرگهای حسابرسی مطابقت داده شوند.

سندرسی مدارک پشتوانه. (برای تایید اعتبار) حسابرس برای اثبات اعتبار معاملات استقراضی باید هر گونه وجه نقد حاصل از صدور اسناد پرداختنی، اوراق بهادار یا تحصیل وام رهنی را به نسخه تأیید شده واریز وجوه به بانک و صورتحساب بانک ردیابی کنند و همچنین می‌بایست قرارداد وام رهنی، قرارداد تضمین فروش اوراق بهادار و آگهی انتشار اوراق بهادار را که به کمیسیون بورس و اوراق بهادار ارائه می‌شوند را نیز بررسی نماید. برای اطمینان از اعتبار باز پرداخت این بدهی‌ها باید نسخه اصل اسناد پرداخت شده با اقلام بدهکار حساب اسناد پرداختنی که معرف پرداخت کامل یا بخشی از بدهی می‌باشد، مقایسه گردد، تاریخ سررسید اسناد با تاریخ پرداخت وجوه نقد

مطابقت داده شود و پرداختهای اقساطی نیز، باید با مراجعه به جدول زمانبندی پرداخت مندرج در اسناد پرداختنی یا قرار داد وام رهنی مورد بررسی قرار گیرند

حسابرس برای اطمینان از **نحوه ارائه و افشاء** بدهی‌های بلندمدت بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری می‌بایست موارد زیررا مورد توجه قرار دهد:

۱- افشاء مفاد قراردادهای انتشار اوراق بهادار در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی و بررسی رعایت مفاد قرارداد توسط حسابرس.

۲- بررسی مجوز انتشار بدهی‌های بهره‌دار و ردیابی آنها به صورتحساب هیأت مدیره.

۳- بررسی اسناد پرداختنی تسویه یا تمدید شده بعد از تاریخ ترازنامه (هر گونه تمدید اسناد پرداختنی سررسید شده برای زمان‌های بعدی ممکن است نیاز به تجدید طبقه‌بندی داشته باشد)

۴- جستجو برای یافتن معاملات با اشخاص وابسته

و بطور کلی برای بدهی‌های بلندمدت

- هر گونه اسناد پرداختنی به اشخاص وابسته باید بطور جداگانه در ترازنامه ارائه شود.
- بدهی‌های با وثیقه و داراییهای گرو گذارده شده باید به همدیگر عطف متقابل داده شوند و در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی افشا گردند.
- حصه جاری بدهی‌های بلندمدت باید در طبقه بدهی‌های جاری گزارش گردند.
- افشاء هر گونه محدودیت اعمال شده از طرف اعتباردهندگان در یادداشت‌های توضیحی

حقوق صاحبان سرمایه

حسابرسان برای رسیدگی به حسابهای حقوق صاحبان سرمایه می‌بایست شناخت کافی از قوانین بورس اوراق بهادار و مقررات و آیین‌نامه‌های آن و قوانین مالی و تجاری داشته باشند. حجم رسیدگی به حسابهای حقوق صاحبان سرمایه، بیشتر بستگی به نوع شرکت مورد رسیدگی دارد. در شرکت‌های سهامی خاص طی سال مالی در حسابهای صاحبان سرمایه، به دلیل محدود بودن تعداد سهامداران، رویدادهای مالی اندکی ثبت می‌گردد و تنها تغییرات آن شامل تغییر در سود و زیان خالص سالانه و اعلام سود تقسیمی می‌باشد برای این منظور رسیدگی به بخش حقوق صاحبان سرمایه یک شرکت سهامی خاص نیاز به وقت بسیار کمی دارد. در حالی که در شرکت‌های سهامی عام، رسیدگی به حقوق صاحبان سرمایه کمی پیچیده می‌باشد، به این دلیل که تعداد سهامداران و تغییرات در سهام آنها زیاد می‌باشد.

بنابراین حسابرس می‌بایست حسابهایی همچون سهام عادی، صرف سهام، سود انباشته و سود تقسیمی را مورد رسیدگی قرار دهد. در حسابرسی اولیه از یک شرکت صاحبکار جدید، مطالعه و بررسی شرکت‌نامه و اساسنامه شرکت و تجزیه و تحلیل حسابهای سهام سرمایه در شروع حسابرسی یک امر ضروری می‌باشد، ولی در حسابرسی‌های بعدی، معمولاً برای رسیدگی به حسابهای حقوق صاحبان سرمایه پیش از پایان سال مالی، امکان زیادی وجود ندارد. به طور کلی برای اینکه در طول سال مالی تغییرات به نسبت اندکی در حسابهای حقوق صاحبان سرمایه صورت می‌گیرد، **معمولاً حسابرسان رسیدگی به این حسابها را تماماً بعد از پایان سال مالی انجام می‌دهند.**

روشهای کسب شواهد حسابرسی

۱-روشهای برآورد خطر حقوق صاحبان سرمایه

۱- **وجود مجوزهای لازم در مورد رویدادهای مالی.** رویدادهای مالی که نیاز به مجوز خاص می‌باشند عبارتند از: تعیین نوع سهم (عادی یا ممتاز)، تعداد سهام، ارزش

اسمی سهام، شرایط ویژه هر سهم (امتیازات) و تاریخ انتشار سهام، در زمان انتشار سهام و باز خرید سهام عادی یا ممتاز، تعیین زمان بازخرید و مبلغ پرداختنی در ازای هر سهم در زمان بازخرید سهام. افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی موکول به انجام تشریفات خاص است که بدون انجام تشریفات فوق و ثبت افزایش سرمایه عملاً افزایش سرمایه را نمی‌توان در دفاتر ثبت نمود، بلکه مبالغ دریافتی بابت افزایش سرمایه به حساب سپرده مخصوص واگذار می‌گردد و واریزکنندگان این مبالغ (طبق ضوابط قانونی و اساسنامه) تا ثبت افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت‌ها به عنوان بستانکاران موقتی تلقی خواهند شد. افزایش و یاکاهش سرمایه منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام می‌باشد و فقط در موراد خاص که مجمع به هیأت مدیره تفویض اختیار کرده باشد، هیأت مدیره مجاز به اقدام برای افزایش سرمایه است. همچنین براساس قانون تجارت، برگه سهام شرکت می‌بایست به امضاء دو نفرکه به موجب مقررات اساسنامه تعیین شده باشند برسد و علاوه بر این نقل و انتقال سهام الزاماً باید در دفتر سهام شرکت به ثبت برسد.

۲- **ثبت رویدادهای مالی و تفکیک وظایف.** استفاده از روش‌های مناسب برای ثبت و نگهداری دفاتر برای اطمینان از موارد زیر ضروری می‌باشد: اطمینان از اینکه در دفاتر شرکت نام مالک واقعی سهام نوشته شده باشد، سود تقسیمی به افرادی پرداخت شود که در تاریخ اعلام و ثبت سود تقسیمی مالک سهام بوده‌اند و جلوگیری از هر گونه سوء استفاده از داراییها، رعایت قوانین و مقررات دولتی در مورد شرکت‌ها و الزامات گنجانده شده در اساسنامه شرکت‌ها. به طور کلی روش‌های جلوگیری از تحریف در بخش حقوق صاحبان سهام عبارتند از:

- وجود سیاست‌های بسیار روشن برای صدور برگ سهام و ثبت رویدادهای مالی مربوط به بخش حقوق صاحبان سهام.

- بازبینی و اثبات اطلاعات موجود در این دفاتر به وسیله یک سیستم مستقل داخلی

معمولاً اعمال کنترل بر سهام با نگهداری دو دسته سند انجام می گیرد:

الف) دفتر ثبت سهام[۱]: این دفتر دارای اطلاعاتی درباره انتشار و بازخرید سهام در طول عمر شرکت بوده و برای سهام منتشر شده، شماره برگ سهام، تعداد سهام، نام صاحب سهم و تاریخ انتشار و برای سهام بازخرید شده، ابطال سهام و تاریخ ابطال سهام را نشان می‌دهد.

ب) پرونده اصلی سهام: این دفتر دارای اطلاعاتی درباره تعداد سهام منتشر شده در دست مردم، درهر زمان بوده و به عنوان عاملی برای کنترل صحت ثبت دفتر سهام و مانده حساب سهام در دفترکل و پرداخت سود تقسیمی مورد استفاده قرار می گیرد.

۳- استفاده از نماینده مستقل ثبت سهام[۲] **و کارگزار انتقال سهام**[۳]. هر شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار می‌بایست دارای نماینده مستقل ثبت سهام باشد. مسئولیت اولیه مسئول ثبت سهام، جلوگیری از انتشار بیش از حد سهام بوده و مانع از کلاهبرداری یا تحریف در انشار برگ سهام می‌شود. از جمله مسئولیت‌های نماینده مستقل ثبت سهام می‌توان به موارد فوق اشاره کرد: تأمین اطمینان نسبت به اینکه سهام طبق اساسنامه و مجوز هیأت مدیره منتشر و باطل شده.

بعضی از شرکت‌ها از خدمات یک کارگزار انتقال سهام نیز استفاده می کنند که از جمله وظایف آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نگهداری دفاتر نقل و انتقال مالکیت سهام،

---

۱) Stockholders ledger
۲) Stock registar
۳) Stock transfar Agent

پرداخت سود تقسیمی نقدی به سهامداران و نگهداری اطلاعات تفصیلی مربوط به نام و آدرس هریک از سهامداران.

حسابرس ضمن مطالعه سیستم کنترل داخلی شرکت صاحبکار، مصوبات مجامع عمومی و هیأت مدیره، می‌بایست از موارد زیر نیز اطمینان حاصل کند:

- در صورتیکه شرکتی سود قابل تقسیم داشته باشد، حداقل ۱۰٪ از سود ویژه سال می‌بایست بین صاحبان سهام تقسیم شود.
- سود سهام سهامداران حداکثر ظرف مدت ۸ ماه از تاریخ تصویب می‌بایست وجه آن پرداخت شود.
- تقسیم هر گونه اندوخته صرفاً با اتکاء مصوبه مجمع عمومی صاحبان سهام مقدور است، علاوه بر این تقسیم اندوخته قانونی ممنوع می‌باشد.
- تا زمانی که اندوخته قانونی شرکت به ۱۰٪ سرمایه نرسیده، از سود خالص هر سال پس از کسر زیان‌های سالهای قبل، ۵٪ به عنوان اندوخته قانونی منظور گردد.

۲- آزمون کنترلهای حقوق صاحبان سرمایه

- بررسی وجود مجوز هیات مدیره برای معاملاتی همچون تعداد سهام قابل انتشار، قیمت هر سهم و شرایط فروش اقساطی.
- بررسی گزارش ماهانه نماینده مستقل ثبت سهام و کارگزار انتقال سهام نسبت به گواهینامه های سهام و اطلاعات تفصیلی سهامداران و انتقال مالکیت سهام.
- مطابقت اطلاعات مربوط به سهام در اساسنامه، شرکتنامه وصورتجلسات هیات مدیره مانند: تعداد سهام، قیمت سهام، تقسیم سهام و اختیار خریدهای سهام.
- مشاهده گواهی نامه های باطل شده و نحوه نگهداری از آنها برای اطمینان ازعدم امکان استفاده مجدد آنها.

- مطابقت دفتر کل، دفتر ثبت سهام و دفتر گواهینامه سهام برای اطمینان از تعداد سهام در دست مردم.
- مطابقت تاریخها و مبالغ تخصیص ها از محل سود وزیان انباشته با مصوبات هیات مدیره.

۳- آزمون‌های محتوای حقوق صاحبان سرمایه (آزمون جزئیات)

برای شناخت تاریخچه کاملی از سرمایه شرکت، حسابرس باید **صورت تجزیه تحلیل حسابهای سهام سرمایه** را از صاحبکار دریافت کند. این تجزیه و تحلیل شامل ارزیابی ماهیت تمام تغییرات رخ داده و سندرسی اسناد و مدارک آن تغییرات می‌باشد. در حسابرسی نخستین، حسابرسان باید نسخه‌ای از اساسنامه، شرکتنامه و صورتجلسات هیأت مدیره و مجامع را برای ضبط در پرونده دایمی دریافت و آنها را به دقت مطالعه نمایند. اطلاعات مورد نیاز حسابرسان برای هر نوبت انتشار سهام شامل تعداد سهام تصویب و صادر شده، قیمت اسمی هر سهم، نرخ سود سهام، شرایط مطالبه تعهد صاحبان سهام، شرایط تبدیل سهام، تقسیم سهام و اختیار خریدهای سهام می‌باشد.

سندرسی مدارک پشتوانه سهام سرمایه. (برای تایید اعتبار و ارزشیابی) برای اینکه اکثر معاملات حقوق صاحبان سهام، نیاز به مصوبه هیأت مدیره دارد، حسابرس می‌بایست در مورد مجوز معاملاتی مانند باز خرید یا ابطال سهام، سود سهام و اختیار خرید سهام، صورتجلسات هیأت مدیره را رسیدگی نمایند. سندرسی معاملات مربوط به سهام سرمایه برای اطمینان از وجود مجوز صحیح می‌باشد. مدارک موجود برای سندرسی شامل موارد زیر می‌باشد: ثبت‌های دریافت وجوه نقد و رسید ارسال وجوه نقد به بانک، صدور سهام، استفاده از اختیار خرید سهام، فروش سهام خزانه، سوابق پرداخت وجوه نقد و چک‌های پرداخت شده برای باز خرید سهام و سود سهام. اظهارنامه ثبت اوراق نزد بورس اوراق بهادار و قراردادهای منعقد شده با ضامن فروش آنها می‌تواند به عنوان

شواهدی برای مبالغ دریافتی بابت انتشار سهام مورد استفاده قرار گیرد. این اطلاعات می‌بایست با **دفترکل، دفتر ثبت سهام** و **دفتر گواهینامه سهام** مطابقت داده شوند.

دریافت تأییدیه. (برای تایید اعتبار و کامل بودن) حسابرس برای بازبینی و اثبات مانده پایان دوره حساب سهام سرمایه در ابتدا می‌کوشد تعداد سهام منتشر شده و در دست مردم را در تاریخ ترازنامه تعیین نماید. ساده‌ترین راه برای کسب چنین اطلاعاتی این است که از **نماینده مستقل ثبت سهام** یا **کارگزار انتقال سهام** یک تأییدیه گرفت. البته این اطلاعات دریافتی می‌بایست با مدارک صاحبکار (دفاتر کل و دفتر ثبت سهام، دفتر گواهینامه سهام) مطابقت داده شود. زمانی که نماینده مستقل ثبت سهام یا کارگزار انتقال سهام برای شرکت وجود نداشته باشد، حسابرس باید با مراجعه به **دفتر ثبت سهام** درصدد بررسی سهام، تعداد سهام منتشر شده و در دست مردم برآید و همه برگ‌های سهم باطل شده و برگ‌های سفید سهام را در محاسبات خود منظور نماید. بعد از اینکه حسابرس متقاعد شد که تعداد سهام منتشر شده و در دست مردم درست می‌باشد، باید با ضرب کردن تعداد سهام در ارزش اسمی آنها مبلغ ثبت شده از بابت ارزش اسمی سهام را مشخص نماید. حساب سهام سرمایه در دفترکل، مبلغ کل سهام در دست سهامداران را به اضافه سهام خزانه درصورت وجود را نشان می‌دهد. مدارک معین سهام سرمایه، حاوی کلیه گواهینامه‌های باطل شده و تمام ته سوش های گواهینامه‌های مربوط به سهام در دست سهامداران است. این سه مدرک یعنی **حساب کنترل در دفتر کل، دفتر ثبت سهام** و **دفتر گواهینامه سهام** را حسابرسان باید با یکدیگر مطابقت دهند تا تعداد سهام در دست سهامداران را تعیین کنند

حسابرسی از سود تقسیمی. (برای تایید اعتبار، کامل بودن و ارزشیابی) حسابرس با بررسی مصوبات هیأت مدیره برای وجود مجوز در مورد مبلغ سود تقسیمی هر سهم و تاریخ سود تقسیمی، می‌تواند وجود سود تقسیمی را اثبات کند و با مطابقت آن با دفاتر از ثبت دفتری آن نیز اطمینان حاصل کند. با محاسبه مجدد سود تقسیمی به مبنای تعداد

سهام منتشر شده و در دست مردم باید صحت سود تقسیمی اعلام شده را تأیید کرد. در صورتی که شرکت سودهای تقسیمی را از طریق کارگزار انتقال سهام پرداخت می کند، حسابرس می‌تواند نسبت به سود تقسیمی از وی تأییدیه گرفته و با مدارک صاحبکار مطابقت دهد.

همچنین حسابرس باید اطمینان کسب کند که سود به کسانی پرداخت شده است که در تاریخ ثبت سود تقسیمی سهامدار شرکت بودند. برای این منظور حسابرس می‌تواند نمونه‌ای از پرداخت‌های سود تقسیمی ثبت شده را انتخاب و نام دریافت‌کننده در چک‌های وصولی و ثبت‌های سود تقسیمی را کنترل کند.

حسابرسی از سود انباشته. . (برای تایید اعتبار، کامل بودن و ارزشیابی) رویدادهای مالی مربوط به سود انباشته شامل موارد زیر می‌باشند: سود خالص سال، سود تقسیمی اعلام شده، ثبت‌های اصلاحی مربوط به سود خالص سال قبل، ثبت اصلاحی دوره‌های قبل و تعیین یا حذف مبالغ تخصیص یافته از سود انباشته. برای اثبات عددی که از بابت سود خالص سال به حساب سود انباشته منظور شده است باید آن را به سود خالص در صورت سود و زیان ردیابی کرد. سود تقسیمی اعلام شده می‌بایست به صورتحساب هیأت مدیره ردیابی گردد، اختصاص مبلغی بابت وجوه استهلاکی اوراق قرضه باید به مفاد قرارداد اوراق قرضه ردیابی شود، کاهش سود انباشته بابت زبان برکناری یک دارایی یا خط تولیدی باید به مدارک مربوطه ردیابی شود.

حسابرس می‌بایست **نحوه ارائه و افشاء** رویدادهای مربوط به حقوق صاحبان سهام را نیز مورد بررسی قرار دهند. برای تعیین اطلاعاتی که باید درست ارائه و افشا شده باشند، دستورجلسه‌های هیأت مدیره و تجزیه و تحلیل حسابرس از رویدادهای مالی انجام شده در حساب سرمایه از مهم‌ترین منابعی هستند که در این مورد اطلاعات لازم ارائه می‌نمایند. از جمله موارد مهم در ارائه و افشاء حقوق صاحبان سهام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تمایز بین سرمایه پرداخت شده و سود انباشته (سرمایه تحصیل شده).
- افشاء چگونگی محاسبه و ارائه سود هر سهم.
- ارائه دوگانه در یک ساختار سرمایه پیچیده که شامل سود پایه هر سهم و سود تقلیل یافته هر سهم باشد.
- افشاء هر گونه محدودیت در پرداخت سود سهام.
- افشاء سود سهام معوق سهام ممتاز جمع‌شونده.
- افشاء جزئیات مربوط به طرح‌های خرید سهام و ارزش بازار اختیار خرید سهام در تاریخ اعطا.

خلاصه

دلایل اصلی سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، الف) سرمایه‌گذاری موقت وجوه نقد مازاد و ب) سرمایه گذاری بلندمدت به منظور افزایش درآمد می‌باشد. مفروضات اساسی در حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها شامل الف) طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها ب) ارزشیابی و اندازه‌گیری درآمد سرمایه‌گذار و ج) افشاء سرمایه گذاری‌ها می‌باشد. برای اینکه سهام و اوراق قرضه و سایر اوراق بهادار اغلب قابل انتقال می‌باشند، مسئله حفاظت و نگهداری آنها مانند حفاظت فیزیکی وجوه نقد و اسناد دریافتنی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و به خاطر ماهیت سیال آنها و برای جلوگیری از هر گونه جایگزینی‌های غیرمجاز، بهتر است حسابرسان آن را همزمان با حسابرسی وجه نقد و اسناد دریافتنی، رسیدگی نمایند. از جمله تقلبات و تخلفات رایج در بازار سرمایه عبارتند از: ۱) عدم ارائه اطلاعات و سوء استفاده از اطلاعات محرمانه توسط مدیران شرکت‌ها،۲) ارائه اطلاعات نادرست توسط شرکت‌ها،۳) معاملات صوری و۴) انتشار اخبار کذب. از جمله آزمون‌های محتوای اوراق بهادار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بازرسی اوراق بهادار موجود در شرکت، دریافت تأییدیه برای اوراق بهادار نزد دیگران، سندرسی معاملات اوراق بهادار، ارزشیابی اوراق بهادار، اجرای روش‌های تحلیلی اوراق بهادار، اجرای آزمون انقطاع زمانی و بررسی روش‌های حسابداری اوراق بهادار.

اگر صاحبکار مبالغ عمده‌ای استقراض داشته باشد، حسابرس باید در مورد نقص قراردادهای محدود کننده یا قصور در پرداخت بهره و اصل وام، هوشیار باشد. رویه‌های مهم کنترل بدهی‌های بلندمدت را می‌توان در بخش‌های زیر خلاصه نمود: صدور مجوز لازم برای صدور یا انتشار سهام جدید، اعمال کنترلهای مناسب بر بازپرداخت اصل و بهره وام، وجود ثبت‌ها، دفاتر و اسناد مناسب، استفاده از شخص امین مستقل. از مهمترین آزمون‌های محتوای بدهی‌های بلندمدت می‌توان به این موارد اشاره

کرد: دریافت تأییدیه، سندرسی مدارک پشتوانه، اجرای روش‌های تحلیلی. برای اینکه در طول سال مالی تغییرات به نسبت اندکی در حسابهای حقوق صاحبان سرمایه صورت می‌گیرد، معمولاً حسابرسان رسیدگی به این حسابها را تماماً بعد از پایان سال مالی انجام می‌دهند. یک سیستم کنترل داخلی حقوق صاحبان سرمایه می‌بایست دارای خصوصیات زیر باشد: وجود مجوز لازم در مورد رویدادهای مالی، ثبت رویدادهای مالی و تفکیک وظایف و استفاده از نماینده مستقل ثبت سهام و کارگزار انتقال سهام. آزمون‌های محتوای مهم حقوق صاحبان سرمایه عبارتند از: سندرسی مدارک پشتوانه سهام سرمایه، دریافت تأییدیه، حسابرسی از سود تقسیمی و سود انباشته.

سؤالهای تشریحی

۱- کنترلهای داخلی مربوط به اورق بهادار را بیان نمایید؟

۲- ریسک تقلب در اوراق بهادار را توضیح دهید؟

۳- بازرسی اوراق بهاردار، مستلزم چه اقداماتی می‌باشد؟

۴- روش‌های تعیین ارزش بازاری اوراق بهادار را بیان نمایید؟

۵- نحوه اجرای روش‌های تحلیلی برای اوارق بهادار را توضیح دهید؟

۶- نحوه اجرای آزمون انقطاع زمانی اوراق بهادار را توضیح دهید؟

۷- رویه‌های کنترل داخلی بدهی‌های بلندمدت را توضیح دهید؟

۸- آزمون کلیات مربوط به بدهی‌های بلند مدت را بیان کنید؟

۹- دلیل دریافت تأییدیه برای بدهی‌های با مانده صفر چیست، توضیح دهید؟

۱۰- رویه‌های کنترل داخلی مربوط به معاملات حقوق صاحبان سرمایه را توضیح دهید؟

۱۱- نحوه حسابرسی از سود تقسیمی و سود انباشته را توضیح دهید؟

پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۱- حسابرس در آزمون سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، معمولاً بررسی تحلیلی را برای اطمینان یافتن از منطقی بودن کدام مورد زیر بکار می‌گیرد؟

الف) کامل بودن ثبت درآمد سرمایه‌گذاری

ب) طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها به جاری و بلندمدت

ج) ارزشیابی اوراق بهادار قابل داد وستد.

د) وجود سود و زیانهای غیرعملیاتی تحقق‌نیافته مربوط به سرمایه‌گذاری

۲- در مواردی که حسابرس نمی‌تواند اوراق بهادار نگهداری شده صاحب کار در صندوق امانات بانک را تا بعد از تاریخ ترازنامه بازرسی و شمارش کند باید کدام مورد زیر را از بانک درخواست نمایند؟

الف) هرگونه اختلاف بین موجودی صندوق امانات و مانده طبق دفتر معین را مشخص کند.

ب) لیست موارد افزایش و کاهش اوراق بهادار موجود در صندوق امانات را بین تاریخ ترازنامه و تاریخ شمارش اوراق بهادار، تهیه و ارائه کند.

ج) تأییدیه‌ای حاکی از اینکه بین تاریخ ترازنامه و تاریخ شمارش اوراق بهادار، کسی به صندوق امانات دسترسی نداشته است، ارائه کند.

د) اوراق بهاردار را شمارش کند تا بدین ترتیب، حسابرس بتواند به یک بازبینی مستقیم و مستقل دست یابد.

۳- حسابرس برای اثبات وجود و مالکیت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در سهام نرخ گذاری شده باید اوراق بهادار مربوط را بازرسی یا کدام روش زیر را اجرا کند؟

الف) از ثبت سرمایه‌گذاری در دفاتر صاحبکار به اقل بهای تمام شده یا بازار مطمئن شود.

ب) درباره تعداد سهام متعلق به واحد مورد رسیدگی از مسئول مستقل نگهداری سهام تأییدیه اخذ کند.

ج) صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت سرمایه‌پذیر را بازرسی کند.

د) با شرکت سرمایه‌پذیر برای اثبات تعداد سهام متعلق به واحد مورد رسیدگی مکاتبه کند.

۴- حسابرس با درخواست تأییدیه از مسئول نگهداری اوراق بهادار به احتمال زیاد به دنبال گردآوری شواهد پشتوانه ادعای وجود یا رخداد کدام ادعای زیر است؟

الف) ارزیابی یا تخصیص ب) کامل بودن

ج) حقوق مالکانه و تعهدات د) ارائه و افشا

۵- حسابرس هنگام بازرسی و مشاهده عینی اوراق بهادار به منظور کدام مورد زیر باید نسبت به حضور نماینده واحد مورد رسیدگی اصرار ورزد؟

الف) کشف اوراق بهادار تقلبی

ب) پشتیبانی مجاز از رهنمودهای حسابرسی

ج) تأیید برگشت اوراق بهادار توسط حسابرس

د) هماهنگی برگردانیدن اوراق بهادار به محل‌های مربوط.

۶- کدام یک از موارد زیر می‌بایست همزمان با اوراق بهادار، مورد بازرسی و حسابرسی قرار گیرند؟

الف) وجه نقد- موجودی کالا ب) موجودی کالا- بدهی‌ها

ج) حسابهای دریافتنی- حسابهای پرداختنی د) حسابهای پرداختنی- موجودی کالا

۷- بازرسی کدام یک از موارد زیر، روش کم اثرتری می‌باشد؟

الف) وجه نقد ب) اوراق بهادار

ج) اسناد دریافتنی د) چک‌های دریافتنی

۸- کدام یک از آزمون‌های محتوای اوراق بهادار، برای کشف روابط غیرعادی می‌باشد؟

الف) سندرسی معاملات اوراق بهادار
ب) ارزشیابی اوراق بهادار
ج) آزمون انقطاع زمانی اوراق بهادار
د) اجرای روش‌های تحلیلی

۹- برای اطمینان از تفکیک مناسب و کامل اوراق بهادار مربوط به تاریخ‌های نزدیک ترازنامه، کدام یک از آزمون‌های زیر اجرا می گردد؟

الف) آزمایش میانبر
ب) اجرای روش‌های تحلیلی
ج) ارزشیابی اوراق بهادار
د) دریافت تأییدیه بانک

۱۰- اجرای آزمون انقطاع زمانی، به احتمال زیاد کدام یک از شواهد پشتوانه ادعای مدیریت نسبت به اوراق بهادار را بدست می‌دهد؟

الف) ارزشیابی- اعتبار
ب) کامل بودن- اعتبار
ج) کامل بودن- ازرشیابی
د) نحوه ارائه- ارزشیابی

۱۱- هدف از دریافت تأییدیه برای حسابهای بانکی بامانده حساب صفر چیست؟

الف) کسب اطلاعاتی نسبت به گردش آن در طول سال.

ب) کسب اطلاعاتی نسبت به مالک اصلی حساب بانکی.

ج) ممکن است حساب بانکی بسته شود ولی اسناد پرداختنی نزد بانک تا مدت‌ها بعد از آن هنوز پرداخت نگردد.

د) برای مستند کردن کاربرگ‌های حسابرسی

۱۲- برای اطمینان از اعتبار باز پرداخت بدهی‌های بهره‌دار کدام یک از موارد زیر انجام می‌شود؟

الف) مقایسه اصل اسناد پرداخت شده با اقلام بدهکار حساب اسناد پرداختنی.

ب) مطابقت تاریخ سررسید اسناد با تاریخ پرداخت وجوه مربوطه.

ج)دریافت تأییدیه بستانکاران انتخابی

د) همه موارد

۱۳- کدام یک از موارد زیر در کشف بدهی‌های بهره‌دار ثبت نشده مؤثر می‌باشد؟

الف) بررسی هزینه بهره ب) بررسی بهره پرداختی

ج) بررسی بهره پرداختنی د) بررسی استهلاک صرف و کسر اوراق قرضه

۱۴- فرایند رسیدگی به بخش حقوق صاحبان سرمایه کدام یک از شرکت‌ها زیر نیاز به وقت بسیار کمی دارد؟

الف) شرکت سهامی عام ب) شرکت سهامی خاص

ج) شرکت مختلط سهامی د) شرکت سهامی عام وخاص

۱۵- مطابقت کدام یک از موارد زیر با همدیگر، نشان دهنده تعداد سهام در دست سهامداران را تعیین می کند؟

الف) تأییدیه نماینده مستقل ثبت سهام با کارگزار انتقال سهام و پرونده اصلی سهام.

ب) دفتر کل با دفترثبت سهام و دفتر گواهینامه سهام.

ج) دفتر کل با تأییدیه نماینده مستقل ثبت سهام و پرونده اصلی سهام.

د) پرونده اصلی سهام با تأییدیه کارگزار سهام.

۱۶- کدام روش رسیدگی زیر، حسابرس را به احتمال بسیار زیاد در شناسایی معاملات با اشخاص وابسته یاری می‌رساند؟

الف) بازرسی مکاتبات با وکیل حقوقی شرکت برای کسب شواهدی در مورد بدهی-های احتمالی گزارش شده.

ب) سندرسی معاملات عادی ثبت شده در دفاتر حسابداری در چند روز پس از تاریخ ترازنامه.

ج) بررسی تاییدیه وامهای دریافتی و پرداختنی به منظور تعیین ضمانت‌ها .

د) اجرای بررسی تحلیلی برای تشخیص وجود مشکلات مالی صاحب کار.

۱۷- حسابرس در حسابرسی اوراق مشارکت به احتمال بسیار زیاد، کدام روش زیر را اجرا می کند؟

الف) اجرای بررسی تحلیلی در مورد حسابهای صرف و کسر اوراق مشارکت.

ب) رسیدگی اسناد و مدارک دارائیهای خریداری شده از محل اوراق مشارکت را به منظور تشخیص گرو بودن یا نبودن آن داراییها.

ج) کنترل معقولانه بودن مبلغ هزینه بهره از طریق مقایسه با اوراق مشارکت پرداختنی.

د) تأیید وجود تک تک دارندگان اوراق مشارکت در پایان سال.

۱۸- دریافت تأییدیه از کدام یک از موارد زیر کمترین مناسبت را دارد؟

الف) دارندگان اسناد پرداختنی

ب) دارندگان اسناد دریافتنی

ج) سهامداران عادی

د) امین مستقل ثبت سهام

۱۹- انجام شدن حسابرسی پیش از تاریخ ترازنامه در مورد کدام یک از مواد زیر بیش از همه امکان‌پذیر است؟

الف) سهام سرمایه

ب) بدهی‌های ثبت نشده

ج) حسابهای پرداختنی تجاری

د) ماشین‌آلات و تجهیزات

۲۰- کلیه معاملات مربوط به سهام سرمایه باید در نهایت به کدام مورد زیر ردیابی شود؟

الف) صورتحساب هیأت مدیره

ب) دفتر روزنامه دریافتهای نقدی

ج) دفتر روزنامه پرداختهای نقدی

د) گواهینامه‌های سهام از پیش شماره‌گذاری شده

۲۱- حسابرس در انجام خدمات بررسی صورتهای مالی شرکت‌های سهامی به احتمال بسیار زیاد، به کدام مورد زیر عمل می‌کند؟

الف) درخواست تأییدیه نمونه‌ای از مانده‌های عمده حسابهای دریافتنی

ب) پرسش درباره مصوبات هیأت مدیره

ج) کسب شناخت از سیستم کنترل داخلی

د) محدود کردن توزیع گزارش حسابداری حرفه‌ای

پرسش‌های تحلیلی

۱- موارد مقابل، پرسش‌های معمولی هستند که احتمالاً در پرسشنامه کنترلهای داخلی برای اوراق بهادار قابل داد و ستد مورد استفاده قرار می‌گیرند:

- آیا مسئولیت نگهداری اوراق بهادار قابل داد وستد بوسیله فردی است که به مدارک جزئی اوراق بهادار دسترسی ندارد؟
- آیا اوراق بهادار خریداری شده، به نام شرکت ثبت می‌شوند؟
- آیا فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، بوسیله کمیته سرمایه‌گذاری هیأت مدیره مورد بازبینی قرار می‌گیرند؟
- مطلوبست:

الف) هدف هر یک از کنترلهای بالا را بیان کنید.

ب) روش‌هایی را که بوسیله آن بتوان هریک از موارد بالا را آزمون کرد، توصیف کنید.

ج) فرض گردد که کارایی عملیاتی هریک از رویه‌های بالا ناکافی می‌باشد، بیان کنید که چگونه حسابرسان می‌توانند آزمون‌های محتوای خود را برای جبران سطح فزاینده ریسک کنترل، تغییر دهند.

۲- حسابرسان برای اولین بار به حسابرس شرکت ماهان دعوت به کار شدند. شرکت ماهان در مهرماه ۱۳۸۷ مبلغ ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جهت توسعه کارخانه از بانک وام گرفته است. براساس قرار داد وام، بعد از توسعه کارخانه، اصل وفرع وام باید در طول ۵ سال به اقساط مساوی باز پرداخت گردد. داراییهای ثابت شرکت در گرو بانک بابت ضمانت وام قرار دارند. مدیریت کارخانه متوجه شد که تا مدت نامعلومی قادر به توسعه کارخانه نیست و تصمیم گرفت از وجوه استقراضی برای خرید سهام و اوراق قرضه استفاده نماید. با فرض خرید اوراق بهادار توسط شرکت مطلوبست:

الف) حسابرس چگونه می‌تواند موجودیت اوراق بهادار و تعلق آنها را به شرکت ماهان در تاریخ ترازنامه اثبات کند؟

ب) حسابرس چه اقداماتی را برای موارد زیر می‌بایست انجام دهد؟

- تعیین قیمت بازار اوراق بهادار
- اطمینان از صحت سود سهام و درآمد بهره ثبت شده در دفاتر

۳- در صورتی که از حسابرس مستقل، ۲هفته بعد از ۸۷/۱۲/۲۹ برای حسابرسی صورتهای مالی شرکت نسیم دعوت به کار گردد و بدین ترتیب حسابرس مستقل نتواند در تاریخ ترازنامه و حتی۲ هفته بعد از آن در بازرسی اوراق بهادار حضور داشته باشد، حسابرس می‌بایست چه تغییراتی در برنامه حسابرسی اوراق بهادار اعمال کند؟

۴- با توجه به هریک از موارد زیر، در صورت رخداد آنها، حسابرس چه اقداماتی را در جهت حسابرسی آنها می‌بایست انجام دهد؟

- معاملات اشخاص وابسته در صورتهای مالی نسبت به اوراق بهادار
- معاملات اوراق بهادار در تاریخ‌های نزدیک به تاریخ ترازنامه
- خرید اوراق بهادار به مبلغ با اهمیت در طول سال مالی نسبت به اوراق بهادار

۵- حسابرس مستقل شرکت سحر، رسیدگی به حسابهای پرداختنی و دیگر بدهی‌ها را به گونه‌ای رضایت‌بخش تمام کرده و مشغول برنامه‌ریزی برای تشخیص بدهی‌های احتمالی ناشی از دعاوی حقوقی، ادعاها و آرای صادر شده دادگاه‌هاست. حسابرس مستقل، چه روش‌های حسابرس را باید در مورد وجود زیان‌های احتمالی ناشی از دعاوی حقوقی، ادعاها و آرای صادر شده دادگاه‌ها اجرا کند؟

۶- در طول حسابرسی از شرکت جاوید، حسابرس عضو تیم رسیدگی، چنین گزارش می‌دهد که گرچه تعداد زیادی اقلام در حساب اسناد پرداختنی به مدیران شرکت ثبت شده است، اما ایشان به دلیل صفر بودن مانده حساب مزبور، برای رسیدگی به این حساب ضرورتی نمی‌بینند. در رابطه با تصمیم حسابرس بحث کنید.

۷- حسابرس علاوه بر اثبات بدهی‌های ثبت شده شرکت باید این احتمال را نیز در نظر بگیرند که ممکن است بدهی‌هایی وجود داشته باشد که در دفاتر شرکت، ثبت نشده است. حسابرسان چه اقدامات بخصوصی را می‌توانند به عمل آورند تا مطمئن شوند کلیه بدهی‌های بهره‌دار صاحبکار، در دفاتر ثبت شده است؟